

گزارشگری برای تغییر
راهنمای روزنامه نگاران داخلی
در مناطق درگیر بحران

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح (IWPR)



گزارشگری برای تغییر راهنمای روزنامه‌نگاران داخلی در مناطق درگیر بحران

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح (IWPR)

ترجمه حسین قاضیان

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح (IWPR) از روزنامه‌نگاران داخلی در مناطق درگیر بحران و جنگ حمایت می‌کند.

برنامه‌های این مؤسسه شامل گزارشگری، آموزش و پروژه‌های ظرفیت‌سازی نهادی است. مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح شبکه‌ای از سازمان‌های غیرانتفاعی بین‌المللی است.

IWPR - Europe, 48 Gray's Inn Road, London WC1X 8LT

IWPR (US), 1616 H Street, Washington, DC20006

IWPR - Africa, P.O. Box 3317, Johannesburg 2121

www.iwpr.net

Editing and contributions: Colin Bickler, Anthony Borden, Yigal Chazan, Alan Davis, Stephen Jukes, John MacLeod, Andrew Stroehlein, Stacy Sullivan, John Vultee, John West. Layout and design: Kate Smith. Cover photo: Panos. Inside photos: IWPR.

2004 © Institute for War & Peace Reporting

ISBN Number: 1-902811-09-7

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح از وزارت توسعه بین‌المللی بریتانیا و دیگر کمک‌دهندگان مالی برای حمایت‌شان از انتشار این کتاب و دیگر برنامه‌های آموزشی و توسعه رسانه‌ای که از این رهگذر محقق شده‌اند تشکر می‌کند، از جمله، از:

مؤسسه توسعه بین‌المللی کانادا

صندوق تأمین اجتماعی / بلیت‌های بخت‌آزمایی بریتانیا

کمیسسیون اروپا - دفتر همکاری کمک‌های اروپایی

بنیاد فورد

دفتر کشورهای خارجی و مشترک‌المنافع بریتانیا

بنیاد مک‌آرتور

وزارت امور خارجه دانمارک

وزارت امور خارجه فنلاند

وزارت امور خارجه هلند

وزارت امور خارجه نروژ

مؤسسه جامعه باز

بنیاد سیگرید راوزینگ

مؤسسه توسعه بین‌المللی سوئد

مؤسسه توسعه بین‌المللی آمریکا

وزارت امور خارجه آمریکا



تقدیم به هزاران روزنامه‌نگار داخلی در سراسر جهان،
روزنامه‌نگارانی که در وضعیتی دشوار و اغلب پر مخاطره کار می‌کنند
تا آزادانه از خطوط مقدم بحران و دگرگونی گزارش تهیه کنند

فهرست

مقدمه

- ۱- چرا روزنامه‌نگاری؟
- ۲- معیارهای بین‌المللی
- ۳- ساختار گزارش
- ۴- منبع‌یابی
- ۵- فنون مصاحبه
- ۶- کاربرد جزئیات
- ۷- نقل قول
- ۸- تشخیص خبر و انواع مطلب
- ۹- شیوه‌نگارش
- ۱۰- مقدمه‌ای در باب افترا
- ۱۱- گزارشگری صلح
- ۱۲- حقوق بشر و روزنامه‌نگاری
- ۱۳- روزنامه‌نگاری اقتصادی
- ۱۴- امنیت روزنامه‌نگاری
- ۱۵- گزارشگری برای مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح

مقدمه

روزنامه‌نگاری هیچ‌گاه دوران طلایی نداشته است، حتی هنگامی که جریان تهیه و انتقال اخبار ساده بود. روزگار ما هم از این قاعده مستثنا نیست.

روزنامه‌نگاران، از نخستین «خبرنگار جنگی» که وقایع شبه جزیره کریمه را گزارش می‌کرد تا نسل خبرنگاران جنگ ویتنام و خبرنگاران جنگ‌های مستمر خاورمیانه در روزگار ما، همواره در مبارزه‌ای ناگزیر با تلاش‌های مقامات برای کنترل، محدود کردن و سانسور اخبار بوده‌اند.

روزنامه‌نگاران، در عین حال، به گونه‌ای فزاینده به هدف‌هایی برای حمله تبدیل شده‌اند. بنابه گزارش کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران، در دهه گذشته ۳۶۴ روزنامه‌نگار حین انجام وظیفه کشته شده‌اند. (البته دیگر گروه‌های روزنامه‌نگار رقم‌های بیشتری ارائه می‌کنند).

در مناطق درگیر جنگ همچون عراق که تعداد کشته‌شدگان سیر صعودی دارد، روزنامه‌نگاران مستقیماً در معرض خطر تیر خوردن هستند؛ در حکومت‌های سرکوبگر مورد حمله قرار می‌گیرند و به زندان می‌افتند؛ حتی در جامعه‌های باثبات و دموکراتیک هم به دلیل انجام وظیفه و گزارش کردن جرم و فساد به قتل رسیده‌اند.

افزایش تهدید جانی تنها عارضه‌ای نیست که آسیب زیادی به روزنامه‌نگاران وارد می‌کند. منتقدان می‌گویند در اقتصاد جهانی شده‌ای که شرکت‌های چندملیتی رسانه‌ها را به انحصار خود درآورده‌اند، و در صدد "به ابتدال کشاندن" روزنامه‌نگاری جدی هستند، بودجه‌های گزارشگری و دفاتر خارجی رو به کاهش است. اخبار بین‌المللی رفته رفته قربانی تنگ‌نظری‌ها و کوتاه‌بینی‌ها می‌شود. کانون خبرهای بین‌المللی به تدریج از مباحث و موضوعات جدی به روزنامه‌نگاری درباره شخصیت‌ها و چسبیدن به مسائل بی‌اهمیت منتقل می‌شود.



روزنامه‌نگاران همواره در مبارزه‌ای ناگزیر با تلاش‌های مقامات برای کنترل، محدود کردن و سانسور اخبار بوده‌اند

اما در میانه این روندهای دلسردکننده، اخبار دلگرم‌کننده هم وجود دارد. رفته رفته فرصت‌های بارزی برای روزنامه‌نگاران داخلی پدیدار می‌شود.

با آن که برخی مؤسسات رسانه‌ای مهم اخبار بین‌المللی جدی را رها کرده‌اند، صداهای داخلی گوناگون روز به روز مجال بیشتری برای تأثیرگذاری در سطح داخلی و بین‌المللی پیدا می‌کنند. اکنون جهان کوچک‌تر و ارتباطات سریع‌تر شده است و این امر رسانه‌های داخلی را قادر می‌سازد که بر مباحث بین‌المللی تأثیری داشته باشند که پیش از این هرگز نداشتند.

در همین حال جریان روبه‌رشد گسترش مؤسسات رسانه‌ای بین‌المللی هم در کار است، جریانی که از پشتیبانی حامیان مالی خصوصی و مؤسسات دولت‌های غربی برای ایجاد توسعه بر خوردار است و رسانه‌های داخلی را جهت کمک به ایجاد زمینه برای صلح، توسعه و دموکراسی تقویت می‌کند.

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح^۱ (IWPR) یکی از این گونه مؤسسات است که اکنون در بیش از بیست کشور اروپای جنوب شرقی، اوراسیا، خاورمیانه و آفریقا فعالیت می‌کند. وظیفه این مؤسسه پشتیبانی از آموزش، گزارشگری و ظرفیت‌سازی در مؤسسات رسانه‌ای برای روزنامه‌نگاران داخلی است.

تجربه ما حاکی از وجود موانعی عظیم پیش روی گزارشگران داخلی است. آنان اغلب در معرض سرکوب مستقیم قرار دارند، همیشه از منابع کافی بی‌بهره‌اند و از کمبود پشتیبانی حرفه‌ای رنج می‌برند.

با این همه، ما شاهد توانایی رسانه‌های داخلی هم بوده‌ایم، رسانه‌هایی که اگر کمک و حمایت مناسبی دریافت کنند، شهامتی خارق‌العاده نشان می‌دهند و به معیارهای بین‌المللی صحت/دقت، عینیت، و بی‌طرفی دست می‌یابند. جوایز بین‌المللی متعددی که مؤسسه گزارشگری جنگ

توسعه دموکراسی
به معنای نقش اساسی و رو
به گسترش روزنامه‌نگاران
داخلی در سراسر جهان است

و صلح در حوزه روزنامه‌نگاری به دست آورده، حاکی از موفقیت آن دسته از روزنامه‌نگاران داخلی است که باشکوه ما کار می‌کنند.

چشم‌انداز وسیع‌تر اوضاع نیز مثبت است. براساس گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد، در دو دهه گذشته «۸۱ کشور گام‌های مهمی به سوی دموکراسی برداشته‌اند، و امروزه ۱۴۰ کشور از میان نزدیک به ۲۰۰ کشور جهان انتخابات چندحزبی دارند.» توسعه دموکراسی به معنای نقش اساسی و رو به گسترش روزنامه‌نگاران داخلی در سراسر جهان است. این موضوع توانایی زیادی به آن‌ها می‌بخشد و مسئولیتی سنگین بر دوش‌شان می‌گذارد.

فناوری‌های جدید ارتباطات نیز به نزدیک‌تر کردن سطح روزنامه‌نگاری بین‌المللی و داخلی مدد می‌رساند. تهیه و انتشار اخبار اکنون از هر زمان دیگر ارزان‌تر و سریع‌تر است. حوزه‌های رسانه‌ای مختلف که پیش‌تر جدا و متفاوت بودند، کم‌کم به هم نزدیک می‌شوند، به گونه‌ای که متون، صداها و تصاویر اکنون همه هم‌زمان (البته به شرط دسترسی به کامپیوتر و اینترنت) قابل استفاده‌اند. این تحولات روزنامه‌نگاران و به طور کلی مردم را به شدت توانمند می‌کند.

اما فرصت‌های جدید همچنین تأکیدی است بر نیاز به آموزش بیشتر و گزارشگری مسئولانه‌تر. و کتاب حاضر دقیقاً به همین مسائل می‌پردازد. این کتاب راهنمایی عملی و کاربردی است که برای کمک به روزنامه‌نگاران داخلی در جامعه‌های درگیر بحران و دگرگونی‌های عظیم تنظیم شده است.

کتاب حاضر خلاصه‌ای از معیارهای بین‌المللی اساسی را در زمینه روزنامه‌نگاری به دست می‌دهد و حاوی راهنمایی‌های مهمی درباره بسیاری از فنون اساسی گزارشگری است.

روزنامه‌نگاران داخلی برای
اولین بار در طول عمر یک
نسل، و شاید هم بیشتر، از
این بخت برخوردار شده‌اند
که آزادانه به گزارش
رخدادهای کشورشان
پردازند

این کتاب راهنما مروری است بر گزارشگری در زمینه مباحث عمومی، سیاسی، اقتصادی و بشر دوستانه. همچنین راهنمایی‌هایی درباره ایمنی و امنیت و گزارشگری حساس در مناطق جنگی، و نیز در موضوع افترا ارائه می‌دهد. این کتاب که خود به عنوان بخشی از برنامه‌های آموزش عملی ما تألیف شده است، شرایط اختصاصی لازم برای گزارشگری برای مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح را هم مطرح می‌کند. در هر فصل، بخشی به تمرین‌ها و موضوعاتی برای بحث اختصاص داده شده و منابع بیشتری هم در هر زمینه معرفی شده است. این کتاب راهنما برای استفاده در دوره‌های آموزشی بین‌المللی یا به صورت خودآموز تنظیم شده است.

این کتاب به زبان‌های مختلف در دسترس است (برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به: www.iwpr.net). صفحه آرایی کتاب در نسخه‌های زبان‌های مختلف، به منظور استفاده در کارگاه‌های آموزشی چندزبانه، هم‌سان شده است.

روزنامه‌نگاری کاری است در حوزه حقوق و اختیارات، و البته در حوزه مسئولیت‌ها و تکالیف نیز. در بسیاری از جامعه‌ها، روزنامه‌نگاران داخلی برای اولین بار در طول عمر یک نسل، و شاید هم بیش‌تر، از این بخت برخوردار شده‌اند که آزادانه به گزارش رخدادهای کشورشان پردازند.

چگونگی پی‌ریزی معیارها و ویژگی‌های حرفه‌ای فقط زمینه را برای موفقیت نسل‌های آینده مهیا نمی‌کند، بلکه رهبران آن‌ها را هم در کانون توجه عمومی قرار می‌دهد، و به جوامع آن‌ها کمک می‌کند تا اختلاف‌هایشان را رفع کنند، و شرایط توسعه پایدار و دموکراتیک را فراهم آورند. این کتاب در پی پشتیبانی از روزنامه‌نگاران در انجام این وظیفه اساسی است.

آنتونی بُردن^۲

مدیرعامل

1. Institute for War & Peace Reporting (IWPR)
2. Anthony Borden

چرا روزنامه‌نگاری؟

اگر دارید از این کتاب استفاده می‌کنید، به احتمال زیاد در حال حاضر روزنامه‌نگاری یا به این حرفه علاقه دارید.

مادر جریان سمینارهای آموزشی مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح این پرسش را با صدها شرکت‌کننده از سراسر جهان در میان می‌گذاریم که چرا روزنامه‌نگار شده‌اند. نظرات افراد البته متفاوت است و پاسخ درست و نادرست وجود ندارد. اما در این گفت‌وگوها برخی مضامین به دفعات تکرار می‌شود. و برخی معضلات مشترک هم بدیهی است.

در این فصل برخی از دلایل مهم افراد را برای روزنامه‌نگار شدن مطرح می‌کنیم و به بررسی برخی از خطرات و مشکلات بالقوه این حرفه می‌پردازیم. سپس شما می‌توانید در تمرین‌های انتهایی فصل به تحلیل دلایل خود برای روزنامه‌نگار شدن بپردازید.

خدمت به جامعه

خیلی‌ها می‌گویند می‌خواهند روزنامه‌نگار شوند تا به جامعه خدمت کنند. روزنامه‌نگاری مطلوب به شیوه‌های مختلف به جامعه خدمت می‌کند، از جمله با بر ملا کردن بی‌عدالتی‌ها، واداشتن سیاستمداران به پاسخگویی در برابر مردم و کمک به کشور در مواقع بحرانی. اما کسانی که به حرفه‌های دیگر اشتغال دارند نیز در خدمت جامعه هستند، از جمله پزشکان و معلمان و حتی خود سیاستمداران (چنان که خودشان می‌گویند). هدف خدمت به جامعه به خودی خود دلیل قانع‌کننده‌ای برای تمایل شما به اشتغال به روزنامه‌نگاری نیست.



شان پن بازیگر آمریکایی
حین بازدید از نشست
آموزشی مؤسسه گزارشگری
جنگ و صلح در بغداد

بیان حقیقت

آیا روزنامه‌نگار از توانایی
تعیین حقیقت برخوردار
است؟ از آن گذشته، اگر
معلوم شود که شما اشتباه
کرده‌اید، چه اتفاقی می‌افتد؟

روزنامه‌نگاران بلندپرواز اغلب می‌گویند که خود را وقف حقیقت کرده‌اند. چنان‌که در این کتاب راهنما هم مطرح می‌شود، دست یافتن به واقعیت‌های درست نخستین چالش روزنامه‌نگاری است. ولی «حقیقت» مفهوم پیچیده‌ای است. در واقع یکی از اصول مهم روزنامه‌نگاری بین‌المللی ارائه «حقیقت‌های» رقیب به شکلی متوازن است. اما آیا روزنامه‌نگار از توانایی تعیین حقیقت برخوردار است؟ از آن گذشته، اگر معلوم شود که شما اشتباه کرده‌اید، چه اتفاقی می‌افتد؟

نمایندگی سرزمین مادری

بسیاری از گزارشگران احساسات پرشوری نسبت به خویشان و سرزمین آبا و اجدادی خود دارند. این امر طبیعی است، به‌ویژه هنگامی که خانواده یا سرزمین‌شان در خطر باشد. روزنامه‌نگاران و رای هر چیز انسان‌اند، و غالباً آگاه یا ناآگاه خود را با جامعه خویش، که ممکن است بر اساس منطقه، زبان، دین، قومیت یا ملیت تعریف شده باشد، یکی می‌دانند. اما آیا رهیافت جانبدارانه با اصول مهم عینیت و توازن در روزنامه‌نگاری در تضاد نیست؟ روزنامه‌نگاری باید جذاب و خواندنی باشد، اما آیا یک طرفه به قاضی رفتن یا بالای منبر رفتن و داد سخن دادن، آن هم در جهانی «عاری از رحم و شفقت»، کسالت‌آور و خسته‌کننده نخواهد بود؟

برجسته کردن موضوعات

روزنامه‌نگاری کمکی است به آگاه کردن صاحبان قدرت تا بدانند که در کشور واقعاً چه می‌گذرد. سیاستمداران و مقامات، حتی با بهترین نیت و انگیزه‌ها، ممکن است از اوضاع و احوال واقعی دور بیافتند، چون احتمال دارد کسانی آن‌ها را احاطه کنند که در فکر خشنود کردن ایشان اند و چیزهایی را به آن‌ها بگویند که دوست دارند بشنوند. روزنامه‌نگاری مجرای مستقیم و بارز شی برای این مقامات است. ولی باید از مخاطرات آن هم آگاه بود. ممکن است روزنامه‌نگار در جریان با خبر ساختن مقامات مهم اغوا شود و در صدد خشنود کردن رهبرانی که مخاطب او هستند بر بیاید تا مقبولیتش را در آن جمع از دست ندهد.

حفاظت از مردم

مردم آگاه سنگ بنای هر جامعه مدنی اند. روزنامه‌نگاری صریح و صادق و، در عین حال، منصف در زمینه موضوعاتی که برای مردم مهم است، به ایجاد فشار برای تغییر و بهبود کمک می‌کند. این امر به معنای در دسترس قرار دادن اطلاعات قابل اعتماد در باره کارهایی است که رهبران سیاسی و دیگر مقامات انجام می‌دهند. آیا سیاست‌های دولت عادلانه و کارآمد است؟ آیا فلان رهبر یا بهمان مقام صادق است؟ آیا طرح‌ها و سیاست‌هایی که وعده داده‌اند مطابق برنامه پیش می‌رود؟ آیا حقوق شهروندان محترم شمرده می‌شود؟ و اگر نه، چرا؟

استقلال زمانی به دست
می‌آید که همه از شما متنفر
باشند

با این همه، شاید سنتی ترین نقش‌های روزنامه‌نگاری نیز مخاطراتی چند در بر داشته باشد. سیاستمداران مخالف و گروه‌های غیررسمی - از جمله شرکت‌های تجاری و نیز سازمان‌های مردم‌نهاد - شما را با نگرش‌های جانبدارانه خود بمباران می‌کنند و قابلیت‌هایتان را در رعایت انصاف و توازن به چالش می‌کشند. با شایعه‌سازی و هوچی‌گری نمی‌توان دوست پیدا کرد (یا در آمدی به دست آورد). یک ضرب‌المثل قدیمی روزنامه‌نگاری می‌گوید: «استقلال زمانی به دست می‌آید که همه از شما متنفر باشند.»

کنجکاوی

کنجکاوی سیری‌ناپذیر ویژگی رایج - و شاید هم لازم - روزنامه‌نگاران است. روزنامه‌نگاران خوب از نوعی حس فضولی طبیعی بهره‌مندند، حسی که به آنان نیرو می‌دهد تا کارشان را خوب انجام دهند و همواره از شغلشان راضی باشند. طبیعت آنان با «تعقیب و شکار اخبار» سرشته شده و به همین دلیل هر چیزی را که گیر بیاورند می‌خوانند، از جمله، و به ویژه، روزنامه‌هایی که با آن‌ها موافق نیستند. این روزنامه‌نگاران به جزئیات اهمیت می‌دهند و همواره می‌خواهند از «چرا»یی ماجراها سر در بیاورند. و وقتی از ته و توی چیزی سر در آوردند، می‌خواهند آن را به دیگران هم بگویند.

اما این غریزه کنجکاوی فشارهای خاص خود را به دنبال می‌آورد. دنیای اخبار بی‌رحم است و در اوج ماندن نیازمند از خود گذشتگی است. بسیاری از گزارشگران از احساس بی‌اطلاعی سرخورده می‌شوند، چون هنگام شروع گزارشی که هیچ چیز از آن نمی‌دانند ناگزیرند پیه سنگ روی یخ شدن را به تن‌شان بمالند. عده زیادی از روزنامه‌نگاران دیر یا زود به دنبال کسب دانش تخصصی درباره موضوع‌های مشخص می‌روند، یا اشتیاق در پی مجالی هستند تا اطلاعات جامعی در زمینه مورد بحث به دست بیاورند و به نوشته خود عمق ببخشند. برخی دیگر هم صرفاً از میدان خارج می‌شوند.

تأثیر گذاری

روزنامه‌نگاران می‌توانند تأثیر زیادی داشته باشند و بسیاری از روزنامه‌نگاران به همین دلیل جذب رسانه‌ها می‌شوند. پیدا کردن مخاطب در این حرفه امر مطلوبی است و می‌تواند به شما کمک کند تا از طریق گزارش‌هایتان تأثیر گذار باشید. اما این موضوع نیز می‌تواند به نوبه خود خطرناک باشد. احساس قدرت می‌تواند عینیت و بی‌طرفی را از بین ببرد و اگر گزارشگر بیش از اندازه به صاحب‌منصبان یا مخالفان ایشان نزدیک شود، اعتبار خود را از دست خواهد داد. خودپسندی سم مهلکی برای گزارشگری است. شرکت مستمر در مهمانی‌های کسانی که می‌خواهند روی شما تأثیر بگذارند، ممکن است برای سلامتی شما، و به‌ویژه برای اندازه دور کمرتان، ضرر داشته باشد.

شهرت

بسیاری از روزنامه‌نگاران به دنبال شهرت‌اند و این موضوع می‌تواند انگیزه‌ای برای خوب کار کردن در این حوزه باشد. ممکن است گزارشگران جوان از چهره‌هایی با شهرت جهانی همچون کریستین امان‌پور^۱ در سی.ان.ان. یا پیتر جنینگز^۲ در ای.بی.سی. یا جر می پکسمن^۳ در بی.بی.سی. الهام گرفته باشند. در جریان جنگ دوم خلیج خبرنگار بی.بی.سی. در بغداد که «اسکاد استاد»^۴ لقب گرفته بود، بلافاصله پس از پایان جنگ برای انتشار کتابش قرارداد بست. شهرت گرچه محاسنی دارد، اما مخدر و مخرب هم هست، و در هر حال هرگز نباید بیشتر از اصل موضوع اهمیت داشته باشد. بهترین روزنامه‌نگاران به دلیل دقت و استحکام کارشان مشهور می‌شوند، و عکس این موضوع صادق نیست.

پول

روزنامه‌نگاری شغل است و راهی برای پول درآوردن. بی‌تردید شخصیت‌های مشهور، مانند کسانی که پیش‌تر از آن‌ها یاد شد، به راحتی پول‌های کلان به دست می‌آورند. در مناطق جنگی، به‌ویژه هنگامی که خبرنگاران دسته‌دسته به آن جا گسیل می‌شوند، می‌توان با کار کردن به عنوان کارچاق‌کن، مترجم یا دستیار خبرنگار پول خوبی به جیب زد، به‌ویژه اگر زرنگ و مسئول باشید و انگلیسی‌تان هم خوب باشد.

بهترین روزنامه‌نگاران به دلیل دقت و استحکام کارشان مشهور می‌شوند، و عکس این موضوع صادق نیست

اگر پول حسابی می‌خواهید،
بهتر است دنبال کار دیگری
بروید

اما تعداد کمی از خبرنگاران چنین درآمد بالایی دارند، و دستمزد بالای کارکنان محلی در مناطقی که به شدت درگیر بحران اند ممکن است با همان سرعتی که رسانه‌ها از یک جنگ به سراغ جنگ دیگری می‌روند، از بین برود. مشاغل رسانه‌ای به شدت بی‌ثبات‌اند و روز به روز تعداد بیشتری از صاحبان رسانه‌ها پیش از آن که به بازنشستگی زود هنگام برسند، ورشکست می‌شوند.

بدتر این که دغدغه پول شما را در قبال دریافت رشوه و وجوه زیرمیزی، یا پذیرفتن هدیه بابت لطفی که کرده‌اید، آسیب‌پذیر می‌کند. این قبیل رفتارها در روزنامه‌نگاری شرافتمندانه مطلقاً جایی ندارد و وجهه بسیاری از روزنامه‌نگاران خوب را خراب کرده است. اگر پول حسابی می‌خواهید، بهتر است دنبال کار دیگری بروید.

ماجرای جویی

بسیاری از افراد به این علت روزنامه‌نگار می‌شوند که دنبال ماجراجویی هستند؛ می‌خواهند وقتی از خواب بیدار شدند، از خودشان بپرسند چه چیزهای تازه‌ای در انتظارشان است. توانایی حرف زدن با طیف گسترده‌ای از مردم و پرسیدن انواع و اقسام سؤال‌ها (از جمله سؤال‌های گستاخانه یا بی‌ربط) می‌تواند هیجان‌انگیز باشد. امکان سفرهای خارجی و، در نهایت، سفر به مناطقی که منتهای طاقت انسان در آن‌ها به نمایش در می‌آید، از قبیل مناطق جنگی یا فاجعه‌زده، نیز هیجان زیادی دارد. در چنین وضعی، این احتمال هم هست که احساس صمیمیت نیرومندی به وجود بیاید و رقابت بی‌رحمانه معمول به دنیای تجارت و داد و ستد واگذاشته شود.

با این همه، اکثر روزنامه‌نگاران با حجم بالایی از کارهای یکنواخت و کسل‌کننده سروکار دارند. گزارش‌کنفرانس‌های مطبوعاتی، وضعیت بازار، و محاکمات تمام‌نشدنی می‌تواند میزان تاب و تحمل آنان را محکم بزند. مسافرت‌های دائمی می‌تواند خسته‌کننده باشد. وقتی نیمه‌شب در اتاق‌هتلی از خواب بیدار می‌شوید و یادتان نمی‌آید در کدام شهر هستید، حسابی گیج می‌شوید. افراد و خانواده‌ها اغلب از این وضع آسیب می‌بینند و پناه بردن به مشروب و مواد مخدر و سیگار کشیدن دائمی هم کار را خراب‌تر می‌کند. برای شناخت اضطراب و فشار بی‌حدی که روزنامه‌نگاران با آن دست‌به‌گریبان‌اند حرکت رو به رشدی در این حرفه شروع شده است. این حرکت امکانات مختلفی فراهم می‌کند، از جمله آموزش کار در محیط‌های خصومت‌آمیز، ارائه مشاوره به کسانی که دچار «اختلال فشار روانی پس‌آسیبی»^۵ شده‌اند، و متأسفانه در موارد بسیار، برگزاری مراسم یادبود برای آن‌ها که حین کار کشته شده‌اند.

عشق به روزنامه‌نگاری

بسیاری از روزنامه‌نگاران این شغل را به یک دلیل ساده انتخاب کرده‌اند: عشق به روزنامه‌نگاری. شاید مجری رادیو یا تلویزیون هنگامی که در برنامه زنده غرق صحبت است، از این که وظیفه هیجان‌انگیزش را به درستی انجام می‌دهد بسیار احساس رضایت کند (گرچه تپق زدن‌های اجتناب‌ناپذیر هم چیز وحشتناکی است). بهترین گزارشگران کسانی هستند که بی‌وقفه گزارش‌ها را می‌کاوند و منابع خود را پیگیرانه دنبال می‌کنند چرا که برای این کار انگیزه‌ای درونی دارند. خلاصه‌سر‌دبیران تراز اول عاشق کلمات‌اند و دوست دارند مطالب شسته‌رفته عرضه شوند. داشتن تبحر در کاری که انجام می‌دهید، احساس بسیار خوشایندی است.

با این همه، تشخیص این که روزنامه‌نگاری چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست بسیار اهمیت دارد. مهم‌ترین مسئله این است که روزنامه‌نگاری برای اکنون است نه برای اعصار آینده. روزنامه‌نگاری ادبیات نیست و اخبار رادیو-تلویزیون فیلم سینمایی محسوب نمی‌شود. نثر پر آب و تاب و داستان‌سرایی بیش از اندازه نشانه‌های روزنامه‌نگاری ناپخته است و ممکن است پس از انتشار مایه شرمساری شما شود. تمرکز بیش از حد بر نوشتن و شیوه بیان می‌تواند مانعی برای گزارشگری مطلوب و ضرورت تمرکز بر واقعیات باشد. سرعت معمولاً بیشتر از عمق مطلب اهمیت دارد، و محدودیت‌های زمانی همواره از کیفیت کار می‌کاهد. به قول الویس کاستلو در ترانه‌اش، «اخبار دیروز کاغذ دور ساندویچ فرداست.»

تمرین

موارد زیر را مرور کنید و ببینید چرا می خواهید روزنامه نگار باشید. با خود صادق باشید و بکوشید این موضوع را با همکاران و دوستان تان با صراحت به بحث بگذارید و پاسخ هایتان را با هم مقایسه کنید. کدام پاسخ ها رایج تر است؟

به عنوان مثال از خودتان بپرسید:

- آیا اخبار و رویدادهای جاری را به دقت دنبال می کنید؟
- بیشتر بازیگر هستید یا تماشاگر؟
- دوست دارید چه چیزهایی بخوانید، و آیا زیاد روزنامه می خوانید؟
- آیا به سیاست علاقه مندید، و وابستگی حزبی شدیدی دارید؟
- کسانی را تحسین می کنید، و آیا در میان آنان نویسنده یا روزنامه نگاری هست؟

منابعی برای مطالعه

وبسایت‌های مختص روزنامه‌نگاری زیاد است، و در آن‌ها از مقالات فاضلانه گرفته تا مدارس عالی و دانشکده‌های روزنامه‌نگاری و آخرین شایعات داغ پیدا می‌شود. در ادامه، فهرست مختصری از چند سایت مهم آمریکایی و انگلیسی ارائه شده است که بسیاری از روزنامه‌نگاران هر روز به آن‌ها مراجعه می‌کنند:

■ رسانه گاردین:

media.guardian.co.uk

■ مؤسسه پوینتر:

www.poynter.org

■ جیم رومنسکو در زمینه اخبار رسانه‌ها در سایت پوینتر (که لینک‌های فراوانی هم به دیگر سایت‌های روزنامه‌نگاری دارد):

www.poynter.org/column.asp?id=45

■ نشریه روزنامه‌نگاری کلمبیا:

www.cjr.org

■ نشریه روزنامه‌نگاری آمریکا:

www.ajr.org

■ شورای ملی بریتانیا برای آموزش روزنامه‌نگاران:

www.nctj.com/index.html

■ مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح: (به ویژه صفحات آموزش روزنامه‌نگاری)

www.iwpr.net

رسانه و اخلاق رسانه‌ای حوزه‌ی رو به رشدی در زمینه‌ی مطالعات رسانه‌ای است؛ همچنین است موضوع دراماتیزه کردن شدید در حوزه ادبیات داستانی و فیلم. البته هر کس منابع مورد علاقه و دلخواه خود را دارد، اما در این جا برخی از متون مهم این حوزه فهرست شده‌اند:

بررسی انتقادی و تاریخی گزارشگری جنگ و خاطرات عبرت‌انگیز:

■ *The First Casualty: The War Correspondent As Hero and Myth Maker from the Crimea to Kosovo*, by Phillip Knightley (Johns Hopkins)

■ *War Is a Force That Gives Us Meaning*, by Chris Hedges (Public Affairs)

دو اثر داستانی کلاسیک در زمینه‌ی گزارشگری جنگ:

■ *Scoop*, by Evelyn Waugh

■ *The Quiet American*, by Graham Greene⁷

و دو فیلم مهم درباره‌ی گزارشگری و اداره‌ی روزنامه:

■ *All the President's Men*⁸ (Dustin Hoffman and Robert Redford),

(که اقتباسی است از کتاب کارل برنستاین و باب وودوارد)

■ *Citizen Kane*, by Orson Welles⁹

1. Christiane Amanpour (CNN)
2. Peter Jennings (ABC)
3. Jeremy Paxman (BBC)
4. Scud Stud
5. post-traumatic stress disorder (PTSD)
6. Elvis Costello

7. این کتاب با عنوان *امریکائی آرام* به قلم عزت‌الله فولادوند (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳) به فارسی ترجمه شده است.
8. در ایران: همه‌ی مردان رئیس‌جمهور
9. در ایران: همشهری کین

معیارهای بین‌المللی

روزنامه‌نگاری به اندازه جهانی که از آن گزارش می‌دهد متنوع است. کارگزارشگران سخت‌اخبار^۱ با کارنویسندگان گزارش‌های خبری فرق دارد و گرایش‌های گروه‌اخیر نیز بانویسندگان مطالب مربوط به شخصیت‌های مشهور یا ستون‌نویس‌های هفتگی تفاوت دارد. راه و روش گزارشگران آمریکایی باراه و روش روزنامه‌نگاران بریتانیایی غالباً به کلی فرق می‌کند، و راه و روش این دو گروه نیز با همکاران‌شان در قاره اروپا بسی تفاوت‌ها دارد. شیوه‌های روزنامه‌نگاری در دیگر مناطق و قاره‌ها نیز ممکن است بیش از این‌ها متفاوت باشد.

با وجود همه این تفاوت‌ها، سازمان‌های روزنامه‌نگاری در سراسر جهان به دنبال تدوین اصول اخلاق حرفه‌ای بوده‌اند.

اغلب آن‌ها بر این عقیده‌اند که صحت/دقت، بی‌طرفی، و انصاف سنگ‌بنای روزنامه‌نگاری مطلوب‌اند، اصولی که هسته اصلی آموزش‌های مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح هم محسوب می‌شوند.

این فصل به مروری بر این گونه معیارهای بین‌المللی اختصاص دارد و به بررسی عناصر مهمی می‌پردازد که برای روزنامه‌نگاری مطلوب لازم‌اند.

البته تفاوت‌هایی در این معیارها به چشم می‌خورد، اما این تفاوت‌ها در بیشتر موارد به نحوه بیان، میزان تأکید و درجه اهمیت این معیارها برمی‌گردد. نگاهی به فهرست زیر بیان‌دازد که همه بر گرفته از همین معیارهای اساسی هستند:



اغلب سازمان‌های

روزنامه‌نگاری بر این

عقیده‌اند که صحت/

دقت، بی‌طرفی، و انصاف

سنگ‌بنای روزنامه‌نگاری

مطلوب‌اند

- در شیوه نامه مطبوعاتی روزنامه نگاران بوسنی، در مورد مقالات تحریک کننده یا تبعیض آمیز موکدا هشدار داده شده است.
- بی طرفی و صحت/دقت برترین معیارهای شیوه نامه تهیه کنندگان بر نامه های بی.بی.سی. است.
- شیوه نامه روزنامه نگاری انجمن صاحبان و سردبیران نشریات ژاپن روزنامه هارابه «تلاش مستمر برای آینده ای مرفه تر و امن تر» ملزم می کند.
- شیوه نامه اصول اخلاقی انجمن روزنامه نگاران قرقیزستان این گونه صریح و بی ابهام آغاز می شود: «روزنامه نگار باید در خدمت حقیقت باشد. نقش رسانه جست و جوی حقیقت است.»
- همه این شیوه نامه ها در مورد این که روزنامه نگاران از چه کارهایی باید دوری کنند کاملاً توافق دارند:
- تهمت و افترا (هتک حیثیت)
- سرقت ادبی (استفاده از مطالب دیگران به نام خود)
- دریافت رشوه
- سرهم کردن مطلب (جعل و ابداع محض)

انجمن روزنامه نگاران

قرقیزستان می گوید:

«روزنامه نگار باید در خدمت

حقیقت باشد»

گزارشگری مسئولانه و مبتنی بر واقعیت بستر همه انواع گزارشگری است

برای دست یافتن به رویکردهای تخصصی به روزنامه‌نگاری راهکارهای متفاوت بسیاری وجود دارد، از جمله در زمینه موضوعاتی از این دست که جنایات جنگی را چگونه پوشش دهیم، درباره قربانیان و آسیب‌دیدگان چگونه گزارش تهیه کنیم، "روزنامه‌نگاری مردمی" را چگونه دنبال کنیم، یا "گزارشگری صلح" را چطور انجام دهیم. گزارشگری صلح موضوعی پیچیده و گاه مجادله‌برانگیز است و به این مسئله می‌پردازد که گزارشگری جنگ و عواقب آن چگونه می‌تواند نیرویی در جهت مطلوب باشد. به برخی از این موضوعات در قسمت‌های بعدی این کتاب اشاره شده است.

اما بستر اصلی همه این موارد، و نیز نقش اصلی رسانه‌ها در توسعه و دموکراسی، گزارشگری مسئولانه و مبتنی بر واقعیت است.

فراهم آوردن اطلاعات قابل اتکا برای پشتیبانی مسئولانه از مباحث عمومی، پاسخگو کردن مقامات، و اطلاع‌رسانی درباره تصمیمات رأی‌دهندگان از وظایف اساسی رسانه‌ها در جامعه دموکراتیک است.

در واقع بسیاری از موازین اخلاق حرفه‌ای بر نقش بنیادی رسانه‌ها در فراهم آوردن اطلاعات قابل اعتماد تأکید می‌کنند، اطلاعاتی که به مردم امکان می‌دهد آزاد باشند و آنان را در اداره امور خود توانمند می‌سازد.

عناصر اساسی

تقریباً تمام اصول و موازین اخلاق حرفه‌ای دست‌کم بر سر این سه عامل بنیادی در کار روزنامه‌نگاری توافق دارند: بی‌طرفی، صحت/دقت، و انصاف. این موارد را می‌توان معیارهایی همگانی قلمداد کرد.

رهنمودهای اقوام مختلف بر صداقت و نزاکت در گردآوری اخبار نیز تأکید دارند. بسیاری از موازین نیز به حفاظت از منابع خبری مربوط می‌شوند که جزء جدایی‌ناپذیر کار گردآوری اخبارند.

۱. بی‌طرفی

بسیاری از اصول و موازین رفتاری روزنامه‌نگاران بر "بی‌طرفی" یا "استقلال" در گزارشگری تأکید می‌کند. اما تعریف این مفهوم شاید دشوار باشد.

بی‌طرفی به این معناست که گزارش نباید از حزب سیاسی، دین، مردم یا گروه قومی خاصی در مقابل احزاب، ادیان، مردمان یا گروه‌های قومی دیگر حمایت کند. بی‌طرفی به روزنامه‌نگار امکان می‌دهد که مواضع یا سیاست‌های یک طرف را منصفانه گزارش کند، و نظرهایی را که ممکن است یک حزب یا گروه درباره‌ی حزب یا گروه دیگری ابراز کند، در گزارش خود بگنجانند. اما اصل بر این است که گزارشگر نباید مستقیماً نظرها یا عقاید یا ترجیحات سیاسی خود را اظهار کند.

روزنامه‌نگاری متوازن بین واقعیت و عقیده تفکیک بارزی قائل می‌شود.

در بسیاری از کشورها نشریات بدون حمایت مالی به دشواری می‌توانند دوام بیاورند، و احزاب سیاسی، گروه‌های فشار یا شرکت‌های قدرتمندی که منافع سیاسی دارند طبیعتاً داوطلب حمایت از آن‌ها هستند. در این موارد روزنامه‌ها دست کم باید فهرستی از منابع مالی خود منتشر کنند تا خوانندگان خود بتوانند درباره‌ی بی‌طرفی آن‌ها قضاوت کنند.

نشریات مسئولیت‌شناس بین‌گزارش‌های خبری و مقاله‌های حاوی نظر و عقیده نویسنده‌گان به وضوح تمایز قائل می‌شوند. خبرها معمولاً در صفحه اول می‌آید و سرمقاله‌ها و مقالات و آراء و عقاید در صفحات جداگانه در داخل روزنامه چاپ می‌شود. در برخی روزنامه‌ها، مقالاتی که جنبه "تحلیلی" دارند و از این رو ناگزیر تا حدی بیانگر دیدگاه روزنامه‌نگار هستند، تحت عنوان "تحلیل خبر" درج می‌شوند تا از اخبار صرف کاملاً متمایز باشند. در بسیاری از روزنامه‌ها هیئت تحریریه مسئول تهیه اخبار از کسانی که در کار تهیه مقالات و مطالب تحلیلی‌اند کاملاً جدا هستند و ممکن است حتی با هم ارتباط نداشته باشند.

در کشورهای غربی که بسیاری از نشریات و نمایندگی‌های فروش رسانه‌ها در تملک شرکت‌های بزرگانند، بی‌طرفی اقتصادی نیز به مسئله‌ای حساس بدل می‌شود. از این رو، هیئت تحریریه و سرویس اقتصادی یا بخش آگهی‌ها با دیواری به استحکام "دیوار چین" از یکدیگر جدا شده‌اند. مواردی پیش آمده که سردبیر به دلیل تلاش مدیر مسئول

یا مالک برای اعمال نفوذ بر محتوای مطالب استعفا داده است. مواردی هم بوده که خودداری از استعفا موجب بی اعتباری برخی نشریات شده است.

تنش و درگیری به طور معمول در صورتی پیش می آید که روزنامه یا رادیو یا تلویزیونی گزارشی داشته باشد که موجب ناراحتی مالکانش یا شرکتی شود که آگهی دهنده عمده آن روزنامه یا رادیو یا تلویزیون به حساب می آید. در این حال اگر رسانه این گزارش را منتشر کند، ممکن است درآمدش کاهش بیابد. اما اگر جلوی انتشار گزارش را بگیرد، این عمل دیگر بیطرفانه محسوب نمی شود و شاید به نام نیکش لطمه وارد کند.

حفظ بی طرفی سیاسی به دلایل بسیار می تواند دشوار باشد. در برخی کشورها رسانه ها به دلیل انتقاد از دولت مستقیماً آماج حمله قرار می گیرند و هوادار یا "عامل حکومت های بیگانه" قلمداد می شوند، حتی اگر صرفاً سعی کرده باشند خط مشی مستقل خود را حفظ کنند. حفظ موضع مستقل، به ویژه در ایام جنگ و درگیری که جامعه ها به شدت دو قطبی می شوند، بسی دشوارتر می شود.

همچنین ممکن است حفظ بی طرفی به دلایل پیش پا افتاده تری هم مشکل شود. اظهار نظرهای رئیس دولت همواره از اظهار نظرهای یک دهقان ارزش خبری بیشتری دارد، حتی اگر آن رهبر سیاسی آشکارا در حال تبلیغ برای خود باشد و آن روستایی دغدغه های فراموش شده ای را مطرح کند که قلب سیاست های دولت را نشانه می رود.

۲. صحت/دقت

در تمامی اصول و موازین روزنامه‌نگاری بر لزوم صحت و دقت تأکید می‌شود. اصرار بر "امانت" همواره مهم است و رعایت امانت بر سرعت ارجحیت دارد. برای سریع امانت‌دوست بودن به کسی جایزه نمی‌دهند.

مهارت نویسندگی روزنامه‌نگار عبارت است از ارائه اطلاعات به شکلی روشن، موجز و مؤثر. این موضوع وابسته به واقعیات مسلم است. بنابراین، گزارشگر باید بداند چگونه و از کجا اطلاعات قابل اعتماد به دست بیاورد.

یعنی گزارشگر باید خوب ببیند، خوب گوش بدهد، پشتوانه مطالعاتی محکمی داشته باشد و، مهم‌تر از همه، برای دست یافتن به اطلاعات قابل اعتماد با افراد مناسب حرف بزند.

یکی از اصول اساسی روزنامه‌نگاری این است که بهترین گزارشگران فقط به اندازه ارتباطات شخصی‌شان خوب‌اند. بنابراین باید یاد بگیرد که چطور این ارتباط‌ها را پرورش دهید، و چگونه اطلاعاتی را که به شما ارائه می‌شود ارزیابی کنید. یعنی باید بتوانید ارزیابی کنید که چه کسانی قابل اعتمادند (و باید اعتمادشان را جلب کرد) و چه کسانی قابل اعتماد نیستند. چالش مهم این است که چگونه توضیحات متضاد از یک رویداد واحد را با هم سازگار کنیم.

بسیاری از سازمان‌های روزنامه‌نگاری بر "قاعده دو منبع" تأکید می‌کنند، یعنی هر اطلاعاتی باید توسط دو منبع مستقل تأیید شود تا بتوان آن را قابل اعتماد دانست.

اصرار بر «امانت» همواره
مهم است و رعایت امانت بر
سرعت ارجحیت دارد

روزنامه‌نگاران باید زیاد یادداشت بردارند و در صورت امکان مصاحبه‌ها را ضبط کنند تا مطمئن شوند که گزارش تا حد امکان دقیق است. رعایت این اصل به رسمیت شناخته شده، حتی اگر صرفاً ثبت صحیح اسامی باشد، همان چیزی است که امانت‌داری و آبرو و اعتبار روزنامه‌نگاران را حفظ می‌کند. دقت مستلزم توجهی و سواس گونه به جزئیات است، چون حتی خطایی کوچک و سطحی اعتبار کل گزارش را مخدوش می‌کند. و این یعنی مرور و بررسی چندباره واقعات - حتی اطلاعاتی که همگان آن‌ها را پذیرفته‌اند - تا جایی که ممکن باشد.

شاید لازم باشد برای روشن تر کردن گزارش دوباره با منابع خود تماس بگیرید تا مطمئن شوید که حرف‌هایشان درست منعکس شده است یا نه، به ویژه اگر منابع دیگر در آن‌ها مناقشه کرده‌اند. این کار همان مرور و بررسی واقعات است، و در برخی مطبوعات با سابقه پژوهشگر یا روزنامه‌نگار تازه کار دیگری کل مقاله را از نو گزارش می‌کند تا از دقت و صحت آن اطمینان حاصل شود، به ویژه در گزارش‌های خبری مفصل یا مجادله برانگیز. گاهی، اگر تردیدی وجود داشته باشد، اعمال این اصل ممکن است به معنی به تأخیر انداختن انتشار گزارش برای پرهیز از خطا باشد. اما اشتباه کردن می‌تواند به اعتبار شما در آینده لطمه بزند و در بدترین وضعیت پیامدهایی زیان‌بار، از جمله طرح دعاوی حقوقی، به دنبال داشته باشد.

دقت تنها راجع به واقعات نیست، بلکه به اوضاع و احوال و زمینه گزارش هم مربوط می‌شود. اطلاعات مخرب درباره یک نامزد انتخاباتی پیش

دقت تنها راجع به واقعیات نیست، بلکه به اوضاع و احوال و زمینه گزارش هم مربوط می‌شود

از برگزاری انتخابات، یا درباره عملکرد یک شرکت، پیامدهای وخیمی خواهد داشت. از این رو، خواننده باید بداند که این اطلاعات از کجا آمده و آیا منبع اطلاعات گرایش‌های حزبی دارد یا نه. آیا منافع پنهانی وجود دارد که اطلاعات را به سمت و سویی خاص سوق می‌دهد و گزارشگر باید در مورد آن‌ها محتاط باشد و آن‌ها را آشکار کند تا مخاطب بتواند قضاوت منصفانه‌ای داشته باشد. خیلی فرق است بین این که مصرف‌کننده از کالای معینی ایراد بگیرد یا این که نماینده شرکت رقیبی که کالای مشابهی تولید می‌کند چنین کاری انجام بدهد.

بسیاری از مردم شکایت می‌کنند که گزارش‌ها گاهی "عینی" نیستند. این انتقاد می‌تواند درست باشد، به ویژه هنگامی که روزنامه‌نگار دستور کار مشخصی دارد. البته ممکن است این انتقاد صرفاً راه دیگری برای بیان این نکته باشد که گزارش‌ها با دیدگاه‌های آنان تطبیق ندارد.

بیشتر روزنامه‌نگاران با تجربه قبول دارند که دستیابی به عینیت محض در گزارش خبری اگر ناممکن نباشد، بسیار مشکل است. پیشینه و دیدگاه روزنامه‌نگار می‌تواند به طرق مختلف نحوه ارائه گزارش را تحریف کند. روزنامه‌نگار همواره باید نسبت به دیدگاهش خود آگاهی داشته باشد و بکوشد هنگام گزارش کردن بی‌طرف بماند.

مهم‌تر از همه، روزنامه‌نگار متکی بر واقعیات است و آن‌ها را، برای اطمینان از اعتبارشان، محک می‌زند. گزارش خوب ممکن است از

هیجان یا حتی خشم روزنامه‌نگار سرچشمه گرفته باشد. اما روزنامه‌نگار باید صادقانه به دنبال اطلاعاتی برای تأیید گزارشش برود و بپذیرد که در این بین ممکن است با نتایجی خلاف انتظار و شاید هم ناراحت‌کننده روبه‌رو شود. عینیت باید هم در شیوه دست یافتن به واقعیات هم در گزارش کردن آن‌ها حفظ شود، یا برای پرهیز از پیچیدگی می‌توان گفت که دست کم باید برای دستیابی به عینیت کوشش کرد.

۳. انصاف

رعایت انصاف در مصاحبه‌ها به این معناست که هم در نحوه گردآوری اطلاعات هم در نحوه ارائه آن‌ها منصف باشید. مصاحبه‌شوندگان حق دارند بدانند که مقاله یا برنامه شما در باره چیست؛ آنان در مقاله یا برنامه شما چه نقشی خواهند داشت؛ اگر مصاحبه رادیویی یا تلویزیونی است، به صورت زنده پخش می‌شود یا ضبط خواهد شد، و اگر ضبط می‌شود، چگونه مونتاژ خواهد شد. سوژه‌های شما حق دارند بدانند که آیا از آن‌ها فیلم گرفته می‌شود یا نه، و اگر فیلم گرفته می‌شود، از آن فیلم چه استفاده‌ای خواهد شد. گزارش‌های تحقیقی ممکن است مستلزم استفاده از نوع متفاوتی از این فنون باشند، اما رهنمود اصلی کماکان عبارت خواهد بود از رعایت انصاف در حق طرف‌های درگیر و نیز در ارائه مطلب.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران می‌گوید: "روزنامه‌نگار باید اخبار، عکس‌ها و مدارک را صرفاً به شیوه‌های منصفانه به دست بیاورد." معنای این سخن این است که در شرایط عادی باید خود را به عنوان روزنامه‌نگار معرفی کنید، و برای کسب اطلاعات هرگز به تهدید یا اعمال زور متوسل نشوید.

صرف آگاهی از موضوعی به معنی آن نیست که می‌توانید از آن در مقاله خود استفاده کنید

صرف آگاهی از موضوعی به معنی آن نیست که می‌توانید از آن در مقاله خود استفاده کنید. تازمانی که منابع قابل اعتماد و در اغلب موارد "ثبت شده" ای را از راه‌های شفاف و منصفانه تأمین نکرده‌اید، اطلاعات شما قابل انتشار نیست. زیرا با گذاشتن این قانون برای دست یافتن به اطلاعات، به طور خاص، تنها در موارد بسیار نادر و موقعیت‌های کاملاً استثنایی و به خاطر منافع عمومی والاتر می‌تواند پذیرفته باشد.

انصاف در ارائه مطلب به این معناست که شخصی که از او انتقاد می‌کنید مجال داشته باشد در همان گزارش به این انتقادهای پاسخ دهد. ممکن است فردی از مقاله‌ای که درباره‌اش نوشته‌اید ناراحت باشد، اما هرگز نباید او را غافلگیر کنید چون گزارشگر همواره باید آن نکات انتقادی را پیش از انتشار با او در میان گذاشته باشد.

اگر بحث کردن با شخصی که در گزارش‌تان از او انتقاد کرده‌اید برایتان راحت نیست، باید از انتشار آن انتقادهایم احساس ناراحتی کنید. (توجه: این حرف به معنای آن نیست که کل گزارش را با صدای بلند برای او بخوانید، بلکه به این معناست که جوهر اشارات انتقادی خود را برایش توضیح دهید.) در واقع اگر می‌خواهید از فردی انتقاد کنید، گزارش شما زمانی قوی‌تر خواهد بود که همه استدلال‌های مخالف و جنبه‌های مثبت آن فرد را هم مطرح کنید. در این حالت، مقاله شما متوازن‌تر و قابل اعتمادتر، و اعتبار انتقادهایتان بیشتر خواهد بود.

۴. صداقت و نزاکت

شیوه‌ای که روزنامه‌نگاران از لحاظ معیارهای اخلاقی و رفتاری در ارائه نتایج کارشان در پیش می‌گیرند، برای حفظ اعتماد عمومی حیاتی است. وجود موازین رفتاری مطلوب، اعم از این که مکتوب باشد یا نه، نشانه خوبی است از این که رعایت قواعد در زمینه گردآوری، بررسی و انتشار اخبار تا چه اندازه اهمیت داشته است. با توجه به پیچیدگی‌ها و تنگناهای اخلاقی گاه و بی‌گاه که روزنامه‌نگاری در عمل با آن‌ها مواجه می‌شود، داشتن شناخت از حد و مرزها، رهنمودها و اصول اخلاقی شخصی نیز در سطح فردی مفید خواهد بود.

اکثر موازین اخلاق حرفه‌ای، علاوه بر صحت/دقت و انصاف، بر صداقت، شفافیت و عقل سلیم نیز در گردآوری اخبار تأکید دارند و فشار برای بیرون کشیدن اطلاعات به هر قیمت را با مفهوم نزاکت متعادل می‌کنند.

مثلاً گزارشگران همواره می‌خواهند کار گزارش خود را پیش ببرند، اما نباید به آزار و ارباب متوسل شوند. روزنامه‌نگاران باید اطلاعات را به شکل آشکار به دست بیاورند و جز در موارد استثنایی (و با تأیید صریح سردبیر) نباید از وسایل ثبت و ضبط مخفی استفاده کنند. هر کس که در رسانه‌ها مورد انتقاد قرار می‌گیرد، باید حق منصفانه‌ای برای پاسخگویی داشته باشد.

در مکان‌هایی که افراد دچار سانحه یا آسیب روحی شده‌اند روزنامه‌نگاران

باید از ایجاد مزاحمت خودداری کنند و به حریم خصوصی افراد احترام بگذارند. با کودکان و قربانیان جرایم جنسی باید با ملاحظه رفتار کرد. در بسیاری از کشورها نام بردن یا عکس گرفتن از آنها طبق قانون ممنوع است. روزنامه‌نگاران اقتصادی باید از تهیه گزارش درباره شرکت‌هایی که خودشان در آنها منافع مالی دارند - مثلاً اگر سهامدار آن شرکت‌ها هستند - خودداری کنند و اگر چنین گزارشی تهیه می‌کنند، باید ذی‌نفع بودن خود را اظهار کنند. بسیاری از سازمان‌های رسانه‌ای قواعد جامعی در زمینه مالکیت و مبادله اوراق بهادار توسط روزنامه‌نگاران دارند.

با این همه، با توجه به پیچیدگی مسائل اخلاقی، بسیاری از موازین و سیاست‌های اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری از اعلام تعداد زیادی قاعده مطلق پرهیز دارند. در موارد استثنایی، قواعد کاملاً تثبیت شده‌ای که در مورد شیوه‌های تصمیم‌گیری در اتاق خبر وجود دارد، بعضاً باید با عنایت به منافع عمومی و الا تر مورد بازنگری قرار گیرد. موازین رفتاری معمولاً تصریح می‌کنند که روزنامه‌نگاران هرگز نباید وانمود کنند که فرد دیگری هستند. اگر روزنامه‌نگار خودش در ستکار نباشد، چگونه می‌تواند نادرستی را بر ملا کند؟ با وجود این، گاهی، به عنوان مثال، ممکن است تنها راه قطعی برای بر ملا کردن فساد مقامات مستلزم استفاده از لباس مبدل یا مخفی شدن در جایی برای به دام انداختن این افراد باشد. در این قبیل موارد، مشاوره با سردبیر و همکاران، و پایبندی به اصول و موازین قومی فرد می‌تواند رهنمودهای اساسی به دست دهد.

سرقت ادبی بلیتی
بی بازگشت به مقصد پایان
حرفه شماسست

دیگر نکته مهم اخلاقی پرهیز از سرقت ادبی است. هر اثر جدید در حوزه روزنامه‌نگاری مبتنی بر مطالبی است که قبلاً منتشر شده‌اند. به مطالبی که از همکاران و یا حتی رقیب‌تان اقتباس می‌کنید، استناد دهید و هرگز بخش‌هایی از نوشته‌های دیگران را به عنوان مطلب خود ارائه نکنید. این بلیتی بی بازگشت به مقصد پایان حرفه شماسست (و باید هم باشد).

هر وقت در تنگنای اخلاقی قرار می‌گیرید، از خودتان بپرسید:

- آیا راه دیگری برای به دست آوردن چنین اطلاعاتی وجود دارد؟
- آیا می‌توانید تصمیم‌های خود را با وجدان آسوده برای کسانی که از آن‌ها زیان دیده‌اند توضیح دهید؟
- اگر موقعیت مشابهی پیش بیاید، آیا باز هم به همین شیوه عمل خواهید کرد؟
- اگر به جای گزارشگر سوژه گزارش بودید، چه احساسی داشتید؟
- آیا هر چه از دست‌تان برمی‌آمده برای رعایت دقت و انصاف انجام داده‌اید؟
- آیا تلاش کرده‌اید تا همه جنبه‌های مهم مطلب را دریابید؟
- آیا تصمیمات شما فارغ از ملاحظات بیرونی و به‌ویژه عاری از انگیزه‌های شخصی بوده است؟

۵. حفاظت از منابع خبری

شیوه‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری معمولاً بر حفاظت از منابع خبری تأکید دارند، گاهی هم این تأکید در تعارض آشکار با قانون است. در برخی از این شیوه‌نامه‌ها به "وظیفه اخلاقی" عدم افشای منابع خبری اشاره می‌شود.

در مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح ما حفاظت از منابع خبری را حق بنیادی روزنامه‌نگار می‌دانیم. اما نمی‌توان گفت که این نوع رازداری به عنوان معیاری بین‌المللی پذیرفته شده است. گاهی این رازداری نقض می‌شود و اغلب هم عواقب وخیمی برای روزنامه‌نگاران یا منابع خبری درگیر به دنبال می‌آورد. سازمان‌های روزنامه‌نگاری، از جمله فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران مستقر در آمریکا، و سازمان گزارشگران بدون مرز مستقر در پاریس، همه با مواردی سر و کار داشته‌اند که روزنامه‌نگاران در صدد حفظ هویت منابع خبری خود بوده‌اند و هنگامی که با فشارهای شدید برای افشای نام منابع خبری خود - گاه از جانب دادگاه‌ها و گاه از جانب حکومت‌های سرکوبگر - روبه‌رو شده‌اند، در صدد حفظ هویت آنان برآمده‌اند.

از جنبه عملی وقتی روزنامه‌نگار قبول می‌دهد که هویت منبع خود را پنهان نگه دارد و بعد نام او را فاش می‌کند، پس از آن به سختی می‌تواند اعتماد منابع خبری را جلب کند. اما هنگامی که یک خبرنگار چین یا مخالف سیاسی به صورت ناشناس اظهارات تند و افشاگرانه‌ای را در رسانه‌ها

بیان می‌کند، ممکن است مقامات رسمی بخواهند نامش را بدانند تا بتوانند مجازاتش کنند و دیگران را هم در آینده از عواقب این گونه اظهارات بترسانند.

این مسئله اغلب در چهار چوب شرایط قانونی مطرح می‌شود. اگر یک روزنامه‌نگار از طریق منبع ناشناسی به اطلاعات محرمانه‌ای دست یابد، شاید حکومت با استناد به نقض قوانین مربوط به حفاظت از اسناد محرمانه بخواهد به اقدامی قانونی علیه او دست بزند.

این مسئله در عمق مباحث مرتبط با آزادی اطلاعات ریشه دارد. با وجود این، بیشتر کشورها برای حق روزنامه‌نگاران نسبت به حفاظت از منابع خبری خود تضمینی قائل نیستند و گاه در ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا نیز روزنامه‌نگاران به خاطر این مسائل به زندان افتاده‌اند. برخی دادگاه‌ها بر خورد همدلانه‌ای دارند و به این موضوع توجه می‌کنند که آیا با حفاظت از منبع خبر مصلحت عمومی بهتر رعایت می‌شود یا نه. دادگاه‌های اروپا تصمیماتی اتخاذ کرده‌اند که ممکن است به روزنامه‌نگاران کمک کنند.

هیچ‌کس انحصار حقیقت را در اختیار ندارد

۶. نکاتی که باید رعایت کرد:

■ تمام جنبه‌های مطلب را بیان کنید. اگر موضوعی مورد مجادله است، باید تلاش کنید با هر "دو طرف" حرف بزنید، اما به خاطر داشته باشید که این کار هم ممکن است کافی نباشد. در یک جنگ "طرف‌های مخاصمه" در کارند. اما، در عین حال، ناظران رسمی بین‌المللی یا دیپلمات‌ها، احزاب مستقل غیردولتی و شهروندان فارغ از وابستگی‌های حزبی هم وجود دارند. هیچ‌کس انحصار حقیقت را در اختیار ندارد، اما هر قدر وابستگی فردی کمتر باشد، اطلاعاتش می‌تواند بیشتر قابل اعتماد باشد.

■ در مواردی که اتهامی علیه فردی مطرح می‌شود، مطمئن شوید که این اتهام در قالبی منصفانه بیان شده است. این به معنی استفاده از اطلاعات متوازن یا دیگر عناصر مهم، به‌ویژه حق برابر برای پاسخگویی به هر اتهامی است.

■ در زمینه رونق تولید مطالب شفاف باشید. شماروز نامه‌نگارید و نقشی که به عهده دارید در ارتباط با مردم است، و کاری که می‌کنید باید علنی باشد. هر قدر ذهن خودتان در این مورد روشن‌تر باشد، در کار به دست آوردن اطلاعات حساس اعتماد منابع خود را بیشتر جلب خواهید کرد.

■ از نزاع بر سر منافع، یا موقعیت‌هایی که ممکن است به این نزاع‌ها منجر شود، بپرهیزید. روزنامه‌نگاران بی‌طرف مادام که به این حرفه

اشتغال دارند نباید به کارهای دولتی مشغول شوند یا در احزاب سیاسی سمت‌های مهم داشته باشند، یا در تظاهرات مردمی‌ای که می‌خواهند از آن گزارش تهیه کنند شرکت کنند، یا به هر صورت کاری انجام دهند که مردم گمان کنند گزارشگری آن‌ها تحت تأثیر اموری از این قبیل است.

از درگیری‌های مالی، یا هر چیزی که نشانه کسب درآمد شخصی (البته غیر از حقوق ماهانه) است و انگیزه‌ای برای تهیه گزارش محسوب می‌شود، دوری کنید. پذیرفتن پول از هر منبعی با هدف تأثیر گذاشتن بر گزارش شما کاملاً غیر اخلاقی است. تهیه گزارش در باره شرکتی که روزنامه‌نگار در آن منافع فردی دارد قابل قبول نیست. در مواردی که مثلاً ناچار می‌شوید دعوت به صرف نوشیدنی یا خوردن غذا را بپذیرید، نباید چیزی اظهار کنید که حاکی از قولی برای ارائه گزارش مطلوب یا حذف گزارش نامطلوب در ازای این پذیرایی باشد. همچنین، جز در موارد بسیار استثنایی، آن‌هم با تأیید سردبیر، نباید در ازای اطلاعات چیزی پرداخت کنید.

روزنامه‌نگاران مجبورند سؤال‌های دشواری مطرح کنند. روزنامه‌نگار در خدمت حق مردم برای دانستن است، از این رو مسئولیت کندو کاو را به عهده دارد. اما این به معنای بی‌نزاکتی و گستاخی نیست. راهنمای تحریریه بی.بی.سی. می‌گوید:

نظر شما هر چه هست، مهم
این است که به منابع خود
احترام بگذارید

«جستجوگر، زرنگ، شکاک، مطلع و نکته‌سنج» باشید، اما «از بی‌نزاکتی یا دل‌بستگی به یک طرف بحث» حذر کنید.

آدم‌ها باید بدانند که از حرف‌ها و تصاویرشان چگونه استفاده خواهد شد (گرچه در گزارش‌های مخفیانه یا تحقیقی ممکن است استثناهای توأم با احتیاط ضروری باشد). در مورد قواعد اصلی مصاحبه‌ها کاملاً شفاف و روشن عمل کنید و برای گرفتن عکس یا فیلم اجازه بگیرید. این موضوع به ویژه وقتی می‌تواند اهمیت داشته باشد که گزارش مربوط به جنگ باشد، چون در این مواقع ارتش‌ها ممکن است قواعدی را، هر قدر هم که ناخوشایند باشند، به اجرا بگذارند. نظر شما هر چه هست، مهم این است که به منابع خود احترام بگذارید.

از منابع ناشناس با نهایت احتیاط استفاده کنید. روزنامه‌نگاران گاهی به حرف‌های "دیپلمات‌های ارشد"، "افسران بلندپایه" یا شاهد‌های ناشناس دیگری استناد می‌کنند که درخواست می‌کنند از آن‌ها محافظت شود. اما این امر آن منابع را مجاز نمی‌کند که اتهامات بی‌پایه و اساس بزنند و به روزنامه‌نگاران هم مجوز منبع‌تراشی (راه سریع دیگری برای نابود کردن اعتبارتان) نمی‌دهد. اگر نام منبع محفوظ است، برای نشان دادن اعتبار او از نزدیک‌ترین توصیف ممکن استفاده کنید. در همه موارد روشن و شفاف عمل کنید، به ویژه در ارتباط با سردبیرتان، که شاید از شما بخواهد منبع خود را قانع کنید که حرف‌هایش ثبت شود تا شما بتوانید اطلاعات بسیار حساس را منتشر کنید.

اگر بعید به نظر می‌رسد که اطلاعات شما واقعی باشد، ممکن است همین‌طور هم باشد. به عقل سلیم رجوع کنید و از خودتان بپرسید:

- آیا اطلاعات خود را به شیوه‌ای قابل اعتماد و اخلاقی به دست آورده‌اید؟
- آیا تمام تلاش خود را به کار بسته‌اید که تا حد ممکن دقیق باشید و بر اعتبار واقعیت‌هایی که مطرح کرده‌اید بیفزایید؟
- آیا تصمیم‌های شما فارغ از تأثیرات غیرمنصفانه و عاری از جهت‌گیری است؟
- آیا متعادل برخورد کرده‌اید و زمینه بحث را فراهم کرده‌اید، و به‌ویژه آیا حق پاسخگویی و اظهار نظر منصفانه را برای هر کسی که در مقاله خود مورد انتقاد قرار داده‌اید، محفوظ نگه داشته‌اید؟
- آیا هیچ راه دیگری برای به دست آوردن اطلاعات، به‌ویژه در مواردی که پای منابع ناشناس در میان بوده، وجود ندارد؟
- آیا منابع شما قابل اعتماد هستند و با تمام طرف‌های ماجرا حرف زده‌اید؟
- آیا اطلاعات شما مستدل و منطقی‌اند؟
- و از همه مهم‌تر، آیا می‌توانید پای مطلب‌تان بایستید؟

تمرین

در این بخش، مطالب زیر را مرور کرده‌اید:

- مفاهیم عام و فراگیر بی‌طرفی، صحت/دقت، و انصاف.
- وظیفه روزنامه‌نگاران برای حفاظت از منابع خبری.
- اصول متعارف در موازن اخلاقی و رفتاری روزنامه‌نگاری.
- نکات و موارد مختلفی که باید در تهیه و انتشار گزارش رعایت کرد.

تمرین ۱

پلیس "به طور خصوصی" به شما خبر داده که قرار است بازرگان خوشنامی را که به دلیل کارهای خیر و خدماتش به مردم شهرت دارد، دستگیر کنند. می‌گویند قصد دارند به اتهام‌های کلاهبرداری و ارتشاء رسیدگی کنند. غروب است و در حال حاضر دسترسی به هیچ نوع سند رسمی ممکن نیست.

به بازرگان مورد بحث زنگ می‌زنید و او تأیید می‌کند که از این اتهام‌ها باخبر است و انتظار دارد فردا بازداشت شود. از دادن پاسخ صریح به اتهام‌ها طفره می‌رود. از شما می‌خواهد برای انتشار این خبر یک روز دست نگه‌دارید تا بتواند موضوع را با خانواده‌اش در میان بگذارد. می‌گویید اگر بتوانید انتشار مطلب را به تعویق بیندازید، او هم "هوای شما را خواهد داشت".

- تنگناهای اخلاقی این مثال کدام است؟
- آیا مسائل رفتاری دیگری هم وجود دارد؟
- آیا باید این موضوع را با کسی در میان بگذارید؟
- آیا به اطلاعات بیشتری نیاز دارید؟
- آیا لازم است که این گزارش را تهیه کنید؟
- می‌توانید گزارش خود را بر اساس واقعیات اندکی که در این مثال آمده بنویسید، و برای این که موضوع را به خوبی شرح دهید به چه چیزهایی نیاز دارید؟

تمرین ۲

شما از یک جنایت جنگی گزارش تهیه کرده و مطلب مهمی منتشر کرده‌اید که توجه جهانی را به فاجعه‌ای جلب کرده است. در تهیه این گزارش تمام ملاحظات اخلاقی معمول در روزنامه‌نگاری را مراعات کرده‌اید: مراعات حال منابع خود را کرده‌اید، با دقت یادداشت برداشته‌اید، و فقط مسائلی را که می‌توانید تأیید کنید منتشر کرده‌اید.

سال‌ها بعد یک دادگاه بین‌المللی شما را برای ادای شهادت احضار می‌کند. از شما می‌خواهند یادداشت‌هایتان را در اختیار دادگاه قرار دهید. می‌خواهند عهد و پیمان‌تان را در مقام روزنامه‌نگار زیر پا بگذارید و نام منابع خود و دیگر اطلاعاتی را افشا کنید که در آن زمان به عنوان روزنامه‌نگار حاضر به انتشارش نبوده‌اید.

آیا به منظور حمایت از پیگرد قضایی یک متهم به جنایت جنگی در این دادگاه شرکت می‌کنید؟ یا برای دفاع از موازین اخلاقی روزنامه‌نگاری، حتی با مسئولیت خودتان، از شرکت در دادگاه سر باز می‌زنید؟

منابعی برای مطالعه

در بسیاری از وبسایت‌ها به موازین اخلاقی و رفتاری [روزنامه‌نگاری بین‌المللی اشاره شده است، از جمله:

www.uta.fi/ethicnet

www.presswise.org.uk

www.ifj.org

همچنین نگاه کنید به "پروژه کمال در روزنامه‌نگاری":

Project for Excellence in Journalism

www.journalism.org

برای مراجعه به فهرست و لینک‌های بسیاری از موازین اخلاقی عمده فردی بنگرید به:

www.asne.org/index.cfm?id=387

و نیز:

www.poynter.org/column.asp?id=32&aid=16997

برای مراجعه به نیویورک تایمز:

www.nytc.com/pdf/ NYT_Ethical_Journalism_042904.pdf

برای مراجعه به اسوشیتد پرس:

www.apme.com/index.shtml

و برای مراجعه به رویترز بنگرید به:

about.reuters.com/aboutus/editorial

ساختار گزارش



پیش از رساندن روزنامه
به مرحله تولید (مانند این
تصویر در کابل)، ابتدا باید
مطالب و گزارش‌ها را با
دقت تألیف کرد

گزارشگران خبری حرفه‌ای معیارهای بین‌المللی پذیرفته شده‌ای را در مورد ساختار گزارش رعایت می‌کنند که برای ارائه سرراست، موجز و روشن اطلاعات طراحی شده‌اند. روزنامه‌نگاری در کشورهای مختلف سنت‌های متفاوتی دارد و هیچ سبکی لزوماً بهتر از سبک‌های دیگر نیست. اما رتوس کلی سبک خبرنویسی که در ادامه می‌آید معمولاً در سطح بین‌المللی، به‌ویژه در کشورهای انگلیسی‌زبان، پذیرفته شده است.

اصل این است که خواننده بیشتر از هر چیز اهمیت دارد.

یعنی گزارشگر باید با در نظر گرفتن مردمی که اطلاعات او را دریافت خواهند کرد بنویسد. نثر باید سرراست باشد و توجه مخاطبان را جلب کند تا بخواهند گزارش را بخوانند. این همان چیزی است که وجه ممیز خبرنویسی خوب محسوب می‌شود. خوانندگان چه چیزی را می‌خواهند - یا نیاز دارند - بدانند؟ چرا باید این گزارش را بخوانند؟

در ادبیات یا فیلم مخاطب توقع دارد سرگرم شود و می‌توان او را در حالت تعلیق و انتظار نگه داشت. نویسنده با مقدمه‌ای شروع می‌کند، یک طرح داستانی پدید می‌آورد، خواننده را، به‌ویژه از طریق کیفیت نوشتار یا تصویرپردازی، در تعلیق نگه می‌دارد، و سپس به سوی نقطه اوج می‌برد. خواننده هم برای همراه شدن با این تجربه وقت می‌گذارد.

اما این موضوع در مورد خبر صادق نیست. مردم اطلاعات می‌خواهند، آن هم اطلاعات صریح و سرراست.

در خبرنگاری منظر اصلی انتقال اطلاعات است

درگیری احساسی مخاطب خبر امتیازی است که در اخبار تلویزیون می‌تواند مهم باشد، اما منظور اصلی انتقال اطلاعات است. هیچ تضمینی وجود ندارد که خواننده روزنامه و سایت وقت بگذارد و مطلب را تا آخر بخواند، یا در واقع از مقدمه گزارش جلوتر برود. بنابراین، نویسنده باید به ویژه چنین خوانندگانی را در نظر بگیرد.

کسی را که در حال مطالعه روزنامه یا وبسایتی است، زیر نظر بگیرد. این روند با خواندن کتاب خیلی فرق دارد. خواننده روزنامه نگاهی به صفحه و تیترها می‌اندازد و بعد اولین جمله مطلبی را می‌خواند که توجهش را جلب کرده است. خوانندگان تصمیم می‌گیرند چه چیزی می‌خواهند بخوانند و چه مقدار می‌خواهند بخوانند، و بسته به این که مطالب تا چه حد جذابشان کرده باشد یا چقدر در بردارنده اطلاعات خاصی باشد که به دنبالش هستند، صفحه‌ها را به آرامی یا به سرعت ورق می‌زنند. در روزنامه یا وبسایت "جا"های متفاوت زیادی وجود دارد که خواننده می‌تواند به سراغشان برود، و مقالات زیادی برای جلب توجه او با هم رقابت می‌کنند. به علاوه، روزنامه‌هایی که می‌توان خواند زیاد و متفاوت‌اند، و سایت‌هایی که می‌توان به آن‌ها مراجعه کرد حقیقتاً بی‌شمارند. به همین دلیل است که مرور سریع تعداد زیادی منبع اطلاعاتی آنلاین به "وبگردی" مشهور شده است.

در روش ساخت گزارش خبری - یعنی ساختار - باید این موضوع را در نظر گرفت. از این رو، در سنت روزنامه‌نگاری بین‌المللی نقطه اوج - یعنی

مهم‌ترین قسمت مطلب - معمولاً درست در آغاز یا در مقدمه می‌آید. این قسمت "لید"^۲ [یا مقدمه] خوانده می‌شود. مهم‌ترین واقعیات در موجزترین شکل ممکن، با حداقل توضیح لازم، در اولین پاراگراف می‌آید. سپس، در بندهای بعد، جزئیات یا بدنه اصلی گزارش ارائه می‌شود و اطلاعاتی در آن می‌آید که به تدریج از قدر و اهمیت‌شان کاسته می‌شود.

هرم وارونه

این شکل از نوشتن به سبک هرم وارونه مشهور شده است، زیرا اگر در قالب نمودار ترسیم شود، شبیه هرم واژگونی است که مطالب بر اساس اهمیت به ترتیب از بالا به پایین در آن قرار می‌گیرند. این شیوه ارائه مطالب نیازهای خواننده و همین‌طور سردبیر روزنامه را برطرف می‌کند.

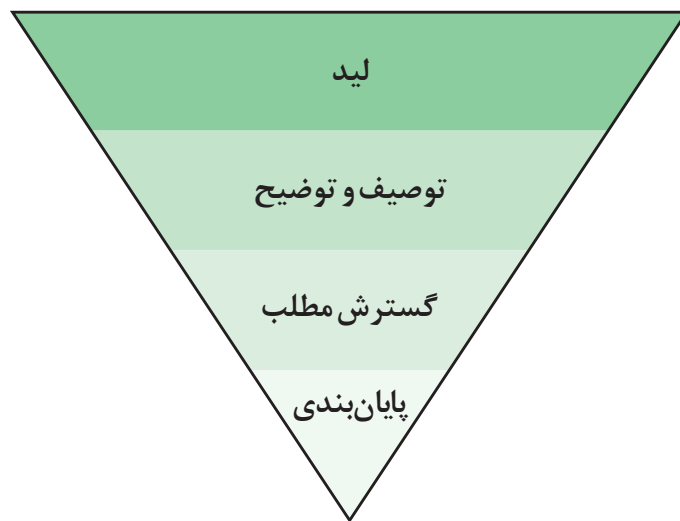
این شیوه خبرنویسی از نظر وقت برای خوانندگان مقرون به صرفه است چون بانگاهی به نخستین جمله می‌توانند بفهمند که مطلب ارزش دنبال کردن دارد یا نه. لید در برگیرنده مهم‌ترین نکات است. لید موفق، معمولاً نکات اصلی گزارش را در ۲۵ تا ۴۰ کلمه به دست می‌دهد و به هدف جلب نظر خواننده دست می‌یابد. یک راه خوب برای ارزیابی لید این است که ببینیم آیا این مقدمه خودش به تنهایی خلاصه خبر قابل فهمی به شمار می‌آید یا نه.

بعد از لید، مطلب با شرح و توصیف اطلاعات اصلی، افراد یا سازمان‌های دخیل در ماجرا و موضوعات مورد بحث مقاله ادامه می‌یابد.

گسترش مطلب موجب جلب توجه بیشتر می‌شود؛ در جزئیات بیشتری کندو کاو می‌شود، دیدگاه‌های اولیه عمیق‌تر شکافته می‌شود، آب و تاب گزارش بیشتر می‌شود یا قول‌های مفصل‌تری از شرکت‌کنندگان در بحث نقل می‌شود.

در پایان‌بندی می‌توان به جمع‌بندی پرداخت، لایه‌های مختلف گزارش را کنار هم چید، یا بالحنی نظری‌تر، و اغلب با نقل قول مستقیمی از یکی از طرف‌های درگیر، گزارش را به پایان برد. اما پایان‌بندی نباید حاوی اطلاعات جدید باشد یا موضوع تازه و مهم یا نکته‌واپسینی را مطرح کند که باید قبلاً مطرح شده باشد. پایان‌بندی به طور کلی اشاره‌ای ظریف است، و در بسیاری موارد می‌توان به کلی از آن صرف نظر کرد، یا در صورت کمبود جا آن را حذف کرد.

ساختار گزارش: هرم وارونه



این ساختار حاکی از آن است که هدف گزارش خبری این نیست که خواننده یا مخاطب را در حدس و گمان نگه داریم، بلکه مقصود این است که واقعیات را با سرعت، به روشنی، با دقت و به سادگی بیان کنیم. نکته مهم این است که این سبک به ویرایش گزارش هم کمک می کند و این امکان را به وجود می آورد که بتوان مطالب را به سرعت کوتاه کرد تا در فضای کوچک تری در صفحه جا بگیرند و با موقعیت های متغیر به سهولت سازگار شوند.

فرض کنید سردبیر دربارهٔ موضوعی یک گزارش ۸۰۰ کلمه‌ای خواسته است، بعد واقعهٔ مهم‌تری مثل ترور رهبر کشور یا انفجار بمب اتفاق می‌افتد؛ و بدیهی است که این اتفاقات ناگهانی و غیرمنتظره رخ می‌دهند. سردبیر باید برای انعکاس این خبر فوری به سرعت اقدام کند. به این ترتیب، جای کمتری برای مطالب دیگر باقی می‌ماند (گاهی هم اصلاً جایی باقی نمی‌ماند).

اگر ساختار گزارش به شکل هرم وارونه باشد، کوتاه کردن و حذف مطالب از پایین به بالا، بدون از بین رفتن اطلاعات اصلی، نسبتاً ساده خواهد بود. حتی ممکن است تمام مقاله تنها به یک پاراگراف ختم شود. اما اگر مقاله ساختار درستی داشته باشد، کماکان روشن، بامحتوا و آگاهی‌بخش خواهد بود.

چنین مقاله‌ای به شش پرسش اساسی پاسخ خواهد داد.

روزنامه‌نگاری مطلوب
اصولاً عبارت است از ارائهٔ
پاسخ‌های قانع‌کننده به شش
پرسش اساسی

شش پرسش

روزنامه‌نگاری مطلوب اصولاً عبارت است از ارائه پاسخی قانع‌کننده به پرسش‌ها. چیزی از این ناراحت‌کننده‌تر نیست که گزارش خبری پرسش‌هایی را مطرح کند بدون این که به آن‌ها پاسخ دهد. شاید مطرح کردن همه پرسش‌ها در لید مطلب همیشه هم بدون ایجاد به هم ریختگی و دشوار ساختن فهم مسائل امکان‌پذیر نباشد. اما این هدفی است که روزنامه‌نگاری دنبال می‌کند و پرسش‌های اصلی قطعاً باید در نخستین پاراگراف‌ها مطرح شوند. لید خبری خوب معمولاً از ۲۵ تا ۴۰ کلمه بیشتر نیست.

چه کسی، چه چیزی، چه موقع، کجا، چرا و چگونه؟

به خاصیت اثرگذار این پرسش‌ها توجه کنید. روزنامه‌نگاری به رویدادها می‌پردازد، چه رویدادهای شگرف و مهیج چه حرکت‌های مستمر و طولانی. روزنامه‌نگاری در هر حال وقایعی را منعکس می‌کند که عملاً در جهان رخ می‌دهند، و تلاش می‌کند این وقایع را به شکلی موجز و مختصر، و با سادگی و صراحت به اطلاع طیف وسیعی از مخاطبان برساند.

این مثال را بخوانید:

دولت و مخالفان یکدیگر را به قتلی متهم می کنند که موتنه نگر و را تکان داد

نوشته نندیلکورو دوویچ در پودگوریتسا^۳

بازداشت دو مظنون به قتل یک روزنامه نگار برجسته نتوانسته جنگ لفظی بین دولت موتنه نگر و مخالفان را بر سر واقعه تیراندازی منجر به این قتل فرو بنشانند.

قتل دوسکو یووانوویچ^۴ در ۲۷ ماه مه که به جوترس و ناامنی در کشور دامن زده، شکاف بین احزاب مخالف و دولت را عمیق تر کرده است.

شب گذشته دامیر ماندیچ^۵، رزمی کار مشهور، و برادرش آلمیر در ارتباط با پرونده این قتل دستگیر شدند.

یووانوویچ که ۴۰ سال داشت و سردبیر روزنامه دان در پودگوریتسا و منتقد ائتلاف طرفدار استقلال بود، حوالی نیمه شب مقابل دفتر کارش با شلیک گلوله به قتل رسید.

بعد از آن که یووانوویچ سوار اتومبیلش شد، اتوموبیلی باشیسه های دودی نزدیک او توقف کرد و مرد مسلحی از داخل آن به سوی او آتش گشود. اتوموبیل مزبور سپس با سرعت به سوی مقصدی نامعلوم حرکت کرد.

این قتل مایه سرافکنندگی نخست‌وزیر، میلوژوکانوویچ ۶، شده است زیرا مخالفان مدعی هستند که این قتل به دستور افراد نزدیک به او — یا حتی اعضای دولت او — انجام شده است. در راهپیمایی مخالفان برای بزرگداشت ژوکانوویچ در ۲۹ ماه مه، معترضان که در پایتخت، پودگوریتسا، از برابر ساختمان‌های دولتی می‌گذشتند، شعار "میلوقاتل" سر می‌دادند.

انتلاف حاکم اصرار دارد که این قتل دقیقاً برای متزلزل کردن دولت انجام شده است.

دراگان ژوروویچ ۷، وزیر کشور، برای رفع هرگونه سوءظن در مورد دخالت دولت در این قتل اعلام کرده است در صورتی که پرونده این قتل روشن نشود، استعفا خواهد داد. او برای ارائه اطلاعاتی درباره امران و عاملان این قتل یک میلیون یورو پاداش تعیین کرده است.

ژوکانوویچ هم گفته است که این قتل "ضربه‌ای به آرامش و ثبات در مونته‌نگروست. به همین دلیل، بررسی این موضوع حائز اهمیت است که چه کسانی احتمالاً انگیزه داشته‌اند که با ارتکاب این عمل جنایتکارانه چنین پیامی بفرستند."

وزیر کشور از پلیس فرانسه، بریتانیا، آلمان و آمریکا تقاضا کرده است تا برای رسیدگی به این پرونده کارشناسانی به مونته‌نگرو اعزام کنند. در حال حاضر، کارشناسان آلمانی وارد مونته‌نگرو شده‌اند.

[در این مثال، به همین مقدار از گزارش بسنده کرده‌ایم.]

این گزارش خبری "سخت" یا "فوری" نیست، بلکه تحلیلی خبری است در پی دستگیری شبانه دو مظنون به قتل. اما این گزارش نیز به ساختاری روشن نیاز دارد. بگذارید قواعد هر موارونه را در این گزارش بیازماییم:

صحنه در بند اول مهیا شده است. بعد از این قسمت، گزارش گسترش داده می‌شود - به ویژه با افزودن پس زمینه، سمت‌ها و عناوین افرادی که از آن‌ها نام برده شده، و متوازن کردن اطلاعات. با این حال، توجه کنید که اساس گزارش به اختصار در لید آن آمده است.

سایر لیدها

با این که لید مستقیم و سرراست ساده‌ترین و مطمئن‌ترین لیدهاست، ممکن است گاهی بخواهید قدری تنوع یا نوآوری به خرج دهید. هدف کماکان جذب کردن و مفتون ساختن مخاطب است - در این حال، ممکن است پاسخ به آن شش سؤال کمی به تأخیر بیافتد. درست است که لید سخت‌اخبار ممکن است برای مطالبی درباره یک رویداد هنوز در حال وقوع یا موضوعی بشر دوستانه مناسب نباشد، اما زیاد هم معطل نکنید و الا ممکن است مخاطب خود را از دست بدهید. این تکنیک گاهی "سبک تأخیری" نامیده شده است.

مثال:

مردم اسلو بسک^۸ ۵ سال است که در بیم و هراس به سر می‌برند، اما دولت بالاخره اقداماتی را برای نجات جان مردم این منطقه شروع کرده است.

تعبیر "بیم و هراس" می تواند توجه مخاطب را جلب کند. اما هنوز باید به آن شش پرسش اصلی پاسخ داد. بنابراین جمله بعدی می تواند این طور باشد:

واحدهای ویژه ارتش دیروز، بعد از تخلیه ۵۰۰ نفر از روستای بیان، مین ها و گلوله های توپ عمل نکرده ای را که از جنگ شش ماه قبل به جا مانده بود منفجر کردند.

از لیدهای نوآورانه و جذاب باید با امساک و تنها در مواردی استفاده کرد که واقعا بیشتر از لید مستقیم جذابیت یا تأثیر داشته باشند.

گاهی ممکن است بخواهید در لید خود فضا سازی کنید:

بوی مرگ و لایه ای ضخیم از دود همچون بختک بر خیابان پوشیده از آوار فرو افتاده بود. از گلوله باران سنگینی که نیمه شب گذشته آغاز شده و ۱۲ ساعت بی وقفه ادامه یافته بود، تنها همین نشانه باقی مانده بود.

گاهی ممکن است بخواهید برای جلب توجه خواننده به او شوک وارد کنید:

"اصلاً باور کردنی نیست"، ژنرال می خواست با این جمله حیرتش را از میزان تخریبی که با طلوع خورشید آشکار شده بود بیان کند.

به ویرانه های شهر نگاه می کرد که تمام شب زیر آتش توپخانه دشمن بود؛ ده ها نفر کشته و صدها نفر مجروح شده بودند و بیشتر ساختمان های مرکز شهر ویران شده بود.

در هر واقعه‌ای، اطلاعات باید سریع و روشن ارائه شود و "ساخت" هر لید تازه‌ای هم باید کوتاه و سرراست باشد. جان کلام رعایت اختصار است. جزئیات، گزارش را زنده و باورپذیر می‌کند. اما این حرف به معنی استفاده بیش از حد از جزئیات نیست، بلکه به این معناست که در روایت ماجرا بیشتر از واقعیات زنده و هیجان‌انگیز استفاده شود تا از صفت‌ها. استفاده از صفت‌ها تنها در صورتی مجاز است که واقعاً چیزی به روایت اضافه کنند، نه این که صرفاً تصویر زیبایی ترسیم کنند. گزارش خود را بیشتر با عمل روایت کنید تا توصیف. صفت‌ها گاهی از عینیت و بی‌طرفی گزارش می‌کاهند.

این دو جمله را مقایسه کنید:

تالار پر سروصد/ به دستور رئیس خشمگین به دلیل فحاشی یکی از نمایندگان ناگهان خالی شد.

رئیس جلسه با چکش خود روی میز کوبید و دستور داد نمایندگان داد و فریاد را متوقف کنند و سریعاً از اتاق بیرون بروند.

در جمله دوم جزئیاتی از آن چه واقعاً اتفاق افتاده با فعل‌های معلوم (و نه مجهول) بیان می‌شود. اگر از صفت استفاده می‌کنید، از خود پرسید، آیا به جای استفاده از صفت می‌توان موضوع را با جزئیات تشریح کرد، یا نکند این صفات فقط

اگر مطمئن نیستید، برگردید
و دوباره سؤال کنید

بیانگر عقاید یا مفروضات نویسنده‌اند. در استفاده از جزئیات افراط نکنید. قاعده این است: فقط به اندازه‌ای از جزئیات استفاده کنید که گزارش شما را روشن‌تر، جذاب‌تر و حتی مهیج‌تر کند - امانه به آن اندازه که مخاطب اصلاً یادش برود که گزارش درباره چیست.

اگر مردد هستید، از همه جزئیاتی که به نظرتان مطلب را بهتر می‌کند، استفاده کنید. سردبیران همواره می‌توانند آن‌ها را حذف کنند، اما چون در محل حضور ندارند نمی‌توانند آن‌ها را اضافه کنند.

پس زمینه

روزنامه‌نگار همیشه باید مطمئن باشد که پس‌زمینه اطلاعاتی کافی برای سردرآوردن از موضوع و نوشتن درباره آن را دارد. به یاد داشته باشید که اگر خودتان از موضوع سر در نمی‌آورید، بعید است مخاطب شما هم چیزی دستگیرش شود. اگر مطمئن نیستید، برگردید و دوباره سؤال کنید.

گزارشگر همواره باید به خاطر داشته باشد که مخاطب به اندازه او از پیشینه و پس‌زمینه موضوع مطلع نیست. پس مطمئن شوید که اطلاعات گزارش آن قدر هست که مخاطب از موضوع سر در بیاورد.

همیشه از عنوان کامل اشخاص استفاده کنید و واژه‌های اختصاری را در اولین کاربرد توضیح دهید. شمایی که در کشور خود به گزارشگری مشغول هستید نام نخست‌وزیر را می‌دانید. اما خواننده‌ای که در آن سر دنیا گزارش شما را از طریق اینترنت یا، به دلیل انتشار هم‌زمان آن در رسانه‌ها می‌خواند، ممکن است او را نشناسد. وابستگی‌های حزبی نیز ممکن است بسیار پیچیده باشد، بنابراین مطمئن شوید که در نخستین (یا در موارد خیلی استثنایی در دومین) اشاره در گزارش خود نام کامل حزب و رویکرد آن را به اختصار ذکر کرده‌اید - مثلاً جناح چپ یا راست، مذهبی یا قومی، سوسیال دموکرات یا محافظه‌کار و مانند این‌ها.

بد نیست مخاطب مثلاً بداند که علی بیگ خیاطی است در خیابان اصلی در مرکز تجاری فلان منطقه و نه در حومه شهر، و این که صاحب خیاطی است یا آن جا کار می‌کند. سنش چقدر است؟ خانواده دارد یا نه؟ آیا این اطلاعات به گزارش مربوط می‌شود و به درک بهتر خواننده کمک می‌کند؟

شاید لازم باشد نکاتی را درباره یک شخصیت مشهور به مخاطبان یادآور شوید - مثلاً این که فلان بازیکن بسکتبال به خاطر شوت‌های دست چپش مشهور است ... یا بهمان نماینده مجلس که همین یک سال پیش از زندان آزاد شده، به دلیل کتک زدن یک پلیس محکوم به حبس شده بوده ... و از این قبیل. سعی کنید پیش‌دستی کنید و مسائل بغرنج را روشن کنید. اگر نام خانوادگی دو نفر در گزارش شما یکی است، مشخص کنید که با هم

اصل این است:
چگونه می‌توانم موضوع را
برای مخاطب روشن‌تر کنم؟

نسبت دارند یا نه. اگر واقعه‌ای در روستایی رخ داده، در فرصتی ذکر کنید که این روستا تا پایتخت چقدر فاصله دارد، و در شمال واقع شده است یا در شرق، جنوب یا غرب. اگر حزب مخالفی بیانیه‌ای می‌دهد، به خواننده یادآور شوید که این حزب یک تشکل بزرگ و بانفوذ است که احتمال دارد زمانی به قدرت برسد یا یک گروه کوچک است.

گاهی ممکن است لازم باشد تعبیراتی مثل "شهری در منطقه بیابانی" را به نوشته خود اضافه کنید چون شاید خیلی‌ها ندانند که آن شهر در بیابان واقع است، یا شاید لازم باشد ذکر کنید "حومه صنعتی" یا "شهر جنوبی".

اصل این است: چگونه می‌توانم موضوع را برای مخاطب روشن‌تر کنم؟ از جزئیات ملال آور یا بی‌ربط بپرهیزید و این امکان را برای خواننده ناآشنا با موضوع فراهم کنید که گزارش را دنبال کند. دقیقاً همان اطلاعاتی را به خواننده بدهید که به درک و فهم او کمک می‌کند، نه بیشتر، نه کمتر.

تمرین

نگاهی به لید مطالب روزنامه‌ها بیاندازید و به پرسش‌های زیر درباره مطالب مختلف پاسخ دهید:

■ روزنامه‌نگار برای سروسامان دادن به گزارش خود چند کلمه یا پاراگراف لازم دارد؟

■ لیدها به شکل لیدهای معمول در سخت‌اخبار تنظیم شده‌اند یا به شکل‌های دیگر، مثلاً با استفاده از فضا سازی یا دیگر رویکردها؟

■ آیا لیدها به شش سؤال اصلی پاسخ می‌دهند؟

روزنامه یا صفحه اینترنتی را که مطالعه می‌کنید بررسی کنید. سعی کنید بفهمید چه چیزی باعث می‌شود مطالب مختلف را بخوانید. چه چیزی در یک مقاله توجه شما را آن قدر "جلب" می‌کند که آن را تا آخر بخوانید و چه چیزی باعث می‌شود مطلبی را کنار بگذارید و به سراغ مطلب دیگری بروید؟ چه میزان جزئیات باعث جذابیت مطلب است و چه میزان جزئیات ملال‌آور می‌شود؟

نتیجه‌گیری‌های خود را با همکاران‌تان در میان بگذارید و ببینید آیا به نتایج مشابهی می‌رسید.

منابعی برای مطالعه

وبسایت مؤسسه پوینتر چند "صفحه راهنما" درباره شیوه‌های نوشتن، ساخت مطالب و ویرایش آن‌ها دارد:

www.poynter.org/subject.asp?id=2

1. surfing
2. lead
3. Nedjelco Rudovic
4. Dusko Jovanovic
5. Damir Mandic
6. Millo Djukanovic
7. Dragan Djurovic
8. Oslobsk

منبع یابی

منابع، مواد و مصالح ساختمان گزارش شما هستند. اگر منابع خود را به درستی مهیا کنید، گزارش به سهولت نوشته می شود. از دست دادن یک منبع مهم، گزارش شما را - به رغم نثر شیوا، اهمیت موضوع، یا تلاش فراوان شما - غیر قابل چاپ می کند.

در ارزیابی منابع خود جدی باشید و آن ها را با دید انتقادی بررسی کنید. آیا در موقعیتی هستند که از اطلاعاتی که در اختیار شما قرار می دهند باخبر باشند، و آیا قابل اعتمادند یا صرفاً شایعات را نقل می کنند؟ آیا گزارش شما تا اب ایستادگی در مقابل بررسی جدی واقعیات یا هر بررسی دقیق و مستقل دیگری را دارد؟ آیا منابعی که حرف یکدیگر را تأیید می کنند، واقعاً از همدیگر مستقل اند؟ اگر مدرکی را مبنای گزارش خود قرار می دهید، آیا آن مدرک در اختیار شماست یا فقط خبرش را شنیده اید؟

در روزنامه نگاری مطلوب، علاوه بر منبع یابی قوی، باید از شفافیت منابع نیز مطمئن شد. گزارش خبری قابل اعتماد به مخاطب امکان می دهد بر مبنای اعتبار و دقت منابع خبری اش به قضاوت بپردازد. در گزارش های مربوط به جنگ یا درگیری یا هر موضوع مورد اختلافی، مشخص کردن هویت منابع خبری به روشنی هر چه تمام تر ضروری است. این کار حفاظت روزنامه نگار از خود در برابر اتهام های جهت گیری یا طرفداری به شمار می رود و بر اعتبار گزارش می افزاید.



اگر منابع خود را به درستی مهیا کنید، گزارش به سهولت نوشته می شود

مهم این است که هویت
منبع خبری را با صراحت
هرچه تمام‌تر مشخص کنید
تا خواننده خود بتواند
نتیجه‌گیری کند

منبع‌یابی مستلزم استناد روشن است و به این پرسش راجع می‌شود که "از کجا می‌دانیم؟" از طریق کسی با خبر می‌شویم که "۱۲ نفر در درگیری کشته شده‌اند"، یا شخصاً اجساد را شمارش کرده‌ایم. اما اگر منبع این خبر رهبر یک گروه چریکی باشد، از کجا بدانیم که او راست می‌گوید؟ ممکن است، بر اساس اطلاعاتی دولت، مطلع شده باشیم که امسال تولید پسته افزایش یافته است. اما آیا به اطلاعاتی دولت اعتماد داریم؟ آیا لازم نیست صحت و سقم این خبر را از دیگران هم جویا شویم؟ مهم این است که هویت منبع خبری را با صراحت هرچه تمام‌تر مشخص کنید تا خواننده خود بتواند نتیجه‌گیری کند.

طراحی گزارش

نخستین گام برای تهیه هر گزارشی ترسیم منابع و طراحی گزارش بر مبنای آن‌هاست. ایده گزارش را تا حد ساده‌ترین اجزای آن خرد کنید، و نموداری از منابع انسانی ضروری و مطلوب، و نیز اسناد و مدارک، شاهدان یا سایر منابعی که برای تهیه گزارش لازم دارید، ترسیم کنید.

یافتن منابع عمدتاً بر اساس عقل سلیم و موازین اصلی صورت می‌گیرد، اما نکته قابل توجه این است که این مبانی - بادر نظر گرفتن زمان، منابع، یا فشارهای دیگر - در بسیاری موارد نادیده گرفته می‌شوند:

- اگر می‌خواهید شرح حال مختصر فردی را بنویسید - به‌ویژه اگر این شرح حال انتقادی باشد - بی‌چون و چرا باید با خود آن فرد هم حرف بزنید یا دست‌کم تا جایی که می‌توانید برای حرف زدن با او تلاش کنید. اگر نتوانستید با او حرف بزنید، یا آن شخص از صحبت خودداری کرد، این موضوع را در گزارش خود ذکر کنید.
- اگر دربارهٔ جنگ و درگیری می‌نویسید، هر طور شده با هر دو طرف حرف بزنید، و منبعی مستقل از هر دو آن‌ها پیدا کنید که بتواند مدعیات طرفین را ارزیابی کند.
- اگر واقعه یا رویدادی را منعکس می‌کنید - مثلاً یک رویداد مهم در سطح ملی - علاوه بر متخصصان، با افراد مختلف در کوچه و خیابان هم گفت‌وگو کنید.
- اگر از مکان معینی گزارش تهیه می‌کنید، با بیان جزئیات قابل توجه و افزودن رنگ و بوی انسانی از طریق مشاهدات عینی خود، خواننده را به آن جا ببرید. برای خواننده مشخص کنید که این شمای روزنامه‌نگار هستید که در محل حضور داشته‌اید.
- اگر مقاله شما بر پایهٔ یک سند یا گزارش است، تا حد ممکن تلاش کنید به اصل آن مدرک دسترسی پیدا کنید و تأیید منابع خود را دربارهٔ درستی و صحت آن بگیرید. صراحت داشته باشید و مثلاً به خواننده بگویید: "بر اساس سندی که گزارشگر رؤیت کرده" یا "بر اساس سندی که به این روزنامه رسیده".

اصول اساسی
روزنامه‌نگاری بین‌المللی
عبارت‌اند از بی‌طرفی،
انصاف و صحت/دقت

به خاطر بسپارید که اصول اساسی روزنامه‌نگاری بین‌المللی عبارت‌اند از بی‌طرفی، انصاف و صحت/دقت. این اصول جز با انتخاب دقیق منابع محقق نخواهند شد.

یک نکته دیگر. علاوه بر منابع خود، زمان را هم تنظیم کنید. داشتن آمادگی کامل قبل از انجام مصاحبه با منبع بسیار اهمیت دارد. اما مصاحبه با مهم‌ترین منبع را خیلی به تأخیر نیندازید. کابوس گزارشگران این است که ضرورت ایجاد کند در آخرین مرحله از منبعی بخواهند اطلاعاتی را تأیید کند یا با اظهار نظر خود گزارش را متوازن کند، ولی به او دسترسی نداشته باشند. دشواری‌ها و تغییراتی را که ممکن است در تماس با افراد پیش بیاید، در زمان بندی خود لحاظ کنید.

قاعده دو منبع

قانون طلایی منبع‌یابی این است که برای این که خبری قابل انتشار شود، لازم است دست کم به تأیید دو منبع قابل اعتماد و مستقل برسد. این حرف به این معناست که یکی از دو منبع اطلاعات را از دیگری نگرفته یا منبع هر دو آن‌ها مشترک نبوده است. به طور کلی نباید هیچ موضوعی را به صورت قطعی بیان کرد، مگر آن که از آزمون «دو منبع» موفق بیرون آمده باشد. اگر در مورد جزئیات معینی فقط یک منبع در اختیار دارید ولی احساس می‌کنید گزارش

کردنش اهمیت دارد، یا دلیل خوبی دارید که فکر کنید این جزئیات واقعیت دارد، بنویسید "منبع الف می‌گوید" یا "منبع الف مدعی است". در مواردی که می‌دانید موضوعی محل مناقشه است، پیچیدگی قضیه را پنهان نکنید، بلکه به وضوح نشان بدهید که افراد مختلف درباره این مسئله نظرهای متفاوتی دارند.

در این موارد، استفاده از یک منبع بستگی به ارزیابی شما از اعتبار او و احتمال درست بودن اطلاعات دارد. در چنین مواردی، نام منبع تقریباً همیشه باید مشخص باشد. البته گاهی فقط یک منبع می‌تواند درباره موضوعی خاص اطلاعات داشته باشد، اما مطمئن شوید که مورد شما هم از همان قبیل است. بهترین حالت همواره وجود دو منبع یا بیشتر است.

مشخص کردن هویت منابع

هنگام مشخص کردن هویت منابع خود جزئیات مربوط را در اختیار خواننده قرار دهید تا بتواند در مورد اعتبار آن اشخاص به شکل منصفانه‌ای قضاوت کند. این امر به معنای آن است که تخصص منبع خود و مخالفت یا جانبداری احتمالی او را به روشنی توضیح دهید. هر قدر در این زمینه وسواس بیشتری به خرج دهید، گزارش شما قابل اعتمادتر به نظر خواهد رسید. برای آن که موضوع برای خواننده روشن شود، شاید لازم باشد سوابق او را با جمله کوتاهی تشریح کنید. مثلاً باید توضیح دهید که منبع شما در ارتباط با موضوع گزارش منافع مالی یا

حرفه‌ای دارد، یا با فردی که از او انتقاد می‌کند سابقهٔ اختلاف دارد، یا مشکل شخصی دیگری دارد.

مثلاً وقتی می‌خواهید نظری انتقادی را دربارهٔ سیاست دولت نقل کنید، اگر بنویسید: "به گفتهٔ مفسری به نام حسن علی"، آن قدر دقیق نیست که بنویسید: "به گفتهٔ حسن علی، ستون‌نویس روزنامهٔ تریبون، روزنامهٔ مهم مخالف دولت". یا مثلاً وقتی نظری را در حمایت از دولت نقل می‌کنید، گمراه‌کننده خواهد بود اگر بنویسید: "به گفتهٔ رندل بریت ویت"، کارشناس مستقل امور منطقه، "بلکه بهتر است بنویسید: "به گفتهٔ رندل بریت ویت، مشاوری که معمولاً به دولت دربارهٔ مسائل منطقه مشورت می‌دهد".

منابع معتبر

منبع خوب همواره شخصی است صاحب‌نظر که به سبب موقعیتش منبعی موثق به حساب می‌آید. روشن است که وزیر دفاع در مسائل مربوط به سیاست دفاعی منبع معتبری به شمار می‌رود، همین‌طور یک مقام ارشد وزارت دفاع، به‌ویژه اگر بتوان نامش را ذکر کرد. اما چنین فردی شاید در امور دیگر، مانند مسائل اقتصادی یا سیاست خارجی، بهترین منبع نباشد. تا جایی که امکان دارد همیشه نام و مقام کامل منبع خود را ذکر کنید، مثل استنلی اسمیت، وزیر دفاع.

به این نکته هم توجه داشته باشید که بیانیه‌های رسمی ممکن است همه واقعیت‌های مرتبط با موضوع را در برنگیرند؛ در واقع ممکن است این بیانیه‌ها برای پنهان‌نگه داشتن برخی واقعیت‌ها طراحی شده باشند. صرف این که چیزی موضع رسمی است، معنایش این نیست که دیگر نباید آن را بررسی کرد یا برای رعایت انصاف و جلب اعتماد خواننده به دنبال نظرها و دیدگاه‌های مخالف رفت. این موضوع به خصوص وقتی مصداق پیدا می‌کند که مثلاً از وزیر دفاع درباره جزئیات پیشروی در یک نبرد نظامی جاری سؤال می‌کنید، حال آن که او خود یک طرف قضیه محسوب می‌شود و به‌ویژه به همین دلیل ممکن است قابل اعتماد نباشد. او ممکن است به رگم، یا در واقع به دلیل، موقعیتش در موضع قدرت راست‌نگوید یا ممکن است "پیازداغ" حرف‌هایش را در حمایت از دولت زیاد کند تا تصویر مطلوبی از اوضاع ترسیم کند.

صرف این که چیزی موضع رسمی است، معنایش این نیست که دیگر نباید آن را بررسی کرد

گزارشگر یا شاهد عینی

البته خود گزارشگر هم یک منبع قوی، یا شاهد عینی دیگری است که آن چه را توصیف می‌شود می‌شنود و می‌بیند. در متن گزارش همواره باید معلوم باشد که گزارشگر خود شخصاً شاهد عینی اتفاقات بوده است. در غیر این صورت، منبع باید ذکر شود: "گزارشگر مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح تقریباً بیست دقیقه پس از انفجار به صحنه رسید. به گزارش خبرنگار ما، سید جمال، پنج جسد روی زمین افتاده بود و ده‌ها مأمور پلیس تلاش می‌کردند مردم را از صحنه دور کنند."

فقدان منبع

در مواردی که کسی درباره اطلاعات مناقشه نمی‌کند، یافتن منبع ویژه ضروری نیست، مثل وقتی که یک واقعه تاریخی مسلم از این دست را باز نویسی می‌کنید که "میتالستان در ۱۶۵۴ یک جمهوری مستقل شد". اما به خاطر داشته باشید که بسیاری از "واقعیات" تاریخی موضوع مناقشه‌اند، پس دقت کنید.

منابع رسمی

منبع رسمی به شخصی اطلاق می‌شود که به واسطهٔ شغلش به اطلاعات دسترسی دارد، هر چند لزوماً مسئول کار نباشد. ممکن است یک افسر پلیس در مورد گزارشی امنیتی منبع رسمی محسوب شود، همین‌طور یک مقام اداری در مورد سیاست دولت در حوزهٔ کاری وی، و یکی از کارکنان سازمان ملل یا یک سازمان مردم‌نهاد در مورد موضوعات بشردوستانه‌ای که در حوزهٔ کار آنان است، والی آخر. همیشه سعی کنید در صورت امکان نام کامل و مقام منبع خود را ذکر کنید، گرچه گاهی ممکن است اطلاعات را به این شرط به دست بیاورید که نام منبع ذکر نشود. با این حال، همیشه مطمئن شوید که گمراه‌تان نکرده‌اند.

در همهٔ موارد، مهم این است که روشن کنید آیا منبع شما در موقعیتی قرار دارد که از اطلاعاتی که در اختیار شما می‌گذارد مطلع باشد.

مثلاً بهتر است بگویید: "به گفتهٔ عبدالباصر محمدی، یکی از معاونان وزارت اقتصاد، قیمت‌ها نسبت به زمان مشابه در سال گذشته ۲۰ درصد کاهش یافته است،" تا این که بگویید: "به گفتهٔ یک مقام رسمی ..."

در مواردی که نام منبع ذکر نمی‌شود، تا حد امکان مقام او را شرح دهید. مثلاً در همین نمونهٔ قبل اگر معاون وزیر اقتصاد اجازه نمی‌داد نامش را ذکر کنید، باز هم بهتر بود از او به عنوان "یک مقام ارشد در وزارت اقتصاد" یاد کنید تا این که صرفاً او را "یک مقام رسمی" بخوانید.

اگر منبع یک نفر است، از به کار بردن صیغه جمع خودداری کنید. یک پلیس، "یک پلیس" است، "منابع اداره پلیس" نیست. اگر دیپلماتی چیزی می گوید، منبع "یک دیپلمات" است، نه "منابع دیپلماتیک". در همه حال از تعابیر غیردقیق مثل "مقامات دیپلماتیک غربی" بپرهیزید.

پرهیز از منابع مجهول

نباید از منابع به شکل مجهول نام برد. تعبیراتی از قبیل "از قرار اطلاع"، یا "اعتقاد بر این است که" تناسبی با روزنامه نگاری بین المللی ندارد. این شکل از معرفی منابع فاقد صراحت و منفعلانه است. گزارشگر باید بگوید چه کسی "اطلاع داده" یا چه کسی "معتقد است". عبارت "گزارش شده است" به ویژه ناراحت کننده است، زیرا گزارش کردن کاری است که قرار است شما انجام بدهید. این موضوع در مورد تعبیر رایج "بنابر گزارش ها" نیز صادق است. اما اگر منبع شما رادیو کابل است، می توانید بگویید "به گزارش رادیو کابل". تعبیر "همه می دانند" به هیچ وجه منبع معتبری به حساب نمی آید.

جای منبع در مطلب

منابع باید به شروع هر گزارشی نزدیک باشند. جای دقیق منبع به میزان بحث انگیز بودن موضوع بستگی دارد. اگر گزارش مثلاً درباره سفر رسمی آتی رئیس جمهور کشوری است، احتمالاً واقعیت انکارناپذیری خواهد

همیشه به خواننده خود
بگویید که اطلاعات تان
چگونه و از چه منبعی به
دست آمده است

بود (مگر این که سفر او محرمانه باشد). در این حال، لازم نیست منبع در نخستین بند گزارش ذکر شود. در صورتی که این سفر محرمانه باشد، در همان آغاز گزارش باید قید شود که گزارشگر چگونه از این موضوع مطلع شده است و این کار مستلزم ذکر منابع قابل اعتماد است.

اگر سفر واقعاً انجام می‌شود و همه می‌توانند شاهد آن باشند، دیگر شاید حتی ذکر یک منبع خاص هم لازم نباشد. البته آن چه در این سفر اتفاق می‌افتد نیازمند منابع روشن است. هر واقعیتی که ممکن است به چالش کشیده شود و مورد مخالفت قرار گیرد، یا محل تردید باشد، به منبعی نزدیک به محل ذکر آن واقعیت نیاز دارد. به ویژه وقتی ادعایی مطرح می‌شود، منبع معمولاً باید در آغاز بیاید.

زمینه

همیشه به خواننده خود بگویید که اطلاعات تان چگونه و از چه منبعی به دست آمده است. مثلاً بگویید: "در یک کنفرانس خبری گفته شد"، "در اظهاراتی خطاب به خبرنگاران" یا "در مصاحبه‌ای با این روزنامه". از تعبیر فخر فروشانه و مستعمل "مصاحبه اختصاصی" بپرهیزید.

اگر نقل قول‌ها از یک منبع برگرفته از گزارش یا سند یا بیانیه‌ای است که قبلاً منتشر شده، و سایر نقل قول‌های همان مقاله مربوط به یک مصاحبه مستقیم است، آن‌ها را به روشنی از هم متمایز کنید.

اظهار نظر منابع

اگر گزارش حاوی مناقشه‌ای بین دو یا چند طرف است، و تنها یک طرف این مناقشه به فوریت در دسترس است، از منبع برای اشاره به واقعیت‌ها استفاده کنید نه برای اظهار نظر، و اطمینان حاصل کنید که در گزارش به خوبی روشن شده که منبع آن فقط یکی از طرف‌های موضوع مورد مناقشه است.

به هر حال، اظهار نظر، در صورتی که به موضوع مورد مناقشه مربوط باشد، می‌تواند اهمیت داشته باشد. مثلاً شاید ذکر این نکته در گزارش مناسب باشد که "امروز یک دیپلمات میتالستانی ساخستان را به در پیش گرفتن سیاست‌های شریانه متهم کرد"، زیرا متهم کردن آشکارا بیانگر عاملی مرتبط با منازعه بین طرفین است.

اما منبع اظهار نظر همیشه باید روشن باشد. در این قبیل موارد تا جایی که می‌توانید از استفاده از منابع ناشناس خودداری کنید. اگر کسی می‌خواهد مطلب تندی بگوید، باید پای آن هم بایستد و اسمش را پای حرفش بگذارد.

سرانجام این که به قواعد بی‌طرفی و توازن توجه داشته باشید. گزارش شما نباید در موضوع مورد مجادله جانب یک طرف را بگیرد، و حواس‌تان باید جمع باشد که اظهار نظرها را به عنوان دیدگاه و عقیده افراد مطرح کنید، نه به عنوان واقعیات. اگر گزارش انتقادی می‌نویسید، باید به طرف دیگر هم فرصت منصفانه‌ای برای پاسخگویی بدهید.

منبع اظهار نظر همیشه باید روشن باشد

تشریح اصول اساسی در مورد منابع

تشریح دقیق اصول اساسی روزنامه‌نگاری و رعایت موبه موی آن‌ها ضروری است. این موضوع به‌ویژه در ارتباط با آن دسته از مردم که باره و رسم کار رسانه‌ای آشنایی ندارند ضرورت دارد. سزاوار است مردمی که پذیرای شما شده‌اند بدانند چه بر سر حرف‌هایشان خواهد آمد. بنابراین اگر قرار است حرف‌های آنان را نقل کنید، در برخورد با آن‌ها صراحت داشته باشید. مقام‌های رسمی و شخصیت‌های مشهور معمولاً بیشتر با رسانه‌ها سروکار دارند، اما بهتر است همیشه، پیش از شروع مصاحبه، این قواعد اساسی روزنامه‌نگاری را توضیح دهید:

■ برای انتشار^۲: یعنی روزنامه‌نگار می‌تواند از این اطلاعات به‌طور کامل استفاده کند، و نام فردی را که با او صحبت کرده ذکر کند. همیشه باید رضایت مصاحبه‌شونده را جلب کنید تا بر این اساس صحبت کند، مثلاً می‌توانید به او بگویید که مردم به اظهار نظرهای او علاقه‌مندند.

■ بدون ذکر نام^۳: این قاعده یعنی این که اطلاعات و صحبت‌ها ممکن است مورد استفاده قرار بگیرد، اما نام مصاحبه‌شونده باید محفوظ بماند. روزنامه‌نگار باید این موضوع را بپذیرد که مصاحبه‌شونده می‌خواهد خود را چگونه معرفی کند، اما برای این که این معرفی تا حد امکان مشخص باشد باید با مصاحبه‌شونده گفت‌وگو کند (مثلاً "عضو ستاد فرماندهی" به مراتب از "یک افسر" بهتر است).

اصول اساسی روزنامه‌نگاری
را با دقت توضیح دهید و با
وسواس رعایت کنید

■ صرفاً جهت اطلاع^۴: این قاعده به این معناست که نه نام منبع و نه اطلاعاتی که بیان می‌کند نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بنا بر این قاعده، اطلاعاتی که در اختیار روزنامه‌نگار قرار می‌گیرد به او در تهیه گزارش کمک خواهد کرد، اما فقط وقتی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که به طور مستقل تأیید شود.

در مورد عکس گرفتن یا ضبط کردن صدانیز پیش از استفاده از دوربین یا دیگر وسایل اجازه بگیرید و اگر قصد انتشار عکس کسی را دارید، این موضوع را با صراحت بیان کنید.

روزنامه‌نگار هرگز نباید تعهدش را نسبت به این قواعد زیر پا بگذارد، و اگر حین گفت‌وگو تغییری در این اصول اساسی ایجاد شد، باید این نکته را به وضوح در یادداشت‌هایش ذکر کند. گاهی ممکن است اطلاعاتی را که "صرفاً جهت اطلاع" بوده در گفت‌وگوهای بعدی برای انتشار محسوب کرد، و مثلاً توضیح داد که منابع دیگر نیز این اطلاعات را تأیید کرده‌اند، اما تنها به شرطی که موافقت و رضایت طرف مصاحبه با صراحت جلب شود. توجه داشته باشید که "غیر قابل انتشار"^۵ اصطلاحی رایج است، اما ممکن است به معنای "بدون ذکر نام" یا "صرفاً جهت اطلاع" تلقی شود، و از این رو کاربرد آن باید روشن شود.

منابع ناشناس

اگر منبعی مایل به ذکر نامش نیست، مطمئن شوید که به او مجوز دروغ‌پردازی یا شایعه‌پراکنی نمی‌دهید. کسانی که نمی‌خواهند نام‌شان ذکر شود، ممکن است دلایل موجهی از قبیل ترس از انتقام به خاطر حرف زدن داشته باشند. اما اگر حاضر نیستند نام‌شان را پای آن چه گفته‌اند بگذارند، خوب فکر کنید و ببینید آیا مایلید این حرف‌ها در گزارشی که نام شما بالایش نوشته شده بیاید.

در سال‌های اخیر در روزنامه نیویورک تایمز چند رسوایی اتفاق افتاده است، اما این روزنامه در ضمن یکی از مفصل‌ترین شیوه‌نامه‌های رفتاری را در حرفه روزنامه‌نگاری دارد. همان‌طور که در وب‌سایت پروژه کمال در روزنامه‌نگاری آمده، جوزف للی‌ولد، سردبیر سابق این روزنامه، آزمون ساده‌ای شامل دو سؤال درست کرده بود که قبل از استفاده از منابع ناشناس به کار می‌برد:

۱. منبع مورد بحث درباره این رویداد چه مقدار اطلاعات دست‌اول و بی‌واسطه دارد؟

۲. آیا این منبع اصولاً انگیزه‌ای دارد که ما را گمراه کند، گزارش را "تحریف" کند، یا واقعیت‌های مهمی را که ممکن است نظر ما را درباره اطلاعات تغییر دهد مخفی کند؟

نیویورک تایمز تنها زمانی از منبع استفاده می‌کرد که پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای به این دو پرسش داده می‌شد. پس از این مرحله، روزنامه تا حد ممکن به این موضوع می‌پرداخت که منبع مورد بحث چگونه در

اگر منبعی مایل به ذکر نامش نیست، مطمئن شوید که به او مجوز دروغ‌پردازی یا شایعه‌پراکنی نمی‌دهید

موقعیتی قرار گرفته که بتواند از اطلاعاتی که می‌دهد مطلع باشد (مثلاً «منبعی که سندی را دیده»)، و احتمالاً چه منافع خاصی دارد (مثلاً «منبعی که در دفتر ستاد فرماندهی کار می‌کند»).

تمرین

پیدا کردن منبع برای گزارش غالباً روزنامه‌نگاران را با انتخاب‌های دشوار حرفه‌ای و اخلاقی روبه‌رو می‌کند. نگاهی به مثال‌ها و پرسش‌های زیر بیندازید و نظرات خود را با همکاران در میان بگذارید:

- ۱. منبعی چکیده یک سند محرمانه دولتی درباره مشکلات ایمنی جدی راکتورهای هسته‌ای کشور را برای شما خوانده و شما این متن را یادداشت کرده‌اید. منبع مورد بحث می‌داند که شما قصد دارید این اطلاعات را مبنای گزارش خود قرار دهید و به شما اجازه داده از او با عنوان "منبع نزدیک به دولت" نام ببرید.
- چه مشکلات بالقوه‌ای ممکن است در این مورد وجود داشته باشد؟
- آیا تلاش می‌کنید این گزارش را به تأیید منبع دیگری هم برسانید؟
- اگر نتوانید تأیید گزارش را از منبع دیگری بگیرید، باز هم آن چه را به دست آورده‌اید منتشر خواهید کرد؟
- آیا منابع دیگری هم هستند که بخواهید با آن‌ها صحبت کنید؟

۲. همین منبع ناگهان برای جواب دادن به یک تلفن اضطراری از اتاق خارج می‌شود.

■ آیا صبورا نه منتظر می‌نشینید، یا به سرعت به سراغ گزارش محرمانه که روی میز او باز مانده می‌روید؟

۳. اتومبیل بمب‌گذاری شده‌ای در مرکز بغداد منفجر شده و خبرهایی به مطبوعات درز کرده که تعداد زیادی از افراد غیرنظامی کشته و مجروح شده‌اند. گویا بمب بیرون هتلی منفجر شده که محل اقامت خبرنگاران خارجی است، اما ورود به آن منطقه ممنوع شده و کسی نمی‌تواند به آن جا نزدیک شود.

■ به چه کسی می‌توانید زنگ بزنید تا اطلاعات بگیرید؟ به همه منابعی که می‌توان برای به دست آوردن اطلاعات با آن‌ها تماس گرفت فکر کنید، از اطلاعات عینی درباره تعداد کشته‌شدگان و مجروحان گرفته تا توصیف جزئیات صحنه.

۴. عبارتهای زیر چه اشکالی دارند:

■ مطمئناً می‌دانیم که ...

■ مردم می‌گویند که ...

■ در پایتخت شایع است که ...

■ کاملاً بدیهی بود که ...

منابع برای مطالعه

کمک برای یافتن متخصصان:

www.ibiblio.org/slanews/internet/experts.html

یک سایت بی طرف برای لینک‌های مربوط به مسائل سیاست گذاری:

www.policy.com

رهنمودهای مؤسسه پوینتر درباره ارزیابی ارزش منابع:

www.poynter.org/content/content_view.asp?id=4634

از موتورهای جست‌وجوی مفیدی که در «وبسایت پروژه کمال در روزنامه‌نگاری» وجود دارد برای یافتن رهنمودها و بحث‌های مختلف در زمینه مشکلات منبع‌یابی استفاده کنید:

www.journalism.org

1. Randall Braithwaite
2. on the record
3. not for attribution
4. on background
5. off the record
6. Joseph Lelyveld

فنون مصاحبه

غالباً روشن است که اطلاعاتی که برای تهیه گزارشتان نیاز دارید در اختیار چه کسی است. این شخص ممکن است قربانی یک حمله باشد، یا افسری باشد که کسی را دستگیر کرده است، یا مقامی که سازمانی را می‌گرداند.

اما دست یافتن به اطلاعاتی که آنان می‌توانند به شما بدهند، ممکن است در عمل به مراتب دشوارتر باشد.

دلایل زیادی وجود دارد که مردم نخواهند اطلاعاتشان را با شما در میان بگذارند:

- قربانی فاجعه ممکن است از نظر روحی آسیب دیده باشد.
- مأمور پلیس ممکن است گرفتار باشد یا صرفاً از حرف زدن با روزنامه‌نگاران خسته شده باشد.
- مردم محلی ممکن است به طور کلی نسبت به مطبوعات بی‌اعتماد باشند، یا در ارتباط با مطبوعات تجربه بدی داشته باشند، یا حوصله دنگ و فنگ مصاحبه را نداشته باشند.
- خبرچین احتمالی ممکن است وحشت داشته باشد که خودش را با حرف زدن به خطر بیاندازد یا کارش به مخاطره بیافتد.
- بسیاری از منابع ممکن است زیاد مایل به همکاری نباشند چون چیزهایی دارند که می‌خواهند مخفی نگه دارند.



دست یافتن به اطلاعاتی که افراد می‌توانند به شما بدهند، ممکن است بسیار دشوار باشد

بهترین روش برای به حرف
در آوردن منابع این است که
مردم را راحت بگذارید، به
آنها احترام بگذارید و توجه
کنید، و با آنها صادق و جدی
و روراست باشید.

رویکرد اصولی این است که به نقش خود در جامعه به عنوان روزنامه‌نگار اطمینان داشته باشید. شما به مسائلی می‌پردازید که برای جامعه اهمیت دارد، و حق و مسئولیت شما در زمینه به دست آوردن اطلاعات از مؤلفه‌های اصلی هر جامعه دموکراتیک به شمار می‌رود. شما نمی‌خواهید به موضوعات شاخ و برگ بدهید، اما در جهت منافع عمومی کار می‌کنید، و این موضوع باید برای ادامه کار به شما اعتماد به نفس بدهد.

گذشته از این، هر روزنامه‌نگاری برای به حرف در آوردن آدم‌ها روش خاص خود را به کار می‌بندد. برخی گزارشگران ممکن است تندخو باشند، و برای گرفتن پاسخ صریح و قطعی با منبع خود از در مجادله وارد شوند؛ برخی دیگر ممکن است بیشتر اهل گفت‌وگو باشند و اطلاعات را آرام آرام با چرب‌زبانی از زیر زبان منبع خود بیرون بکشند.

به طور کلی بهترین روش این است که آدم‌ها را از نگرانی بیرون بیاورید، با احترام و دلسوزی با آن‌ها رفتار کنید، و صادق و جدی و روراست باشید. هیچ‌کس نمی‌خواهد با کسی حرف بزند که احساس می‌کند نمی‌شود به او اعتماد کرد.

بسیار مهم است که با دقت برای مصاحبه آماده شوید. اطلاعات مقدماتی را که می‌توانید از جای دیگری به دست بیاورید از منبع گرفتار و پرمشغله نپرسید. اذیت کردن منبع یا سر بردن حوصله او فکر خوبی نیست. ابراز اطلاع و آگاهی از موضوع - البته نه با حرف زدن مداوم، بلکه با طرح پرسش‌های فکورانه و حاکی از اطلاع - موجب احترام متقابل می‌شود.

معمولاً بهتر است مصاحبه را با سؤالات دوستانه شروع کنید، و پیش از آن که به مباحث دشوارتر بپردازید، ابتدا اعتماد طرف را جلب کنید

مهم این است که بدانید چه چیزهایی می خواهید پرسید؛ پس به پرسش هاتان سروسامان بدهید و آن ها را به شکل منظم مطرح کنید. دنبال کردن رویداد بر اساس ترتیب زمانی سراسر است ترین و معمولاً بهترین روش است. در بسیاری موارد، به ویژه در مطالب خبری کوتاه، باید بدانید به دنبال چه نوع حرف ها یا پاسخ هایی برای قرار دادن در مطلب خود هستید. اما اگر از مصاحبه این طور برمی آید که قضیه دارد سمت و سوی دیگری پیدا می کند، سعی نکنید آن را به زور در قالب مفروضات پیشین خود جای دهید.

اگر لازم است در طول مصاحبه پرسش های دشواری مطرح کنید، معمولاً بهتر است مصاحبه را با سؤالات دوستانه تر شروع کنید، و پیش از آن که به مباحث دشوارتر بپردازید، ابتدا اعتماد طرف را جلب کنید و فضای راحت و آرامی فراهم کنید. اگر در صدد هستید با سؤالات خود تناقض گویی مصاحبه شونده را نشان بدهید، ابتدا سعی کنید او را وادار کنید که نظرش را بگوید، سپس آن تناقض را تشریح کنید. اگر از آغاز با او بی پرده حرف بزنید، ممکن است در صدد انکار برآید.

اطلاعات شما باید همواره کاملاً مستند باشد، به ویژه اگر می خواهید پرسش های انتقادی مطرح کنید. "تیر انداختن در تاریکی" با توسل به مقدار زیادی اظهارات تأیید نشده نه تنها روش بدی است، بلکه فرصت به دست آوردن اطلاعات با ارزش یا دست کم قابل استفاده را هم از شما سلب می کند. منبع شما قادر خواهد بود به سادگی از زیر بار اتهام شانه خالی کند و ممکن است مصاحبه را هم به سرعت ختم کند.

رعایت منش‌های ممتازی از قبیل دقت و شفافیت در برخورد با افرادی که با آن‌ها مصاحبه می‌کنید، بسیار مهم است. این حرف به این معناست که زمان دقیق هر گفت‌وگو را یادداشت کنید و همه مکالمات، پیام‌ها و فکس‌هایی را که برای طرف مصاحبه ارسال کرده‌اید، ثبت و ضبط کنید (البته ایمیل‌ها خودشان ضبط می‌شوند). این موضوع به ویژه از این جهت اهمیت دارد که - به خصوص هنگامی که پای دعاوی حقوقی در میان باشد - به شما امکان می‌دهد که اثبات کنید پیش از انتشار مقاله انتقادی برای به دست آوردن نظرات منصفانه در حد معقول تلاش کرده‌اید. اگر منبع شما حرف‌ها یا اطلاعاتی را که از او نقل کرده‌اید انکار کند، شاید سردبیر بخواهد یادداشت‌هایتان را ببیند.

به خاطر داشته باشید که بسیاری از منابع نه تنها برای دادن اطلاعات، بلکه همچنین برای به دست آوردن آن‌ها روزنامه‌نگاران حرف می‌زنند. آن‌ها به شرطی به انتقال اطلاعات به شما تمایل نشان خواهند داد که احساس کنند در ازای اطلاعاتی که به شما می‌دهند، اطلاعات تازه‌ای به دست خواهند آورد - و شاید علاقه داشته باشند که بدانند شما چه اطلاعاتی را از چه کسانی به دست آورده‌اید. مادام که اطمینان سایر منابع از شما سلب نشود، و صرفاً اطلاعاتی را با مصاحبه‌شونده در میان بگذارید که قصد دارید به هر حال منتشر کنید، این کار لزوماً ایرادی نخواهد داشت. اما نباید اجازه بدهید که منابع از شما سوءاستفاده کنند.

در واقع، اگر مطلب انتقادی دقیقی تهیه کنید، سوژه گزارش‌تان مجبور خواهد بود و تمایل خواهد داشت با شما صحبت کند. اگر واقعیات را

شک و تردیدِ بجای یکی از
بهترین ابزارهای گزارشگر
است و باید به طبیعت ثانوی
او بدل شود

به نحو مسئولانه و معتبری جمع‌آوری کنید، و نشان بدهید که قابل اعتمادید، حتی منبعی که قصد دارید در مطلب خود از او انتقاد کنید، از این فرصت استقبال خواهد کرد که ابتدا استدلال‌ها و اطلاعات شما را بشنود، و سپس به انکار و تکذیب پردازد. اما این تنها در صورتی است که مطمئن باشد با او صادقانه رفتار می‌کنید و در گزارش خود دیدگاه‌هایش را به شکل منصفانه منعکس می‌کنید.

حتی اگر منبعی به ارائه اطلاعات تمایل دارد، گزارشگر باید دقت او را بسنجد. معنایش این است که با دقت گوش کنید. اما نباید هر چیزی را هم به عنوان واقعیت بپذیرید. شاید افرادی بخواهند شما را گمراه کنند، شاید وانمود کنند از چیزی اطلاع دارند که ندارند، یا شاید شنیده‌ها و شایعات را به عنوان واقعیت ارائه دهند. گاهی ممکن است سعی کنند مسائلی را به شما بگویند که فکر می‌کنند شما دوست دارید بشنوید.

شک و تردید بجای یکی از بهترین ابزارهای گزارشگر است و باید به طبیعت ثانوی او بدل شود. اما کارتان را با اتهام زدن پیش نبرید. به نقش جست‌وجوگری درآیید که به دنبال درک بهتر موضوع است. این پرسش که "شما از کجا این را می‌دانید؟" می‌تواند حالت اتهام‌آمیزی داشته باشد. شاید بهتر باشد از لحن همدلانه‌تری استفاده کنید تا آن شخص تمایل پیدا کند اطلاعاتش را با شما در میان بگذارد. به فضل و دانش منبع خود علاقه نشان بدهید و بپرسید چگونه می‌توانسته این همه اطلاعات را به دست بیاورد. از ترساندن منبع‌ها بپرهیزید، در این صورت احتمالش بیشتر است که توضیح بدهند آیا اطلاعات‌شان از دانسته‌های

اگر می‌خواهید با سوژه خود
جدل کنید، از واقعیت‌ها
استفاده کنید نه از عقیده و
نظر

خودشان سرچشمه می‌گیرد یا از منبع دیگری به دست آمده است. اگر می‌خواهید با سوژه خود جدل کنید، از واقعیت‌ها استفاده کنید نه از عقیده و نظر.

اگر گزارش‌ها یا منابع دیگر به علت‌ها یا عوامل دیگری اشاره می‌کنند، از شخص مورد بحث بخواهید توضیح دهد چطور چنین اتفاقی افتاده است. در این حال، احتمالاً آن شخص احساس اهمیت بیشتری خواهد کرد. توجه داشته باشید که امکان دارد افراد مختلف درباره یک رویداد واحد نظرهای متفاوتی داشته باشند، بنابراین شاید لازم باشد جایگاه افراد را روشن کنید. ممکن است یک نفر بگوید بال‌چپ هواپیما به زمین اصابت کرد، و دیگری بگوید هواپیما با بال راست به زمین خورد. بستگی دارد که جلوی هواپیما بوده‌اند یا عقب آن.

این راهم به یاد داشته باشید که حتی یک فرد راستگو هم ممکن است واقعیت‌های مربوط به ماجرا و جزئیات ظاهراً کوچکی را که به روشن شدن اطلاعات کمک می‌کند، از قلم بیندازد یا فراموش کند. این مسئله (و همچنین تعدد منابع) دلیل دیگری برای لزوم تشریح و روشن کردن موضوع است.

بادقت گوش دادن همچنین به شما کمک می‌کند که تشخیص بدهید شخص مورد بحث رویدادها را از خودش می‌سازد یا نه. از منبع خود بخواهید که از ابتدای ماجرا آغاز کند و سیر رویدادها را به ترتیب برایتان بگوید. سؤالاتی سرراست و مبتنی بر واقعیت مطرح کنید و مانع پاسخ‌های او نشوید. چند لحظه سکوت غالباً منبع را به فکر کردن وامی‌دارد و موجب می‌شود با صداقت بیشتری پاسخ دهد. اگر موضوعی

کنجکاوی و دید باز برای تشخیص اطلاعات نادرست در میان مسائل مبهم لازم است

به نظر تان مبهم یا نادرست است، در طول مصاحبه باز هم به آن بپردازید و دوباره همان سؤال ساده را با سوژه در میان بگذارید. از همه مهم تر، کنجکاوی و دید باز برای تشخیص اطلاعات نادرست در میان مسائل مبهم لازم است. سریع نتیجه گیری نکنید. زندگی خیلی پیچیده تر و جذاب تر از این هاست.

استراتژی های مصاحبه

- پرسش های خودتان را مطرح کنید و بگذارید منبع خبری حرف هایش را بزند. شما حین حرف زدن اطلاعی به دست نمی آورید.
- توجه شما باعث می شود منبع بیشتر احساس ارزش و اهمیت کند، احساسی که همه دوست دارند. به جای رفتار خشک و تصنعی، به آن ها توجه نشان بدهید.
- بدون آن که به اعتبار خود لطمه بزنید، همدلی تان را نشان بدهید. حتی اگر با فرد مورد بحث موافق نیستید، نشان بدهید که وضعیت او را درک می کنید.
- بعضی ها هرگز فرصتی برای بیان حرف هایشان پیدا نکرده اند، همواره طرد شده اند، وجودشان را نادیده گرفته و به نظرات شان اهمیتی نداده اند. با این آدم ها با دلسوزی تمام رفتار کنید. در این صورت، ممکن است اطلاعات شان را در اختیار تان بگذارند و به شما کمک کنند.
- روزنامه نگاری مستلزم دقت است. توجه کامل به کسی که با او

مصاحبه می کنید، باعث می شود از اشتباه مصون بمانید. بدون هیچ تردیدی نکات مبهم را با منبع خود در میان بگذارید. بهتر است اذعان کنید که نمی توانید دست خط خودتان را بخوانید تا این که اطلاعات خود را اشتباه نقل کنید.

■ حواس تان به تناقض ها و اطلاعات مهم باشد. شاید دیگر فرصتی برای کنترل کردن آن ها دست ندهد.

اگر منبعی حاضر نیست با شما صحبت کند، استراتژی مناسب این است که زمان کوتاهی قبل از انتشار مطلب فهرستی از پرسش ها را به صورت مکتوب به او ارائه کنید تا ماهیت گزارش شما برایش روشن شود. با صراحت برایش توضیح بدهید که می خواهید نظرات او را بشنوید و یک مهلت قطعی برایش تعیین کنید. در اغلب موارد، وقتی سوژه مقاله با اطلاعاتی که شما افشا کرده اید مواجه می شود، احساس می کند برای آن که روایت خودش را از ماجرا بیان کند باید به شما جواب بدهد.

تمرین

مروری بر آن چه در این فصل آموختید:

- منابع هم‌انسان‌اند، و برای صحبت نکردن دلایل زیادی دارند. همیشه شک و تردید داشته باشید، اما از اتهام زدن و عیب‌جویی پرهیز کنید.
- با شنیدن بیشتر یاد می‌گیرید تا با حرف زدن.
- همدلی نشان بدهید، اما طرفداری نکنید.
- با پرسش‌های دوستانه شروع کنید تا خیال آدم‌ها راحت شود و بعد به سراغ سؤالات سخت بروید.
- در پاسخ‌ها به دنبال تفاوت‌های ظریف و تناقض‌ها باشید، و ته و توی آن‌ها را در بیاورید.
- برای محک زدن واقعیت از حواس خود-به‌ویژه از چشم و گوش‌تان-استفاده کنید.
- تحقیق کنید و پرسش‌های خود را با دقت آماده کنید؛ منبع خود را به خوبی بشناسید.
- پرسش‌ها را کوتاه و بدون حاشیه روی مطرح کنید، اما به افراد فرصت فکر کردن بدهید.
- به پاسخ‌ها گوش بدهید، مصاحبه‌شونده را آزار ندهید، و همیشه آماده شنیدن نظرات تازه باشید.

به مثال‌های زیر توجه کنید و در مورد این که چطور در قبال آن‌ها واکنش نشان خواهید داد با همکاران تان به بحث بپردازید:

۱. در مثالی در فصل چهار، یک مقام دولتی بخشی از یک گزارش رسمی را درباره مشکلات ایمنی یکی از راکتورهای اتمی کشور فاش کرده بود. شما در تحقیقات خود موفق شده‌اید مدیر ارشد یک نیروگاه اتمی را پیدا کنید که حاضر است در این مورد "افشاگری" کند و جزئیات ماجرای را مطرح کند که مدعی است دسیسه‌ای گسترده برای سرپوش گذاشتن بر موضوع با هدف پنهان نگاه داشتن خطر از مردم است.

فرد افشاکننده قبول می‌کند که برای مصاحبه در هتلی با شما ملاقات کند، اما چهار پیش شرط می‌گذارد:

الف) شما تنها بیایید.

ب) مکالمات را ضبط نکنید و یادداشت هم بردارید.

ج) تضمین بدهید که هرگز نام او را فاش نخواهید کرد، حتی اگر حکومت شما را تحت پیگرد قانونی قرار دهد.

د) در صورتی که شغلتان را به خاطر این گزارش از دست بدهد، مؤسسه خبری شما به او غرامت بپردازد.

او بسیار مضطرب است و در مکالمه تلفنی به شما می‌گوید نگران است که او را تعقیب کنند، و ممکن است به خاطر افشای اسرار دولتی به زندان بیفتد و شکنجه شود.

- آیا با پیش شرط‌های او موافقید؟
 - آیا مخاطرات این گزارش بالقوه با منافعش متناسب است؟
 - قبل از شروع کار، با چه کسی در مؤسسه خبری خود حرف می‌زنید؟
۲. مقام دون پایه‌ای در یک مؤسسه امداد به مستمندان به شما تلفن می‌زند و می‌گوید که می‌خواهد "ماجرای واقعی" ارتشاء در آن مؤسسه را برایتان تعریف کند و بگوید چطور کمک کشورهای غربی به جیب مقامات فاسد دولتی می‌رود. می‌گوید این ماجرا معرکه است و شما باید در ازای آن ۱۰,۰۰۰ دلار به او بدهید، چون هفته گذشته از کارش اخراج شده و مجبور است شکم‌زن و بچه‌اش را سیر کند. اگر با تقاضایش موافقت کنید، حاضر است برای انجام مصاحبه با شما ملاقات کند.
- چه کار خواهید کرد؟ آیا با او مصاحبه می‌کنید و شرایطش را می‌پذیرید؟
 - مشکلات بالقوه این کار چیست؟
 - اگر فکر می‌کنید این ماجرا ارزش دنبال کردن دارد، چه راه‌های دیگری می‌توانید در پیش بگیرید؟

منابعی برای مطالعه

Violence—A Guide to Ethical Reporting about Victims & Trauma, by William Cote & Roger Simpson, published by Columbia University Press.

"از مصاحبه خود بیشترین بهره را ببرید"، از پروژه کمال در روزنامه نگاری:

www.journalism.org/resources/tools/reporting/interviewing/themost.asp

کاربرد جزئیات

مقدار مناسبی از جزئیات ضروری است. جزئیات مثل عدسی زوم در دوربین عمل می‌کنند. اگر دوربین را بیش از حد به جلو زوم کنید، جزئیات زیادی را مشاهده خواهید کرد، اما درک گسترده‌تری از تصویر نخواهید داشت و نمی‌دانید این جزئیات چه ارتباطی به موضوع دارند. اگر هم بیش از حد به عقب زوم کنید، با این که گستره وسیعی را مشاهده خواهید کرد، اما جزئیاتی را که ممکن است در عکس واقعاً جالب باشند از دست خواهید داد.

البته بخش اصلی اطلاعات گزارش شما خبر است — خبر انتخاب شدن یک سیاستمدار، اجرای یک پروژه عمرانی، تعداد افرادی که کشته یا مجروح شده‌اند. اما فقط از جزئیاتی استفاده کنید که به موضوع مربوط می‌شوند و ارزش خبری دارند: آیا این نخستین درگیری خشونت‌بار در منطقه است؟ آیا پیروزی مخالفان در این انتخابات محلی اهمیت دارد و هشدار می‌دهد؟ آیا گام مهمی در استراتژی توسعه غرب برداشته شده است؟

در هر یک از این مثال‌ها آن چه اهمیت دارد انتقال خبر است و این که بگویند این موضوع چرا خبر است. همیشه مطمئن شوید گزارش‌تان از آزمون روزنامه‌نگارانی که می‌گویند "خوب که چی؟" سربلند بیرون برمی‌آید.

جزئیات تکمیلی لازم است، چون به خواننده کمک می‌کند گزارش را دنبال کند و دائماً به سوالات ساده — از قبیل نام و جهت‌گیری فلان حزب سیاسی، موقعیت جغرافیایی بهمان شهر، یا سوابق یک رهبر —



همیشه مطمئن شوید
گزارش‌تان از آزمون
روزنامه‌نگارانی که
می‌گویند «خوب که چی؟»
سربلند بیرون برمی‌آید

برخورد نکنند. وظیفه گزارشگر فراهم کردن اطلاعات است نه گرفتن آزمون خبری چهار جوابی از خواننده.

با این همه وقتی می‌خواهید این جزئیات را مطرح کنید، کوشش کنید اطلاعات را با ایجاز و ظرافت در گزارش خود بگنجانید، بی آن که در جریان اطلاعات خللی ایجاد شود. شاید لازم باشد جزئیات را در پاراگراف‌های مختلف جاده‌دهید. مثلاً یک لید تند و تیز در گزارش می‌تواند پیروزی "حزب اصلی مخالف" را برجسته کند، اما نام کامل آن حزب را تا پاراگراف دوم یا سوم مشخص نکنید تا خیرهای اصلی در ابتدای گزارش بیاید. در این جا منظور این است که ابتدای گزارش با جزئیات زیاد و زود هنگام شلوغ نشود.

توجه داشته باشید که زبان انگلیسی به ویژه برای این منظور بسیار مناسب است و این امکان را فراهم می‌کند که عبارت‌های تکمیلی به سهولت مابین دو ویرگول یا پس از یک خط تیره یا در قالب جمله معترضه‌ای بسیار کوتاه و پراز اطلاع مطرح شود. ممکن است این روال در سایر زبان‌ها همیشه به این سادگی نباشد.

فکر نکنید خواننده شما
پیشاپیش همه چیز را می‌داند

معرفی مقدماتی

اصل بر این است که اطلاعات مقدماتی را برای معرفی همه افراد و سازمان‌هایی که در گزارش خود به آن‌ها اشاره می‌کنید فراهم کنید. فکر نکنید خواننده شما پیشاپیش همه چیز را می‌داند. در نخستین اشاره به افراد، نام کامل و عنوان یا سمت آن‌ها را ذکر کنید - مثلاً تیمسار جرج جکسن، نه ژنرال جکسن؛ مارتین اسمیت، معاون نخست وزیر، نه مارتین اسمیت.

اطلاعات جغرافیایی اولیه را هم ارائه کنید: تتووو^۱، شهری با جمعیت اکثراً آلبانیایی در غرب پایتخت؛ نخجوان، جمهوری خودمختار آذری نشین در غرب ارمنستان؛ هوئن‌والد، شهرکی در ۱۰۰ مایلی نشویل، مرکز ایالت تنسی.

نام کامل احزاب یا سازمان‌های سیاسی را در نخستین ارجاع ذکر کنید - جنبش تغییر دموکراتیک، نه صرفاً حروف اختصاری MDC. حزب مورد بحث را به اختصار معرفی کنید، مگر آن که کاملاً شناخته شده باشد - حزب اقدام دموکراتیک (SDA)، حزب اصلی مسلمانان.

سازمان‌های مهم بین‌المللی و سایر واژه‌های اختصاری خیلی رایج نیاز به توضیح ندارند، ولی خیلی احتیاط کنید. مواردی مثل EU، UN، U.S. و NATO به همین شکل قابل قبول‌اند، اما نام

کامل سازمان‌هایی از قبیل دفتر نمایندگی عالی (OHR) یا دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق (ICTY) را باید ذکر کنید. (توجه داشته باشید که در شیوه نگارش اسوشیتد پرس بین حروف واژه اختصاری ایالات متحده [U.S.] نقطه می‌گذارند تا از ضمیر جمع ما [us] متمایز شود.)

بهبتر است همواره از استفاده بیش از حد از واژه‌های اختصاری خودداری کنید. اولین بار که به چنین نام‌هایی اشاره می‌کنید، واژه اختصاری را، مانند نمونه‌های بالا، بلافاصله پس از نام مورد نظر در پرانتز قرار دهید. اما فقط در مواردی به این شکل عمل کنید که حروف اختصاری را در ادامه گزارش خود به کار خواهید برد، یا چنانچه واژه اختصاری رایج از زبان محلی گرفته شده و در ترجمه چندان مفهوم نیست و می‌خواهید این موضوع در گزارش شما روشن باشد - مثل حزب اقدام دموکراتیک (SDA).

در مقالات مفصل، به‌ویژه در مواردی که تعداد نام‌ها زیاد است، اگر نام شخص یا منبعی با فاصله زیاد از اشاره قبلی می‌آید، یک یادآوری کوتاه برای معرفی دوباره او بد نیست، مثلاً به این شکل: "دکتر فیضل، رهبر مخالفان..."

جزئیات مربوط به پیشینه افراد

در این مورد هم، مانند منابع، ارائه جزئیات کافی - فراتر از معرفی مقدماتی - مهم است؛ به این ترتیب، مشخص می‌شود که هر فرد چه ارتباطی با موضوع گزارش دارد. این هم بخشی از همان آزمون "خوب که چی؟" است و نشان می‌دهد چرا فردی مهم یا قابل اعتماد است.

مثلاً اگر شما گزارشی درباره وضعیت دشوار زندگی در کابل می‌نویسید و با فروشندگانی دوره گرد مصاحبه می‌کنید، نباید او را صرفاً "عبدالله، یکی از ساکنان کابل"، معرفی کنید، بلکه بهتر است بگویید: "عبدالله کریمی، ۴۳ ساله، که در میکرووراین^۲ زندگی می‌کند و برای گذران زندگی همسر و ۱۰ فرزندش در بازاری سی‌دی می‌فروشد". این معرفی به خواننده امکان می‌دهد درباره عبدالله داوری درست‌تری داشته باشد. علاوه بر این، جذاب‌تر هم هست!

به همین ترتیب، اگر درباره یک حادثه بمب‌گذاری گزارش تهیه می‌کنید و می‌خواهید صحنه را با استفاده از نقل قولی از یک پلیس تشریح کنید، بهتر است بنویسید: "به گفته پی‌یر دوپون، افسر پلیسی که کمی پس از انفجار به محل حادثه رسیده است... "تا این که بگویید: "به گفته یک مأمور پلیس..."

ارائه جزئیات کافی مهم

است؛ به این ترتیب،

مشخص می‌شود که هر

فرد چه ارتباطی با موضوع

گزارش دارد

جزئیات مربوط به زمینه

همیشه در نظر بگیرید که آیا مخاطب شما برای سر در آوردن از این که فلان شخص کیست و چه کاره است، به اطلاعات زمینه‌ای نیاز دارد یا نه. مقدار لازم اطلاعات مربوط به زمینه، بسته به مخاطب، فرق می‌کند، اما برخی از این اطلاعات تقریباً همیشه ضروری است.

مثلاً لازم نیست برای مخاطب صرب توضیح بدهید که زوران ژینژیچ چه کسی بود و کافی است بنویسید: "زوران ژینژیچ، نخست‌وزیر فقید". اما اگر برای مخاطب بین‌المللی می‌نویسید، شاید لازم باشد جزئیات بیشتری اضافه کنید، مثلاً از این دست: "زوران ژینژیچ^۳، نخست‌وزیر صربستان، که در مارس ۲۰۰۳ به قتل رسید".

مکان‌ها نیز ممکن است نیازمند افزودن اطلاعات زمینه‌ای باشند: "بدخشان، ایالتی در تاجیکستان"، "کافی نیست؛ بهتر است بگویید: "بدخشان، ایالت مرتفع دورافتاده تاجیکستان، واقع در مرزهای جنوب شرقی این کشور با افغانستان و چین".

به این نکته توجه داشته باشید که آیا می‌توان اطلاعاتی را به گزارش افزود که به آن ارتباط داشته باشد. به عنوان مثال، اگر در گزارشی درباره تولید تریاک به استان هلمند در افغانستان اشاره شده، این نکته که این استان بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر در افغانستان محسوب می‌شود به موضوع مربوط است. بنابراین به جای این که صرفاً بگویید: "نیروهای نظامی افغانستان برای از بین بردن مزارع خشخاش وارد

اگر در مقام گزارشگر در مورد میزان مناسب جزئیاتی که باید ارائه شود تردید دارید، بهتر است جزئیات بیشتری ارائه دهید تا کمتر

هلمند شدند»، می‌توانید بنویسید: «نیروهای دولتی افغانستان وارد هلمند، بزرگ‌ترین منطقه تولید تریاک در این کشور، شدند تا مزارع خشخاش را از بین ببرند».

اگر در مقام گزارشگر در مورد میزان مناسب جزئیاتی که باید ارائه شود تردید دارید، بهتر است جزئیات بیشتری ارائه دهید تا کمتر. این شیوه به سردبیر امکان می‌دهد که بتواند تصمیم بگیرد آیا همه جزئیات گزارش شما باقی بماند یا نه. اگر جزئیات مربوط به صحنه اتفاقات یا افرادی را که با آنها مصاحبه کرده‌اید حذف کنید، سردبیر نمی‌تواند بعداً آنها را اضافه کند.

رنگ و صدا

فراموش نکنید که برای انتقال مطلب به خواننده از همه حواس خود استفاده کنید. قاعدهٔ مرسوم در داستان‌نویسی — همان که می‌گوید نشان دادن یک رویداد بهتر از بازگفتن آن است — در باب روزنامه‌نگاری هم صادق است. معنایش این است که رنگ‌ها، صداهای انسانی و دیگر جزئیاتی را بیان کنید که صحنه را زنده می‌کنند.

بهترین روزنامه‌نگار کسی است که بتواند با جملاتی کوتاه جزئیاتی را وصف کند که صحنه را زنده می‌کنند: سرو صدای خیابان، بویی که در هوا پیچیده، قطرهٔ عرقی که از گونهٔ سربازی که خبردار ایستاده می‌چکد. به عنوان گزارشگر تلاش کنید نقل قولی بیابید تا بتوانید گزارش خود را با حرف‌های یک فرد محلی دخیل در موضوع ختم کنید.

استفاده از نقل قول، که در فصل هفتم به تفصیل درباره آن بحث می شود، فقط برای انتقال اطلاعات نیست؛ نقل قول این احساس را به خواننده منتقل می کند که گویی در بطن رویدادها و احساسات افراد است، و گزارش شما را ملموس تر می کند.

گزارش های خبری، به ویژه در روزنامه های آمریکا، اغلب با توصیف صحنه کوچکی از زمینه ماجرا آغاز می شوند تا به مسئله ای مهم تر ابعاد انسانی ببخشند. این سبک را هم "سبک تأخیری" می نامند.

مثلاً مطلبی درباره کندی ارسال کمک های بشر دوستانه ممکن است با توصیف مختصری از تلاش و تقلای روزانه پناهندگان یک اردوگاه برای زنده ماندن آغاز شود که موضوع گسترده تری را مطرح می کند. زنده کردن مطلب با این شیوه می تواند یک مقاله احتمالاً خشک سیاسی یا اداری را به گزارشی اضطراری و انسانی بدل کند که علایق انسانی خواننده را درگیر می کند.

تمرین

مروری بر آن چه در این فصل آموختید:

- جزئیات در فهم این موضوع که چرا مطلبی در واقع "خبر" به حساب می‌آید، و نیز در پاسخ دادن به آزمون "خوب که چی؟" خیلی به خواننده کمک می‌کند.
 - گزارش را از واژه‌های اختصاری پر نکنید؛ تنها در صورتی از این واژه‌ها استفاده کنید که لازم باشد در ادامه گزارش بارها به سازمانی اشاره کنید که نامی طولانی و پیچیده دارد.
 - اطلاعات مربوط به زمینه اهمیت دارند، اما، بسته به نیازهای خوانندگان مختلف، فرقی می‌کنند. هر مورد را باید بر اساس امتیازات خودش ارزیابی کرد.
 - رنگ می‌تواند گزارش را زنده کند، اما در استفاده از آن محتاط باشید و با مهارت عمل کنید.
- مثال‌های زیر و راه‌های ممکن برای طرح‌ریزی گزارش را با همکاران به بحث بگذارید:
- شما گزارشگری هستید که در سودان کار می‌کنید، جایی که آشوب‌های داخلی باعث شده کمک‌های بشر دوستانه به دست مردم قحطی‌زده نرسد. وضعیت اردوگاه‌های امداد و خیم است و شما به تازگی از یکی از

این اردو گاه‌ها برگشته‌اید و ارزیابی عینی شما از این بحران نگران‌کننده است. وقتی به پایتخت برمی‌گردید و در این فکر هستید که گزارش خود را چگونه بنویسید، یک مقام صلیب سرخ به شما تلفن می‌کند و پیشنهاد می‌کند نسخه‌ای از یک گزارش درباره وضعیت موجود را که تا به حال منتشر نشده در اختیارتان بگذارد. در این گزارش از نحوه توزیع کمک‌ها به شدت انتقاد شده و پیشنهادهای مشخصی برای بهبود وضعیت ارائه شده است. شما اکنون اطلاعات دست‌اولی از وضعیت اردو گاه و یک گزارش اختصاصی در اختیار دارید.

گزارش‌تان را چگونه طرح‌ریزی می‌کنید؟

بین توصیف اوضاع و "سخت‌اخبار" گزارش خود چگونه تعادل برقرار می‌کنید؟

یک روایت از گزارش شما در روزنامه‌ای در آفریقا منتشر خواهد شد و روایت دیگری از آن را به سفارش مطبوعات ایالات متحده تهیه کرده‌اید. این دو گزارش از نظر تشریح جزئیات چه تفاوتی خواهند داشت؟

منابعی برای مطالعه

رهنمودهای سایت مؤسسه پوینتر در زمینه نوشتن و ویرایش:

[www.poynter.org/content/content_view.
asp?id=31907&sid=2](http://www.poynter.org/content/content_view.asp?id=31907&sid=2)

On Writing Well: The Classic Guide to Writing Nonfiction, by
William Zinsser (HarperCollins)

1. Tetovo
2. Microrayon
3. Zoran Djindjic

نقل قول



نقل قول‌ها احساس حضور
در متن قضایا را به خواننده
القا می‌کنند

نقل قول‌ها مثل چاشنی غذا هستند: همان طور که چاشنی‌ها به غذا طعم و مزه می‌دهند، نقل قول‌ها هم احساس حضور در متن قضایا را به خواننده القا می‌کنند. اما در این مورد نیز مخاطراتی وجود دارد. نقل قول بیش از حد گزارش شما را به آش شله قلمکاری از صداهای غیر قابل تشخیص بدل می‌کند.

نقل قول بر دو نوع است: مستقیم و غیر مستقیم.

نقل قول مستقیم

نقل قول مستقیم مناسب، نظر و دیدگاهی را به شکل مستقیم و با قوت منتقل می‌کند، و نسبت به نقل قول غیرمستقیم تأثیر بیشتری دارد.

به گفته چند تن از شاهدان عینی مستقل، باربارا براون، یکی از نمایندگان [قربانیان]، پرسید: "آقای اسمیت، چرا این همه انسان را کشتید؟ چرا به دختران و خواهران ما تجاوز کردید؟ دیگر بس است."

تردید نیست که نقل قول مستقیم بالا به مراتب از نقل قول غیرمستقیم زیر قوی‌تر است:

به گفته شاهدان عینی مستقل، باربارا براون از آقای اسمیت پرسید چرا این همه آدم را به قتل رسانده و به این همه زن تجاوز کرده است.

مزیت نقل قول غیر مستقیم این است که معمولاً کوتاه تر است و می توان آن را فشرده کرد تا نکته مورد نظر را بهتر برساند. در مواردی که نقل قول مستقیم طولانی است، نقل قول غیر مستقیم این امکان را فراهم می کند که آن را خلاصه کنیم. بنابراین، جز در مواردی که جنبه مهیج یا خاصی مورد نظر است، نقل قول غیر مستقیم — که گاهی گزارش گفتار نامیده می شود — بهتر است.

قاعده اساسی این است که در نقل قول مستقیم به هیچ وجه نباید دست بُرد. آنچه داخل گیومه می آید، دقیقاً باید همان باشد که گوینده گفته است. وقتی از نقل قول مستقیم استفاده می کنید، به خواننده می گوید که این ها دقیقاً همان کلماتی هستند که بیان شده اند.

تغییر دادن کلمات نقل قول مستقیم جعل و تحریف است. اگر از آن چه فردی بیان کرده دقیقاً یادداشت برداشته اید، یا حرف های او را درست ضبط نکرده اید، نمی توانید از نقل قول مستقیم استفاده کنید. تخطی از این قاعده نقض اصول رفتار و اخلاق مطلوب امروز نامه نگاری است، و کاملاً محتمل است که در آینده از توانایی شما برای مصاحبه گرفتن از آن منبع یا سایر منابع بکاهد.

نقل قول مستقیم باید برای انتقال اطلاعات مهیج یا غیر معمول استفاده شود، نه برای اطلاعات عادی و پیش پا افتاده. برای نقل سخنان مقامات به صرف بلند پایه بودن آن ها یا برای خوشایند ایشان از نقل قول مستقیم

*قاعده اساسی این است
که در نقل قول مستقیم به
هیچ وجه نباید دست بُرد*

استفاده نکنید. در مواردی که لازم است به یک گفته طولانی استناد کنید، بهتر است ترکیبی از نقل قول مستقیم و غیرمستقیم را به کار ببرید، یعنی نکته‌های اصلی را خلاصه کنید و کلمات یا جمله‌های مهم را برای تأثیر گذاری به شکل مستقیم نقل کنید. توجه داشته باشید در مواردی که فحوای کلام تغییر کرده از نقل قول مستقیم استفاده نکنید.

نقل قول غیرمستقیم

منظور از نقل قول غیرمستقیم یا گزارش گفتار فشرده کردن مقدار زیادی اطلاعات در حجمی اندک است. برخلاف نقل قول مستقیم، در این مورد گزارشگر اختیار دارد سخنان گوینده را به منظور ارائه‌تریبی متفاوت، یا برای تأکید بیشتر بر بخش خاصی از آن‌ها پس و پیش کند. این کار غالباً به لحاظ ارائه ساختی منطقی‌تر، پاکیزه‌تر و روشن‌تر از ساختی که گوینده به کار برده اهمیت دارد. اما از این روش تنها باید برای ایجاد وضوح و ایجاد بیشتر استفاده کرد، و معنایی که منتقل می‌شود نباید تغییر کند یا تحریف شود.

در زیر، نقل قول مستقیم یک گفتار را با ارائه‌به مراتب موجزتر همان اطلاعات در قالب نقل قولی غیرمستقیم که پس از آن آمده مقایسه کنید.

نقل قول مستقیم - محمدی گفت: "بسیاری از متخصصان ما تجربه کار در خارج از کشور دارند. پانزده درصد از این ۳۰۰ میلیون دلار به صندوقی اختصاص داده شده که سرمایه اولیه کار در زمینه راه و ترابری - اداره پمپ بنزین، تعمیر ماشین آلات و غیره - را تأمین می کند. به علاوه، کسانی که این منابع مالی را در اختیار صندوق گذاشته اند، ضمانت می کنند که اگر پروژه هایی موفق به کسب منابع مالی از "کمیته فرعی فناوری" شوند، در دسترسی به دیگر منابع مالی برای سرمایه گذاری در بخش خصوصی اولویت خواهند داشت. متخصصان میتالستانی که برای اداره این پروژه [به کشور] بازگردند، خود به خود واجد شرایط استفاده از این منابع مالی خواهند بود. ما می خواهیم به کمک این پروژه ترتیبی بدهیم که صدها نفر از متخصصان میتالی همراه با خانواده هایشان برگردند و شش ماه تا یک سال روی این پروژه کار کنند و بعد شرکت خود را راه بیندازند. ما ۳۷ پروژه را به طور رسمی تصویب کرده ایم و فکر می کنم شش تا از این پروژه ها هم اکنون در دست اجرا هستند."

نقل قول غیر مستقیم - محمدی گفت که یک صندوق سرمایه گذاری با ۴۵ میلیون دلار سرمایه به این برنامه اختصاص یافته و تاکنون ۳۷ کار مشترک با اتباع میتالستانی را برای شرکت های مرتبط با برنامه های راه و ترابری، از قبیل تأسیس پمپ بنزین و تعمیر گاه، تأیید کرده است. از این تعداد، هم اکنون شش شرکت تأسیس شده اند و مشغول فعالیت اند.

تنها عین کلماتی که منبع بر
زبان آورده است باید داخل
گیومه بیاید

روایت کوتاه تر و غیر مستقیم، به مراتب صریح تر و روشن تر از روایت مستقیم طولانی، پیچیده و خسته کننده است. در نقل قول غیر مستقیم فوق فقط از ۵۴ کلمه استفاده شده است. تعداد کلمات نقل قول مستقیم سه برابر کلمات نقل قول غیر مستقیم است. در ضمن، افراط در استفاده از نقل قول های مستقیم و طولانی این احساس را به وجود می آورد که روزنامه نگار واقعاً مستقل یا حرفه ای نیست و شاید سعی دارد گوینده را تحت تأثیر قرار دهد یا نظر موافق او را جلب کند. همچنین ممکن است این احساس به سردبیر دست بدهد که شما فقط دارید صفحه پر می کنید یا نمی خواهید به خودتان زحمت بدهید و از واقعیت ماجرا سر در بیاورید.

بازبینی و ویرایش نقل قول ها

هنگام ویرایش نقل قول ها به منظور تطبیق دادن آن ها با گزارش مفهوم را تغییر ندهید و معنار را تحریف نکنید. در مواردی که نمی توان به راحتی نقل قولی را بدون تغییر معنای آن با گزارش تطبیق داد، از نقل قول غیر مستقیم یا گزارش گفتار استفاده کنید. تنها عین کلماتی که منبع بر زبان آورده است باید داخل گیومه بیاید.

در مواردی که تردید دارید، نقل قول را دوباره با منبع خود در میان بگذارید. بازبینی نقل قول ها می تواند در دسر ساز باشد، زیرا وقتی نقل قول را به طور کامل برای منبع می خوانید، ممکن است وسوسه شود که در اظهارات اولیه اش دست ببرد یا آن ها را انکار کند، و در این حال روزنامه نگار در موقعیت دشواری قرار خواهد گرفت. بهترین رویکرد این

است که برای او توضیح بدهید که بر اساس سیاست روزنامه نقل قول‌ها کلمه به کلمه برای منبع خوانده نمی‌شود، بلکه فقط مضمون اظهاراتش را برای بازبینی با او در میان می‌گذارید. در هر حال، منبع شما باید از دقت شما در مورد صحت اظهاراتش سپاسگزار باشد.

معمولاً پس از کنفرانس مطبوعاتی مشاهده می‌شود که عده‌ای از روزنامه‌نگاران یادداشت‌هایشان را با هم مقایسه می‌کنند و از هم می‌پرسند که فلانی "دقیقاً چی گفت؟" اما این کار ممکن است مخاطراتی داشته باشد. این قبیل عادت‌های منفعلانه گزارشگران ممکن است موجب شود که خطای یک گزارشگر از طریق رسانه‌های دیگر تکرار و تکثیر شود. اما روزنامه‌نگاران اغلب به این شیوه به کمک هم می‌آیند، و بد نیست یک یادو همکار بسیار قابل اعتماد را شناسایی کنید تا در صورت لزوم بتوانید یادداشت‌هایتان را با هم مطابقت بدهید. با این همه، دقت کنید و به یاد داشته باشید که شما خود مسئول گزارش‌تان هستید! البته ضبط کردن کنفرانس مطبوعاتی (مراجعه کنید به اواخر همین فصل) می‌تواند از بسیاری از این مشکلات جلوگیری کند.

اگر امکان تغییر دادن کلمات نقل قول مستقیم وجود ندارد، می‌توان آن را با استفاده از نقطه چین، کروشه، یا سایر انواع تقطیع، کوتاه کرد.

سه نقطه نشان می‌دهد که برخی از کلمات جمله حذف شده‌اند، مثل این مورد: «دادستان اعلام کرد حکم صادره با جنایتی که رخ داده

مقایسه یادداشت‌ها با همکاران ممکن است مخاطراتی داشته باشد. به یاد داشته باشید که شما خود مسئول گزارش‌تان هستید

تناسبی ندارد. متهم... دست کم مستحق ۲۰ سال زندان است." توجه داشته باشید که بین نقطه‌ها فقط باید یک فاصله وجود داشته باشد (از کلید سه نقطه اتوماتیک مایکروسافت استفاده نکنید).

چهار نقطه نشان می‌دهد که یک یا چند جمله حذف شده است، مثل این مورد: کالین پاول، وزیر امور خارجه، خطاب به کمیته کنگره اعلام کرد که "دو چالش بزرگی که امروز پیش روی ما قرار دارد یکی بازسازی عراق است و دیگری بازسازی افغانستان... اما هنوز کارهای زیادی باقی مانده است که باید انجام شود." توجه داشته باشید که از این چهار نقطه، نقطه اول نقطه پایان جمله است، و فاصله آن با پایان جمله باید بر همین اساس رعایت شود.

کروشه برای نشان دادن افزوده‌های ویرایشی است، و تنها برای روشن کردن موضوع باید از آن استفاده کرد. مثل این مورد: آلکسی باریشنیکوف، تحلیلگر مقیم مسکو، می‌گوید: "غرب، به رغم سابقه وحشتناک [شپی] مارتنس [رئیس جمهور میتالستان] در زمینه حقوق بشر، همچنان از او حمایت می‌کند."

استفاده از (کذا) به خواننده اطلاع می‌دهد که این عبارت پردازی نامناسب یا جمله از نظر دستوری نادرست عیناً در گفتار شفاهی یا کتبی گوینده به کار رفته و خطای ویرایشی یا حروف نگاری نیست.

برای پرهیز از به کار بردن نقطه چین می توان بین دو بخش نقل قول فاصله انداخت، مثل این مورد: "متهم"، به گفته دادستان، "دست کم مستحق ۲۰ سال زندان است." اما از این روش تنها زمانی باید استفاده کرد که برای حفظ روانی نثر ضروری باشد، و مطلب نقل شده در هر حال نباید تحریف یا قلب شود.

ضبط کردن و یادداشت برداشتن

استفاده از وسایل ضبط صدا ممکن است صمیمیت گفت و گوی خصوصی را مختل کند، اما برای پوشش کنفرانس های مطبوعاتی می تواند بسیار ارزشمند باشد.

به همین سیاق، روند یادداشت برداشتن هم ممکن است حواس روزنامه نگار را از خود مصاحبه پرت کند یا موجب مکث و وقفه در صحبت مصاحبه شونده شود. هیچ چیز مثل هیجان ناگهانی در یادداشت برداشتن منبع را دچار اضطراب نمی کند که شاید دارد زیاده گویی می کند. با وجود این، دقت، به ویژه در ارائه نقل قول مستقیم، ایجاب می کند که مکالمات به دقت ثبت شود.

روزنامه نگاران به شیوه های مختلف این معضل را از سر راه خود برمی دارند. یک شیوه کارآمد یاد گرفتن تندنویسی است. تندنویسی ابزاری ارزشمند و همیشگی است و مختصری مهارت در این زمینه فایده های زیادی دارد. تیلاین^۲ و پیتمن^۳ دو شیوه بسیار کارآمد

از هر روشی که استفاده
می‌کنید، مهم این است که
بلافاصله پس از مصاحبه
یادداشت‌هایتان را مرور
کنید تا جاافتادگی‌ها،
یا قسمت‌های ناخوانای
یادداشت‌هایتان را به خاطر
بیاورید

تندنویسی در زبان انگلیسی است. کتاب‌های خودآموز تندنویسی را می‌توان از طریق اینترنت خرید و با جست‌وجوی اینترنتی می‌توان از دوره‌های آموزش تندنویسی از راه دور مطلع شد.^۴

یک روش ساده‌شده، که از تندنویسی اخذ شده، حذف حروف صدادر هنگام نوشتن است. این روش سرعت نوشتن شما را افزایش می‌دهد و، در عین حال، نوشته‌ی شما کماکان برایتان قابل فهم خواهد بود.

از هر روشی که استفاده می‌کنید، مهم این است که بلافاصله پس از مصاحبه یادداشت‌هایتان را مرور کنید تا جاافتادگی‌ها، یا قسمت‌های ناخوانای یادداشت‌هایتان را به خاطر بیاورید.

اما در همه‌ی موارد، در صورتی که منبع شما اجازه بدهد، بهترین روش استفاده از وسایل ضبط صداست. به مصاحبه‌شونده یادآور شوید که این کار صرفاً برای اطمینان از رعایت امانت و گزارش حرف‌های او به طور کامل است. دقت به نفع هر دو نفر شماست.

بسیاری از روزنامه‌نگاران، حتی هنگامی که از ضبط صوت استفاده می‌کنند، باز هم یادداشت برمی‌دارند یا دست کم حرف‌های مهم را به سرعت می‌نویسند. واریسی مجدد وسایل ضبط صدا، میکروفون، باتری‌ها، نوارها و سی‌دی‌ها قبل از شروع مصاحبه ضروری است، اما بی‌نظمی و آشفتگی همیشه پیش می‌آید. هیچ احساسی وحشتناک‌تر از این نیست که پس از انجام یک مصاحبه بی‌نظیر متوجه شوید که ضبط صوت خراب بوده است.

ملاقات با منبع در کافی شاپ یا سایر مکان‌های عمومی امری مرسوم است. اما ممکن است این مکان‌ها آزادی او را هنگام حرف زدن محدود کنند، خصوصاً اگر بخواهید یادداشت هم بردارید یا مصاحبه را ضبط کنید. اگر در رستوران یا کافه مصاحبه می‌کنید، حواس‌تان را حسابی جمع کنید چون صدای قاشق و چنگال و کاسه و بشقاب و سایر صداهای پس‌زمینه ممکن است حرف‌های مصاحبه‌شونده را نامفهوم کند. بنابراین حتماً میکروفون یا ضبط صوت را تا حد امکان نزدیک به او قرار دهید.

در مصاحبه‌های مهم پیاده کردن کل مصاحبه بسیار ارزشمند است. پیاده کردن متن کار زیادی می‌برد، اما متن کامل بحث و حرف‌های طولانی غالباً خیلی مفیدتر از آن است که احتمالاً در ابتدا تصور کرده‌اید. نگهداری متن پیاده‌شده مصاحبه و مراجعه به آن در موارد بعدی نیز بسیار آسان‌تر از یک دسته‌نوار قدیمی بدون برچسب است.

قبل از ذخیره کردن متن‌های پیاده‌شده و یادداشت‌هایتان، حتماً آن‌ها را تاریخ‌بزنید. اگر در ارتباط با گزارشی مشکلی پیش بیاید، و در بدترین حالت یک دعوای حقوقی مطرح شود، نیاز خواهید داشت به یادداشت‌های اولیه خود رجوع کنید. بسیاری از مؤسسات رسانه‌ای غربی توصیه می‌کنند که یادداشت‌ها مدت سه سال نگهداری شوند.

تمرین

در باره مثال‌های زیر و معضلاتی که گاهی در ارتباط با منابع پیش می‌آید با همکاران خود بحث کنید:

۱. شما با مدیر عامل یک مؤسسه توسعه و عمران مصاحبه مفصلی انجام داده‌اید که قرار است منتشر شود. او نکات متعددی را بی‌پرده بیان کرده و مدیران محلی مؤسسه را به فساد و گرفتن رشوه متهم کرده است. شما هم بر مبنای بهترین حرف‌های او مطلب صریح و بی‌پرده‌ای نوشته‌اید، اما پیش از انتشار آن، مدیر عامل مورد بحث با تشویش و اضطراب فراوان به شما تلفن می‌کند. او می‌گوید یقین دارد که این مصاحبه موجب خواهد شد شغلش را از دست بدهد و از آن بیم دارد که حتی جانش را به خطر بیندازد. از شما می‌خواهد با همکاری همدیگر نقل قول‌ها را ملایم‌تر کنید.

■ این موضوع را با چه کسی در میان خواهید گذاشت؟

■ چه دلایلی له و علیه موافقت با درخواست او وجود دارد؟

۲. شما یک مصاحبه اختصاصی با نخست‌وزیر کشورتان انجام داده‌اید که قرار است منتشر شود. او در این مصاحبه با قاطعیت از سیاست‌های برخی از وزرایش انتقاد کرده و آنان را متهم کرده که

به دولت وفادار نیستند و اقتصاد کشور را به مخاطره انداخته‌اند. هنوز به محل کارتان برگشته‌اید که معاون مطبوعاتی او با شما تماس می‌گیرد و می‌گوید نخست‌وزیر در مورد حرف‌هایش تجدید نظر کرده است و مصاحبه دیگر قابل انتشار نیست. او به طور غیررسمی به شما می‌گوید که نخست‌وزیر نگران است که این گزارش دولت ائتلافی او را ساقط کند.

■ چه واکنشی به درخواست معاون مطبوعاتی نخست‌وزیر نشان خواهید داد؟

■ این موضوع را با چه کسی در میان خواهید گذاشت؟

■ چه دلایلی له و علیه موافقت با درخواست او وجود دارد؟

منابعی برای مطالعه

سایت مؤسسه پوینتر در زمینه شسته و رفته کردن نقل قول‌ها:

www.poynter.org/column.asp?id=1&aid=2912

سیاست روزنامه‌ها و اشنگتن پست در مورد نقل قول‌ها:

www.poynter.org/column.asp?id=45&aid=61190

درباره ضبط کردن یا ضبط نکردن:

www.poynter.org/column.asp?id=52&aid=15200

۱. در زبان فارسی جداسازی مورد نظر در این مثال تصنعی به نظر می‌رسد. این شیوه جداسازی در زبان انگلیسی مرسوم است. اصل جمله انگلیسی این است:

“The accused,” said the prosecutor, “deserved no less than 20 years’ imprisonment”

2. Teeline

3. Pitman

۴. بدیهی است که روش حذف حروف صدا دار در مورد خط فارسی صدق نمی‌کند و باید از روش‌های دیگری برای تندنویسی استفاده کرد.

تشخیص خبر، و انواع مطلب



شاید مهم‌ترین مهارت
روزنامه‌نگار اطلاع از نحوه
تشخیص مطلبی باشد که
باید به دنبالش رفت

ارائه تعریفی دقیق از "خبر" کار دشواری است. اما شاید مهم‌ترین مهارت روزنامه‌نگار اطلاع از نحوه تشخیص مطلبی باشد که باید به دنبالش رفت. این فصل به بررسی مبحث تشخیص خبر می‌پردازد و انواع مطالبی را که استفاده از آنها رایج است مطرح می‌کند.

اکثر روزنامه‌نگاران بر این نظرند که کلیشه "سگ یک نفر را گاز گرفت" خبر نیست، اما "یک نفر سگی را گاز گرفت" خبر است. اما چرا؟ دلیل ساده‌اش این است که مورد نخست همیشه اتفاق می‌افتد، اما مورد دوم رویدادی نامعمول، اگر نگوییم عجیب و غریب، است.

اما برای درک این که موضوعی ارزش تبدیل شدن به مطلب را دارد یا نه، راه‌های عملی‌تری هم وجود دارد. اخبار تازه^۱، در ساده‌ترین معنایش، اتفاقی است که رخ داده است؛ می‌تواند یک حادثه باشد یا یک جریان، چیزی که ناگهان اتفاق افتاده یا چیزی که جریان داشته است. یک نفر برنده شده، یا باخته است. جنگی شعله‌ور شده یا به مصالحه انجامیده است. چیزی ساخته یا ویران شده. کسی ناکام شده و کسانی به موفقیت دست یافته‌اند.

مطلب خوب آغازی دارد و میانه‌ای و پایانی. چنین مطلبی باید به شش سؤالی که در فصل سوم مطرح شد پاسخ دهد: چه کسی، چه چیزی، چه موقع، کجا، چرا و چگونه؟ فراموش نکنید که به فکر خواننده باشید و یادتان باشد چه چیزی او را وامی‌دارد که مقاله شما را بخواند: آیا اتفاقی افتاده؟ آیا این اتفاق تازگی دارد؟ جالب است؟

احاطه داشتن بر اخبار
بهترین راه برای تشخیص
این موضوع است که ایده
مطلب شما تازه است یا نه

مطلب و موضوع

یکی از بزرگ‌ترین دشواری‌ها، به‌ویژه برای روزنامه‌نگاران جوان، متمایز کردن مطلب از موضوع است. مطلب ممکن است دربارهٔ موضوعی باشد. اما موضوع به خودی خود مطلب به حساب نمی‌آید.

بسیاری از گزارشگران، هنگام صحبت دربارهٔ ایده‌های مطلب، می‌گویند فکرشان درگیر موضوعی در جامعهٔ خودشان است و می‌خواهند دربارهٔ آن بنویسند. این امر بسیار مثبت است، اما کافی نیست. فقر، آموزش، امنیت، همه، موضوع‌اند نه مطلب.

روزنامه‌نگار باید بیشتر کندوکاو کند تا حادثه، تحول یا شاید جریانی بیابد و بتواند روایتی بسازد که در آن اتفاق متفاوتی روی می‌دهد.

دنبال کردن خبرهای داغ

یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی در انتخابِ مطلبِ قرار داشتن در جریان اخبار است. احاطه داشتن بر اخبار بهترین راه برای تشخیص این موضوع است که ایدهٔ مطلب شما تازه است یا نه.

تهیهٔ مطلب دربارهٔ موضوعی که رسانه‌ها قبلاً به تفصیل به آن پرداخته‌اند، ارزش چندانی ندارد. یک مطلب خبری کوتاه، یا یک مقالهٔ گزارشی، باید تازگی داشته باشد و موضوع‌های تازه‌ای را مطرح کند.

هنگامی که ماجرای مهمی
مطرح می‌شود، قدرت خبر
داغ قابل انکار نیست

یعنی باید اتفاق تازه‌ای رخ داده باشد. معنای دیگرش نیز می‌تواند این باشد که زاویه دید جدید یا منبع تازه‌ای درباره آن موضوع دارید که بر اطلاعاتی که تا کنون منتشر شده چیزی اضافه می‌کند.

"خبر داغ" مفهومی است پیچیده و ناظر به مسائلی که جذابیت خبری دارند یا موضوع بحث خاصی در یک مقطع زمانی هستند. سردبیر شما، همان طور که درباره موضوعی که روزنامه قبلاً به آن پرداخته مقاله نمی‌خواهد، به موضوعاتی که به هیچ وجه جنبه خبری ندارند نیز علاقه‌ای نخواهد داشت.

داغ بودن خبر همیشه معیار مشخصی ندارد و سردبیران مختلف در این زمینه نظرات متفاوتی دارند. برخی روزنامه‌نگاران به طور کلی از مفهوم خبر داغ ناراضی‌اند و آن را رویکردی بسیار محدود کننده و تحمیلی نسبت به رسانه‌های دانند. آنان می‌گویند این حق هر مؤسسه رسانه‌ای است که تعیین کند خبر چیست، نه این که کور کورانه وقایع را دنبال کند. اما هنگامی که ماجرای مهمی مطرح می‌شود، قدرت خبر داغ قابل انکار نیست.

تعقیب خبرهای داغ به معنی دنبال کردن مطالبی است که با وقایع و مباحث مهم در هر مقطع زمانی مرتبط است. این امر می‌تواند به معنای مطالبی در ارتباط مستقیم با یک موضوع خبری مهم - مثل ترور نخست‌وزیر - باشد. یا می‌تواند به معنی مطالبی خنثی باشد که به

موضوعی - مثل رواج خشونت یا فرهنگ حمل و نگهداری اسلحه در جامعه - می پردازد. بسیاری اوقات می توان مقاله را با ویرایش لید آن به موضوعی داغ ربط داد. اما توجه داشته باشید که اگر خبرهای داغ خیلی سریع تغییر کنند، احتمال دارد آن نوشته ها نیز اهمیت خود را از دست بدهند.

در هر حال همیشه باید از اخبار مهم مطلع باشید. این امر تأکیدی است بر مهم ترین وظیفه روزنامه نگاران یعنی "خوره خبر" بودن. هر چه می توانید بخوانید. هم روزنامه خودتان را بخوانید، هم روزنامه رقیب را، هم روزنامه هایی را که با دیدگاهشان سخت مخالفید. سعی کنید روزنامه های کشورهای دیگر را هم بخوانید و چرخی هم در اینترنت بزنید. مجموعه ای از رسانه ها را برای دنبال کردن انتخاب کنید و به طور منظم آن ها را مرور کنید. در این میان، رسانه های الکترونیک، به ویژه بخش های خبری اصلی صبح و شب آن ها را هم دنبال کنید.

علائق متفاوت

از کجای دانید مردم به چه نوع مطالبی علاقه مندند؟ پاسخ این است که افراد مختلف، بسته به پیشینه، شغل یا محل زندگی خود، به مطالب متفاوتی علاقه دارند.

هم روزنامه خودتان را
بخوانید، هم روزنامه رقیب
را، هم روزنامه هایی را که با
دیدگاهشان سخت مخالفید

پس نخستین قاعده این است که مخاطب خود را در نظر داشته باشید. آیا این مطلبی است که به آن علاقه مند هستند؟ آیا لازم است از این مطلب مطلع شوند؟ مثلاً مخاطب بین‌المللی به یک سانحه رانندگی معمولی که طی آن دو نفر در یک جاده داخلی کشته شده‌اند، علاقه‌ای نخواهد داشت مگر این که آن افراد خارجی باشند یا شهرت جهانی داشته باشند. اما مخاطب داخلی به این مطلب علاقه مند خواهد بود.

به همین ترتیب، ممکن است مطلبی به دلیل غیر معمول بودنش برای مخاطب بین‌المللی جذاب باشد، اما مخاطب داخلی آن را بدیهی بداند. مثل شکار نهنگ در جزایر فارو؛ اقامتگاهی مناسب برای گردشگران؛ مجموعه جالبی از اشیای باستانی یا یک جشنواره محلی شاد.

اگر خبر سانحه رانندگی تأکیدی باشد بر خرابی جاده‌ها یا عدم تعمیر و نگهداری درست آن‌ها، و نشان بدهد که حادثه اخیر توجه عموم را به لزوم اقدامات بیشتر در مورد جاده‌ها یا سایر اقدامات ایمنی جلب کرده است، حتی ممکن است گزارش‌هایی هم در پی داشته باشد. در اطراف ما موضوع بالقوه برای گزارش فراوان است و به همین دلیل جست‌وجو برای یافتن آن‌ها به زحمتش می‌آرد. روزنامه‌نگار خوب برای تهیه گزارش از چشم و گوش و همه اطلاعاتی که به دست آورده استفاده می‌کند.

انواع مطالب

بسیاری از مؤسسات خبری مطالب را به چهار دسته اصلی تقسیم می‌کنند. مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح هم از همین روش پیروی می‌کند. بنابراین هنگام انتخاب مطلب خود باید بدانید که قصد دارید چه نوع مطلبی بنویسید:

- **خبر** – گزارشی است از یک اتفاق یا جریان. خبر باید مؤثر، متوازن و نسبتاً کوتاه باشد.
- **گزارش** – روایتی است مفصل که امکان کندوکاو بیشتر در یک اتفاق، یک جریان، یک مکان یا شخصیت را فراهم می‌کند (گاهی «شرح ماجرا» نیز خوانده می‌شود).
- **تحلیل** – تحلیل یک رویداد خبری یا جریان غالباً شامل نقل قول‌های طیفی از افراد دخیل در موضوع و متخصصان. تحلیل می‌تواند بیانگر یک دیدگاه باشد، اما باید عقاید متفاوت را با رعایت اعتدال و توازن مطرح کند.
- **تفسیر** – نظری جانبدارانه، بیانگر دیدگاه شخصی و غالباً همراه با استدلالی محکم، از جمله توصیه‌هایی برای حل و فصل یک مشکل.

هنگام انتخاب مطلب لازم است برای خودتان هم روشن باشد که چه نوع مطلبی می‌خواهید بنویسید و با سردبیر نیز در این مورد صریح

خبر دربارهٔ رویدادی است
که تازه اتفاق افتاده: سقوط
یک هواپیما، ترور یک مقام
سیاسی، شعله‌ور شدن آتش
جنگ

باشید. بیشتر مطالب مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح خبر، گزارش و تحلیل است. این مطالب گاهی شامل تفسیر هم می‌شود که غالباً محدود به متخصصان شناخته‌شده یا روزنامه‌نگارانی است که اسم و رسمی دارند.

برای حفظ اصل بی‌طرفی باید بین انواع مختلف مطلب تمایز قائل شوید، و به‌ویژه خبر و تفسیر را از هم تفکیک کنید.

مطالب خبری

مطالب خبری را می‌توان به دو نوع متفاوت تقسیم کرد: اخبار ناگهانی یا اخبار فوری، و اخبار از پیش برنامه‌ریزی شده. دسته دوم را گاهی "وقایع اتفاقیه" هم می‌گویند، چون مسئولان مؤسسه خبری می‌دانند که یک رویداد بخصوص چه زمانی واقع خواهد شد و پیشاپیش آن را در دستور کار روزانه خود قرار داده‌اند.

۱. اخبار فوری - اخبار فوری خبرهایی هستند که اکثر مردم آن‌ها را جدی‌ترین شکل خبر می‌دانند. خبر رویدادی که تازه اتفاق افتاده: سقوط یک هواپیما، ترور یک مقام سیاسی به دست فردی مسلح، توفان شدیدی که خانه‌ها را ویران کرده، شعله‌ور شدن آتش جنگ، زلزله‌ای که یک منطقه را به لرزه درآورده، آتشفشانی که فوران کرده و مانند آن‌ها. شبکه‌های خبری ۲۴ ساعته تلویزیونی این خبرها را "خبر فوری" می‌نامند و برای جلب توجه بینندگان آن‌ها را روی نواری پایین صفحه تلویزیون نمایش می‌دهند.

۲. اخبار رویدادهای از پیش برنامه‌ریزی شده - این دسته اخبار معمولاً قابل پیش‌بینی هستند (چنان‌که پیش‌تر گفته شد، این نوع اخبار اغلب در دستور کار روزانهٔ موسسات خبری قرار گرفته‌اند). این اخبار حول رویدادهای از قبل برنامه‌ریزی شده می‌چرخند، مثل نطق مهم رئیس‌جمهور یک کشور، یا اعلام بیلان مالی سال گذشتهٔ یک شرکت. سالگردها نیز گاهی دلیل مناسبی برای نوشتن مقاله محسوب می‌شوند، مثلاً دربارهٔ یک رویداد تاریخی، ارزیابی استقلال کشوری پس از گذشت ۱۰ سال، یا یک دهه پس از وقوع فاجعه.

شاید عاقلانه باشد که سوابق مطلب را پیش‌پیش آماده کنید. اما در نظر داشته باشید که وقایع غیرمنتظره غالباً رخ می‌دهند: اخبار فوری ممکن است خبرهای از پیش برنامه‌ریزی شده را تحت‌الشعاع قرار دهند - اخباری مثل تیراندازی به رئیس‌جمهور حین سخنرانی یا هو شدن او یا زمین خوردنش؛ یا این که ممکن است سخنران مطالب از قبل نوشته شده‌اش را کنار بگذارد. بنابراین، روزنامه‌نگار باید برای این موارد آماده باشد. گزارشگرانی که اخبار رویدادهای از پیش برنامه‌ریزی شده را پیش‌پیش و بدون در نظر گرفتن آن چه در عمل اتفاق افتاده نوشته‌اند، بعضی اوقات به دردسر افتاده‌اند و - گاهی از طریق رقبای خود - فهمیده‌اند که سیر وقایع بسیار متفاوت بوده است. این شیوهٔ گزارشگری اشتباه است، و گزارشگر خوب باید حواسش به رویدادهای غیر مترقبه باشد.

گزارش

۱. گزارش تحقیقی - گاهی خبر به خودی خود همان مطلب است. دلیلش این است که، اگرچه اتفاق خاصی رخ نداده و حادثه‌ای به وقوع نپیوسته، پژوهش تحقیقی اطلاعاتی را در مقاله افشا می‌کند که درک ما را از حوادثی که پیش‌تر اتفاق افتاده یا در حال وقوع است، تغییر می‌دهد.

پس از یک جنگ بزرگ، روزنامه‌نگاران بر اساس اطلاعات دست اول طرف‌های درگیر، یعنی - سیاستمداران، دیپلمات‌ها، فرماندهان نظامی - کتاب‌ها و مقالات مفصل می‌نویسند. با این که جنگ مدت‌ها پیش پایان گرفته، این قبیل گزارش‌ها جریان وقایع را به شکلی تشریح می‌کنند که پیش‌تر از آن آگاه نبوده‌ایم.

می‌توان به نمونه‌های دیگری از گزارش‌های تحقیقی اشاره کرد که ممکن است وضعیت یک محیط کاری، مسائل یک گروه اقلیت، یک بحران زیست‌محیطی رو به گسترش، یا شاید پیشرفت‌های مثبت نظام آموزشی را نشان بدهند. شور و هیجان این دست مطالب تأثیری مداوم و فزاینده دارد، و روزنامه‌نگار با واکاوی اطلاعات، آن‌ها را بدل به خبر می‌کند.

در نظر داشته باشید که مردم معمولاً به سرگذشت آدم‌های دیگر علاقه دارند

۲. گزارش‌های شاد و مردم‌پسند - این دسته گزارش‌ها که می‌توانند بسیار مفرح باشند، مسلماً فرصت‌های زیادی برای نوشتن خلاقانه در اختیار روزنامه‌نگار قرار می‌دهند. چنین گزارش‌هایی لازم نیست مربوط به "سخت‌اخبار" باشند. می‌توانند، در عین آموزنده بودن، سرگرم‌کننده هم باشند، مثل گزارش درباره‌ی یک رهبر سیاسی. مسافرت، غذا، ورزش و تفریحات از دیگر موضوع‌های این قبیل گزارش‌ها هستند. این‌ها را معمولاً گزارش‌های "مردم‌پسند" می‌نامند. گذشته از این‌ها، یک نشریه خوب نباید سراسر آکنده از مطالب سنگین و جدی باشد. مهم‌ترین عوامل در گزارش‌نویسی، در وهله اول ایده خوب و پس از آن پژوهش خوب است. اطلاعات باید قبل از نوشتن گلچین شوند و سپس به شکلی جالب و جذاب مونتاژ شوند. این کار نیاز به ساختاری منطقی و یک پایان‌بندی گیرا دارد.

برای نوشتن گزارش معمولاً می‌توانید با یک موضوع یا جریان یا مسئله خاص شروع کنید تا مسائلی عام‌تر را روشن کنید.

مثلاً وقتی درباره مهاجرت مردم از روستا به شهر می‌نویسید، روستایی خاص و چند نفر از مردمانش را پیدا کنید و از داستان زندگی آن‌ها برای نشان دادن مشکلات و موفقیت‌ها استفاده کنید. در نظر داشته باشید که مردم معمولاً به سرگذشت آدم‌های دیگر علاقه دارند.

اگر می‌خواهید درباره‌ی یک پروژه مطلبی بنویسید، سعی کنید آن را از نگاه مردمی بنویسید که این پروژه بر زندگی آن‌ها تأثیر گذاشته است. تلاش کنید مسائل را از جنبه مردمی مطرح کنید. بعداً می‌توانید

مطلب‌تان را با آمار و ارقام و اطلاعات مفصل تکمیل کنید، اما اگر نتوانید نشان بدهید که این آمار و ارقام برای مردم چه معنایی دارند، خسته‌کننده خواهند بود.

تحلیل

تحلیل خبر باید خواننده را از یک مطلب خبری "داغ" معمولی فراتر ببرد و، در مقایسه با محدودیت‌های نوشتن یک مطلب خبری جدی و فوری که هنوز در حال تحول است، علی‌القاعده به جزئیات بیشتری می‌پردازد و توضیحات بیشتری می‌دهد. هنگام نوشتن مطالب خبری فوری ممکن است هم برای گردآوری اطلاعات هم برای مسلط بودن بر وقایعی که به سرعت دستخوش تغییرند (مثل افزایش مستمر تعداد کشته‌شدگان یک بمب‌گذاری) تحت فشار زیادی باشید. این قبیل مطالب خبری فوری باید زمینه‌ای داشته باشند تا خواننده بتواند علت اهمیت آن‌ها را بفهمد (باز هم همان آزمون "خوب که چی؟"). اما این قبیل مطالب خبری فوری رانمی‌توان با تحلیل‌هایی که مانع از دریافت اطلاعات اولیه مهم می‌شوند، شلوغ و آشفته کرد.

وقتی گرد و غبار فرو نشست و خبر داغ و تازه به طور کامل پوشش داده شد، شاید زمان آن باشد که از آن موقعیت فاصله بگیریم و تحلیلی جداگانه بنویسیم. مشکل آن جا پیدا می‌شود که حجم «تحلیل» کمی بیشتر از مطلب خبری خواهد بود و چند پاراگراف طولانی‌تر و مقدار

بیشتری زمینه نیاز خواهد داشت. برای تحلیل درست لازم است از افراد مختلف مانند سیاستمداران، فرماندهان نظامی، امدادسازان یا دیپلمات‌ها نظر بخواهیم تا دیدگاه‌های آنان در مورد اتفاقی که رخ داده، دلایل این اتفاق، و مهم‌تر از همه پیامدهایش در زمان حال و آینده مطرح شود. تلاش کنید تا تحلیل جامعی ارائه دهید.

تفسیر

مؤسسات خبری غالباً تفسیرهایی منتشر می‌کنند، اما خیلی مراقب‌اند که این مقالات به وضوح ذیل عنوان تفسیر منتشر شوند. این کار برای اطمینان از آن است که خواننده می‌داند آن چه می‌خواند خبر صرف و بی‌طرفانه یا گزارشی از اطلاعات خبری نیست، بلکه، در واقع، نظر یک فرد است دربارهٔ اتفاقی که افتاده یا، غالباً، اتفاقی که به نظر او باید بیفتد.

تفسیر را هم روزنامه‌نگاران می‌توانند بنویسند هم افرادی خارج از مؤسسهٔ خبری، مانند متخصصان، دیپلمات‌ها یا سیاستمداران. در مواردی که روزنامه‌نگاران این تفسیرها را می‌نویسند، برخی روزنامه‌ها که تعداد کارکنان‌شان زیاد است می‌توانند حد فاصل محکمی را رعایت کنند تا کارکنان بخش خبری اصلی از گروه تهیه‌کنندهٔ تفسیرها کاملاً جدا باشند.

بسیاری از مؤسسات خبری غربی همچنین سعی می‌کنند از اعتدال تفسیر طی یک دورهٔ زمانی مطمئن شوند. مثلاً اگر در دوران انتخابات

فراهم کردن مجالی برای
این‌که افراد بتوانند نظرات
خود را بنویسند، مجوز
انتشار مطالب افتراآمیز یا
اظهارات بی‌پروا و اهانت‌های
نژادی نیست

یک کشور سیاستمداری از یک حزب در روزنامه‌ای تفسیری بنویسد، پیش از رأی‌گیری همان اندازه فضا در اختیار احزاب اصلی دیگر نیز قرار خواهد گرفت. برخی از مجریان رادیو-تلویزیونی قواعد سفت و سختی دارند که اختصاص زمان مساوی به احزاب سیاسی اصلی را تضمین می‌کند.

باید بدانیم که فراهم کردن مجالی برای این‌که افراد بتوانند نظرات خود را بنویسند، مجوز انتشار مطالب افتراآمیز (که ممکن است به خاطر آن‌ها کار نشریه- و نه فقط نویسنده- به دادگاه بکشد)، یا اظهارات بی‌پروا و اهانت‌های نژادی نیست. این وظیفه سردبیران است که مطمئن شوند تفسیر از حدود متعارف روزنامه‌نگاری مطلوب تجاوز نمی‌کند.

تمرین

قطعات زیر را بخوانید و مشخص کنید کدام قسمت آن‌ها خبر است و گزارشگر برای پرورش این خبرها باید چه کاری انجام بدهد. شما با این قطعات چه نوع مطلبی خواهید نوشت؟

۱. بسیاری از کودکان هنگام تولد جان خود را از دست می‌دهند، زیرا هیچ‌گونه تسهیلات درمانی برای مادران آن‌ها وجود ندارد. این امر به‌ویژه در خارج از پایتخت و شهرهای بزرگ صادق است.

۲. دولت به منظور حفاظت از راه‌های تجاری مهم و دستگیری قاچاقچیان که بدون پرداخت عوارض گمرکی اقدام به وارد کردن کالا از آن سوی مرز می‌کنند، سربازان را به این مناطق گسیل کرده است.

۳. وزیر آموزش و پرورش از طریق درخواست اعانه از مردم ده میلیون دلار جمع‌آوری کرده است.

۴. بسیاری از مهاجران سابق که امسال به کشور بازگشته‌اند، زندگی سختی دارند.

۵. تعدادی از مهاجرانی که امسال به پایتخت برگشته‌اند، به دلیل شلوغی و ازدحام محل زندگی خود در برابر شهرداری دست به اعتراض زدند.

منابعی برای مطالعه

لینک‌های مرتبط با تحقیق و آموزش روزنامه‌نگاران
با مشارکت نشریه نقد و بررسی روزنامه‌نگاری کلمبیا
Columbia Journalism Review:

www.powerreporting.com

راهنمایی در زمینه گزارشگری به کمک کامپیوتر:

www.nicar.org

۱. «تازه» در این جمله، ترجمه new است و چنان‌که می‌دانیم آن‌چه در فارسی امروز خیر (به معنای مصطلح آن) نامیده می‌شود، ترجمه‌ای است از کلمه news به معنای لغوی «تازه‌ها». بنابراین در این جمله، «تازه» در واقع جانشین حالت مفرد اخبار (تازه‌ها) و مترادف با «خبر» است.

شیوه نگارش

شیوه نگارش عبارت است از قواعد زبانی و دستوری مختص هر روزنامه، وبسایت، نشریه یا سازمان رادیو-تلویزیونی که برای ایجاد هماهنگی درونی در همه گزارش‌ها و از جانب همه نویسندگان رعایت می‌شود.

از آن جا که مسئله اصلی هر نشریه‌ای انتقال هر چه روشن تر اطلاعات با حداقل زحمت است، شیوه نگارش یکسان یکی از ابزارهای نیل به این مقصود به شمار می‌رود. هدف از این کار هم‌سان کردن سبک‌ها و لحن‌های مختلف نیست - واضح است که هر نویسنده‌ای در نگارش سبکی مخصوص به خود دارد - بلکه غرض پرهیز از ناهماهنگی، ناهم‌ریختی و اغتشاشی است که ممکن است خواننده یا شنونده را پس بزند. ممکن است مخاطب همیشه انتظار داشته باشد که اطلاعات به همان شیوه هماهنگ در اختیار او قرار بگیرد، و نشریه‌ای که "با یک لحن سخن می‌گوید" اعتبارش بیشتر می‌شود.

گاهی این شیوه نگارش و لحن بخشی از هویت نشریه است و بادقت پرورش یافته است. مثلاً در بریتانیا، روزنامه‌های مردم‌پسند^۱ عنوان‌ها و جملاتی با ساختار بسیار کوتاه به کار می‌برند. اکونومیست هم لحنی خاص خود دارد که در تمام قسمت‌های این مجله، صرف نظر از محتوای مطالب، یکسان است.

رعایت مجموعه قواعد مشخص از نظر زمانی نیز مقرون به صرفه است،



هدف پرهیز از ناهماهنگی
یا اغتشاشی است که ممکن
است خواننده یا شنونده را
پس بزند

چون به نویسندگان کمک می‌کند تا مطلبی ارائه کنند که به خواسته دبیران سرویس‌ها نزدیک‌تر است و به دبیران سرویس‌ها نیز کمک می‌کند تا به پرسش‌هایی که معمولاً در زمینهٔ املائی کلمات، دستور زبان و مانند آن‌ها مطرح می‌شود، پاسخ دهند.

اگر زبانی که از آن استفاده می‌کنید گویش‌ها یا املاهای متفاوتی داشته باشد، روزنامه تصمیم می‌گیرد که از کدام یک باید استفاده کرد و همیشه همان رابه کار می‌برد. اسامی خاص نیز با الفباهای دیگر معمولاً با املاهای متفاوتی حرف‌نگاری می‌شوند و در این مورد هم باید برای حفظ هماهنگی و وضوح دست به انتخاب زد.

گاه این گونه تصمیمات با خود مباحث سیاسی به همراه می‌آورد. مثلاً آیا باید از "کوزوو" (Kosovo) به زبان صربی استفاده کرد یا از "کوزووا" (Kosova) به زبان آلبانیایی؟ سردبیر، هم برای رعایت هماهنگی هم برای دوری جستن از این دست مباحث، کار رابه تأخیر می‌اندازد، و ناچار است دست به انتخاب بزند.

به خاطر همهٔ این دلایل، تقریباً تمام نشریات چاپی، خبرگزاری‌ها و مؤسسات رادیو-تلویزیونی برای خود شیوه‌های نگارش دقیقاً تعریف شده‌ای دارند.

معمولاً سردبیران برای تصمیم گرفتن ابتدا به شیوه‌نامهٔ اختصاصی خود مراجعه می‌کنند؛ این تصمیم سپس با مراجعه به شیوه‌نامه‌ای جامع‌تر و عمومی تکمیل می‌شود (مثلاً هم اسوشیتد پرس هم اکونومیست شیوه‌نامه‌های معروفی دارند که در سطح وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرند) و نهایتاً، در صورت لزوم، به فرهنگ مورد توافقی مراجعه می‌شود.

نمونه‌هایی از شیوه نگارش

یک نمونه ساده از لزوم وجود شیوه نگارش مورد توافق به چگونگی درج تاریخ مربوط می‌شود. بیشتر کشورها از تقویم خورشیدی استفاده می‌کنند. اما مسلمانان، مسیحیان ارتدوکس، و یهودیان از تقویم‌های مختلفی استفاده می‌کنند که مبتنی بر دوره‌های متفاوتی در تاریخ خودشان است.

برای مسلمانانی که از تقویم قمری سنتی خود استفاده می‌کنند، تاریخ سال با تقویم غربی که رواج بین‌المللی دارد، فرق می‌کند. مخاطب شما با کدام یک از این شیوه‌ها راحت‌تر است؟ کدام یک برای نشریه شما مناسب‌تر است؟ در چه مواردی لازم است از هر دو تاریخ استفاده شود؟

وقتی تقویم غربی سال ۲۰۰۳ را نشان می‌دهد، تقویم مسلمانان حکایت از سال ۱۴۲۱-۲۲ هجری [قمری] دارد.

در غرب عموماً از عبارت‌های پیش از میلاد مسیح (BC) و پس از میلاد مسیح (AD) به عنوان مبدأ تاریخ استفاده می‌شود. آن دسته از مورخان غربی که می‌خواهند بی‌طرفی را رعایت کنند، هنگام استفاده از تقویم غربی ممکن است از عبارت "پیش از دوران حاضر" (BCE) و "دوران حاضر" (CE) استفاده کنند؛ و به این ترتیب از استفاده از نمادهای مسیحی خودداری می‌کنند.

نشریه شما از چه تقویمی استفاده می‌کند؟ اگر فردی که از او نقل قول می‌کنید از تقویمی متفاوت با تقویم معمول در نشریه شما استفاده می‌کند، می‌توان تاریخ‌ها را تبدیل کرد یا این نکته را توضیح داد.

واژه‌های «تروریست»
و «تروریسم» غیردقیق و
تهییج‌کننده‌اند و معمولاً
می‌توان آن‌ها را با تعبیراتی
دقیق‌تر و توصیفی‌تر
جایگزین کرد

واژه‌های خارجی نیز ممکن است نیازمند قواعد نگارشی خاصی باشند، به‌ویژه در مواردی که احتمال دارد کاربرد خاصی داشته یا واژه‌هایی جدید، و شاید علمی، باشند. آیا این واژگان باید ترجمه شوند یا عیناً، با توضیحات یا بدون آن، مورد استفاده قرار گیرند؟ این‌ها از آن دست مقولاتی هستند که باید بر اساس شیوه نگارش درباره آن‌ها تصمیم گرفت.

مشکل دیگر وقتی پیش می‌آید که قرار است نشریه‌ای انگلیسی‌زبان هم در بریتانیا هم در ایالات متحده توزیع شود. املا و شیوه نگارش در روزنامه‌نگاری انگلیسی و "آمریکایی" بسیار متفاوت است و برخی مؤسسات سرانجام ناگزیر می‌شوند دوروایت از مطلب تهیه کنند تا برای هر دو دسته مخاطب قابل قبول باشد.

برخی مؤسسات رسانه‌ای از به کار بردن کلمات و عباراتی که ممکن است به طور مشخص معضلاتی ایجاد کنند، پرهیز می‌کنند. مثلاً رویترز در مواردی که حرفی را به شکل غیرمستقیم نقل می‌کند، از به کار بردن کلماتی از قبیل "threaten" (تهدید کردن/محمتمل بودن) یا "promise" (قول دادن/نوید دادن) پرهیز دارد. هر دو این کلمات بارهای معنایی متفاوتی دارند - یک بار معنایی مثبت و یک بار معنایی منفی - که دیدگاه خاصی را به نقل قول نسبت می‌دهند. هدف شیوه نگارش رویترز این است که مطالبش عینی و بی‌طرفانه تلقی شوند.

رویترز همچنین از به کار بردن واژه‌های «تروریست» و «تروریسم» خودداری می‌کند؛ این سیاستی است که مؤسسه گزارشگری جنگ و

صلح نیز از آن پیروی می‌کند. این مفاهیم غیر دقیق و تهییج‌کننده‌اند و معمولاً می‌توان آن‌ها را با تعبیراتی دقیق‌تر و توصیفی‌تر جایگزین کرد. این قاعده نگارش به نظر برخی افراد بسیار بحث‌انگیز است و رعایت آن، با توجه به رواج گسترده این تعبیرات، برایشان تا حدودی سخت است. مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح نیز جز در نقل قول‌های مستقیم از به کار بردن این مفاهیم پرهیز دارد.

شیوه نگارش شامل نقطه گذاری هم می‌شود. ممکن است شیوه نگارش دو نشریه مثلاً در مورد علائم نقل قول مستقیم فرق داشته باشد، و یکی از آن‌ها از «”» و دیگری از «’» استفاده کند. نشریات بریتانیایی و آمریکایی در مورد محل نقطه پایان نقل قول با هم تفاوت دارند؛ در نشریات بریتانیایی نقطه را معمولاً بعد از علامت نقل قول می‌گذارند و ویراستاران نشریات آمریکایی تمایل دارند نقطه را قبل از علامت نقل قول بگذارند.

نشریه/کونومیست برای توصیف افرادی که درباره‌شان مطلبی می‌نویسد، از الفاظ احترام‌آمیزی مانند آقا یا خانم استفاده می‌کند. برخی نشریات هیچ‌گاه چنین القابی را به کار نمی‌برند یا صرفاً نخستین بار که نام فرد ذکر می‌شود از آن‌ها استفاده می‌کنند.

برخی نشریات همیشه اسم کتاب و مجله را با حروف خوابیده درج می‌کنند. برخی دیگر آن را در گیومه قرار می‌دهند و برخی هیچ‌کدام از این قواعد را رعایت نمی‌کنند.

بیشتر این‌ها به پسند و انتخاب بستگی دارد. اما بعد از آن که انتخابی صورت گرفت، نشریه و کارکنانش باید برای حفظ هماهنگی همیشه از یک شیوه نگارش واحد استفاده کنند.

تمرین

درباره برخی مسائل شیوه نگارش با همکاران خود بحث کنید:

- ۱- آیا نشریه شما شیوه نگارش خاصی دارد؟
- ۲- آیا می توانید نمونه‌هایی از نشریه خود ذکر کنید که لازم است با یک شیوه نگارش هماهنگ تعدیل شوند؟ آیا در نشریه شما ناهماهنگی‌هایی وجود دارد؟
- ۳- وقتی به انگلیسی می نویسد، از املاي انگلیسی کلمات استفاده می کنید یا از املاي آمریکایی آن‌ها؟ مثلاً می نویسد labour یا labor، homogenise یا homogenize؟
- ۴- نمونه‌هایی از تعبیرات جنجال برانگیز را در نظر بگیرید که با شیوه نگارش بی طرفانه و عینی گزارش خبری سازگار نیستند.
- ۵- سه نشریه را انتخاب کنید و ببینید آیا بین شیوه نگارش آن‌ها تفاوتی تشخیص می دهید؟

منابعی برای مطالعه

برای اطلاعات بیشتر درباره شیوه نگارش مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح مراجعه کنید به:

www.iwpr.net/index.pl?development/resources/training_styleguide.html

فرهنگ لغت خوب بسیار مهم است. فرهنگ انگلیسی بین المللی کیمبریج (*The Cambridge Dictionary of International English*) به صورت آنلاین در دسترس است:

dictionary.cambridge.org

در فضای رسانه‌ای ایالات متحده، شیوه‌نامه اسوشیتد پرس غالباً شیوه‌نامه معیار محسوب می‌شود:

www.ap.org/pages/order.html

شیوه‌نامه/کونومیست:

www.economist.com/research/StyleGuide/index.cfm

آمازون نسخه کامپیوتری شیوه‌نامه نگارش و کاربرد زبان نیویورک تایمز را می‌فروشد. این شیوه‌نامه به شکل فرهنگ تنظیم شده و استفاده از آن آسان است.

یکی از معتبرترین متون عمومی درباره شیوه نگارش در زبان انگلیسی کتاب عناصر سبک (*The Elements of Style*) نوشته ویلیام استرانک (William Strunk Jr.) و ای. بی. وایت (E.B. White) است. نسخه روزآمدشده این کتاب، با مقدمه و افزوده‌های وایت، نیز بسیار ارزشمند است. نسخه اولیه نیز به قلم استرانک در نشانی زیر در دسترس است:

www.bartleby.com/141

مقدمه‌ای در باب افترا



حق اساسی آزادی بیان
را التزام روزنامه‌نگاران به
استفاده مسئولانه از این حق
متعادل می‌کند

حق اساسی آزادی بیان را التزام روزنامه‌نگاران به استفاده مسئولانه از این حق متعادل می‌کند - و این خطر که اگر سوژه‌های گزارش‌های رسانه‌ای فکر کنند به آن‌ها افترا زده‌اند، ممکن است به اقدام قانونی متوسل شوند.

قوانین مربوط به تهمت و افترا از کشوری به کشور دیگر تفاوت‌های بسیار دارند، از این رو ضروری است از قوانین کشور خود در زمینه افترا و رعایت حریم خصوصی به خوبی مطلع باشید.

احتمال دارد رژیم‌های سرکوبگر از قوانین مربوط به افترا برای ساکت کردن منتقدان خود استفاده کنند و چنین استدلال کنند که در فلان گزارش، صرف نظر از صحتش، به آن‌ها افترا زده شده است. این قبیل دعاوی، در غیاب قوه قضاییه مستقل، موجب محکومیت روزنامه‌نگاران به زندان‌های طولی‌المدت شده‌اند.

انگلستان که یکی از سخت‌گیرانه‌ترین قوانین مربوط به افترا را در جهان دارد، حق افراد را در مورد "حسن شهرت" خود محفوظ می‌داند و دست شاکي را در تعريف تهمت و افترا به میزان زیادی باز می‌گذارد. اما این حق را مجموعه‌ای از تدابیر دفاعی که در اختیار روزنامه‌نگاران قرار دارد، متقابلاً متعادل می‌کند، گواهی که وظیفه اثبات بی‌گناهی روزنامه‌نگاران اساساً بر دوش خودشان است. دعاوی کیفری مربوط به ایراد افترا اندک است، با این حال بار مجازات‌های مالی محکومیت در دعاوی حقوقی می‌تواند خانمان برانداز باشد.

بر اساس قوانین مربوط به افترا در ایالات متحده وظیفه اثبات ادعا برای مدعی احتمالی، به ویژه شخصیت‌های مشهور، بسیار سنگین است (این)

رفتار درست روزنامه‌نگاران بهترین تدبیر حفاظتی در قبال مسئله افتراست

قانون در مورد افراد عادی متفاوت است). شخصیت مشهوری که در ایالات متحده دعوایی حقوقی در مورد ایراد افترا مطرح می‌کند، باید ثابت کند که گزارشگر نه تنها اطلاعات نادرست منتشر کرده، بلکه در این زمینه عجولانه و مغرضانه عمل کرده و برای روشن کردن صحت و سقم موضوع تلاش نکرده است. در واقع، باید قصد و نیتی وجود داشته باشد.

بهترین تدبیر حفاظتی: روزنامه‌نگاری مطمئن

روزنامه‌نگاران باید قوانین مربوط به افترا و حفظ حریم خصوصی را به درستی رعایت کنند زیرا آنان باید از حق "حسن شهرت" افراد و حق شهروندان برای پرداختن به زندگی خصوصی خود فارغ از هرگونه تعدی حمایت کنند.

با این وصف، باید به تعادل و توازنی دست یافت. روزنامه‌نگاران نباید اجازه دهند که دغدغه‌های قانونی مانع از انجام وظیفه وجدانی آنان در جهت مصلحت عمومی شود. رفتار درست روزنامه‌نگاران به‌ترین تدبیر حفاظتی در قبال مسئله افتراست: گزارشگری کامل، درست و متوازن، ویرایش دقیق و وسواس آمیز، و ارائه بی طرفانه و منصفانه اطلاعات.

از آن جا که قوانین و نحوه اجرای آن‌ها بسیار تفاوت دارد، روزنامه‌نگاران همواره باید به رفتار درست در کشور خود و در کشورهایی که عمدتاً در آن‌ها گزارش تهیه می‌کنند، توجه داشته باشند.

معنای عملی این حرف این است که مثلاً اگر گزارش‌ها به زبان انگلیسی منتشر می‌شوند، روزنامه‌نگاران باید از قوانین مربوط به افترا در انگلستان و ایالات متحده آگاه باشند. قانون سفت و سخت انگلستان گاه به سهولت اجرا می‌شود. در این فصل، به تفصیل به این موضوع خواهیم پرداخت.

خریدن تریبون

روز به روز دعاوی بیشتری در زمینه افترا در دادگاه‌ها مطرح می‌شود و طرح این دعاوی خارج از روالی است که شاید به طور معمول حیطة صلاحیت عمومی این دادگاه‌ها محسوب می‌شد. نشریات چاپی نه در کشورهای محل انتشارشان و نه حتی در کشور محل کار روزنامه‌نگار مورد بحث، بلکه در کشورهای که این نشریات در آن‌ها توزیع می‌شوند و به فروش می‌روند کارشان به دادگاه کشیده است. با گسترش اینترنت تعداد این قبیل پرونده‌های "فرامرزی" افزایش هم یافته است، و این امکان وجود دارد که مقاله‌ای که شما برای مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح نوشته‌اید، موضوع طرح دعوا در زمینه افترا در دادگاه‌های کشورهای دیگر شود.

این پدیده به "خریدن تریبون" مشهور شده است، یعنی مواردی که شاکه‌ای به دنبال اقامه دعوی در کشوری است که فکر می‌کند احتمال برنده شدنش در پرونده افترا در آن جا بیشتر است.

یکی از نمونه‌های اخیر و شاید مهم از مسائل قضایی فرامرزی در سطح جهانی، پرونده شکایت گاتنیک^۱ علیه شرکت داو جونز و شرکا^۲ در استرالیا است. در دهم دسامبر ۲۰۰۲ دادگاه عالی استرالیا به خاطر

اگر مطالب خود را آنلاین منتشر می‌کنید، خوانندگان در بسیاری کشورها آن‌ها را خواهند دید و ممکن است در هر یک از این کشورها از شما شکایت شود

مقاله‌ای که در بارونز آنلاین^۳، وب‌سایت داو جونز مستقر در خاک ایالات متحده، منتشر شده بود، حکم به پیگرد قضایی داو جونز در ایالت ویکتوریای استرالیا داد. با این که برخی مؤسسات مانند رویترز و آمازون دات کام در دادگاه از داو جونز حمایت کردند، دادگاه رأی داد که، با وجود آن که سایت میزبان در آمریکا مستقر است، ولی محل وقوع افترا به شاکای، جوزف گاتنیک، ایالت ویکتوریا بوده است.

ظاهراً این افترا در همه جای دیگر هم به وقوع پیوسته بود. حکم قضایی از این قرار بود: "من شخصاً هیچ دلیل محکمی نمی‌بینم که اگر شخصی در بیش از یک محل مورد افترا قرار گرفته باشد، در صورتی که مصلحت بدانند نتواند شکایت خود را در هر یک از این محل‌ها مطرح و درخواست پیگرد قضایی کند."

حکمی که در مورد این پرونده صادر شد می‌تواند راه را برای موارد معتناهی از شکایت‌هایی از این دست در استرالیا و سایر کشورها باز کند.

افترای اینترنتی، در واقع، هیچ فرقی با تهمت و افترای معمولی ندارد. اگر به شخصی افترا زده باشید، و دادگاه بتواند اثبات کند که دست کم یک نفر در کشور معینی آن را دیده، ممکن است به جرم ایراد افترا در آن کشور تحت پیگرد قضایی قرار بگیرید. اگر مطالب خود را آنلاین منتشر می‌کنید، خوانندگان در بسیاری کشورها آن‌ها را خواهند دید، و ممکن است در هر یک از این کشورها از شما شکایت شود.

به این ترتیب، مؤسسات رسانه‌ای با چشم‌انداز دلهره‌آوری روبه‌رو هستند و ناچارند از قوانین مربوط به تهمت و افترا در بسیاری از کشورها مطلع باشند. مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح شرایط متغیر پرونده‌های چندملیتی و بین‌المللی در زمینه ایراد افترا را به دقت دنبال می‌کند و سردبیران و نویسندگان را در جریان آخرین تحولات مهم قرار می‌دهد.

در حال حاضر، توصیه‌ها در زمینه مصادیق تهمت و افترا در کشور ثالث از این قرارند:

- از قوانین کشور خود مطلع باشید.
- از قوانین انگلستان اطلاع داشته باشید.
- فرض را بر این بگذارید که قوانین همه کشورهای ثالث در زمینه ایراد افترا به اندازه قوانین انگلستان سختگیرانه است.

رویکرد عرفی

پیش از بررسی و مطالعه جزئیات دقیق قوانین مختلف، لازم است رویکردی عرفی به این مسائل داشته باشید:

- به شکایت‌هایی که در زمینه کذب یا ناعادلانه بودن مطالب مطرح می‌شود، توجه داشته باشید و خطاها را بی‌درنگ اصلاح کنید. اگر با یک خواننده عصبانی به انصاف رفتار شود و ببیند که شما قصد دارید اشتباهات را اصلاح کنید، شاید دیگر تمایل چندانی به انجام اقدامات بعدی نداشته باشد. به هنگام رسیدگی قضایی نیز اصلاح سریع خطاها در ردیف علل مخففه قرار می‌گیرد.

■ تهدید به اقدامات قانونی را هرگز نادیده نگیرید. حتماً در اولین فرصت ممکن این موضوع را با یکی از دبیر سرویس‌ها در میان بگذارید. به این امید نباشید که مسئله خودبه‌خود حل خواهد شد.

■ ترتیبی اتخاذ کنید که دبیر سرویس‌ها حتماً پیش از انتشار مقالات حساس امکان بررسی آن‌ها را داشته باشند. تصمیماتی که ممکن است نیازمند مشاوره حقوقی باشند، نباید چند دقیقه پیش از آخرین مهلت انتشار و آن هم توسط معاون سردبیر به تنهایی اتخاذ شوند - مثلاً این که آیا در مقابل شخصی که ممکن است از شما شکایت کند حمایتی وجود دارد، یا حمایت از اظهاراتی تند به دلیل شرایط امکان‌پذیر هست یا نه.

■ روزنامه‌نگاری مطلوب گاهی به این معناست که به استقبال مخاطرات برویم، اما این کار همواره باید دلایل خوب و سنجیده‌ای داشته باشد. در نظر گرفتن توصیه‌های حقوقی مستدل و لحاظ کردن مسائل مربوط به تهمت و افترا غالباً به ارزیابی مخاطرات مربوط می‌شود.

برخی کشورها افترا را جرمی کیفری قلمداد می‌کنند، و به این اعتبار متهم ممکن است به زندان بیفتد. برخی کشورها هم آن را جرمی مدنی/حقوقی می‌دانند، اما محکومیت در این دادگاه‌ها نیز می‌تواند خسارت‌های سنگین مالی در پی داشته باشد. بعضی شاکیان هم از قوانین کیفری و هم از قوانین مدنی استفاده می‌کنند.

در بعضی از کشورها، اهانت
یا حتی انتقاد شدید به وزیر
یا مقامات حکومتی ممکن
است تهمت و افترا یا حتی
جرم کیفری قلمداد شود

در بعضی از کشورها، اهانت یا حتی انتقاد شدید به وزیر یا مقامات حکومتی ممکن است تهمت و افترا یا حتی جرم کیفری قلمداد شود. در کشورهای دیگر انتقاد از مقامات دولتی، به خاطر مصلحت عمومی و دموکراسی، از مجال گسترده برخوردار است. از آن جا که توافق عامی در این زمینه وجود ندارد، روزنامه‌نگاران باید با قوانین داخلی و نحوه اجرای آن‌ها آشنا باشند.

سازمان ماده ۱۹ که مقر آن در لندن و کارش حمایت از آزادی بیان رسانه‌هاست، این پیشنهاد را مطرح می‌کند که می‌توان رهنمودهای عامی را از قوانین بین‌المللی، معیارهای ملی مختلف و موازین حقوقی عموماً پذیرفته شده استخراج کرد. این رهنمودها "بین حق انسان برای برخورداری از آزادی بیان... و ضرورت رعایت حسن شهرت افراد توازن برقرار می‌کند."

چند تعریف کلی

تا زمانی که این پیشنهاد عملی نشده، هیچ رهنمودی وجود ندارد که قبول عام یافته باشد. اما برخی عناصر مشترک در ارتباط با موضوع افترا و حریم خصوصی هست که روزنامه‌نگاران باید از آن‌ها اطلاع داشته باشند.

اگر آن‌چه را که شخص دیگری گفته گزارش کنید، و صحت ادعای او به طور مستقل بررسی نشده باشد، دفاعیه شما مسموع نخواهد بود

قبل از هر چیز ببینیم افترا (libel) چیست؟ تعریف متعارف آن عبارت است از مطالب کذبی که درباره‌ی شخصی منتشر شده باشد و به حیثیت یا شغل او لطمه وارد کند یا او را مورد استهزاء یا نفرت مردم قرار دهد. تهمت (slander) نیز به همین معناست با این تفاوت که تهمت گذراست و شفاهی، نه مکتوب. ولی توجه داشته باشید که در انگلستان مطالبی که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود، مشمول افتراست نه تهمت.

در بسیاری از کشورها، حقیقت دفاعیه‌ای است در برابر افترا. اما شاید ناچار شوید اثبات کنید که مطالب مورد ادعا حقیقت دارند و اگر نتوانید این موضوع را ثابت کنید، یا اگر معلوم شود شما آن مطالب را بدون بررسی صحت‌شان منتشر کرده‌اید، آن وقت مسئولیت متوجه شما خواهد بود، به ویژه اگر آن مطالب نادرست از کار در بیایند. شاید شما از صحت خبری مطمئن باشید، اما باید بتوانید آن را اثبات کنید. در برخی کشورها که تعدادشان زیاد هم نیست—ممکن است شخصی که دعوی ایراد افترا اقامه می‌کند، مجبور باشد ثابت کند که مطلب مورد ادعا صحت ندارد و کذب است. اما اگر آن‌چه را که شخص دیگری گفته گزارش کنید، و صحت ادعای او به طور مستقل بررسی نشده باشد، هر قدر هم که به منبع خود اعتماد داشته باشید، دفاعیه شما مسموع نخواهد بود.

حتی یادداشتی که به چند نفری داده می‌شود، یا خلاصه‌ای از یک مقاله یا برنامه رادیو-تلویزیونی که در جلسه‌ی سردبیران برای برنامه‌ریزی نشریه‌ای مورد استفاده قرار گرفته، می‌تواند مصداق "انتشار" باشد.

در بسیاری از کشورها افترا ناظر به یک فرد یا گروه کوچک و مشخص از

مردم است، و معمولاً شامل مؤسسات یا گروه‌های بزرگ مردم نمی‌شود، مگر آن که نام‌شان ذکر شده باشد. این مسئله غالباً به واقعیت و استحکام آن بستگی دارد. ولی در برخی کشورها اظهارات مغایر با اظهارات رهبر، وزیر یا مقامات دولتی ممکن است پیگرد قضایی یا حتی زندان به دنبال داشته باشد. برعکس، در کشورهای دیگر که بحث و گفت‌وگو دربارهٔ مصالح عمومی در جهت مصلحت بیشتر جامعه تشویق می‌شود، این نوع انتقادات شاید مطلوب قلمداد شوند.

شاید صحبت دربارهٔ گروه‌های ملی، قومی، مذهبی یا مانند آن‌ها افتراآمیز نباشد، اما مشمول قوانین ممنوعیت دامن‌زدن به خصومت یا استفاده از زبان خصومت‌آمیز باشد. برخی کشورها انتقاد از رهبران کشورهای دوست یا حتی خود آن کشورها را هم قدغن می‌کنند.

توجه داشته باشید که ممکن است بتوان در یک مقاله عده‌ای را شناسایی کرد حتی اگر نام‌شان به طور مشخص ذکر نشده باشد. می‌توان هویت یک مقام رسمی را از طریق عنوان یا سمت، یا شغل یا نشانی او تشخیص داد. اگر گروهی خیلی کوچک باشد - مثلاً کارکنان یک ادارهٔ کوچک - به راحتی می‌توان هویت تک‌تک اعضایش را تشخیص داد و شاید همهٔ آن‌ها بتوانند شکایت کنند.

در بسیاری کشورها، ممکن است شاکیان مجبور باشند ثابت کنند که به حیثیت‌شان لطمهٔ جدی وارد شده است. در کشورهای دیگر شاید دادگاه‌ها وارد شدن لطمه به حیثیت افراد را مسلم فرض کنند و متهم ناگزیر باشد اثبات کند که لطمه‌ای وارد نشده است. هر قدر حیثیت فرد بیشتر یا جایگاه او در جامعه بالاتر باشد، این لطمه‌ها هم سنگین‌تر خواهد بود.

زنگ خطر زمانی باید به
صدا در بیاید که گزارش
جنبه شخصی پیدا می‌کند

زنگ خطر

زنگ خطر زمانی باید به صدا در بیاید که گزارش جنبه شخصی پیدا می‌کند - یعنی در صورتی که شامل مواردی از این دست باشد: اتهام تقلب یا عدم صلاحیت حرفه‌ای، اشاره به رفتارهای غیر اخلاقی، مجرمانه یا خلاف شئون، ایجاد تردید در مورد نَسَب افراد، و مطرح کردن ادعاهایی دایر بر این که فردی بیمار روانی است، یا به بیماری‌هایی از قبیل بیماری‌های مقاربتی مبتلاست.

اگر یک مقام مهم شهر به دلیل رانندگی حین مستی محکوم شده باشد، ممکن است در جامعه‌اش تحقیر شود، یا اگر بازرس اداره بهداشت گزارش بدهد که فلان رستوران موازین بهداشتی را رعایت نکرده است، ممکن است صاحب رستوران کسب و کارش را از دست بدهد. اگر چنین مسائلی صحت داشته باشند، گزارش صحیح و دقیق آن‌ها قاعدتاً نباید افترا به حساب بیاید. اما اگر این افراد در دادگاه محکوم نشده باشند، چطور می‌خواهید صحت این مسائل را اثبات کنید؟

قانون افترا در انگلستان

تعریف معمول افترا عبارت

است از «اظهاراتی که به
حیثیت فرد نزد عقلا لطمه
وارد کند»

مؤسساتی مانند مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح که خبرهای خود را در انگلستان منتشر می کنند، باید از ویژگی های قانون افترا در انگلستان و از تدابیر دفاعی در برابر آن مطلع باشند.

تعریف معمول افترا در قانون انگلستان عبارت است از "اظهاراتی که به حیثیت فرد نزد عقلا لطمه وارد کند." شاید درک مفهوم عقلا در این عبارت دشوار باشد، ولی معمولاً به معنی همان آدم های معمولی کوچک و خیابان است.

در برابر این تعریف چهار تدبیر دفاعی عمده وجود دارد:

۱. حقیقت: این بدیهی ترین تدبیر دفاعی است. اما وردی راهم این نیست که شما فکر می کنید یا حتی یقین دارید که حقیقت چیست؛ مسئله این است که حقیقت داشتن چه چیزهایی را می توانید اثبات کنید.

مثال: در ۱۹۹۳ مجله نیو/ستیتزمن^۴ مقاله ای براساس شایعات وجود رابطه عاشقانه بین نخست وزیر انگلستان، جان میچر، و یکی از مسئولان تدرک غذا منتشر کرد. دادگاه شایعات را از مصادیق تهمت و افترا تشخیص دارد و نشریه نتوانست از خود دفاعی بکند. میچر در مورد این پرونده بیرون از دادگاه مصالحه کرد، اما تقریباً تردیدی وجود ندارد که می توانست شکایتش را دنبال کند و احتمالاً مجله را به تعطیلی بکشاند.

۲. اظهار نظر منصفانه: این دفاع در مورد اظهاراتی به کار می‌آید که نه دربارهٔ واقعیات بلکه رأی و نظر افراد باشند. برای خواننده باید کاملاً روشن باشد که این اظهارات نظر و عقیده‌اند [نه خبر]. اما اخباری که مبنای این اظهار نظرها و عقیده‌ها قرار می‌گیرند باید حقیقت داشته باشند.

مثال: در دههٔ ۱۹۸۰ روزنامهٔ مردم‌پسند اخبار جهان ۵ را در یک برنامهٔ طنز بی.بی.سی. چنین توصیف کردند: روزنامه‌ای که در آن "همهٔ لختی‌ها به درد چاپ می‌خورند و همهٔ خبرها چاپ می‌شوند که به درد بخورند." درک جیمیسن ۶، سردبیر این روزنامه، از بی.بی.سی. شکایت کرد. دادگاه تأیید کرد که این اظهارات مصادق افترا هستند، اما دفاعیه بی.بی.سی. را هم بر مبنای "اظهار نظر منصفانه" پذیرفت، زیرا مطالب مستهجن این روزنامه مصادیق این اظهار نظر محسوب می‌شدند.

۳. مصونیت: اظهاراتی که در پارلمان یا دادگاه‌های انگلستان بیان می‌شوند، مشمول "مصونیت" هستند. همچنین در موقعیت‌های دیگر نیز انتشار اطلاعاتی که بعداً نادرست از کار در بیابند مشمول مصونیت‌اند، گو این که این حوزهٔ قانون بسیار پیچیده و همواره محل تردید است. در انگلستان اظهاراتی که در پارلمان بیان می‌شوند از مصونیت مطلق برخوردارند: به بیان دیگر، می‌توان آن‌ها را درج کرد و کسی نمی‌تواند به این دلیل از شما شکایت کند. اظهاراتی که در دادگاه‌ها مطرح می‌شوند، مصونیت محدود دارند. می‌توانید مطالبی را که در دادگاه‌ها اظهار می‌شود گزارش کنید، اما گزارش شما باید منصفانه باشد، یعنی باید همهٔ پاسخ‌ها

مرده‌ها نمی‌توانند شکایت کنند، اما مراقب باشید که ایراد افترا به مرده‌ها پای زنده‌ها را به میان نکشد

یا اتهامات متقابل را هم در بر بگیرد، حتی اگر لازم باشد که در شماره بعدی نشریه درج شوند. در ضمن، گزارش باید هم‌زمان با جریان محاکمه باشد، یعنی روزنامه شما باید آن را در اولین فرصت منتشر کرده باشد.

مثال: پلیس انگلستان در ۱۹۸۰ "قصاب یورکشایر" را بر حسب تصادف دستگیر کرد. این شخص که مرتکب قتل‌های زنجیره‌ای شنیعی شده بود، به این دلیل به دام افتاد که پلیس اتومبیلش را به دلیل یک مشکل معمولی متوقف کرده بود. وقتی رئیس پلیس متوجه شد این همان مردی است که در جست‌وجویش بوده‌اند، یک کنفرانس مطبوعاتی ترتیب داد و به روزنامه‌نگاران گفت که "ما او را گیر انداختیم". بسیاری از روزنامه‌ها، از جمله *دا/رلینگتن/یونینگ دیسپچ*^۷، این کلمات را به عنوان تیتر مطلب خود انتخاب کردند. قاتل همان روز، چند ساعت بعد از این کنفرانس مطبوعاتی، تحت پیگرد قرار گرفت. روزنامه‌ها خواهان حمایت قانون از آن‌ها در مقابل اتهام اخلال در دادگاه و نیز ایراد تهمت و افترا شدند، و استدلال‌شان هم این بود که کنفرانس مطبوعاتی پلیس مشمول مصونیت محدود بوده است. دادگاه این استدلال را پذیرفت، اما دلیلش احتمالاً این بود که روزنامه‌های زیادی با این درخواست همراه شده بودند. اما این تصمیم موردی و محدود بود؛ در اوضاع و احوالی دیگر، ممکن بود به جرم ایراد افترا مجازات شوند.

۴. مرگ: به کسی که در قید حیات نیست نمی‌توان افترا زد. اساساً به این دلیل که کسی وجود ندارد که شکایت کند. اما مراقب باشید که ایراد افترا به مرده‌ها پای زنده‌ها را به میان نکشد. به علاوه،

کار کردن برای شرکتی با
مسئولیت محدود، افراد را از
شکایت به دلیل ایراد افترا
مصون نگه نمی‌دارد

افترا به افرادی که در قید حیات نیستند می‌تواند افترا به افراد و مؤسسات مرتبط با آنان قلمداد شود.

آگاه بودن از مواردی که بر اساس قانون انگلستان دفاع به حساب نمی‌آید نیز همین قدر اهمیت دارد. این عذرهای رایج کار ساز نیستند:

■ "من که در انگلستان زندگی نمی‌کنم..."

کشور دیگر: در هر کشوری که مطلب شما منتشر شود، می‌توان از شما به جرم ایراد افترا شکایت کرد. مثلاً بوریس برزوفسکی، تاجر روس، از یک مجله آمریکایی به دلیل ایراد افترا شکایت کرده است، اما نه در کشور خودش یعنی روسیه یا حتی در ایالات متحده، بلکه در لندن. این کار به این دلیل امکان پذیر است که چند نسخه‌ای از این مجله در انگلستان به فروش می‌رسد.

■ "من که مسئول نیستم، روزنامه‌ام مسئول است..."

مسئولیت محدود و مسئولیت فردی: کار کردن برای شرکتی با مسئولیت محدود، افراد را از شکایت به دلیل ایراد افترا مصون نگه نمی‌دارد. ممکن است از شخص شما به اتهام ایراد افترا شکایت شود. اقامه دعوی به اتهام ایراد افترا می‌تواند هم‌زمان علیه روزنامه، شخص گزار شگر، و نیز توزیع کننده رسانه صورت گیرد، خواه این توزیع کننده مؤرخ روزنامه باشد یا مغازه یا مؤسسه خدمات اینترنتی. این مورد یک استثنای عجیب در قوانین مربوط به مسئولیت محدود در انگلستان است.

مهم نیست پیش از شما چند نفر دیگر مطلبی را نوشته‌اند. مطلب را فقط در صورتی بنویسید که بدانید شخصاً می‌توانید آن را اثبات کنید

■ "اما روزنامه دیگری هم این مطلب را گزارش کرده است..."

تکرار گزارشی که پیش‌تر منتشر شده است: تکرار یک افترا مبنای دفاع محسوب نمی‌شود. در اواخر دهه ۱۹۸۰، جفری آرچر، نماینده سابق پارلمان انگلستان، از روزنامه دیلی/استار^۱ به دلیل ایراد افترا غرامت گرفت. دلیلش هم انتشار مطلبی بود درباره پول دادن او به یک فاحشه بر مبنای گزارشی که در روزنامه دیگری منتشر شده بود. روزنامه اول با آن فاحشه تماس گرفته بود، اما دیلی استار چنین نکرده بود و بنابراین مبنایی برای دفاع نداشت. به یاد داشته باشید: مهم نیست پیش از شما چند نفر دیگر مطلبی را نوشته‌اند. مطلب را فقط در صورتی بنویسید که بدانید شخصاً می‌توانید آن را اثبات کنید.

■ "اما همه از این موضوع خبر دارند..."

شایعات/شنیده‌ها: بیان این که شما شایعه یا شنیده‌ای را گزارش کرده‌اید، دفاع قابل قبولی در برابر اتهام افترا به حساب نمی‌آید. اگر دادگاه به این نتیجه برسد که احتمال داشته حتی "یک نفر در خیابان" تحت تأثیر این مطلب نظری منفی نسبت به موضوع پیدا کند، مصون نخواهید بود. گفتن این حرف که "این را که همه می‌دانند..." یا "همه معتقدند که آقای الف در کار مواد مخدر است" دفاع محکمه‌پسندی محسوب نمی‌شود. راه سنجیدن قضیه این است: آیا شما، صرف نظر از این که مردم چه فکری می‌کنند، می‌توانید موضوع را اثبات کنید؟

■ "اما این همان چیزی است که او واقعاً گفته..."

گزارش کردن اظهارات افترا آمیز: یک نمونه شایع از سوء تفاهم‌هایی که به وجود می‌آید از این قرار است. فرد الف حرف ناجوری درباره فرد ب می‌گوید. روزنامه نیز این حرف‌ها را بر این اساس که فرد الف واقعاً آن‌ها را بیان کرده منتشر می‌کند. اما این دفاعیه قابل قبولی نیست. قاضی کاری به این ندارد که این اظهارات بادقت نقل شده‌اند یا نه، بلکه به این توجه می‌کند که مصداق افترا هستند یا نه.

■ "اما او به صراحت تکذیب کرد..."

تکذیب: اگر دادگاه به این نتیجه برسد که، با وجود این که شما صرفاً یک تکذیب را گزارش کرده‌اید اما این اظهارات از نظر یک فرد عاقل حیثیت شخصی را خدشه‌دار می‌کند، شما تبرئه نخواهید شد. اظهاراتی از این دست قابل قبول نیستند که "کاخ [سلطنتی بریتانیا] این موضوع را تکذیب کرد که [پرنس] چارلز گربه‌اش را به خورد سگش داده است."

■ "اما چیزی که من نوشتم درباره شرکتش بود، نه خودش..."

ربط غیر عمدی: هر چیزی که بتواند سوژه گزارش شما را به افراد معینی ربط بدهد، ممکن است مصداق افترا باشد. اگر از مدرسه‌ای انتقاد شود، دادگاه‌های بریتانیا احتمالاً به مدیر آن مدرسه اجازه خواهند داد که در مورد ایراد افترا طرح دعوا کند - هم چنان که احتمال دارد به رؤسای شرکت‌ها و رؤسای پلیس نیز چنین اجازه‌ای داده شود. شرکت‌ها،

اگر دادگاه به این نتیجه برسد که اظهارات شما از نظر یک فرد عاقل حیثیت شخصی را خدشه‌دار می‌کند، تبرئه نخواهید شد

جهل به قانون، رافع مسئولیت نیست

مؤسسات و سازمان‌ها نیز دارای حیثیت [حقوقی] محسوب می‌شوند و حق طرح شکایت برایشان محفوظ است.

■ "اما من که حتی اسم او را هم نبرده‌ام..."

امنیت در پناه جمع: نامشخص بودن هویت افراد می‌تواند شما را به دردسر بیاندازد. اگر در مطلبی بنویسید که یکی از بازیکنان فلان تیم فوتبال با دختری زیر سن قانونی ارتباط جنسی برقرار کرده اما اسم او را نبرید، فقط با شکایت یک نفر روبه‌رو نخواهید شد؛ با شکایت یازده نفر در مورد ایراد افترا مواجه خواهید شد.

■ "اما من که شیوه‌نامه اخلاقی را رعایت کرده‌ام..."

پیروی از قواعد: بسیاری از مؤسسات روزنامه‌نگاری شیوه‌نامه‌های اخلاقی اختصاصی دارند که مشخص می‌کند همه مطالب باید صحیح و دقیق، منصفانه و متوازن باشند - به این معنی که باید نظرات هر دو طرف را دربر بگیرند، و روزنامه‌نگار نباید شخصاً اظهار نظر کند. این رهنمودها بسیار خوب‌اند، با این حال شاید نتوانند شما را از یک دعوی افترا برهانند.

■ "اما در این خطا عمدی وجود نداشت..."

جهل: جهل به قانون، رافع مسئولیت نیست. این هم کافی نیست که بگویید من "نهایت سعی‌ام را کردم" تا با سوژه تماس بگیرم و نظر او را هم منعکس کنم. باید با استناد به دلایل محکمی به این نتیجه رسیده باشید که قضیه حقیقت دارد.

■ "اما من که از لفظ «گفته می‌شود» استفاده کردم..."

واژه‌های مبهم: استفاده از عباراتی مثل "گفته می‌شود"، "بنا بر گزارش‌ها" یا کلمات مشابه دفاعیه قابل قبولی نیست.

دفاع از مصلحت جامعه

در برخی کشورها، استناد به مصلحت جامعه ممکن است دفاع قابل قبولی به حساب بیاید. منظور از مصلحت جامعه چیزهایی نیست که "عموم مردم به آن‌ها علاقه دارند"، بلکه منظور استدلال مهم‌تری است مبنی بر این که چیزی به خیر و صلاح عموم مردم و جامعه است. این معیاری است که برخی دادگاه‌ها در بسیاری از پرونده‌ها، از جمله پرونده‌های تجاوز به حریم خصوصی یا رخنه در مسائل محرمانه و گاهی حتی امنیتی به کار می‌گیرند - البته این بستگی به کشور دارد و این که بحث و گفت‌وگوی عمومی تا چه حد در آن کشور تشویق می‌شود. اما این موضوع یک قانون عام نیست و صحت و دقت، و انصاف کماکان باید مراعات شود. لازم است بدانید که این نوع دفاع در کشور شما هم کاربرد دارد یا نه. در انگلستان استناد به مصلحت جامعه یا استناد به افراد مشهور دفاع کارساز نیست.

به علاوه، در برخی کشورها سعه صدر بیشتری در مورد آراء و عقاید نشان داده می‌شود، البته به شرطی که واقعیت‌ها تحریف نشوند. مثلاً منتقد هنری می‌تواند بگوید که فلان نمایش جدید اطلاق وقت و پول بود، به شرطی که به هیچ کس حمله نشده باشد و ضمناً مشخص باشد که قضاوت منتقد به وضوح در قالب نظر و عقیده مطرح شده و نه به عنوان واقعیت.

نظرها را تا جایی می‌توان
با قاطعیت مطرح کرد که
مربوط و مبتنی بر مشاهدات
و نه حدسیات باشند

مشهور است که بازیگران در مواردی که به مهارت حرفه‌ای آنان حمله شده، در طرح شکایت‌های خود موفق بوده‌اند. البته در مواردی هم دعوا را باخته‌اند- بنابراین، این کار برایشان یک جور قمار است و ممکن است به حیثیت و اشتهار منتقد هنری بستگی داشته باشد.

نظرها را تا جایی می‌توان با قاطعیت مطرح کرد که مربوط و مبتنی بر مشاهدات و نه حدسیات باشند. اما عقاید را نباید در قالب واقعیات مطرح کرد.

"این نمایش اتلاف وقت و پول است، چون هیچ حرف تازه‌ای درباره زندگی ما ندارد." این جمله به وضوح یک نظر است، اما این جمله که "بازیگر اصلی انگار مسست بود"، نظری است که مخاطرات بیشتری به همراه دارد. آیا این موضوع واقعیت دارد؟ می‌توانید آن را ثابت کنید؟ آیا به حیثیت بازیگر لطمه می‌زند؟

اما صرف نظر از آن چه قانون می‌گوید، عامل مهم دیگری هم در کار است: آن چه از لحاظ فرهنگی در جامعه مورد بحث پذیرفته شده است. باید این موضوع را در نظر بگیرید که آیا برای درافتادن با این عامل دلیل خوبی دارید؟ و به خاطر داشته باشید که مباحث فرهنگی ممکن است بر رأی دادگاه هم تأثیر بگذارد.

از اظهارات بسیار اغراق آمیز یا هجو می‌توان دفاع کرد به شرطی که مشخص باشد به قصد شوخی یا خنده بیان شده‌اند. اما نگرش‌های فرهنگی در این مورد تفاوت مهمی ایجاد می‌کنند. آن چه در جامعه‌ای شوخی قلمداد می‌شود، شاید در جامعه دیگری اهانت به حساب بیاید. دست انداختن یک شخصیت برجسته یا یک اقلیت قومی می‌تواند بسیار

زیان بار قلمداد شود. روزنامه‌نگاران باز هم باید کاملاً مراقب باشند، یا آماده باشند که عواقب کارشان را بپذیرند تا چیزی با ارزش، مانند نوعی پیشرفت، تحقق یابد.

کاهش مخاطرات

این هم چند پیشنهاد برای روزنامه‌نگاری ایمن:

■ وقتی حیثیت فردی در خطر است، در مورد تک تک کلمات و جزئیات دقت کنید. ممکن است یک گزارش ۲۰۰۰ کلمه‌ای به تأیید هر و کیلی در کشور برسد، اما فقط به خاطر یک واژه که با بی‌دقتی در عنوان گزارش یا در شرح عکسی به کار رفته، نابود شود.

■ مطلب خود را با دقت مرور کنید، به ویژه اگر توسط خودتان یا شخص دیگری تغییرات مهمی در آن اعمال شده، چون ممکن است مطالبی به آن راه یافته باشد که مقصود شما نبوده است. اگر در شرح عکس مطلب شما مثلاً به "فروشنده‌گان مواد مخدر" اشاره می‌شود، آیا یقین دارید تمام کسانی که در عکس دیده می‌شوند فروشنده مواد مخدر هستند؟ هر کسی که در عکس دیده می‌شود، حتی یک عابر، اگر فروشنده مواد مخدر نباشد، می‌تواند از شما شکایت کند. حتی اگر این افراد فروشنده مواد مخدر هم باشند، آیا می‌توانید این موضوع را ثابت کنید؟

وقتی حیثیت فردی در
خطر است، در مورد تک
تک کلمات و جزئیات، از
جمله عنوان گزارش یا شرح
عکس‌ها، دقت کنید

وقتی درباره اتهام ارتکاب جنایت یا عملکردی نادرست گزارش تهیه می کنید، تفاوت بین "الف اتفاق افتاد" و "ب می گوید الف اتفاق افتاد" به لحاظ امنیت گزارشگری بسیار مهم است. اگر گزارش کنید که پلیس شخصی را به ارتکاب جنایتی متهم کرده است و گزارش شما مبتنی بر سندی رسمی باشد، می توانید مصون باشید - حتی اگر بعداً مشخص شود که اتهام نادرست بوده و آن شخص تبرئه شود. اما اگر پیش از محکومیت شخص مورد بحث، خبر ارتکاب جنایت توسط او را به عنوان واقعیت گزارش کنید، هیچ گونه مصونیتی ندارید.

ممکن است چاره‌ای جز گزارش حادثه از زبان مجروحان یا شاهدان نباشد، اما اظهارات آن‌ها، برخلاف استناد به مطالب مطرح شده در دادگاه‌ها یا اظهارات پلیس، معمولاً از مصونیت گزارش بر مبنای مذاکرات رسمی برخوردار نیست. اگر این گزارش‌ها به رفتار افراد ناشناس مربوط می شود، با احتیاط با آن‌ها برخورد کنید، به ویژه اگر از حدی فراتر بروند که امکان تأیید اظهارات‌شان از طریق سایر منابع وجود نداشته باشد.

وقتی درباره زندگی گذشته کسانی که ناگهان در کانون توجه قرار گرفته اند با همسایگان، همکاران، دوستان آن‌ها یا افراد دیگر حرف می زنید، خیلی حواس تان را جمع کنید، چون ممکن است منبع شما درباره فرد مورد بحث تعصب داشته باشد.

- مطمئن شوید که تفاوت‌های انواع مختلف جرایم را می‌دانید - بعضی اتهامات از بقیه جدی‌ترند. در برخی نظام‌های حقوقی، کشتن یک فرد هم می‌تواند قتل عمد به حساب بیاید هم قتل غیر عمد هم یک حادثه (قتل خطائی). برای آن که نوشته‌تان کوتاه یا مهیج از کار در بیاید، میانبر نزنید. این کار ممکن است شما را به دردسر بیاندازد.
- در جایی که توضیحی ساده و سرراست میسر است، فرض را بر این نگذارید که زنجیره حوادث حاکی از وجود "توطئه" یا طرح و "نقشه" ای است. حتی اگر واقعیات مشمول مصونیت باشند، نتیجه‌گیری بر مبنای آن‌ها ممکن است مصونیت نداشته باشد.
- در برخی کشورها، احترام به قانون به اندازه نگرش فرهنگی نسبت به عزت و آبرو اهمیت ندارد. در بعضی از جامعه‌ها، ممکن است مردم برای دفاع از حیثیت خود مرتکب جرح یا قتل شوند.
- افرادی که زندگی و حیثیت‌شان با گزارش شما خدشه‌دار می‌شود، همیشه باید از امکان پاسخ دادن به اتهامات و دفاع از خود در برابر آن‌ها برخوردار باشند.

قوانین مربوط به حریم خصوصی

قوانین مربوط به حریم خصوصی یکی دیگر از مخاطراتی است که بر سر راه روزنامه‌نگاران وجود دارد. برخی کشورها اساساً چنین قوانینی ندارند و برخی دیگر قوانین بسیار متقنی در این زمینه دارند. قوانین برخی کشورها از افراد مشهور و شناخته‌شده حمایت نمی‌کند؛ برخی کشورها

حتی افراد سرشناس هم حق دارند از مزاحمت در امان باشند

از این افراد به طور ویژه حمایت می‌کنند. شاید ستارگان موسیقی پاپ و بازیکنان فوتبال در مقایسه با سایرین از حمایت کمتری برخوردار باشند، زیرا محبوبیت آن‌ها وابسته به رسانه‌هاست. اما، با این حال، بسیاری از قوانین از آن‌ها هم در مواردی حمایت می‌کنند.

مثلاً قوانین مربوط به حریم خصوصی در فرانسه به مراتب قوی‌تر از بریتانیاست. بر اساس برخی قوانین با آن‌ها که افراد مثلاً در یک مکان عمومی در مقابل عکاسانی که به دنبال شکار شخصیت‌های مشهورند (پاپ‌تری‌ها) از حمایت قانونی برخوردار نیستند، اما شاید همین افراد در املاک خصوصی، و به ویژه در خانه‌های خود، تحت حمایت قانون باشند. لازم است بدانید که کودکان معمولاً مشمول قوانین حمایتی ویژه‌ای هستند.

حتی افراد سرشناس هم حق دارند از مزاحمت در امان باشند. روزنامه‌نگاران معمولاً برای تهیه گزارش از وقایعی که به مصلحت جامعه است یا مکان‌هایی که به روی عموم باز است، آزادی عمل زیادی دارند، حتی اگر کارشان موجب ناراحتی و عصبانیت برخی از سوژه‌های مطالب خبری و عکاسی شود. در بسیاری از کشورها، اتحادیه‌ها یا انجمن‌های مطبوعاتی شیوه‌نامه‌های اخلاقی خاصی برای رفتار در زمینه‌هایی مانند حفظ حریم خصوصی دارند. به ویژه باید در مورد استفاده از لنز دور یا گرفتن عکس بدون کسب اجازه احتیاط کرد.

این هم چند سؤال که می‌توانید درباره‌شان فکر کنید:

- آیا واقعه یا شخص مورد نظر واقعاً خیلی اهمیت دارد؟
- آیا قضیه علنی است؟

■ آیا واقعاً "خبر" است؟ البته اخبار مربوط به ستارگان موسیقی پاپ، بازیکنان فوتبال و امثال آن‌ها می‌تواند جزء اخبار سرگرم‌کننده به حساب بیاید نه اصطلاحاً سخت‌اخبار. البته این گونه خبرها ممکن است شرم‌آور هم باشند، اما سؤال باید این باشد که آیا خبر مورد بحث منصفانه است؟

■ آیا از نام یا عکس کسی بدون کسب اجازه بهره‌برداری تجاری می‌کنید؟

■ آیا از نام یا عکس کسی به گونه‌ای استفاده می‌کنید که ممکن است او را به شکل نادرستی معرفی کند- مثلاً چاپ مطلب مصوری درباره‌ی جرایم خیابانی با عکسی از یک فرد آواره یا استفاده از عکس فردی بدون کسب اجازه از او برای تشریح موضوعی که به طور مشخص به او مربوط نمی‌شود؟

دامن زدن به خصومت

سوای مسائل مربوط به افترا، روزنامه‌نگار خوب همچنین باید از به کار بردن زبانی که بوی تعصب و پیشداوری می‌دهد پرهیز کند و نسبت به افرادی که درباره‌ی آن‌ها گزارش تهیه می‌کند، حساسیت و دلسوزی نشان بدهد. بحث بر سر رعایت مصلحت سیاسی نیست، بلکه بیشتر اطمینان از استفاده از زبان مناسب، و به ویژه عدم استفاده از زبانی است که می‌تواند موجب تحریک خصومت و خشونت شود. بحث بر سر این نیست که قانون چه چیزی را مجاز می‌داند، گویا اینکه در برخی کشورها قانون برای استفاده از چنین زبانی مجازات تعیین کرده است.

روزنامه‌نگار خوب باید از به کار بردن زبانی که بوی تعصب و پیشداوری می‌دهد پرهیز کند و نسبت به افرادی که درباره‌ی آن‌ها گزارش تهیه می‌کند، حساسیت و دلسوزی نشان بدهد

ای بسا مطلبی از نظر
قانونی ایرادی نداشته باشد،
ولی از نظر رعایت انصاف،
مناسبت یا سلیقه دچار
کاستی‌هایی باشد

مثلاً در بریتانیا قانونی علیه تبعیض نژادی وجود دارد. مسخره کردن افراد معلول ممکن است مغایر با برخی قوانین باشد. پس از کشتار جمعی رواندا، یک هیئت داورى در سازمان ملل برخی از روزنامه‌نگاران و مجریان تلویزیونی را به دلیل استفاده از زبان خصومت‌آمیزی که احتمالاً انگیزه برخی از کشتارها بود به زندان فرستاد.

در هر جامعه، کلماتی وجود دارد که به وضوح اهانت به دیگران محسوب می‌شوند. روزنامه‌نگاران خوب باید به طور کلی از به کار بردن این کلمات برای توصیف یک شخص یا گروهی از مردم خودداری کنند.

فراموش نکنید که ای بسا انتشار مطلبی از نظر قانونی ایرادی نداشته باشد، ولی با این وصف از نظر رعایت انصاف، مناسبت یا سلیقه دچار کاستی‌هایی باشد.

"آیا می‌توانیم چنین مطلبی را منتشر کنیم؟" این پرسشی است که باید از وکلا پرسید. اما "آیا چنین مطلبی را باید منتشر کنیم؟" پرسشی است که گزارشگران و سردبیران باید به آن پاسخ دهند. به همین ترتیب، می‌توان در این مورد تصمیم گرفت که آیا انتشار مطلبی که قانون را نقض می‌کند ولی به خیر و صلاح عموم مردم است، "به مصلحت جامعه" است. این کار مخاطراتی به همراه دارد و تنها سردبیر، مدیر مسئول یا مالک موسسه باید درباره آن تصمیم بگیرند. روزنامه‌نگاران مسئول توجه سردبیران خود را به مخاطراتی از این دست جلب می‌کنند.

تمرین

مروری بر آن چه در این فصل آموختید:

- قوانین مربوط به تهمت و افترا و دیگر قوانین محدودکننده آزادی بیان در کشورهای مختلف تفاوت‌های زیادی دارند و شما باید بدانید که در جامعه‌ای که در آن کار می‌کنید کدام قوانین اجرا می‌شوند.
 - در قوانین مربوط به افترا عناصر مشترکی وجود دارد - به ویژه در ارتباط با انتشار، افشای هویت افراد و نیز توهین و افترا.
 - بهترین دفاع در مقابل اتهام ایراد افترا توسط به حقیقت است. حتماً از مصونیت‌های قانونی احتمالی یا از مواردی که شامل دفاع در پناه مصلحت جامعه می‌شوند، اطلاع داشته باشید.
 - باید تدابیر حفاظتی اساسی را در هیئت تحریریه و نیز در شیوه‌های گزارشگری خود رواج دهید.
 - مواد و مصالح تحقیق خود را باید نگه دارید، زیرا ممکن است بتوان از آن‌ها به عنوان شواهد و قرائن مناسب استفاده کرد.
 - قوانین، قواعد و عرف‌های اخلاقی و فرهنگی تفاوت بسیار دارند و شما باید بدانید که در کشور شما کدام قوانین، قواعد یا عرف‌ها جاری است.
- مثال‌ها و سؤال‌های زیر را بخوانید و درباره پاسخ‌های خود با همکاران‌تان به بحث پردازید:

۱. در شهر شما یک نماینده مجلس در سخنرانی انتخاباتی خود رقیبش را "دلچک" می خواند و ادعا می کند که او بارها از شرکت های ساختمانی رشوه گرفته و "خائن به حزب خویش است".

■ آیا می توانید از همه این اظهارات یا بخشی از آن ها در گزارش خود استفاده کنید؟ و آیا باید گزارش خود را پیش از انتشار به شخص دیگری هم بدهید تا بخواند؟

۲. قرار است کار ساختن بزرگراهی که مردم مدت ها در انتظارش بوده اند، به زودی در شهر شما شروع شود. یک روز عصر مردی به دفتر کارتان تلفن می زند و می گوید اسنادی در اختیار دارد که ثابت می کند پیمانکار اصلی این بزرگراه از مصالح نامرغوب استفاده می کند و سر دولت کلاه می گذارد. تلفن کننده از گفتن نامش امتناع می کند، اما می گوید که برای اداره بزرگراه ها کار می کند.

■ او می گوید که اگر شما این اطلاعات را در مقاله ای منتشر نکنید، آن ها را در اختیار یک نشریه رقیب قرار خواهد داد. قرار است نیم ساعت دیگر دوباره به شما زنگ بزند تا ببیند جوابتان چیست.

■ شما و همکاران - و رئیس تان - باید بلافاصله چه کار کنید؟

■ وقتی تلفن کننده مرموز دوباره زنگ بزند، به او چه خواهید گفت؟

- آیا روش محتمل دیگری برای دست یافتن به این خبر وجود دارد یا بی‌درنگ آن را رد می‌کنید؟
- این موضوع که ممکن است رقیب‌تان این خبر را کار کند، چه تأثیری بر شما و نشریه‌تان می‌گذارد؟
- ۳. چندین رستوران جدید در شهر شما افتتاح شده است. نویسندگانی استخدام می‌کنید تا کاریکی از این رستوران‌ها را که از همه پرطرفدارتر است، بررسی کند. برخی از جملات مقاله او از این قرار است:
 - من این کباب‌ها را به گریه‌ام هم نمی‌دهم.
 - فکر می‌کنم کباب‌ها را مدت زیادی در دمای اتاق گذاشته بودند.
 - قطر پرونده این رستوران در اداره بهداشت از کباب‌هایش بیشتر است.
 - بازرسان اداره بهداشت وجود فضلهٔ موش در کباب‌های این رستوران را گزارش کرده‌اند.
 - منابع من در اداره بهداشت حاضر نیستند حتی از کنار این رستوران رد شوند.
 - این بدترین رستوران در همهٔ عالم است.
- آیا این اظهارات را تمام و کمال چاپ می‌کنید یا از هیچ کدام از این جملات استفاده نمی‌کنید یا آن‌ها را تغییر می‌دهید؟ چرا؟

تفاوت‌های بین خبرها و نظرها، بین منابع اطلاعاتِ برخوردار از حمایت و فاقد حمایت، بین واقعیت‌ها و اغراق‌گویی‌ها، بین قوانین و فرهنگ محلی را به یاد داشته باشید.

منابعی برای مطالعه

برای اطلاع از بررسی روزآمدی از قانون انگلستان از دیدگاه یک روزنامه‌نگار نگاه کنید به:

McNae's Essential Law for Journalists, by Tom Welsh and Walter Greenwood, published by Butterworths Law.

1. Gutnick
2. Dow Jones & Company Inc.
3. Barron's Online
4. New Statesman
5. News of the World
6. Derek Jameson
7. Darlington Evening Dispatch
8. Daily Star
9. paparazzi

گزارشگری صلح

رسانه‌ها به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر با جنگ پیوند خورده‌اند. همان‌طور که اغلب می‌گویند، اولین گلوله که شلیک شود، حقیقت نخستین قربانی خواهد بود زیرا طرف‌های رقیب رسانه‌ها را برای بسیج مردم به کار می‌گیرند، حقایق دهشتناک مرگ و قساوت را پنهان می‌کنند، و دشمنان خود را اهریمن جلوه می‌دهند.

به برخی از شیوه‌های بهره‌برداری از رسانه‌ها در نبردهای رایج توجه کنید:

■ یک گروه چریکی به اقدامات تحریک‌آمیزی دست می‌زند که می‌داند خشونت نیروهای دولتی علیه روستاییان را به دنبال خواهد داشت، و سپس می‌تواند با بهره‌برداری از رسانه‌های بین‌المللی توجه جهانی را به آرمان خود جلب کند.

■ یک مقام ناتو در کنفرانس مطبوعاتی با اشاره به این موضوع که موشک‌های آن‌ها بسیار دقیق است، سعی می‌کند مرگ اجتناب‌ناپذیر غیرنظامیان "هم‌جوار" [هدف‌های نظامی] را تحت الشعاع قرار دهد، همان غیرنظامیانی که بنا بود مداخله نظامی برای "آزادسازی" آن‌ها باشد.

■ یک گروه مذهبی افراطی بمبی را در قطار شهری در قلب پایتخت یک کشور غربی منفجر می‌کند - با این منظور خاص که از طریق تصاویر ناراحت‌کننده دست و پاهای قطع شده و خرابی‌های به بار آمده، که فوراً به سراسر جهان مخابره خواهد شد، جو "ترس و وحشت" را گسترش دهد.



به هنگام جنگ و درگیری، ممکن است رسانه‌ها به خدمت گرفته شوند تا بذر نومی‌دی پیراکنند، جامعه را نظامی کنند و حتی دستورالعمل‌های مستقیمی در مورد کشتار ارائه کنند

هنگامی که جنگ متوقف می‌شود، احزاب از طریق رادیوها، تلویزیون‌ها و روزنامه‌ها به نبرد خود ادامه می‌دهند، بر سر امتیازات بیشتر با هم رقابت می‌کنند، به توجیه مبارزات خود می‌پردازند، و حرکت به سوی صلح و آشتی را تضعیف می‌کنند، چون ممکن است به بهای از دست رفتن موقعیت سیاسی یا منافع نامشروع آنان تمام شود.

حتی پیش از شروع جنگ نیز حکومت‌های آماده نبرد از رسانه‌هایی که دولت در اختیار دارد برای زمینه‌سازی خشونت، و رواج زبانی خصومت آمیز و مخرب، آمیخته به انبوهی از دروغ‌ها و جعلیات تاریخی استفاده می‌کنند. از مبارزات ملی (و ناگزیر از رهبر برجسته) تجلیل می‌شود، و در مقابل به ترس و نفرت از "دشمن" دامن زده می‌شود. رسانه‌ها به خدمت گرفته می‌شوند تا بذر نومییدی بپراکنند، جامعه را نظامی کنند و حتی دستورالعمل‌های مستقیمی در مورد ابزارها و روش‌های کشتار ارائه کنند.

این سناریوهای وحشتناک هر جا که جنگی به پا شده به کرات به اجرا درآمده است. نقش رسانه‌های غربی در دوران مداخله‌های نظامی بین‌المللی موضوع بحث‌های تخصصی و دانشگاهی داغی بوده است. در دهه گذشته، سوءاستفاده از رسانه‌های داخلی به منظور کشتارهای قومی، به ویژه در رواندا و شبه جزیره بالکان، به طور خاص مورد توجه قرار گرفت و مشخص شد که رسانه‌ها چه قابلیت عظیمی برای تولید شرارت دارند.

اگر رسانه‌ها چنین با جنگ
پیوند خورده‌اند، آیا می‌توانند
در صلح هم نقشی ایفا
کنند؟

اما اگر رسانه‌ها چنین با جنگ پیوند خورده‌اند، آیا می‌توانند در صلح هم نقشی ایفا کنند؟

این پرسشی است دشوار و نیازمند پژوهش که در میان روزنامه‌نگاران نیز به شدت مجادله برانگیز است. شکاکیت حرفه‌ای مرسوم روزنامه‌نگاری، بسیاری را بر آن داشته که با هر اقدامی برای یافتن نقش و وظیفه‌ای برای رسانه‌ها مخالفت کنند. از نظر بسیاری از سردبیران و گزارشگران، بحث درباره "گزارشگری صلح" روزنامه‌نگاری را از جایگاه شاهد بی‌طرف قضا یا به سوی جایگاه بازیگر مستقیم رویدادها سوق می‌دهد. این نوع "استفاده ابزاری" از رسانه‌ها، حتی با انگیزه‌های نیک، کماکان تخطی خطرناکی از اصول حرفه‌ای اساسی قلمداد می‌شود. تبلیغ برای صلح نیز به هر تقدیر تبلیغ است.

با این همه، از آن جا که روزنامه‌نگاری باید حرفه‌ای مسئولانه و توأم با علاقه باشد، بسیاری از سردبیران و مؤسسات رسانه‌ساز، از جمله مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح، به بررسی این مسئله و تدوین شیوه‌هایی پرداخته‌اند تا رسانه‌ها بتوانند، ضمن حفظ اصول اساسی خود، نقش مؤثری هم در پایان دادن به مخاصمات ایفا کنند.

پاسخ‌های محتمل به این مسئله به شیوه‌های متفاوت در مطالعات مختلف طبقه‌بندی شده است. اعضای مؤسسه آمریکایی صلح^۱، که با بودجه دولتی اداره می‌شود، در بررسی اخیر خود سه نوع مداخله

مؤسسه گزارشگری جنگ
و صلح برای حمایت از
روزنامه‌نگاران مسئول محلی
تأسیس شد که غالباً راهی به
بحث و گفت‌وگو ندارند

رسانه‌ای را از هم تفکیک کرده‌اند: مداخله ساختاری، مداخله محتوایی و مداخله تهاجمی. گزارش یک گروه کانادایی، مؤسسه رسانه، سیاست‌گذاری و جامعه مدنی^۲، پنج نوع مداخله را برمی‌شمارد، از مداخله در قالب آموزش پایه تا برنامه‌های نمایشی، مانند سریال‌های مردم‌پسند و دیگر تولیدات فرهنگی که مروج پیام‌های مثبت‌اند. حتی رسانه‌های مهم نیز در تنظیم برنامه‌های خبری خود روش‌های تازه‌ای در پیش گرفته‌اند، از جمله استفاده از آن‌چه روزنامه‌نگاری مردمی خوانده می‌شود، تامیزان "آراء و عقاید محلی" را در مطالب‌شان افزایش دهند.

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح با این هدف تأسیس شد که در مناطق درگیر بحران تریبونی در اختیار روزنامه‌نگاران مسئول محلی قرار دهد؛ روزنامه‌نگارانی که در کشورهای خود و در سطح بین‌المللی غالباً راهی به بحث و گفت‌وگو درباره مسائل مربوط به جنگ و درگیری ندارند.

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح مفهوم گزارشگری صلح را به سه مقوله تقسیم می‌کند: تقویت مهارت‌های فردی، ایجاد ظرفیت‌های نهادی، و تنظیم دستور کارهای محتوایی. قسمت اعظم این فصل را مقوله سوم تشکیل می‌دهد.

تقویت مهارت‌ها

اساس گزارشگری مطلوب جنگ روزنامه‌نگاری محکم و قاطع است -

روزنامه‌نگاری مبتنی بر واقعیات، بالحنی معتدل و انتخاب متوازن منابع و موضوعات. به این اعتبار، کل این کتاب دربارهٔ پرورش مهارت‌های حرفه‌ای اساسی برای اقدام دلسوزانه و سازنده در مناطق جنگی است. زمانی که در منطقهٔ جنگی هستید، باید دو اصل مهم را رعایت کنید. نخست اینکه پیش از آن که قلم را روی کاغذ بگذارید یادگم‌های صفحه کلید را فشار بدهید یا جلوی دوربین بایستید، تکالیف‌تان را انجام بدهید. زیاد بخوانید و با منابع رسمی و غیررسمی و همچنین با شهروندان عادی حرف بزنید، و هر چه می‌توانید دربارهٔ منطقه و مردمش اطلاعات به دست بیاورید (حتی، در صورت امکان، زبان‌شان را یاد بگیرید).

دوم اینکه هیچ چیزی را تا با دو چشم خود ندیده‌اید باور نکنید، و به‌ویژه به اظهارات مقامات رسمی ظنین باشید. کنفرانس‌های مطبوعاتی روزانهٔ رهبران نظامی که در آن‌ها دربارهٔ موفقیت‌های خود در میدان نبرد و قساوت و بی‌رحمی مخالفان‌شان داد سخن می‌دهند، بدون شواهد دست‌اول هرگز قابل اعتماد نیستند. بهترین و شجاع‌ترین خبرنگاران آن‌ها هستند که از این سخن‌پردازی‌ها صرف‌نظر می‌کنند و به استقبال خطر گزارشگری از خطوط مقدم جبهه‌های جنگ می‌روند.

ظرفیت‌سازی

روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و خلاقانه‌ای که بتواند بحث‌های مسئولانه و سازنده ایجاد کند، بدون وجود نهادهای نیرومندی که باید از آن حمایت

کنند موفق نمی‌شود. این نهادها عبارت‌اند از: (۱) سازمان‌های رسانه‌ای زنده و پویایی که تحت کنترل سیاسی نباشند؛ (۲) مؤسسات رسمی و غیررسمی مسئولی که از آزادی رسانه‌ها پشتیبانی کنند؛ و (۳) جامعه مدنی نیرومندی که ایده‌ها و اطلاعات در آن ساخته و پرداخته می‌شود و از طریق آن می‌توان جامعه را در سطح وسیع‌تر درگیر بحث کرد.

ظرفیت‌سازی مستلزم اصلاح قوانین، مقررات و مؤسسات رسانه‌ای، تقویت ویژگی‌های حرفه‌ای مؤسسات رسانه‌ای موجود، و ایجاد مؤسساتی پایدار برای آموزش رسانه‌ها و پشتیبانی از آنهاست، مؤسساتی از قبیل مؤسسات آموزشی و نظارتی رسانه‌ای، گروه‌های حامی آزادی بیان، و اتحادیه‌ها و انجمن‌های روزنامه‌نگاری.

تخصص گروهی از سازمان‌های بین‌المللی در بخش‌های مختلف ظرفیت‌سازی رسانه‌ای است و انجمن بین‌المللی فعالی نیز در زمینه آزادی بیان وجود دارد. (نگاه کنید به منابع پایان همین فصل.) هدف برخی از این سازمان‌ها اصلاح سازمان‌های رادیو و تلویزیون دولتی است، برخی دیگر در صدد تأسیس ایستگاه‌های رادیویی مستقل داخلی‌اند، و برخی نیز به تدوین چهارچوب‌های حقوقی یا تأسیس اتحادیه‌های روزنامه‌نگاری می‌پردازند.

انجمن‌های آزادی بیان به‌ویژه از این نظر اهمیت دارند که می‌توانند هنگامی که گزارشگران مورد حمله قرار می‌گیرند، شبکه‌ای جهانی به منظور اعلام هشدارهای فوری فراهم کنند، و به حمایت مالی و حقوقی

و افزایش فشار سیاسی، مثلاً برای آزادی زود هنگام فردی از مجازات زندان ناعادلانه، پردازند. نظارت بر کار رسانه‌ها گاهی تحت این عنوان که نوعی تلاش برای سانسور یا کنترل است مورد انتقاد قرار می‌گیرد، اما نظارت در واقع بسیار مهمی برای تحقیق درباره عملکرد رسانه‌ها و به مثابه آینه‌ای انتقادی است که به بهبود عملکرد جامعه رسانه‌ای مسئول کمک می‌کند.

ظرفیت‌سازی مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح بر ایجاد و اصلاح سازمان‌های رسانه‌ای، بر آورد نیازهای محلی و ارزیابی طرح‌های رسانه‌ای، راه‌اندازی و تقویت آموزش و پژوهش و نظارت رسانه‌ای، و تربیت مدرسان محلی برای پرورش مهارت‌ها در این زمینه درازمدت متمرکز است.

تهیه دستورکار

گذشته از مهارت‌ها و اخلاقیات بنیادی روزنامه‌نگاری، می‌توان در زمینه انتخاب موضوع، شیوه گزارشگری و ساختار ارائه آراء و نظرهای مختلف در گزارش رویکردهای متعددی اتخاذ کرد که نسبت به جنگ حساس باشند. مهم‌ترین ضرورت این امر کنار گذاشتن بدبینی مزمن و اجتناب از تقسیم جامعه به دو گروه مخالف است که در بیشتر گزارشگری‌های جنگ وجود دارد. هدف از این کار دست یافتن به آراء و نظرهای بدیل و چیزی است که مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح گفت و گوی درون اجتماعی می‌نامد، تا بتوان، به جای برجسته کردن عدم توافق، بر

رسانه‌ها از این توان برخوردارند که درک و فهم مردم را از تعریف خبر شکل بدهند

تحولات مثبت و غالباً غیررسمی در این زمینه تأکید کرد، خطوط اختلاف را کمرنگ و نقاط اشتراک را شناسایی کرد. رویکرد تهیه دستور کار ربطی به تبلیغات سیاسی ندارد. این رویکرد به معنی آن نیست که از یک طرف در مقابل طرف دیگر حمایت کنیم، یا لزوماً در هیئت حامی مستقیم مباحث ضد جنگ ظاهر شویم - در واقع، آگاهی از نظریه‌های جنگ عادلانه نیز اهمیت دارد.

برعکس، این رویکرد می‌پذیرد که رسانه‌ها به هنگام گزارش کردن اخبار، خبر ساز نیز هستند. رسانه‌ها تاریخ زمان حال را ثبت می‌کنند و به این ترتیب نه تنها از این توان برخوردارند که به درک و فهم مردم از وقایع و مباحث شکل دهنده، بلکه می‌توانند خود خبر را هم تعریف کنند.

روزنامه‌نگاری با مسئله‌ای روبه‌روست که مسئله فیزیک هسته‌ای هم هست: شما نمی‌توانید اتم را اندازه بگیرید، زیرا هر اقدامی موجب حرکت و در نتیجه تغییر اندازه‌های اتم می‌شود. در گزارشگری جنگ نیز روزنامه‌نگاران مسئولیت دارند که:

- بدانند درگیر شدن آنان در موضوع تا چه حد ممکن است بر رویدادها اثر بگذارد؛
- لایه‌های عمیق‌تر مواضع طرف‌های جنگ را بکاوند؛

در دنیایی مملو از جنگ
و درگیری، رویکرد تهیه
دستورکار به دنبال فراهم
آوردن توازنی مختصر برای
سویۀ دیگر ماجراست

■ از خود بپرسند که آیا از جانب دست اندر کاران زرنگ رسانه‌ها در خدمت ترویج هدف‌های یک طرف مخاصمه قرار نگرفته‌اند.

برای جریان اصلی پوشش رسانه‌ای، جنگ موضوعی هیجان‌انگیز است و صلح موضوعی کسالت‌آور. کریس هِجِز^۳، خبرنگار نیویورک تایمز که در حوزه‌ی روزنامه‌نگاری برنده‌ی جایزه شده است، هنگامی که برای یادداشت‌های هشدار آمیزش عنوان "جنگ قدرتی است که به ما معنی می‌دهد" را انتخاب کرد، همین سرمستی رخوت‌آمیز را در نظر داشت.

در دنیایی مملو از جنگ و درگیری، رویکرد تهیه‌ی دستورکار به دنبال فراهم آوردن توازنی مختصر برای سویۀ دیگر ماجراست.

درک جنگ

روزنامه‌نگار اقتصادی باید از اقتصادسر در بیاورد، و خبرنگار حقوقی هم باید مقداری اطلاعات حقوقی مقدماتی داشته باشد. به همین ترتیب، برای پوشش اخبار جنگ نیز درک ماهیت آن بسیار اهمیت دارد. این امر به معنی خروج از محدوده‌ی پوشش روزانه‌ی اخبار و تلاش برای درک علت جنگ و معنای واقعی حل و فصل اختلاف است.

تحلیل جنگ (یا "مطالعات صلح") نشان می‌دهد که درگیری و منازعه امری طبیعی و رایج است، اما همیشه معادل خشونت نیست.

باید از کسانی که معتقدند
درگیری‌های خشونت‌آمیز
اجتناب‌ناپذیرند بر حذر بود

مروری بر دیگر فرآیندهای صلح‌نشان می‌دهد که درگیری و منازعه‌راه، در واقع، می‌توان به صورت صلح‌آمیز، گرچه به ندرت به سادگی، حل و فصل کرد. بخشی از مدیریت جنگ حل و فصل آن است، و فرآیند رسیدن به صلح و یافتن راه‌حلی پایدار و درازمدت به نوبه خود فرآیندی حساس است.

در عین حال، باید از کسانی که معتقدند درگیری‌های خشونت‌آمیز اجتناب‌ناپذیرند بر حذر بود. درگیری‌های خشونت‌آمیز دلایلی دارند، و آدم‌ها هم برای شرکت در این درگیری‌ها انگیزه‌هایی دارند. گاهی اوقات رهبر یا حکومتی برای کسب یا حفظ قدرت به درگیری‌ها دامن می‌زنند. علت اولیه درگیری‌ها کمیاب بودن منابع در مناطقی است که قدرت و ثروت به شکل نابرابر توزیع شده‌اند و ظلم و خصومت تاریخی دیرینه دارند. این امر نشان می‌دهد که خشونت میان "دشمنان تاریخی" گریزناپذیر نیست، بلکه می‌توان با توجه به توزیع نابرابر منابع یا انحصار قدرت سیاسی، که زیربنای خصومت‌اند، از آن اجتناب کرد.

آن چه در ادامه می آید بر گرفته از گزارش بازرشی است که گروه کانادایی ایمپکس^۴ اخیراً ارائه داده و مثال خوبی است برای توضیح نتایج احتمالی یک درگیری:

پرتقالی به شاخه درختی آویزان است. این درخت در حیاط خانه ای قرار دارد، اما پرتقال به شاخه ای آویزان است که وارد حیاط خانه همسایه شده است. هر دو همسایه معتقدند که پرتقال متعلق به آن هاست. از بررسی درگیری می آموزیم که در این حال ممکن است چهار نتیجه حاصل شود:

مثالها	نتیجه
الف) دو همسایه سر پرتقال با هم درگیر می شوند ب) قوانین مالکیت تعیین می کند که پرتقال متعلق به کیست ج) همسایه ها سر پرتقال شیر یا خط می اندازند د) یکی پرتقال را برمی دارد و پنج سنت به دیگری می دهد	پیروزی یک طرف الف) حق با کسی است که زور دارد ب) حل و فصل قانونی ج) بخت و اقبال د) جبران خسارت
الف) هر دو طرف از پرتقال دست می کشند ب) پرتقال را می بخشند یا آن را از بین می برند ج) پرتقال را در فریزر می گذارند	صرف نظر کردن الف) رها کردن پرتقال ب) حذف صورت مسئله ج) عقب انداختن
دو طرف توافق می کنند که پرتقال را نصف کنند یا آبش را بگیرند و تقسیم کنند	مصالحه تقسیم منبع
دو طرف هسته پرتقال را در می آورند و می کارند و به باغداری می پردازند- کار جدید، درآمد جدید و منابع بیشتر	اقدام فوق العاده راه حل های نوآورانه

فرآیند صلح در ایرلند شمالی نمونه خوبی از حل و فصل منازعات است. این درگیری طی سالیان مدید به یک رودرروی غیرقابل مصالحه بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها تبدیل شده بود. هر حرکتی در جهت تسلط کاتولیک‌ها بر کشور (و نهایتاً پیوندشان با جمهوری ایرلند) به معنی از بین رفتن سلطه پروتستان‌ها (و خوداتحادیه بریتانیا) و به خطر افتادن معیشت، فرهنگ و حیات آنان بود. در این بین، خشونت هم ادامه داشت.

انعقاد "پیمان جمعه مقدس" در ۱۹۹۸ نتیجه آن بود که حکومت ایرلند تا حدی از جنبش جمهوریخواهی دور شد و حکومت بریتانیا نیز از طرفداران سرسخت وحدت ایرلند شمالی و بریتانیا فاصله گرفت. در همان حال، گروه‌های میانه‌رو در هر دو سو مورد پشتیبانی قرار گرفتند و مشروعیت کسب کردند و مقدمات حرکت‌های موفق به سوی صلح فراهم شد. این فرآیند با موانع سختی روبه‌رو شد، اما چرخه اصلی خشونت - انتقام - خشونت، که هیچ راه حلی در افق آن دیده نمی‌شد، دیگر شکسته بود.

هر گاه درگیری تنها دو طرف داشته باشد، وضعیت ممکن است بدتر شود و به سوی بازی‌ای پیش برود که حاصل جمع آن صفر است و هر طرف فقط احتمال سیاه یا سفید شکست یا پیروزی را در آن می‌بیند. هر موفقیتی برای یک طرف مستقیماً به قیمت شکست طرف دیگر تمام می‌شود. در حالی که اگر تعداد بازیگران یا ذی‌نفع‌ها بیشتر باشد،

یکی از مسئولیت‌های
روزنامه‌نگاری که درگیری‌ها
را پوشش می‌دهد، درک
معنای خشونت است

احتمال حل و فصل صلح‌آمیز درگیری افزایش می‌یابد. میانجیگران بیرونی به دنبال از بین بردن علل درگیری و تشخیص راه‌هایی هستند که دو طرف بتوانند بر اساس آن‌ها مصالحه کنند، مصالحه‌ای که خواسته‌های اصلی آنان را برآورده سازد و، در عین حال، آنان را از رفتن به سوی خشونت، که شکست ناگزیر هر دو طرف است، باز دارد. در واقع، اگر جنگ را اغلب شکست سیاست تعریف می‌کنند، کاستن از خطر خشونت را هم باید موفقیت‌گایی آن قلمداد کرد.

انواع خشونت

مسئولیت روزنامه‌نگاری که درگیری‌ها را پوشش می‌دهد، درک معنای خشونت هم هست.

در این زمینه نیز پژوهش‌های تخصصی زیادی وجود دارد که می‌توان به آن‌ها مراجعه کرد. برخی پژوهش‌ها خشونت را به سه گونه متفاوت تقسیم می‌کنند: خشونت مستقیم (کتک زدن، کشتن، تجاوز کردن و مانند آن‌ها)؛ خشونت فرهنگی (زبان خصومت‌آمیز، بیگانه‌هراسی، توجیه دینی جنگ و امثال آن‌ها)؛ و خشونت ساختاری (تبعیض نژادی، استعمار، اشغال و از این قبیل).

آثار خشونت هم قابل رؤیت‌اند و هم غیرقابل رؤیت. روزنامه‌نگار می‌تواند کشته‌ها، مجروحان، تجاوز شده‌ها و شکنجه‌دیده‌ها و آوارگان را به وضوح مشاهده کند. اما ممکن است در لایه زیرین این مشاهدات نفرت، بیگانه‌هراسی، میل به انتقام، و طیف وسیعی از هیجانات نهفته باشد که می‌تواند به خشونت‌های بیشتر بیانجامد. شناخت تغییرات

ساختاری-از قبیل محو یک زبان و یک فرهنگ- که طی دوره‌ای طولانی به وقوع می‌پیوندد، ممکن است سخت‌تر هم باشد.

در برخی از شکل‌های خشونت، قوانین بشر دوستانه بین‌المللی، حتی در دوران جنگ، نقض می‌شوند. "پروژه جنایات جنگی" برای آموزش روزنامه‌نگاران در زمینه موارد تخطی از قوانین جنگ به این دلیل پایه‌گذاری شد که آنان بتوانند ابعاد خشونت را که ممکن است شاهدش باشند تحلیل کنند. همان‌گونه که روی گاتمن^۵، گزارشگر برنده جایزه پولیتزر و بنیانگذار این پروژه، توضیح داده است، مشاهده بمباران یک کلیسا یا یک اثر تاریخی به اندازه کافی ناگوار است، اما اگر بدانیم که چنین حمله‌ای نشان‌دهنده تخطی از کنوانسیون ژنو هم هست، آن وقت موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند- یعنی مطلب از سطح یک مقاله معمولی به سطح گزارشی نافذ و مؤثر ارتقاء می‌یابد و تغییرات مهمی در تدابیر و استلزامات این درگیری به وجود می‌آورد. (نگاه کنید به فصل ۱۲)

چگونگی بیان درگیری

گزارشگری در منطقه درگیر بحران با این سؤال اساسی آغاز می‌شود که درگیری را چگونه باید مطرح و بیان کرد. استفاده از کلمات اختصاری در کار روزنامه‌نگاری اجتناب‌ناپذیر است. اما استفاده ساده‌انگارانه از هویت‌های قومی و دینی، یا استفاده آزادانه از مفاهیم "ما و آن‌ها" می‌تواند به شدت تحریک‌آمیز باشد. استفاده نسنجیده از این قبیل اصطلاحات اختصاری در گزارشگری جنگ می‌تواند به احساس جدایی دامن بزند و گریزناپذیر بودن جنگ را القاء کند.

در اواسط دهه ۱۹۹۰، بیشتر گزارشگران در شبه جزیره بالکان جنگ را درگیری بین "صرب‌ها"، "کروات‌ها" و "مسلمانان" توصیف می‌کردند. اکثر سربازان طرف‌های مختلف جنگ در واقع از نظر قومی صرب یا کروات، یا از نظر مذهبی مسلمان بودند. اما این شیوه بیان، بدون هیچ قید و شرطی، تصویر ساده‌شده خطرناکی خلق می‌کرد و به بحث‌هایی در زمینه وجود ریشه‌های اختلاف در "عداوت‌های دیرین قومی" و در میان دشمنان تاریخی و آشتی‌ناپذیر دامن می‌زد.

در واقع، بسیاری از شهروندان صرب و کروات به شدت مخالف جنگ بودند، و حکومت‌هایشان آن‌ها را تهدید به پیگرد قانونی می‌کردند. «جناح مسلمان» نیز، البته به میزان کمتر، ترکیب قومی مختلطی داشت و صرب‌ها و کروات‌ها در خدمت دولتی بودند که در سارایوو، پایتخت

استفاده ساده‌انگارانه از

هویت‌های قومی و دینی
می‌تواند به شدت تحریک‌آمیز
باشد

بوسنی، تشکیل شده و در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده بود. بسیاری از اهالی یوگوسلاوی سابق اساساً هویت قومی خود را انکار می‌کردند یا والدینشان از قوم‌های مختلف بودند. آن‌چه این تصویر را پیچیده‌تر می‌کرد، وجود مسلمانانی بود که اصطلاح جدید "بوسنیایی" را به عنوان هویت خود برگزیده بودند تا هم هویت ملی خود را در زمان محاصره سارایوو تقویت کرده باشند و هم انگیزه مذهبی را در جنگی که به نظر آن‌ها هدفش اساساً کشور گشایی بود کاهش دهند.

بنابراین، جنگ در میدان‌های نبرد با بحثی داغ درباره چگونگی تعریف آن همراه بود، و با تغییر استنباط از تعریف این جنگ، استنباط از امکان یافتن راه‌حلی برای ترک محاصره نیز تغییر کرد.

هدف از گزارشگری همراه با حساسیت یا دلسوزی اتخاذ موضع علیه یک طرف و له طرف دیگر نیست. بسیاری از گزارشگران استدلال می‌کنند که روزنامه‌نگاران در مواجهه با قوم‌کشی اتفاقاً باید موضع‌گیری داشته باشند. عده‌ای دیگر بر آن‌اند که روزنامه‌نگاران، در واقع، وظیفه دارند صدای طرفی را که مطرح نشده منعکس کنند - یعنی همان شهروندان بی‌گناهی که به هیچ‌یک از گروه‌های درگیر جنگ وابستگی ندارند. این امر به معنای طرح و تنظیم مطالب با در نظر گرفتن مردم عادی، و نه فقط رهبران، متخصصان یا دیپلمات‌هاست. در این چهارچوب، اغلب می‌توان لطماتی را که خشونت به همه طرف‌ها وارد کرده است به وضوح نشان داد.

با این حال، با وجود قید و بندهای مرتبط با محدودیت جا و اختصار نویسی‌های گریزناپذیر روزنامه‌نگاری، مهم‌ترین کار تلاش برای نشان دادن پیچیدگی وضعیت است. هدف این است که به صورت ابزاری تبلیغاتی در اختیار این یا آن طرف مخاصمه نباشیم. و، البته، این شیوه بی‌تردید گزارشگری صحیح‌تر و دقیق‌تری از واقعیات میدان نبرد هم هست.

زبان احساسی

جنگ به شدت با احساسات و عواطف درآمیخته است، و روزنامه‌نگاران نیز مثل اشخاص دیگر دستخوش احساسات شدید می‌شوند. اما مسئولیت روزنامه‌نگاری ایجاب می‌کند که گزارشگران از این موارد مطلقاً بپرهیزند:

- زبان خصومت‌آمیز
- زبان تحقیرآمیز
- زبان خشونت‌پرور

این زبان‌ها در پوشش اخبار درگیری‌ها در سراسر جهان مشاهده می‌شوند، و وقتی روزنامه‌نگاری احساس می‌کند جامعه‌اش در خطر است، به سهولت تمام از این زبان‌ها بهره می‌گیرد. اما در خواست نابودی دشمن، تحقیر مخالفان، یا هدایت مستقیم مردم به سوی خشونت کاملاً

تصاویر بیش از حد احساسی
را نیز باید با نهایت احتیاط
به کار گرفت

خارج از قلمرو روزنامه‌نگاری مسئولانه است. در واقع، این موضوع در دادگاه‌های بین‌المللی جرایم جنگی مطرح شده است که آمارسانه‌هایی را که مستقیماً در به کارگیری خشونت نقش داشته‌اند می‌توان به جرم ارتکاب جنایت جنگی تحت پیگرد قرار داد.

حتی کلمات رایج و متداول نیز ممکن است آتش بیافروزند. اصطلاحات رایجی چون "تروریست" یا "مبارز آزادی خواه" آغشته به دلالت‌های ضمنی‌اند. عبارت‌هایی از قبیل "رزمندگان مسلح"، "یاغیان"، "شورشیان" یا "چریک‌ها" بیش‌تر توصیفی و کمتر احساسی‌اند. اصطلاحاتی خنثی و به دور از تحقیر و توهین پیدا کنید که عاری از جانبداری باشند.

تصاویر بیش از حد احساسی را نیز باید با نهایت احتیاط به کار گرفت. نشان دادن تصویرهای سراسر خونین و خشن در تلویزیون یا در عکس‌های خبری هنر نیست. روزنامه‌نگاران باید به قربانیان تمام طرف‌های درگیری احترام بگذارند و از قدرت برانگیزنده این تصاویر و خشونت بیشتری که ممکن است پدید بیاورند، مطلع باشند.

رسانه‌های چاپی گاهی وسوسه می‌شوند که از خبرهای تلویزیونی دنباله‌روی کنند. اما رسانه‌های چاپی از این قابلیت برخوردارند که بیشتر به عمق بروند و زمینه‌های گسترده‌تری را مطرح کنند، و از این رولزومی ندارد به ورطه احساسات و پوشش سطحی رویدادها بگلتند.

قاعده این است که از تصاویر و گزارش‌های مربوط به قساوت طرف دیگر درگیری باید با نهایت احتیاط استفاده کرد. مسئولیت اولیه رسانه آزاد به چالش کشیدن حکومت خود است، و این امر حتی، و به ویژه، در دوران جنگ صادق است.

البته منظور این نیست که رسانه باید مبلغ صلح باشد. اما روزنامه‌نگاران می‌توانند با تشخیص مسئولیت خود به ایجاد فضایی گسترده‌تر برای درک و فهم درگیری‌ها کمک کنند و به طور غیرمستقیم مانع شعله‌ورتر شدن آتش تنش‌ها شوند.

دام بدبینی

هنگامی که میانجیگران بین‌المللی، در کمال ناامیدی، از کسب توافق طرف‌های متخاصم باز می‌مانند و سخنگویان طرف‌های درگیر به میکروفون‌ها هجوم می‌برند تا مخالفان خود را به سرسختی متهم کنند، معمولاً این قبیل عناوین در رسانه‌ها ظاهر می‌شود: "با شعله‌ور شدن آتش جنگ، فرآیند صلح در آستانه شکست است".

با این حال، یک هفته یا یکی دو ماه بعد نشست دیگری برگزار می‌شود و طرف‌های درگیر در چند مورد به توافق می‌رسند، گرچه هنوز توافق جامعی حاصل نشده است.

دو سال بعد از انعقاد پیمان صلح، وقتی دولت موقت به بن‌بست رسیده و درگیری‌های داخلی شدت گرفته است، باز هم عناوین نشریات با

ارزیابی‌های بدبینانه همواره
عناوین اصلی نشریات را
تسخیر می‌کنند

اطمینان اعلام می‌کنند که کشور «به سوی جنگ» پیش می‌رود.

باز هم، بعد از کلی چک و چانه زدن و کدورت، مصالحه جدیدی صورت می‌گیرد، رهبر جناح دیگری مأمور تشکیل کابینه می‌شود و توافقی در مورد صلح داخلی به دست می‌آید.

از روزنامه‌نگارانی که اخبار جنگ را پوشش می‌دهند دائماً می‌پرسند که آینده را چطور پیش بینی می‌کنند، و همان‌طور که در سطور بالا گفتیم، ارزیابی‌های بدبینانه همواره عناوین اصلی نشریات را تسخیر می‌کنند. روزنامه‌نگاران، در واقع، بدبین‌های حرفه‌ای هستند.

مسئله کم‌اهمیت جلوه دادن و خامت اوضاع سودی ندارد، هم‌چنان که با ارزش جلوه دادن "محکومیت رسمی خشونت" از جانب شورای امنیت سازمان ملل متحد که تمایلی به اقدام جدی‌تر ندارد، و یا "بیانیه اصول و قواعد" بی‌معنایی در یک فرآیند صلح بی‌خاصیت که در عمل به جایی نخواهد رسید، فایده‌ای در بر ندارد. اگر در صحنه وقایع حضور دارید و به این نتیجه رسیده‌اید که کشتار قریب‌الوقوعی در پیش است، هر طور شده آن را گزارش کنید.

اما رویکردی که در مجموع منفی است، و غالباً نه درستی‌اش اثبات می‌شود نه نادرستی‌اش، موجب بدبینی‌هایی می‌شود که ممکن است به نوبه خود به درگیری‌ها دامن بزنند. به علاوه، این رویکرد فاقد ابعاد اصلی

شرط خرد همواره این است که از افتادن در دام بدبینی‌هایی که موجب پیش‌بینی‌های ترسناک می‌شوند، بپرهیزیم

هر فرآیند موفقیت‌آمیزی برای حل و فصل مخاصمات است. فرآیند صلح، بنا به تعریف، فرآیندی دشوار خواهد بود و با موانع بسیار روبه‌رو خواهد شد. اما این فرآیند به خودی خود مهم است، زیرا طرف‌های درگیری را گرد هم می‌آورد، و در آغاز و پیش از بحث درباره توافقی جامع در مورد مسائل اصلی مورد مناقشه، برای اعتمادسازی به عمد به مسائل کم‌اهمیت‌تر می‌پردازد.

تمرکز بر شکست‌نگی پیمان صلح "جامع" نیز غالباً توجه روزنامه‌نگاران را از دستاوردهای "کوچک" جامعه محلی و جامعه مدنی منحرف می‌کند که تدریجی‌اند و چندان هیجان‌انگیز نیستند - مانند باز شدن دوباره یک پل، تأسیس یک مرکز تجمع، یا بازگشت کند و خانوار به خانوار پناهندگان. این تحولات نیز بخشی از فرآیند صلح‌اند که حمایت از رهبران نظامی را کاهش می‌دهند و باعث افزایش تعداد حامیان صلح می‌شوند.

شرط خرد همواره این است که از افتادن در دام بدبینی‌هایی که موجب پیش‌بینی‌های ترسناک می‌شوند، بپرهیزیم. رویکرد تنظیم دستور کار، واقعیت‌های عمیق‌تر فرآیند صلح و آشتی را برجسته می‌کند و نگرش‌های متوازی نسبت به موفقیت‌های تدریجی و فزاینده فراهم می‌آورد که گاهی اهمیت‌شان به هیچ وجه کمتر نیست.

واکنش در قبال بحران

بمبئی منفجر می‌شود، رئیس‌جمهوری به قتل می‌رسد، قساوتی صورت می‌گیرد - در همین مواقع مهم است که حفظ معیارهای حرفه‌ای حائز اهمیت است.

قربانیان بانگرانی و ناراحتی بسیار حرف می‌زنند، چهره‌های سیاسی برای محکوم کردن واقعه عجله دارند، و رسانه‌های رقیب به سرعت گزارش‌های بی‌پروا و تند و تیز منتشر می‌کنند.

برای روزنامه‌نگار مسئول زمان پر مخاطره‌ای است. واقعیات روشن نیستند، مسئولیت مشخص نیست، و در چنین فضای آشفتگی راهی برای درک معنای واقعی رویدادها وجود ندارد.

از آنجا که خیلی‌ها با قاطعیت اظهار نظر می‌کنند، مقاومت در برابر "نتیجه‌گیری صریح" شاید دشوار باشد - مثلاً، این که یک گروه قومی با قصد و تدارک قبلی به گروه دیگری حمله کرده است - حتی اگر هیچ‌کس شاهد و قرینه‌ای برای اثبات آن نداشته باشد.

این قبیل گزارش‌های غیرمسئولانه می‌توانند مستقیماً به خشونت‌های بیشتر دامن بزنند، زیرا احساسات و عواطف تحریک شده و جامعه مستعد اقدامات انتقامی است.

حتی در بحبوحه جنگ نیز
علائمی از فعالیت جامعه
مدنی و نشانه‌هایی از تحول
و امید وجود دارد

در چنین اوضاع و احوالی، لازم است موارد زیر را در گزارش‌هایتان رعایت کنید:

- خود را مقید به استفاده از اطلاعات تأیید شده کنید و مسائلی را که نمی‌توان تأیید کرد مشخص کنید؛
- عواطف و احساسات را تعدیل کنید و کسانی را که در جامعه به دنبال همین هدف هستند برجسته کنید؛
- با همه طرف‌ها حرف بزنید و از کلیشه‌های آشکار گذر کنید؛
- به جای نتیجه‌گیری‌های ساده، در پیچیدگی‌های ماجرا کاندو کاو کنید؛
- از تفکر سنجیده درباره رویداد مورد نظر، هر قدر هم فجیع باشد، دست نکشید.

گزارشگری صلح

حتی در بحبوحه جنگ نیز علائمی از فعالیت جامعه مدنی و نشانه‌هایی از تحول و امید وجود دارد. با آن که وظیفه روزنامه‌نگار و غریزه طبیعی حکم به تهیه گزارش از "جناح‌ها"ی درگیر می‌کند، توجه به جامعه در سطح وسیع‌تر نیز ضروری است. به ندرت صد در صد مردم یک کشور موافق جنگ هستند، اما اگر صرفاً به تهیه گزارش درباره نبردهای جاری و افراد درگیر در آن‌ها بپردازید، تنها این احساس به وجود می‌آید که گویی جامعه تماماً حالت نظامی پیدا کرده است.

روزنامه‌نگاری مسئولانه به معنی تهیه گزارش از طرف‌ها و اقدامات مخالف جنگ، برجسته کردن گروه‌ها و افراد مخالف با کلیشه‌های جنگ افروزان، و مطرح کردن نمونه‌هایی است که از همکاری کلی میان جامعه‌های درگیر و ترویج صلح و آشتی و پل زدن بین طرف‌های مخاصمه حکایت دارند.

افراطی‌ها ناگزیر عناوین اصلی را از آن خود می‌کنند. میانه‌روها، با آن که غالباً از اکثریت قاطع برخوردارند، معمولاً کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. مقاله‌ای که ترویج خشونت می‌کند، ممکن است بیشتر جلب توجه کند تا گزارشی درباره گروه‌هایی از جامعه مدنی که علیه خشونت فعالیت می‌کنند. این قبیل گزارش‌ها در ضمن به گروه‌های افراطی مشروعیت می‌بخشند و امکانات بدیل را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

گزارشگری درست و دقیق باید به دنبال بیان اعتبار و اهمیت نسبی بازیگران مختلف و عقاید و آراء آنها، و ایجاد توازنی همه‌جانبه باشد. حتی هنگامی که رسیدن به توافق کامل بعید به نظر می‌رسد، باید به خاطر داشت که پی‌ریزی فرآیند صلح بخش مهمی از رسیدن به توافقی درازمدت است، و توافقی‌های مقطعی و طرح‌های مربوط به تحولات در میدان نبرد، و البته کاهش یا از بین رفتن خشونت، همگی نشانه‌های مثبتی هستند.

برخی از متخصصان مطالعات جنگ و درگیری معتقدند که رویکرد جسورانه به گزارشگری متوازن طبیعتاً به حل و فصل صلح‌آمیز درگیری‌ها کمک می‌کند. موضوع صرفاً این است که روزنامه‌نگار کارش را درست انجام دهد، زیرا مطرح کردن پیچیدگی‌ها و جنبه‌های بیشتری از اختلاف و درگیری به درک و فهم چشم‌انداز رسیدن به راه‌حل صلح‌آمیز کمک می‌کند.

مطمئناً جنگ روزی پایان می‌گیرد، روزنامه‌نگاران جنگی بین‌المللی منطقه را ترک می‌کنند، و پوشش اخبار کشور بحران زده کاهش می‌یابد. این امر موجب تقویت این نظر می‌شود که جهان سراسر جنگ است و نمی‌توان به درگیری‌ها پایان داد. رویکرد تنظیم‌دستور کار به منطقه باز می‌گردد تا بازسازی و توسعه را بر جسته کند، و بی‌آن که موانع و دشواری‌های اجتناب‌ناپذیر را پنهان کند، نشان دهد که کشور خشونت را پشت سر گذاشته است.

با پایان گرفتن جنگ،
روزنامه‌نگاران جنگی
بین‌المللی منطقه را ترک
می‌کنند و این امر موجب
تقویت این نظر می‌شود که
جهان همواره در جنگ است

انتخاب‌های سردبیر و توزیع منابع

تصور کنید که سردبیر روزنامه‌ای در خاورمیانه هستید و می‌خواهید عنوان اصلی صفحه اول روزنامه دوشنبه را انتخاب کنید. در روزهای آخر هفته اتفاقات مهمی روی داده است:

- پنج بمب‌گذاری انتحاری طی سه روز به وقوع پیوسته و ۹ شهروند اسرائیلی کشته و ده‌ها نفر دیگر مجروح شده‌اند؛
- نیروهای امنیتی اسرائیل راه‌های ورود و خروج بسیاری از شهرک‌های فلسطینی را مسدود کرده‌اند، به نحوی که هزاران فلسطینی نمی‌توانند به سر کارهای خود بروند؛
- نخست‌وزیران فلسطین و اسرائیل ملاقات کرده‌اند، اما به توافق مشخصی دست نیافته‌اند، با این حال پذیرفته‌اند که در آینده به گفت‌وگوها ادامه بدهند.

خبر اصلی کدام است؟ طبق قاعده مرسوم، "آن که خون و خونریزی‌اش بیشتر است، مهم‌تر است." وقتی عناوین اصلی رسانه‌های رقیب همه درباره اخبار کشت و کشتارهای اخیر است، ممکن است نتوان در برابر فشار برای انعکاس این قبیل خشونت‌های هرروزه مقاومت کرد. اما زمانی که خشونت‌های هرروزه به امری عادی تبدیل شده، یک اقدام مهم در زمینه صلح مسلماً خبر مهم‌تری است. اگر این واقعیت را در نظر

بگیرید که ملاقات دو نخست‌وزیر اولین ملاقات آن‌ها طی این سال‌ها بوده است، در این صورت اهمیت این دیدار نیز روشن‌تر می‌شود.

در انتخاب‌ها و برنامه‌ریزی‌های سردبیری مسائل دیگری را هم باید در نظر داشت. پوشش سخت‌اخبار ممکن است از پوشش نرم‌اخبار راحت‌تر باشد. سخت‌اخبارها معمولاً خیلی راحت نوشته می‌شوند. به همین دلیل، بسیاری از روزنامه‌نگاران مایل‌اند توجه خود را به پوشش اخبار جنگ و درگیری و قحطی معطوف کنند، اما گاهی از پوشش نرم‌اخبارها - مثلاً موضوع بازسازی و زندگی پس از جنگ - سر باز می‌زنند. انتخاب وقتی دشوارتر می‌شود که بدانیم مطالب مربوط به بازسازی ممکن است نیازمند صرف منابع بیشتری از بودجه محدود سردبیری باشد.

در واقع، چگونگی اختصاص منابع به گزارش‌های مختلف تعیین‌کننده است. تعداد گزارشگرانی که برای پوشش یک خبر در دسترس هستند، همیشه محدود است، اما بخشی از روزنامه‌نگاری مسئولانه توجه به این موضوع است که توزیع و اختصاص بودجه به طور بالقوه یک تصمیم‌گیری به‌شدت ذهنی است. به این ترتیب، هنگامی که در مورد نحوه استفاده از منابع گزارشگری تصمیم می‌گیرید، بهتر است تلاش ویژه‌ای به خرج دهید تا زوایای خود را برای پوشش درگیری افزایش دهید و بودجه‌ای هم به گزارشگری صلح تخصیص دهید.

گزارشگری از جامعه چندپاره

جنگ نوعی جدایی و تفرقه است. میان مردم جدایی می افتد، پل‌ها تخریب و کشورها به دو یا چند پاره تقسیم می شوند.

هدف جنگ اطلاعاتی به طور مشخص نفاق افکندن بین مردمی است که سال‌ها کنار هم زندگی کرده‌اند. با از هم گسسته شدن پیوندهای ارتباطی، دیدگاه‌های طرف مقابل دیگر گزارش نمی‌شود، صداها از طرف دیگر درگیری خاموش می‌شود، و طرف مقابل یک "دیگری" مادون انسان تلقی می‌شود و احساس وحشت از او پدید می‌آید.

رویکرد جامعه چندپاره در قبال گزارش کردن درگیری‌ها به دنبال از میان برداشتن این شکاف‌ها و فاصله‌هاست. این شیوه می‌تواند شامل طرح‌های گزارشگری پیچیده باشد، و روزنامه‌نگارانی از قومیت‌ها، ملیت‌ها و گروه‌های دینی مختلف، و حتی از آن سوی جبهه‌های نبرد را دور هم جمع کند تا مسئولیت تهیه گزارش‌ها و انجام تحقیقات عمیق را با هم به عهده بگیرند. گزارش جامعی که موارد تخطی از حقوق بشر از سوی هر دو طرف درگیری در آن برجسته شده، می‌تواند برای تأیید این موضوع مورد استفاده قرار بگیرد که هر دو طرف هم عذاب می‌کشند و هم احساس شرمساری می‌کنند. اگر چنین گزارش‌هایی را روزنامه‌نگارانی از هر دو جامعه درگیر اختلاف تهیه کنند، در اعتمادسازی مؤثر خواهد بود.

طرح‌های گفت‌وگو می‌تواند افرادی از دو سوی درگیری را گرد هم بیاورد تا درباره مسائل به بحث بپردازند، از اختلافات حرف بزنند و راه‌هایی برای

هدف جنگ اطلاعاتی به
طور مشخص نفاق افکندن
بین مردمی است که سال‌ها
کنار هم زندگی کرده‌اند

حل و فصل مخاصمه بیابند. ویژه‌نامه‌ها یا فیلم‌های مستند می‌توانند دیدگاه‌های مختلف را در قالب نوعی تبادل نظر یا گفت‌وگو ترکیب کنند. رویکرد گزارشگری جامعه‌چندپاره در ساده‌ترین حالت خود می‌تواند به معنای تلاش برای تهیه گزارش از کشورها یا مناطق درگیر به طور هم‌زمان باشد تا انسداد اطلاعاتی، تحلیلی و دیدگاهی در دو سوی مرزها را برطرف کند.

هر گونه طرحی با رویکرد جامعه‌چندپاره مستلزم رسیدگی دقیق سردبیر، و غالباً روابط شخصی حساس است. از کسانی که برای مشارکت در چنین طرحی در نظر گرفته می‌شوند، درخواست می‌شود که برخورد مثبت داشته باشند. این برخورد مثبت شامل استفاده از زبان ملایم، پرهیز از احساسات گرایشی و کلیشه‌پردازی، و نشان دادن همدلی و احترام نسبت به همکاران و کل مردم در همه سوی درگیری است.

در طرح‌های جامعه‌چندپاره، در صورت امکان، از ملاقات‌های شخصی بین شرکت‌کنندگان برای اعتمادسازی، مطرح کردن مسائل و شناسایی دیدگاه‌های مشترک استفاده می‌شود. رسانه‌ها اغلب به دنبال افزایش میزان محبوبیت تولیدات خود هستند، و نشست‌های عمومی (اگر دغدغه‌های امنیتی اجازه دهد) می‌توانند سازوکار مهمی باشند که شرکت‌کنندگان و دیگر نمایندگان جامعه مدنی و حتی مقامات رسمی

جامعه‌های مختلف را پس از تولید برای بحث و نتیجه‌گیری گرد هم آورند. در این بین، رسانه‌ها خود تریبونی برای میانجیگری در جامعه مدنی محسوب می‌شوند.

خط‌مشی سردبیری مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح مبتنی بر رویکرد جامعه چندپاره است و این مؤسسه تلاش می‌کند در کوران درگیری افرادی از تمام طرف‌ها و جامعه‌ها را به خدمت بگیرد و فرصت‌هایی در اختیارشان بگذارد تا با هم در محیطی سرشار از اعتماد متقابل کار کنند، و با گسترش دادن گزارش‌های خود به اقصا نقاط منطقه درگیری به تبادل نظر بپردازند.

چنین رویکردهایی نه تنها می‌توانند اطلاعات مهمی فراهم بیاورند، بلکه می‌توانند دیدگاه‌های تازه و اغلب مثبتی ایجاد کنند. این رویکردها همچنین می‌توانند آثار نمایشی مهمی داشته باشند، و این اطمینان را ایجاد کنند که دشمنان ظاهری هنوز هم می‌توانند به صورت حرفه‌ای با هم ارتباط برقرار کنند و غالباً در مورد نکات زیادی به توافق برسند.

مطالعه موردی

چند نمونه از تجربیات اخیر مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح تصویر سودمندی از شیوه‌های گزارشگری جامعه چندپاره به دست می‌دهند.

شورش در مقدونیه. جمهوری مقدونیه، که قبلاً یکی از ایالت‌های یوگوسلاوی بود، کشوری بی‌ثبات با یک اقلیت بزرگ آلبانیایی تبار است.

این مقاله که شور و هیجان خاص درگیری را منعکس می‌کرد، بیشتر رساله بود تا گزارش و در آن هیچ منبعی از طرف مقابل وجود نداشت

در سال ۲۰۰۱، به دنبال کشته شدن سربازان مقدونیه، شورشی ناگهانی شهر بیتولا را فراگرفت. یک روزنامه‌نگار اهل مقدونیه که برای مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح مطلب می‌نوشت، و در سودای حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت مقدونیه بود، برای توجیه حملات قلمی‌اش از کلیشه‌های رایج دربارهٔ آلبانیایی‌ها استفاده می‌کرد.

نوشتهٔ او بیشتر رساله بود تا گزارش. او با هیچ‌یک از مغازه‌داران آلبانیایی تباری که فروشگاه‌هایشان تخریب شده بود، مصاحبه نکرده بود.

یک رشته تبادل نظر با یکی از سردبیران مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح به یک دوره مؤثر آموزش ضمن خدمت تبدیل شد، و این روزنامه‌نگار را برای توجه به وقایع از دیدگاهی متفاوت ترغیب کرد. از آن جا که این خبرنگار اهل مقدونیه با آلبانیایی‌ها ارتباطی نداشت، و جامعهٔ محلی با سوءظن به او می‌نگریست، دفتر مرکزی مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح کمک کرد تا درها به روی او باز شود و به منابع آلبانیایی دسترسی پیدا کند.

روزنامه‌نگار ما بر مبنای این شیوه جدید گزارشگری برگشت و گزارشی کاملاً متفاوت و بسیار حرفه‌ای تر تهیه کرد. اگر چه وقت زیادی صرف هدایت و آموزش این گزارشگر محلی شد، ولی چالش ادامه کار با او - به جای کنار گذاشتن مقاله‌اش - سرانجام نتیجه داد. مقالهٔ نهایی که کاملاً متوازن بود و لحنی ملایم داشت، به آلبانیایی ترجمه و در نشریات

آلبانیایی نیز منتشر شد، که برای یک روزنامه‌نگار اهل مقدونیه امری استثنایی به شمار می‌رفت. انتشار این مقاله موفقیت مهمی بود و به ایجاد تفاهم و اطمینان کمک کرد.

گفت‌وگو در قفقاز. آبخازی منطقه تجزیه‌شده‌ای است که به رسمیت شناخته نشده است. این منطقه تا پیش از جنگ داخلی سختی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ به وقوع پیوست، بخشی از جمهوری گرجستان بود. از آن زمان تا کنون، مرزها کاملاً بسته شده و ارتباطات رسمی و غیررسمی میان تفلیس و سوخومی، پایتخت‌های دو طرف، قطع شده است. فقدان ارتباط موجب تداوم سوء تفاهم و بی‌اعتمادی شده و مانع مهمی برای دست یافتن به توافق سیاسی در این مناقشه است.

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح با همکاری روزنامه‌نگاران محلی و گروه‌های جامعه مدنی و یک گروه بین‌المللی در زمینه حل و فصل مخاصمات (گروه منابع آشتی^۶) در بهار ۲۰۰۳ به انتشار ماهنامه جدیدی با عنوان *پانوراما* مبادرت کرد.

ماهنامه *پانوراما* که هدفش انتشار نشریه‌ای واحد به دوزبان گرجی و روسی است، نتیجه یک همکاری منحصر به فرد در دو بخش جداشده، یعنی آبخازی و گرجستان، است.

این طرح، به ویژه به دلیل ایجاد بستری که به مردم عادی امکان می داد از دیدگاه‌های طرف دیگر مخاصمه مطلع شوند، یک موفقیت بود و نشریه پانوراما، با آن که ادعای چندانی نداشت، به خصوص در آبخازی مورد استقبال قرار گرفت.

جنايات جنگی در کرواسی. در مراحل آغازین جنگ داخلی تمام‌عیاری که در یوگوسلاوی در گرفت، ووکووار، شهری در کرواسی، صحنه قساوت‌های فجیعی بود که در اثر حملات وحشیانه نیروهای شبه‌نظامی صرب و ارتش یوگوسلاوی به وقوع پیوست.

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح در دهمین سالگرد این حملات یک برنامه گزارشگری سراسری جامع ترتیب داد، و روزنامه‌نگاران صرب و کروات را برای تحقیق درباره این جنایات و آثار و پیامدهای درازمدت آن‌ها گرد هم آورد.

این طرح کار زیادی برد، و بادقت مدیریت شدت تا این گروه رابه کار مشترک توأم با حسن نیت ترغیب کند. ولی نتایج بسیار ارزشمندی داشت.

از همه مهم‌تر این که گروه روزنامه‌نگاران در صربستان توانسته بودند تعدادی از سربازان صرب را که در آن حملات شرکت کرده بودند پیدا کنند. آن‌ها با وضوح تمام درباره آن چه انجام داده بودند حرف زده و از صمیم قلب از آن وقایع اظهار ندامت کرده بودند.

رویکرد جامعه چندپاره
می تواند نوعی روزنامه نگاری
در سطح ممتاز به وجود
بیاورد و، در عین حال، به
حل و فصل منازعه کمک
کند

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح به دلیل موقعیت استثنایی اش توانست این گزارش موفق را در روزنامه های مهمی هم در صربستان و هم در کرواسی منتشر کند. به این ترتیب، خوانندگان صرب توانستند گزارش هایی درباره جنایت های حکومت خود به قلم روزنامه نگاران صرب بخوانند، و در همین حال خوانندگان کروات هم برای نخستین بار ابراز ندامت و پشیمانی سربازان عادی صرب را شنیدند.

مخاطبان در هر دو سو می دیدند که کار مشترک میان صرب ها و کروات ها، حتی در مورد موضوع های حساس، امکان پذیر است، و این امر موجب جلب اطمینان هر دو طرف شد، تا حدی که به سردبیر صرب یک نشریه که ابتدا در برابر این طرح مقاومت می کرد، به دلیل شهادتش در انتشار این تحقیق شجاعانه تبریک گفتند.

این ها تنها چند نمونه از شیوه خلاق است که رویکرد جامعه چندپاره می تواند با استفاده از آن نوعی روزنامه نگاری در سطح ممتاز به وجود بیاورد و، در عین حال، نقش مستقیمی در از میان برداشتن فاصله ها و حل و فصل منازعه داشته باشد.

جنگ عادلانه

بسیاری از جنگ‌ها بر پایه ممانعت از کشت و کشتار، جبران یک اشتباه، یا جلوگیری از پیامدهای بدتر توجیه می‌شوند. این گونه توجیهات اغلب برای مصرف عموم مردم است و دلایل مشخص تری از قبیل حفظ قدرت یا قلمرو را پنهان می‌کند.

با این همه، نظریه‌های فلسفی، مذهبی و حقوقی غرب جنگ عادلانه را، که باید واجد برخی ویژگی‌ها باشد، مجاز می‌دانند. این ویژگی‌ها از جمله عبارت‌اند از:

- **آخرین چاره:** استفاده از قوه قهریه زمانی قابل توجیه است که تمام راه‌حل‌های بدون خشونت طی شده و نتیجه‌ای به دست نیامده باشد.
- **اقتدار مشروع:** اقدامات افراد یا گروه‌هایی که اقتدار آنان در داخل و خارج جامعه مشروعیت نداشته باشد، نمی‌تواند حتی در خدمت اهداف درست باشد.
- **جبران:** جنگ تنها در صورتی عادلانه است که برای جبران لطمات وارد شده، به ویژه در مقام دفاع از خود، باشد.
- **موفقیت:** جنگ تنها در صورتی عادلانه است که احتمال معقولی برای پیروزی در آن وجود داشته باشد؛ مرگ و مجروح شدن برای هدفی که دست‌یافتنی نیست، توجیه اخلاقی ندارد.

- **استقرار صلح:** هدف غایی جنگ باید استقرار مجدد صلح باشد، و صلحی که برقرار می‌شود باید به وضعیتی که در صورت عدم وقوع جنگ حاکم می‌بود، ترجیح داشته باشد.
 - **تناسب:** خشونت‌تی که به کار گرفته می‌شود باید با لطمات وارد شده تناسب داشته باشد، و صاحبان قدرت مشروع صرفاً باید به میزانی از قوه قهریه متوسل شوند که برای دست یافتن به هدف محدود جبران لطمات وارد شده لازم باشد.
 - **تفکیک:** تسلیحات به کار گرفته شده باید بین رزمندگان و غیررزمندگان تفکیک قائل شود، غیر نظامیان هیچ‌گاه در جنگ هدف مجاز به شمار نمی‌روند، و برای اجتناب از کشتن غیر نظامیان باید نهایت تلاش را به خرج داد. مرگ غیر نظامیان تنها در صورتی موجه خواهد بود که نتیجه اجتناب‌ناپذیر تهاجم عمدی آنان به اهداف نظامی باشد.
- پیداست که این اصول معیارهای سخت‌گیرانه‌ای برای توجیه کاربرد خشونت ایجاد می‌کنند، و مرور این نظریه راهنمای مفیدی برای داوری درباره مدعیات حکومت‌هایی است که کشورشان را به سوی جنگ سوق می‌دهند. این اصول به تنهایی مبنایی محکم برای رویکرد تنظیم دستور کار در ارتباط با علل و پیامدهای درگیری فراهم می‌کنند.

شش وظیفه اصلی

شش وظیفه اصلی در زمینه گزارشگری مسئولانه صلح عبارت‌اند از:

۱. وظیفه درک درگیری:

- ما وظیفه داریم که درگیری و راه حل آن را پیش از گزارش کردن به طور کلی بررسی و درک کنیم.
- باید بدانیم درگیری‌ها چگونه به وجود می‌آیند و راه حل‌ها چگونه پیدا می‌شوند؛ باید با قواعد جنگ آشنا باشیم و در زمینه مطالعات صلح و تکوین راه حل‌ها نیز اطلاعاتی داشته باشیم.
- این موارد درباره همه انواع گزارشگری تخصصی و گزارش‌های خبری دست‌اول^۷ هم صادق است.

۲. وظیفه گزارشگری منصفانه:

- ما وظیفه داریم درگیری‌ها را به شیوه‌ای منصفانه و متوازن گزارش کنیم.
- باید نهایت تلاش مان را به کار بگیریم تا پیچیدگی‌ها و آراء و عقاید تمام جناح‌های اصلی و فرعی درگیری را گزارش کنیم.
- همواره باید سرسپردگی‌ها و وفاداری‌های خود را روشن کنیم. اگر به هر یک از طرف‌های درگیری تمایل داریم، باید به عنوان روزنامه‌نگار به خواننده اجازه دهیم که از موضع ما آگاه شود.

این موارد نیز درباره تمام انواع کار گزارشگری که روزنامه‌نگاران انجام می‌دهند صادق است.

۳. وظیفه گزارش کردن پیشینه و علل درگیری:

ما باید شکایت‌های مشروع و متصور تمام طرف‌های درگیری را به درستی منعکس کنیم.

باید به یاد داشته باشیم و به خوانندگان خود هم یادآوری کنیم که حتی شکایت‌های متصور نیز از لحاظ تداوم درگیری‌ها یا حل و فصل آن‌ها اهمیت دارند.

۴. وظیفه بازنمایی جنبه‌های انسانی:

ما وظیفه داریم آسیب‌ها و ماجراهای انسانی قربانیان را به شکلی متوازن، حرفه‌ای و به دور از سودجویی نشان دهیم.

این وظیفه‌ای است که نه فقط در قبال افرادی که درباره آن‌ها گزارش تهیه می‌کنیم، بلکه در قبال خوانندگان خود داریم.

۵. وظیفه گزارش کردن تلاش‌های صلح‌جویانه:

به همان اندازه که اقدامات کسانی را که به وخیم‌تر شدن درگیری‌ها کمک می‌کنند گزارش می‌کنیم، باید به اقدامات کسانی بپردازیم که برای استقرار صلح و آشتی در تلاش هستند.

باید با جدیت به دنبال منابعی غیر از منابع طرف‌های متخاصم

باشیم، به ویژه منابعی که از تفسیرهای ساده‌انگارانه و دوقطبی رویدادها ابا دارند. این کار درک ما و خوانندگان مان را از درگیری وسعت می‌بخشد.

این کار به معنی جانبداری یا "تبلیغ" برای صلح نیست؛ بلکه صرفاً به معنی گزارش کردن اقدامات صلح‌آمیز به موازات فعالیت‌های جنگی است.

۶. وظیفهٔ وقوف بر تأثیری که بر جامی گذاریم:

ما باید همیشه آگاه باشیم که گزارش‌های ما بر جنگ و بر زندگی مردمی که در حال جنگ هستند اثر می‌گذارد.

همواره باید هشیار باشیم که این یا آن طرف درگیری در اقدامات خود از ما بهره‌برداری نکند و هر گونه اقدام برای سوءاستفاده از رسانه‌ها را آشکار کنیم.

تمرین

تمرین زیر به یک کشور تخیلی مربوط می‌شود. پیشینه و رویدادهای خاص را در هر یک از سناریوها مرور کنید. سپس درباره نظرات خود به تبادل نظر بپردازید و ببینید با ماجراهای مورد بحث چگونه برخورد خواهید کرد.

پیشینه: "آبداریان" ها و "سدارون" ها در کشور کوهستانی کوچکی در کنار هم زندگی می‌کنند. این اواخر، تنش بین این دو جامعه، عمدتاً به دلیل محدودیت روزافزون منابعی چون زمین‌های حاصلخیز و آب سالم، افزایش یافته است. بیکاری در میان مردان جوان هر دو جامعه بسیار زیاد است، و بر خوردهای خشونت‌آمیزی بین افراد این دو جامعه در خیابان‌های پایتخت به وقوع پیوسته است.

سناریوی یک: یکی از رهبران سدارون در گردهمایی عمومی بزرگی در پایتخت می‌گوید که آبداریان ها همگی "اراذل و اوباش" هستند.

■ شماروزنامه‌نگاری هستید که برای یک ایستگاه رادیویی سراسری کار می‌کند. آیا این سخنرانی را گزارش می‌کنید؟ اگر گزارش می‌کنید، چگونه؟ آیا بین زبان خصومت‌آمیز و زبان تحریک‌آمیز تفاوتی وجود دارد؟

سناریوی دو: در جلسه کابینه، یک وزیر آبداریانی ملکه سدار، یعنی حاکم قرن ۱۴ این جامعه را که سدارون‌ها او را "مادر همه سدارون‌ها" می‌دانند، "فاحشه" می‌خواند.

■ آیا این تعبیر بخصوص را گزارش می‌کنید؟ آیا گزارش کردن یا نکردن این تعبیر به این بستگی دارد که عامدانه (به قصد اهانت، دست انداختن یا مانند آن) ادا شده باشد؟ این موضوع چقدر با بقیه گزارش شما از جلسه کابینه هم‌خوانی دارد و آیا لیدر مطلب شما را تشکیل می‌دهد؟

سناریوی سه: یکی از رهبران آبدارین در یک سخنرانی برای جمع زیادی از مردم از آن‌ها می‌خواهد "یک بار و برای همیشه معضل سداورن‌ها را از میان بردارند".

■ ایستگاه رادیویی شما با این سخنرانی چگونه برخورد خواهد کرد؟

سناریوی چهار: یکی از رهبران سداورن در مصاحبه‌ای خصوصی فهرستی از ده روستای آبدارین نشین را به شما ارائه می‌کند که به گفته او "باید هرچه زودتر در اختیار سداورن‌ها قرار گیرد." او می‌گوید این اقدام در واقع "صرفاً بازپس‌گیری" است، زیرا سکنه این روستاها سنتاً همواره سداورن بوده‌اند.

■ شما به عنوان روزنامه‌نگار چه رویکردی نسبت به این مصاحبه خواهید داشت؟ آیا در گزارش خود به این فهرست و نام این روستاها اشاره خواهید کرد؟

منابعی برای مطالعه

وبسایت مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح حاوی لینک‌های متعددی به مباحث مرتبط با گزارشگری صلح است. به نشانی www.iwpr.net بروید و به صفحه‌های آموزشی مراجعه کنید.

"مؤسسه رسانه، سیاست‌گذاری و جامعه مدنی" (IMPACS) یک گروه کانادایی است که مطالب باارزشی در زمینه رابطه بین جنگ و رسانه‌ها فراهم می‌آورد که بخشی از آن‌ها در این فصل مورد استفاده قرار گرفته است. این‌جا را ببینید: www.impacs.org

"مؤسسه بین‌المللی پشتیبانی رسانه‌ای" (International Media Support) که ارزیابی نیازهای رسانه‌ای را در مناطق درگیر بحران و دستخوش انتقال بر عهده دارد، اخیراً گزارشی درباره گزارشگری جنگ منتشر کرده است. نگاه کنید به: www.i-m-s.dk

"مؤسسه صلح ایالات متحده" (The United States Institute for Peace) به طور مرتب گزارش‌هایی درباره مباحث مرتبط با جنگ و درگیری، از جمله نقش رسانه‌ها، منتشر می‌کند. نگاه کنید به: www.usip.org. یکی از گزارش‌های جدید این مؤسسه، که با همکاری گروه تحولات رسانه‌ای "اینترنیوز" (www.internews.org) تهیه شده، مروری بر مداخلات رسانه‌ای است (عبارت "vulnerable societies" [جوامع آسیب‌پذیر] را جست‌وجو کنید).

"ماده ۱۹" (Article 19) یک گروه متخصص مستقر در لندن در زمینه چهارچوب‌های حقوقی رسانه‌های آزاد است. www.article19.org به ویژه نگاه کنید به کتاب‌های مهم‌شان درباره رسانه‌ها و جنگ در رواندا و شبه جزیره بالکان.

"کمیته حمایت از روزنامه نگاران" (The Committee to Protect Journalists) یک گروه مهم در زمینه آزادی مطبوعات است.

www.cpj.org

همچنین نگاه کنید به سایت "مؤسسه بین المللی آزادی بیان" (International Freedom of Expression Exchange) که دارای گروه‌های عضو در سراسر جهان است.

www.ifex.org

"فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران" (International Federation of Journalists) پشتیبانی است برای اتحادیه‌های روزنامه نگاری سراسر جهان که به تأسیس انجمن‌های مطبوعاتی کمک می‌کند:

www.ifj.org

"نمایه سانسور" (Index on Censorship) نشریه‌ای معتبر و نیز وبسایتی فعال است که مباحث مرتبط با سانسور و آزادی بیان را بررسی می‌کند.

www.indexonline.org

"مرکز بین المللی روزنامه نگاران" (The International Center for Journalists) سازمانی مستقر در ایالات متحده است که برنامه‌های آموزشی و دیگر برنامه‌های توسعه رسانه‌ای در سطح بین المللی ارائه می‌کند.

www.icfj.org

"شورای بین المللی پژوهش‌ها و مبادلات رسانه‌ای" (IREX: The International Research and Exchanges Board) مجری برنامه‌های ایالات متحده در زمینه توسعه است که دستی هم در فعالیت‌های رسانه‌ای دارد.

www.irex.org

انجمن "جست‌وجوی زمینه‌های مشترک" (Search for Common Ground) یک گروه حل و فصل درگیری‌هاست که در بسیاری از طرح‌های رسانه‌ای و استقرار صلح در سراسر جهان نقش داشته است.

www.sfcg.org

"بنیاد هیروندل" (Foundation Hironnelle) مجری طرح‌های رسانه‌ای و استقرار صلح است. www.hironnelle.org

"مؤسسه پانوس" (The Panos Institute) طیف وسیعی از پژوهش‌ها و آموزش‌های روزنامه‌نگاری را در کنار سایر برنامه‌های حمایت از روزنامه‌نگاری انجام می‌دهد. www.panos.org.uk

"گروه بین‌المللی بحران" (International Crisis Group) به طور مرتب گزارش‌های تحلیلی ممتاز و توصیه‌هایی درباره مسائل بحران در سراسر جهان ارائه می‌دهد. www.icg.org "مؤسسه جامعه باز" (The Open Society Institute) که بنیاد بشردوستانه جورج سوروس است، اطلاعات ارزشمندی درباره جامعه‌های در حال گذار ارائه می‌دهد که بیشتر آن‌ها از برنامه‌های بین‌المللی گسترده این مؤسسه استنتاج شده است. www.soros.org

سازمان "دیده بان حقوق بشر" (Human Rights Watch: www.hrw.org) و سازمان "عفو بین‌الملل" (Amnesty International: www.amnesty.org) گروه‌های حقوق بشری بین‌المللی مهمی هستند که به طور مرتب گزارش‌هایی درباره تخطی از حقوق بشر در مناطق درگیر بحران در جهان ارائه می‌دهند.

سازمان‌های متعددی به دنبال تقویت استقرار صلح در مناطق جنگی در سراسر جهان هستند، و درباره فرآیندهای صلح و نیز حل و فصل مخاصمات به طور کلی اطلاعات و تحلیل‌هایی ارائه می‌کنند. برخی از این سازمان‌ها عبارت‌اند از:

سازمان "هشدار بین‌المللی" (International Alert: www.international-alert.org)، سازمان "منابع آشتی" (Conciliation Resources)

(International Alert: www.international-alert.org)

«مرکز اروپایی تحول و پیشگیری از مخاصمات»
(European Center for Conflict Prevention and Transformation: www.conflict-prevention.net)
مؤسسه بین‌المللی پژوهش‌های صلح "دراسلو" (International Peace Research Institute: www.prio.no)
و "گروه مطالعات" (Oxford Research Group: www.oxfordresearchgroup.org.uk).

سازمان "گزارشگری از جهان" (**Reporting the World**) مباحث مرتبط با پوشش رسانه‌ای و جنگ را، عمدتاً با تمرکز بر مسئولیت رسانه‌های بین‌المللی، ترویج می‌کند. www.reportingtheworld.org

برای دیدن نمونه‌ای حاد از سوءاستفاده از رسانه‌ها به کتاب زیر مراجعه کنید:

We Wish to Inform You That Tomorrow We Will be Killed With Our Families: Stories from Rwanda, by Philip Gourevitch (Picador)
در کتاب‌های زیر هم پژوهش‌های ژرف و مهمی ارائه می‌شود:

Forging War: The Media in Serbia, Croatia and Bosnia-Herzegovina, by Mark Thompson (Article 19). *Forging Peace: Intervention, Human Rights, and the Management of Media Space*, Mark Thompson and Monroe Price (Indiana University Press)

لطفاً توجه داشته باشید که گروه‌های بی‌نظیر بی‌شماری به کار تولید رسانه‌ای، ایجاد رسانه‌ها، و گزارشگری در ارتباط با بحران و حقوق بشر مشغول‌اند، و این فقط فهرستی بسیار گزیده است که صرفاً برای آشنایی شما با موضوع ارائه شده است. این فهرست، به‌ویژه، شامل صدها گروه شجاع حقوق بشری داخلی، یا مؤسسات رسانه‌ای سختکوش محلی در خطوط مقدم نبرد نمی‌شود. بهترین منبع در این زمینه که هم‌تا ندارد ابتکار عمل خود شماست، به اضافه گوگل: www.google.com

1. United States Institute for Peace
2. Institute for Media Policy and Civil Society (IMPACS)
3. Chris Hedges
4. War Is a Force That Gives Us Meaning
5. Roy Guttman
6. Conciliation Resources
7. beat

حقوق بشر و روزنامه‌نگاری



*انعکاس مسائل در رسانه‌ها
سازوکاری مقدماتی برای
واداشتن اراده سیاسی به
جبران آسیب‌هاست*

رسانه‌ها از اجزای مهم کنترل قدرت و نیز رکنی اساسی در حمایت از حقوق بشرند، و، البته، عملکرد مؤثر رسانه‌ها نیز منوط به حقوق بشر است.

روزنامه‌نگاران به اقتضای شغل‌شان اغلب شاهد نقض حقوق بشرند. وظیفه اخلاقی آن‌هاست که چنین مواردی را - خواه دستگیری غیرقانونی باشد یا بدرفتاری با زندانیان، تبعید، اعدام غیرقانونی یا قتل عام - گزارش کنند. انعکاس مسائل در رسانه‌ها سازوکاری مقدماتی برای واداشتن اراده سیاسی به جبران آسیب‌هاست.

از آن‌جا که روزنامه‌نگاران معمولاً اولین شاهدان و گزارشگران نقض جدی حقوق بشر هستند، کارشان اغلب انگیزه انجام تحقیق توسط مقامات رسمی می‌شود. در سال‌های اخیر، دادگاه‌ها در جریان محاکمه مظنونان به جنایات جنگی در رواندا و یوگوسلاوی سابق به گزارش‌های مطبوعات به عنوان شاهد و قرینه این جنایات استناد کرده‌اند. با تشکیل دادگاه بین‌المللی جرایم کیفری در لاهه اهمیت گزارشگری حقوق بشر باز هم بیشتر خواهد شد.

در این بین، روزنامه‌نگاران، به ویژه آن‌ها که در مناطق درگیر بحران گزارش تهیه می‌کنند، خود را متعهد به حمایت از حقوق بشر می‌دانند. روزنامه‌نگاران از نظر حقوق بشر دوستانه از مزیت خاصی برخوردار

روزنامه‌نگاران بسیاری اوقات به زندان می‌افتند یا مورد آزار طرف‌های درگیر قرار می‌گیرند

نیستند، اما میثاق‌های حقوق بشر برای همه غیر نظامیان حمایت‌های معینی را لحاظ می‌کند. طرف‌های درگیری، از لحاظ نظری، باید به روزنامه‌نگاران اجازه فعالیت آزادانه در مناطق درگیری را بدهند و از آزار و دستگیری آن‌ها اجتناب کنند.

اما در واقعیت معمولاً چنین نیست. روزنامه‌نگاران بسیاری اوقات به زندان می‌افتند یا مورد آزار طرف‌های درگیر قرار می‌گیرند. اما در صورتی که چنین اتفاقی رخ دهد، سازمان‌های خبری، حکومت‌ها و سازمان‌های حقوق بشری می‌توانند با استناد به این حقوق برای حمایت از آنان یا آزادی‌شان تلاش کنند.

میثاق‌های حقوق بشر

مفهوم حقوق بشر در طول سالیان مدید و در فرهنگ‌های متعدد شکل گرفته است. شش قرن پیش از میلاد مسیح، سان تزو^۱، جنگاور چینی، اعمال محدودیت‌هایی را در مورد اقدامات جنگی پیشنهاد کرد. در سال ۱۲۱۵ میلادی، شاه‌جان، پادشاه انگلیس، ناچار شد منشور کبیر^۲ را امضا کند؛ بر اساس این منشور، او حق رعایای خویش را نسبت به جان و مال‌شان پذیرفت و قواعدی برای دادرسی عادلانه و برابری در برابر قانون وضع کرد.

در قرن‌های هجدهم و نوزدهم، بسیاری از فیلسوفان اروپایی از مفهوم «حقوق طبیعی» سخن به میان آوردند، حقی که هر کس ذاتاً و بنا به

انسان بودنش، و نه به سبب تابعیت یک کشور معین یا عضویت در یک گروه دینی یا قومی خاص، از آن برخوردار است.

در همین حال، هانری دونان، بنیانگذار صلیب سرخ، به ابراز نگرانی در مورد مصائب بیماران و مجروحان جنگی پرداخت و تلاش برای به تصویب رساندن نخستین کنوانسیون ژنوا را آغاز کرد که در ۱۸۶۴ امضا شد. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که گروه‌های سیاسی و مذهبی برای لغو برده‌داری، نظام ارباب و رعیتی و استثمار کارگران مبارزه می‌کردند، این حقوق باز هم ارتقا یافت.

درست پس از پایان جنگ جهانی دوم، این ارزش‌ها - که اکنون آن‌ها را حقوق بشر می‌نامیم - در منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد لحاظ شد. در دیباچه این منشور آمده است که سازمان ملل متحد خواستار "تأکید مجدد بر حقوق بنیادین بشر است، بر شأن و منزلت انسان، بر حقوق برابر مردان و زنان و ملت‌های بزرگ و کوچک." این منشور از اکتبر ۱۹۴۵ به مورد اجرا گذاشته شد.

جنبش بین‌المللی حقوق بشر در نیمه دوم قرن بیستم به سرعت رشد کرد. در ۱۹۴۶، رهبران نظامی و سیاسی آلمان نازی به دلیل جنایاتی که علیه غیرنظامیان مرتکب شده بودند در نورمبرگ محاکمه شدند و

مفهوم حقوقی تازه‌ای به وجود آمد: جنایت علیه بشریت. این محاکمه‌ها منجر به گسترش کنوانسیون ژنودر ۱۹۴۹ شد و این کنوانسیون حمایت از غیرنظامیان در دوران جنگ را نیز در بر گرفت، و به ویژه حمله به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی را ممنوع کرد.

سازمان ملل متحد در ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرد که احترام به حقوق اساسی بشر را شرط لازم برای همه کشورهای می‌دانست که می‌خواستند بخشی از جامعه جهانی جدید باشند. ماده ۱۹ این اعلامیه با تضمین آزادی عقیده و بیان، از جمله حق "جست‌وجو، دریافت و انتقال اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه و بدون توجه به مرزهای جغرافیایی"، به ویژه بر آزادی مطبوعات تأکید می‌کند.

جنگ سرد موجب کندی توسعه نهادهای بین‌المللی حقوق بشر شد، هر چند کنوانسیون‌های حقوق بشر به باز شدن اتحاد شوروی کمک کردند. در نتیجه این تلاش‌ها، سازمان‌های بین‌المللی مستقل و مهم حقوق بشری تأسیس شدند.

سازمان‌های دیگر پیمان‌های حقوق بشری خود را به تبعیت از سازمان ملل متحد تدوین کردند. مثلاً در دهه ۱۹۹۰ سازمان کنفرانس اسلامی

اعلام کرد که "انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و هیچ کس حق ندارد انسانی را به بردگی بگیرد، تحقیر کند، سرکوب یا استثمار کند، و انسان‌ها نمی‌توانند جز از خدای قادر متعال اطاعت کنند."

سازمان ملل متحد در ۱۹۹۳ دفتر کمیسیونر عالی حقوق بشر را برای نظارت و اعمال حقوق بشر در سراسر جهان تأسیس کرد. این سازمان همچنین اقدام به تشکیل دادگاه‌های جرایم جنگی کرد تا جنایت علیه بشریت، جرایم جنگی و قوم‌کشی در یوگوسلاوی سابق و رواندارا تحت پیگرد قرار دهد. سازمان ملل متحد پس از آن به کامبوج، تیمور شرقی و سیرالئون برای تشکیل دادگاه‌هایی به منظور محاکمه‌ی مظنونان به جرایم جنگی کمک کرده است.

در ژوئیه ۲۰۰۲، مصوبه دادگاه کیفری بین‌المللی رم به مورد اجرا گذاشته شد که به موجب آن دادگاهی دائمی برای محاکمه متهمان به جرایم سنگین از قبیل جنایت علیه بشریت و قوم‌کشی، تشکیل شد.

گزارشگری در زمینه حقوق بشر

گزارشگری درباره حقوق بشر مستلزم همان میزان پایبندی به معیارهای سختگیرانه است که گزارشگری درباره هر موضوع دیگر. اما به سبب حساسیت زیاد این موضوع، روزنامه‌نگاران باید به ویژه در مورد مخاطرات و دام‌های احتمالی در این حوزه حساس باشند و دقت کنند.

روزنامه‌نگاران باید آماده
باشند که هر نوع تخطی از
حقوق بشر را، از جانب هر
گروهی، گزارش کنند

در بیشتر جنگ‌ها و درگیری‌ها، ممکن است هر یک از طرف‌ها مرتکب خشونت شوند و شاید روزنامه‌نگاران صرفاً از خشونت علیه یکی از گروه‌ها مطلع شوند. روزنامه‌نگاران باید مراقب باشند که میان یک اقدام منفرد و یک رویه مستمر نقض حقوق بشر تمایز قائل شوند، اما، در عین حال، باید آماده باشند که هر نوع تخطی از حقوق بشر را، از جانب هر گروهی، گزارش کنند.

اصل اساسی حقوق بشر فراگیر بودن آن است: همه افراد، صرف نظر از خاستگاه قومی، دین یا جنسیت‌شان، از حق زندگی عاری از بدرفتاری برخوردارند.

کسانی که سعی کرده‌اند در صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی، از قبیل دادگاه سازمان ملل متحد برای یوگوسلاوی سابق، تردید ایجاد کنند، "تعادل" آن را مورد پرسش قرار داده‌اند، گرچه این دادگاه افرادی از همه طرف‌های درگیر را تحت پیگرد قرار داده است.

گزارشگری در زمینه نقض حقوق بشر به معنای جمع‌آوری حداکثر شواهد ممکن بدون دخل و تصرف در هیچ‌یک از شواهد در صحنه وقوع جرم است. درباره هر موضوعی بارها سؤال کنید و تمام پاسخ‌ها را بررسی کنید. در صورت امکان، از ضبط صوت یا دوربین ویدئو استفاده کنید، اما هیچ چیز از جمله اوراق هویت، عکس‌ها یا دیگر شواهد حادثه را بر ندارد. تا جایی که امکان دارد از طریق منابع متعدد از واقعیت جرایم مطمئن شوید - گروه‌های حقوق بشری پیش از انتشار گزارش‌های تفصیلی و

ادعاهای نقض حقوق بشر
اغلب بخشی از جنگ
تبلیغاتی هستند

عمیق خود معمولاً با ده‌ها نفر مصاحبه می‌کنند.

نقض حقوق بشر غالباً تبدیل به حربه‌ای در دست یک طرف علیه طرف مقابل می‌شود، خواه این طرف مقابل مخالفان باشند یا حکومت‌ها یا هر گروه صاحب قدرت دیگری در منطقه. از این رو، روزنامه‌نگاران باید از ابراز همدردی با هر یک از گروه‌های درگیر بپرهیزند. حواس‌تان باشد که این یا آن طرف از شما سوءاستفاده نکند و مطمئن شوید که گزارش شما مبتنی بر شواهد و مدارک متقن است.

روزنامه‌نگاران باید احتیاط کنند و از پذیرش کورکورانه ادعاهای نقض حقوق بشر بپرهیزند، زیرا این ادعاها اغلب بخشی از جنگ تبلیغاتی هستند. در جریان جنگ کوزوو، چندین روزنامه‌نگار زبده از مؤسسات خبری مهم به اشتباه کشتارهای جمعی‌ای را گزارش کردند که اتفاق نیفتاده بودند، زیرا منابع‌شان آن‌ها را همراه کرده بودند. زمانی که جنگ پایان گرفت، آن‌ها متوجه شدند که بسیاری از افرادی که خبر کشته شدن‌شان را گزارش کرده بودند، زنده‌اند.

از سوی دیگر، روزنامه‌نگاران نباید در رد ادعاهای وقوع کشت و کشتار هم عجله نشان دهند. در دهه ۱۹۷۰، کامبوجی‌هایی که از مرزهای این کشور به تایلند می‌گریختند، از قساوت‌های خمرهای سرخ داستان‌ها نقل می‌کردند، اما از آن‌جا که این داستان‌ها بسیار هولناک بودند، روزنامه‌نگاران گزارش‌های آن‌ها را جدی نمی‌گرفتند. سال‌ها طول

کشید تا صحت این گزارش‌ها تأیید شد.

روزنامه‌نگاران باید از حساسیت‌های جست‌وجوی اطلاعات در چنین فضاهاى سنگینی آگاه باشند. هم ناظران بیرونی، که با تاریخچه و سیاست‌های گروه‌های قومی و ملی مختلف ناآشنا هستند، هم گزارشگرانی که اعضای یکی از این گروه‌ها هستند، ممکن است عمداً اطلاعات نادرست پخش کنند.

به علاوه، همیشه به یاد داشته باشید که گزارشگر شاید قادر به ترک منطقه (ورفتن به جایی در کشوری دیگر) باشد، اما برای بسیاری از کسانی که با آنان مصاحبه شده چنین کاری ممکن نیست و این موضوع می‌تواند بر تمایل آنان برای حرف زدن یا قرار گرفتن در معرض سایر مخاطرات احتمالی اثر بگذارد. روزنامه‌نگاران باید تمام احتیاط‌های لازم را به خرج دهند تا امنیت منابع، مترجمان، رانندگان و کارچاق‌کن‌های خود را به خطر نیندازند.

مصاحبه با قربانیان و شاهدان

سعی کنید با افراد جداگانه مصاحبه کنید. فشار گروهی به راحتی می تواند بر گزارش اثر بگذارد و منجر به مبالغه شود.

این موضوع را کاملاً روشن کنید که روزنامه نگار هستید. به طور دقیق بگویید برای چه کسی و به چه منظور کار می کنید. در ذهن مصاحبه شونده انتظارات غیر واقع بینانه ایجاد نکنید. آیا این فرد تصور می کند که شما می توانید در عمل به او کمک کنید؟ مطمئن شوید که مصاحبه شونده می داند که شما از اعضای یک سازمان حقوق بشری نیستید.

توضیح بدهید که گزارش کردن رویدادها چرا مهم است. هدف از این کار بر ملا کردن موارد نقض حقوق بشر برای جهانیان است، اما قربانیان ممکن است از این موضوع وحشت داشته باشند. باید به خواسته های آنان احترام بگذارید و به دنبال راه های دیگری باشید. با هر کسی که مصاحبه می کنید، ابتدا با او به توافق برسید که آیا می توانید از اسم خودش استفاده کنید، یا برای امنیت خودش لازم است که ناشناس باشد.

جزئیات اساسی را تأیید کنید. نام کامل، شغل و سن اشخاصی را که با آن ها مصاحبه می کنید، بگیرید، حتی اگر قرار نیست برای ایجاد اطمینان و اعتبار از آن ها در گزارش تان استفاده کنید. در صورت لزوم، بعداً کجای می توانید با آن ها تماس بگیرید؟ فرض را بر این بگذارید که این تنها فرصت شما برای ملاقات با این فرد و تنها موقعیتی است که برای گرفتن جزئیات شخصی او در اختیار دارید.

جزئیات فرعی را تأیید کنید. توصیف‌های کاملی از مکان‌ها، اسامی افراد حاضر، سمت‌شان، در صورت لزوم در جه‌شان، و نیز هر نوع اونیفورم مشخص یا علائم و نشان‌های مجرمان مورد اتهام به دست بیاورید. چه اسلحه‌هایی مشاهده شده یا مورد استفاده قرار گرفته است؟

در باره زمان و ترتیب وقایع مکرراً سؤال کنید. بیشتر موارد نقض حقوق بشر در موقعیت‌های آشفته و به هم ریخته اتفاق می‌افتد. به یاد داشته باشید که قربانیان و بسیاری از افراد دیگری که در ماجرا دخیل بوده‌اند، ممکن است درباره ترتیب حوادث دچار سردرگمی شوند. باید با دقت و حساسیت از مصاحبه‌شوندگان خواست که داستان خود را چند بار تکرار کنند تا تناقضات مشخص شود. از گفتن این جمله وحشت نداشته باشید: "می‌دانم برایتان سخت است، ولی ممکن است کل ماجرا را یک بار دیگر شرح بدهید؟"

داستان‌های شاهدان مختلف را مقایسه کنید. در همان حال که به دنبال پیدا کردن تناقض‌ها هستید، آگاه باشید که اگر همه دقیقاً داستان یکسانی را تعریف می‌کنند، ممکن است به این معنی باشد که این داستان برای رسانه‌ها سرهم شده است. شما می‌توانید با گرد آوردن هر مقدار جزئیاتی که امکان‌ش هست، و یافتن اشکالات داستان‌های شهود، از افتادن در این دام اجتناب کنید.

فشاری را که قربانیان تحمل می‌کنند درک کنید. در صورت امکان، مصاحبه را متوقف کنید، و از انسانیت‌شان دادن و اهمه نداشته نباشید. به مصاحبه‌شونده دستمال کاغذی یا نوشیدنی (یا سیگار) تعارف کنید. توجه داشته باشید که این‌گونه مصاحبه‌ها می‌توانند به شدت آسیب‌زا باشند.

مصاحبه با متهم

هر جا ممکن است، به دنبال مصاحبه با کسانی باشید که به نقض حقوق بشر متهم شده‌اند. این کار به مخاطراتش بستگی دارد. اما گزارش شما با اظهارت همه طرف‌های درگیر قوی‌تر خواهد بود.

با متهم‌ها برخورد صریح و صادقانه داشته باشید. هرگز وانمود نکنید که به دنبال چیز دیگری هستید- این کار هم غیر اخلاقی است هم اگر فاش شود، خطرناک خواهد بود. توضیح بدهید که به دنبال اثبات حقیقت هستید.

مطمئن شوید که درباره جزئیات ماجرا به خوبی تحقیق کرده‌اید و سؤالات خود را با دقت طرح کرده‌اید. ایراد اتهامات بی‌پروا یا بی‌اساس موجب بگومگو و داد و فریاد می‌شود (یا شمارا دچار درس‌های جدی می‌کند)، اما در جست‌وجوی شما برای یافتن اطلاعات تأثیر مثبتی ندارد.

مبنای نظام عدالت کیفری اصل برائت است، یعنی بی‌گناهی اشخاص تا زمانی که گناهکار بودن آنان ثابت نشده است. به یاد داشته باشید که کار روزنامه‌نگاری خود را با احتیاط و دقت انجام دهید و با توجیحات متهمان و ادعاهای اتهام‌زندگان باشک و تردید مواجه شوید.

مبنای نظام عدالت کیفری را
به یاد داشته باشید: بی‌گناهی
اشخاص تا زمانی که
گناهکار بودنشان ثابت نشده
است

تمرین

روزنامه‌نگار خوب بودن به این معناست که از آن چه در کشورتان و در جهان می‌گذرد با خبر باشید.

دو پرسش زیر را با همکاران خود به بحث بگذارید:

۱- در حال حاضر کدام محاکمه‌های حقوق بشری در سطح بین‌المللی در جریان است؟

۲- آیا در جامعه شما مسائلی در زمینه حقوق بشر وجود دارد که باید گزارش شود؟

سعی کنید، با توجه به دیدگاه‌های مختلف، طرح کلی یک مقاله را درباره هر یک از این سؤال‌ها تهیه کنید. در مورد پرسش دوم، مایلید با چه کسانی مصاحبه کنید و چگونه برای این مصاحبه‌ها آماده می‌شوید؟

منابعی برای مطالعه

این فصل شرح مختصری است درباره موضوعی بسیار با اهمیت، و مطالعه بیشتر در این زمینه بسیار توصیه می‌شود.

A Problem from Hell: America and the Age of Genocide,
Samantha Power (HarperCollins).

Crimes of War - What the Public Should Know, by Roy

Gutman and David Rieff (W.W.Norton).

این کتاب موجبات تأسیس سازمانی با منابع بیشتر را فراهم آورد:
www.crimesofwar.org

درب سایت کمیته بین المللی صلیب سرخ می توانید به متن پیمان های
مهم دسترسی پیدا کنید: www.icrc.org

درب سایت سازمان ملل متحد نیز مشروح پیمان ها و جزئیات دادگاه ها
و هیئت های داوری آمده است: www.un.org/law
همچنین نگاه کنید به سایت کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل
متحد: www.ohchr.org/english

سازمان های دیده بان حقوق بشر (www.hrw.org) و عفو بین الملل
(www.amnesty.org) نیز گروه های حقوق بشری بین المللی مهمی
هستند و گزارش ها و هشدارهای بارز شی ارائه می دهند.

دادگاه کیفری بین المللی نهاد چندجانبه جدیدی است که برای پیگرد
قضایی جنایات جنگی در سطح بین المللی تشکیل شده است:
www.icc-cpi.int

دانشکده روزنامه نگاری دانشگاه کلمبیا یک دوره گزارشگری حقوق
بشر دارد که برنامه آموزشی و کتاب شناسی مفید آن به صورت آنلاین
در دسترس است: www.humanrightsreporting.com

مرکز دارت برای روزنامه نگاری و آسیب های ناشی از حوادث (Dart
center for Journalism and Trauma) ایده ها و منابعی برای
گزارشگری توأم با حساسیت در مورد قربانیان حوادث و جنایات ارائه
می کند. نگاه کنید به www.dartcenter.org

1. Sun Tzu
2. Magna Carta

روزنامه‌نگاری اقتصادی

علم اقتصاد به ساده‌ترین زبان عبارت است از دانشی که با معیشت مردم سر و کار دارد.

بازنده و پیروز انتخابات از دل وضعیت اقتصادی بیرون می‌آیند. به یاد بیاورید این جمله مشهور بیل کلینتون را در جریان مبارزات انتخاباتی سال ۱۹۹۲: "احمق جان، اصل قضیه اقتصاد است". وضعیت یک کشور، و رفاه و ثبات آن در سطح ملی و بین‌المللی غالباً به جایگاه آن کشور در بازار جهانی بستگی دارد.

کشورهای در حال توسعه، کشورهای گرفتار آشوب، مصیبت یا جنگ، نیازمند گزارش‌های خوب و روشن درباره مسائل اقتصادی هستند، زیرا آگاهی عمومی و بحث و گفت‌وگو کمک می‌کند که توجه به مشکلات واقعی و راه‌حل‌های احتمالی معطوف شود. در زمانی که احتمال دارد چهار چوب‌های قانونی و نظارتی ضعیف باشند، روشن‌گری رسانه‌ها می‌تواند در مبارزه با فساد بسیار مهم باشد.

این امر مستلزم آن است که روزنامه‌نگاران تلاش ویژه‌ای به خرج دهند تا سیاست‌ها و عملکردهای اقتصادی را بشناسند و بتوانند آن‌ها را به روشنی برای دیگران تشریح کنند. درست همان‌طور که پوشش خبری جنگ نیازمند دانش و آگاهی درباره جنگ و درگیری است، بدون داشتن زمینه لازم درباره اقتصاد هم نمی‌توانید گزارش خوبی در این حوزه بنویسید.



آگاهی عمومی و بحث و گفت‌وگو کمک می‌کند که توجه به مشکلات واقعی و راه‌حل‌های احتمالی معطوف شود

آنچه لازم است

روزنامه‌نگار اقتصادی، علاوه بر مهارت‌هایی که برای همه انواع دیگر گزارشگری لازم است، به سه مهارت ویژه نیاز دارد:

۱. دانستن نحوه کار با اعداد و ارقام

۲. دانستن نحوه کار با مفاهیم اقتصادی

۳. داشتن ارتباط‌هایی در حوزه‌های مالی و اقتصادی

شما نیز، مثل همه گزارشگران خوب که در حوزه‌های تخصص پیدا می‌کنند، باید آماده باشید که در این زمینه زیاد مطالعه کنید و از پرسیدن مسئله‌ای که نمی‌فهمید ابا نداشته باشید. متخصصان، خواه کارشناسان بانک مرکزی باشند یا کارشناسان اقتصاد توسعه، از تشریح مسائل دشوار استقبال می‌کنند، به شرط آن که مشخص باشد پرسشگر برای روزآمد شدن درباره موضوع مورد بحث تلاش کرده است.

یک عدد به درد بخور
معمولاً می‌تواند کانون اصلی
کل یک گزارش باشد

کار با اعداد و ارقام

در این بخش قصد نداریم نحوه محاسبه شاخص قیمت مصرف‌کننده یا چگونگی تهیه گزارش از سرعت گردش پول را به شما آموزش دهیم. بلکه می‌خواهیم چند رهنمود کلی درباره نحوه کار با اعداد و ارقام اقتصادی را بیان کنیم.

یک عدد به درد بخور معمولاً می‌تواند کانون اصلی کل یک گزارش باشد. مثلاً، "تحقیقات نشان داده است که فقط هفت درصد از پولی که کشورهای اهداکننده برای حمایت از آموزش در این کشور اختصاص داده‌اند، نهایتاً به این جا رسیده است." یا، "یک پژوهش تازه نشان می‌دهد که در سال گذشته قیمت مسکن در پایتخت پنجاه درصد افزایش یافته است."

اما "درصد"، بدون ذکر ارقام ملموس و مشخص، معنای چندانی ندارد. در مثال بالا، "هفت درصد" از چه مبلغی مورد نظر است - یک میلیون یا صد میلیون؟ فرقی خیلی زیاد است! ذکر کردن زمینه مقایسه ضروری است، چون به خواننده امکان می‌دهد که اهمیت کم یا زیاد شدن درصدها را درک کند.

در دام پیچیده نویسی نیفتید. اگر دقت اهمیت دارد، دقیق باشید، اما به خاطر داشته باشید که در یک مقاله عمومی می‌توان ارقام را گرد کرد تا خواننده زیاده از حد درگیر جزئیات نشود. منابع اطلاعات خود را به روشنی و در آغاز ذکر کنید تا اعتبار مطلب شما افزایش یابد، و پیچیده ننویسید تا فهم اطلاعات آسان باشد.

از نظام‌های اندازه‌گیری
کشور خود مطلع باشید و در
تمام گزارش از واحدهای
اندازه‌گیری یکسانی استفاده
کنید

مثلاً بنویسید: "طبق ارقام رسمی، کل واردات گندم در سال گذشته نزدیک به ۱۸۰۰۰۰ تن بوده است"، ننویسید: "کل واردات گندم در سال گذشته ۱۷۷۸۲۳ تن بوده است." در این‌جا نیز مهم این است که این رقم را با ارقام دیگر مقایسه کنید. سال قبل از آن واردات گندم چقدر بوده است، بیشتر بوده یا کمتر؟ میزان واردات پیش‌بینی شده دولت چقدر بوده است؟ آیا تولید غلات کاهش یافته و واردات به بیش از میزان پیش‌بینی شده رسیده است؟ یا تولید غلات آن قدر خوب بوده که موفق شده‌اند واردات را کاهش بدهند و در مصرف ارز خارجی صرفه‌جویی شده است؟ همه این‌ها پرسش‌هایی است که گزارش اقتصادی را یک گام از سطح اعداد و ارقام صرف جلوتر می‌برد.

از نظام‌های اندازه‌گیری کشور خود مطلع باشید و در تمام گزارش از واحدهای اندازه‌گیری یکسانی استفاده کنید. این امر ممکن است به معنی تبدیل ارقام و مقادیر از یک مقیاس اندازه‌گیری به مقیاس دیگر باشد. مثلاً شاید لازم باشد در مقابل دلار، معادل آن را به پول رسمی کشور خود ذکر کنید. خود را با تغییر و تبدیل بیش از اندازه گیج نکنید، فقط مواردی را تبدیل کنید که برای روشن‌تر شدن مطلب ضروری است.

"حتی قیمت یک قرص مسکن ساده وارداتی مثل پاراستامول ممکن است ۱۸۰ لییره (۳ دلار آمریکا) باشد، در حالی که درآمد ماهانه متوسط یک کارگر تنها ۱۵۰۰ لییره (۲۵ دلار) است."

هر چیزی را با مشابهنش مقایسه کنید. اگر درباره تورم گزارش تهیه می‌کنید، سعی کنید همه قیمت‌های جاری را با قیمت‌های زمان

همواره منبع اعداد و ارقام
خود را ذکر کنید، به‌ویژه
در مواردی که ممکن است
محل تردید باشند

مشابهی در گذشته، مثلاً یک ماه یا یک سال قبل، مقایسه کنید (مقایسهٔ قیمت‌ها با سال قبل، افزایش سالانهٔ قیمت‌ها یا همان چیزی را به دست می‌دهد که معمولاً میزان تورم محسوب می‌شود).

همواره منبع اعداد و ارقام خود را ذکر کنید، به‌ویژه در مواردی که ممکن است محل تردید باشند. مثلاً، "دولت می‌گوید تا کنون بیش از ۵۰۰۰ کارگر را به کار گرفته است." اگر ۵۰۰۰ نفر هم از یک واحد اقتصادی اخراج شده باشند، این موضوع در ارتباط با کل نیروی کار چه معنایی دارد؟

یک قاعدهٔ خوب در مورد استفاده از آمار اقتصادی این است که اگر در مورد ارقام شک دارید یا از معنای آن‌ها سر در نمی‌آورید، از آن‌ها استفاده نکنید.

توضیح دادن دربارهٔ آن چه نمی‌دانیم اغلب می‌تواند به اندازهٔ توضیح دادن دربارهٔ دانسته‌هایمان به مخاطبان کمک کند. مثلاً: "هیچ کس نمی‌داند امسال دقیقاً چقدر تریاک در این کشور تولید خواهد شد. برآورد سازمان ملل رقمی بین ۴۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ تن است."

یک رقم "مشخص" و واقعی ممکن است ارزشمندتر از ده رقم تخمینی باشد. شرکت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و دولت‌ها همیشه در برآوردها و پیش‌بینی‌های خود ارقامی را - در مورد مشاغل، سودها و کمک‌های آینده - ارائه می‌کنند که ممکن است همگی مبالغه‌آمیز یا بیش از حد بلندپروازانه باشند. این کار اغلب جزئی از بازار گرمی، یا تعبیر و تفسیر دلبخواهی، یا حتی تبلیغات صریح و علنی آن‌هاست. بنابراین دقت کنید و بین پیش‌بینی‌ها و آمار منتشر شدهٔ رسمی تفاوت قائل شوید.

کار با مفاهیم اقتصادی

در روزنامه‌نگاری سیاسی، یافتن حقیقت عینی کار دشواری است، زیرا بین سیاه و سفید رنگ‌های خاکستری زیادی وجود دارد. اما در اقتصاد، تا آن جا که به ارقام و اعداد مربوط می‌شود، معمولاً یا درست می‌گویید یا نادرست. (البته ممکن است معنای این ارقام و اعداد به اندازه سیاست در معرض تعبیر و تفسیرهای دلخواه باشد و اغلب هم به سیاست ختم می‌شود!)

بنابراین مهم است که بدانیم اصطلاحاتی چون تورم یا تولید ناخالص داخلی معنایی دقیق دارند نه غیر دقیق. این اصطلاحات غالباً مبتنی بر شاخص‌هایی هستند که مؤلفه‌های آنها به وضوح تعریف شده‌اند و به شیوه‌ای دقیق محاسبه می‌شوند.

در نتیجه، لازم است بر مفاهیم اقتصادی مقدماتی و اصطلاحات خاص مسلط باشید تا هنگام استفاده از آنها مرتکب اشتباه نشوید. در این جا دو مثال مطرح می‌شود که برای تأکید بر اهمیت درک مفاهیمی که پشت ارقام ساده وجود دارند، طراحی شده‌اند.

به دو جمله زیر توجه کنید و ببینید به نظر شما درست هستند یا نادرست:

■ تورم کاهش خواهد یافت، زیرا بانک مرکزی پول بیشتری منتشر خواهد کرد

(نادرست: انتشار پول بیشتر احتمالاً منجر به افزایش تورم می‌شود)

■ دستمزدها کاهش یافته و بنابراین تعداد شاغلین افزایش یافته است

(این جمله می‌تواند درست باشد، زیرا اگر نیروی کار ارزان شود، ممکن است عده بیشتری به کار گمارده شوند)

■ گاهی اوقات خبر اصلی پشت اعداد مخفی شده است

گاهی پشت ارقامی که در عناوین خبری می‌بینیم - یادست کم پشت شیوه‌ارائه ارقام توسط حکومت‌ها یا شرکت‌هایی که سعی دارند بر افکار عمومی تأثیر بگذارند - خبر بهتر یا "ناخوشایندتر" تری پنهان شده است. مهارت روزنامه‌نگار در این است که بداند چگونه می‌توان خبر پنهان شده پشت این اعداد را تشخیص داد.

به مثال زیر توجه کنید و با استفاده از اطلاعات آن در یک پاراگراف یک مطلب خبری بنویسید (که، در واقع، لید مطلب‌تان است):

وزارت دارایی میتالستان اعلام کرده است که انتظار دارد امسال از

محل اخذ مالیات از دخانیات ۲۵ میلیون دلار درآمد داشته باشد. این وزارتخانه می‌گوید که میتالستان پنج میلیون سیگاری دارد و هر یک از آن‌ها به طور متوسط روزی ۲۰ سیگار می‌کشد. مالیات هر پاکت سیگار ۲۰۰۰ ریال است (معادل پنج سنت آمریکا - هر دلار معادل ۴۰۰۰۰ ریال است). این وزارتخانه می‌گوید بسیار خوشنود است که درآمدهای حاصل از دخانیات، در مقایسه با درآمد ۲۰ میلیون دلاری سال گذشته، ۲۵ درصد افزایش یافته است.

غالباً تنها با درک مفاهیم نهفته است که می‌توانید به جنگ این ارقام بروید و خبر واقعی را تشخیص بدهید.

ارتباطات

گزارشگری اقتصادی هم، مثل همه انواع گزارشگری، تا حد زیادی به کسانی که می‌شناسید - یعنی به دفتر تلفن شما - متکی است.

در کشورهای صنعتی، مهم است که با نهادهای رسمی (وزارت دارایی، بانک مرکزی، مرکز آمار و مانند آن‌ها)، سازمان‌های صنعتی (شرکت‌هایی که در فهرست بازار بورس قرار دارند) و اقتصاددانانی که می‌توانند در درک خبرهای اقتصادی به شما کمک کنند و درباره این خبرها به صورت معتبر و مستقل اظهار نظر کنند، ارتباط برقرار کنید.

در کشورهای در حال توسعه، ترکیب این ارتباط‌ها ممکن است تا حدی متفاوت باشد. البته وزارت دارایی و بانک مرکزی کماکان برای کسب

اطلاعات بنیادی اهمیت دارند. اما، علاوه بر این‌ها، لازم است با مؤسساتی که در داخل کشور در زمینه توسعه کار می‌کنند، ارتباط داشته باشید - مؤسساتی مثل بانک جهانی، و بازوی مالی آن در بخش خصوصی، یعنی "مؤسسه مالی بین‌المللی"، و مجموعه‌ای از دیگر سازمان‌های مردم‌نهاد یا خیریه که ممکن است مسئول اجرای طرح‌هایی باشند که بودجه آن‌ها را دولت‌های غربی تأمین کرده‌اند. سازمانی چون بانک جهانی غالباً در خاک این کشورها کارکنانی دارد، اما ارتباط با کسانی که در دفتر مرکزی سازمان (در این مورد به احتمال زیاد در واشینگتن دی. سی.) بر سیاست‌ها نظارت دارند نیز به همان اندازه اهمیت دارد. برنامه توسعه سازمان ملل متحد هر سال گزارش مهمی درباره توسعه انسانی منتشر می‌کند.

در کشورهای در حال توسعه، تجارت، امور مالی و کشاورزی نیز معمولاً اهمیت بیشتری دارند. اگر مبادلات خارجی یک کشور وابسته به صادرات مثلاً گندم است، لازم است ارتباط‌های خیلی خوبی با مقامات مربوط در وزارت کشاورزی داشته باشید. گاهی باید بتوانید برای شنیدن یک اظهار نظر رسمی با وزیر گفت‌وگو کنید؛ گاهی صلاح است در سطح تخصصی‌تری از وزارتخانه به فردی مراجعه کنید که بتواند زودتر اطلاعاتی درباره پیش‌بینی میزان تولید غلات به شما بدهد (کاری که شاید وزیر نتواند انجام بدهد).

مباحث توسعه

توسعه بخش بسیار مهمی از اقتصاد بسیاری از کشورهاست. کتاب‌های درسی و دوره‌های دانشگاهی زیادی به مطالعه اقتصاد توسعه و موضوع‌هایی از قبیل "توسعه پایدار" اختصاص دارند.

در مراحل اولیه، به ویژه در مواردی که کشوری دستخوش ناآرامی‌های پس از جنگ یا فجایع طبیعی است، توسعه ممکن است شامل سه مرحله باشد:

۱. کمک‌های بشر دوستانه فوری

۲. بازسازی

۳. توسعه

کمک‌های بشر دوستانه

در کشورهای درگیر جنگ، صرف نظر از تجارت سسکس و مواد مخدر و اسلحه، تنها اقتصاد موجود حول کمک‌های اضطراری می‌چرخد. سازمان‌های بین‌المللی برای هزاران نفر از مردمی که به دلیل جنگ خانه و کاشانه خود را از دست داده‌اند، با هواپیما غذا و سرپناه موقت ارسال می‌کنند. مجال یا آرامشی برای فکر کردن به مسائل دیگر وجود ندارد.

در کشورهای درگیر جنگ،
صرف نظر از تجارت سسکس
و مواد مخدر و اسلحه،
تنها اقتصاد موجود حول
کمک‌های اضطراری
می‌چرخد

همین جاست که ارتباط‌ها به کار می‌آید. حتماً با مسئولان سازمان‌های مهم امداد که در داخل کشور مشغول به کار هستند آشنا شوید. همچنین وقتی پای مباحث مربوط به سیاست‌گذاری به میان می‌آید، بسیار مهم است که با مسئولان اصلی در دفاتر مرکزی این سازمان‌ها ارتباط برقرار کنید.

هنگام نوشتن گزارش درباره اقدامات امدادی، سعی کنید روی برخی از موضوعات مهم و مسائل اساسی متمرکز شوید. موارد زیر همگی بخشی از کار کمک‌رسانی هستند:

- روزانه چه مقدار کمک و به کجا ارسال می‌شود؟
- آیا کمک ارسال شده مناسب است؟ همان چیزی است که دولت درخواست کرده، یا چیز دیگری است؟ اگر چنین است، آیا اختلاف نظری با دولت وجود دارد؟
- آیا این کمک به دست مردمی که به آن نیاز دارند رسیده، یا حیف و میل شده و یا به دلیل وجود فساد آن را بالا کشیده‌اند؟ چقدر پیش آمده که کمک‌ها به سمت نظامیان درگیر در جنگ داخلی هدایت شده باشد؟
- وضع امنیت چگونه است؟ آیا امدادگران برای کار امنیت دارند یا اقدامات آن‌ها به دلیل جنگ به خطر می‌افتد؟ آیا امدادگران هدف حمله قرار می‌گیرند؟ آیا بحثی در مورد خروج آن‌ها از کشور مطرح شده است؟

بازسازی

بازسازی مرحله‌ای است که کشور پس از پایان جنگ به آن می‌رسد. زیربناهای مهمی چون جاده‌ها، شبکه‌های برق و فاضلاب و آب، سیستم آبیاری و کشاورزی باید از نو ساخته شوند.

بودجه ساخت این زیربناهارا گاهی سازمان‌های مالی بین‌المللی از قبیل بانک جهانی تأمین می‌کنند. در موارد دیگر، ممکن است کنسرسیوم‌های بین‌المللی امداد تشکیل شود.

برنامه‌های کمک معمولاً مسیرهای متفاوت و زیادی دارند، از طرح‌های بازسازی و مین‌روبی گرفته تا برنامه‌های آموزشی و بهداشتی. معمولاً برنامه‌هایی هم برای ایجاد رسانه‌های مستقل وجود دارد که بیانگر این دیدگاه قدرتمندند که رسانه‌های مستقل یکی از ضرورت‌های مهم دموکراسی هستند.

یکی دیگر از عوامل مهم در بازسازی تشکیل نهادهای حکومتی مهم است. در برخی موارد، این نهادسازی شامل تشکیل مجالس قانون‌گذاری و دادگاه‌های قانونی، و گاهی حتی تدوین قانون اساسی جدید است. پس از فروریختن دیوار برلین، اقتصاد بازار آزاد به سبک غربی در کشورهای بلوک شرق سابق رواج یافت. اما برخی از اقدامات اولیه در برآوردن انتظارات زیادی که ایجاد شده بود ناکام ماند، زیرا چهارچوب‌های نهادی بنیادی برای حمایت از الگوی اقتصاد بازار آزاد-

مثل قانون ورشکستگی- وجود نداشت. عدم موفقیت در ایجاد این قبیل چهارچوب‌های قانونی غالباً مجالی برای رشد فساد در محیطی جدید و آزاد برای همگان ایجاد کرده است.

توسعه

توسعه مرحله پس از بازسازی است، یعنی هنگامی که کشوری واقعاً می‌تواند رشد اقتصادی را آغاز کند.

در مرحله توسعه، شکوفایی اقتصادی شروع می‌شود و خدمات بهداشتی و آموزشی بهبود می‌یابد. نظام بانکی توسعه می‌یابد، اعتبارات آسان‌تر تأمین می‌شود، و انطباق منابع با نیازها سهل‌تر می‌شود. در این مرحله از توسعه کشور، نهادهایی مثل بانک جهانی خود را از اقتصاد کنار می‌کشند و نقش بخش مالی خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر می‌شود. بازارهای مالی توسعه یافته‌ترند و سازمان‌های حامی آن‌ها- مانند بازار بورس- هر چه بیشتر تثبیت می‌شوند.

عدم موفقیت در ایجاد
چهارچوب‌های قانونی غالباً
مجالی برای رشد فساد در
محیطی جدید و آزاد برای
همگان ایجاد می‌کند

در همین حال، چهار چوب‌های قانونی در سطح کشور روشن تر می‌شود و پول کشور ثبات بیشتری پیدا می‌کند. همه این موارد در ایجاد اعتماد به سرمایه‌گذاران مؤثر است و از ورود سرمایه حمایت می‌کند.

هنگام نوشتن گزارش درباره این مرحله از توسعه، مهم این است که بدانید آیا سرمایه‌گذاران خارجی قادر خواهند بود عواید سرمایه‌گذاری خود (مثل سود حاصل از سرمایه‌گذاری مشترک یا سود سهام حاصل از سرمایه‌گذاری در بازار بورس) را از کشور خارج کنند و آیا پول رایج کشور ثبات خود را حفظ خواهد کرد. از دید سرمایه‌گذار خارجی، فایده‌ای ندارد که در کشوری سود خوبی به دست بیاید ولی پول جاری آن کشور "ضعیف" محسوب شود و قابل تبدیل به پول‌های قوی مثل دلار، یورو یا ین نباشد.

در این مرحله از توسعه، بهبود وضعیت پول کشور اهمیتی فزاینده پیدا می‌کند. پول ضعیف به این معناست که کشور با این واقعیت مواجه می‌شود که واردات برای گسترش صنعت و کشاورزی گران تمام می‌شود. به همین ترتیب، بی‌اعتمادی کشورهای دیگر به مدیریت اقتصادی می‌تواند موجب هجوم به ذخایر ارزی یا فشار برای کاهش ارزش پول ملی شود.

رسانه‌ها شفافیت را ترویج می‌کنند، و شفافیت با فساد مبارزه می‌کند

فساد

در دهه گذشته، تحقیقات زیادی در مورد روش‌های مبارزه رسانه‌ها با فساد انجام شده است، و نتیجه روشن است: رسانه‌ها شفافیت را ترویج می‌کنند، و شفافیت با فساد مبارزه می‌کند.

بانک جهانی شاید بهترین متخصص در موضوع فساد در کشورهای در حال توسعه باشد، و با ارائه برنامه‌های گسترده ضد فساد و اصلاحات مدیریتی به بیش از پنجاه کشور کمک کرده است.

اما این بانک خیلی زود متوجه شد که آن چه اهمیت دارد توجه به "صدا"ست، صدایی که شهروندان بتوانند از طریق آن در مقابل حکومت واکنش نشان دهند: یعنی رسانه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های جامعه مدنی.

بانک جهانی در گزارشی درباره این موضوع چنین نتیجه‌گیری می‌کند: "نقش رسانه‌ها در ترویج و گسترش حکمرانی خوب و کنترل فساد بسیار اهمیت دارد. رسانه‌ها نه تنها آگاهی مردم را در باره فساد و علل، پیامدها و راه‌های علاج احتمالی آن بالا می‌برند، بلکه موارد فساد را کشف و گزارش می‌کنند. تأثیرگذاری رسانه‌ها نیز، به نوبه خود، علاوه بر کادری حرفه‌ای و پایبند به اخلاق از روزنامه‌نگاران جست‌وجوگر، به دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان بستگی دارد."

روزنامه‌نگاران که اخبار
مربوط به فساد را پوشش
می‌دهند، اصول اساسی
گزارشگری عمیق و منطبق
بر واقعیت را مبنای کار خود
قرار می‌دهند، ولی مشکلات
و مخاطرات در این حوزه
بیشتر است

دیگران نیز به نتایج مشابهی رسیده‌اند. زمانی که گروه مستقل "شفافیت بین‌المللی" فهرست فساد خود را با فهرست آزادی مطبوعات در سراسر جهان مقایسه کرد، به وجود رابطه‌ای مسلم میان آن‌ها پی برد: هر چه رسانه‌های کشوری قوی‌تر و مستقل‌تر باشند، فساد در آن کشور کمتر خواهد بود.

رسانه‌ها می‌توانند مزایای ملموس - مثل بر ملا کردن سوءاستفاده یک وزیر از نفوذش برای اختلاس - و نیز مزایای کلی‌تر و ناملموسی از قبیل ایجاد بحث‌های عمومی جدی و افزایش احساس مسئولیت سیاستمداران داشته باشند.

روزنامه‌نگاران که اخبار مربوط به فساد را پوشش می‌دهند، اصول اساسی گزارشگری عمیق و منطبق بر واقعیت را مبنای کار خود قرار می‌دهند؛ با این همه، میزان مشکلات و مخاطرات در این حوزه بیشتر است. تأیید اطلاعات از سوی دو منبع مختلف، به دست آوردن اطلاعات حساس با چرب‌زبانی و یادداشت برداشتن حین مصاحبه، و به‌ویژه توجه اکید به قوانین مربوط به افترا، همگی کاملاً ضروری‌اند. واقعیت این است که مدت‌ها پس از پایان جنگ بسیاری از روزنامه‌نگاران شخصاً هدف حملات برخی سودجویان محلی قرار گرفته‌اند که امکان افشای فسادشان توسط رسانه‌های فعال وجود داشته است. حتی در کشورهای باثبات غربی نیز برخی روزنامه‌نگاران که به تحقیق درباره فساد مشغول بوده‌اند، به قتل رسیده‌اند.

منابعی برای مطالعه

واژه‌نامه:

moneycentral.msn.com/investor/Glossary/glossary.asp

Reuters Financial Glossary, published by Reuters *The Financial Times Guide to Using the Financial Pages*, published by Financial Times Prentice Hall

صندوق بین‌المللی پول، چشم‌انداز اقتصاد جهان:

www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2000/01/index.htm

صفحه اینترنتی سازمان گسترش همکاری‌های اقتصادی (OECD)

www.oecd.org/home

بانک جهانی: www.worldbank.org

برنامه توسعه سازمان ملل متحد: www.undp.org

سازمان شفافیت بین‌المللی: www.transparency.org

1. International Finance Corporation
2. Transparency International

امنیت روزنامه‌نگاری



در فاصله آغاز حمله آمریکا
به عراق تا سقوط صدام
حسین که ۲۱ روز طول
کشید، ده روزنامه‌نگار کشته
شدند

در دهه گذشته، ۳۴۶ روزنامه‌نگار حین انجام وظیفه کشته شده‌اند که ۳۷ نفر از این تعداد در سال ۲۰۰۳ به قتل رسیده‌اند. کشته و زخمی شدن روزنامه‌نگاران در جنگ عراق به مرز هشداردهنده‌ای رسیده است.

آماری که کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران مستقر در نیویورک گردآوری کرده، حاکی از حقایق وحشتناکی است. در فاصله آغاز حمله آمریکا به عراق تا سقوط صدام حسین که ۲۱ روز طول کشید، ده روزنامه‌نگار، که بیشترشان خبرنگار خارجی بودند، کشته شدند. (ارقامی که دیگر گروه‌های روزنامه‌نگاری ذکر می‌کنند، از این هم بیشتر است.)

امانمی توان به راحتی از یاد برد که در سال ۲۰۰۳ تقریباً دو برابر این تعداد از روزنامه‌نگاران در سایر نقاط جهان، و اغلب دور از میدان‌های جنگ، جان خود را از دست داده‌اند. برخی از آنان به دلیل تهیه گزارش درباره فساد به قتل رسیدند؛ بعضی به این دلیل کشته شدند که در گزارش‌های خود بیش از اندازه به دنیای خوفناک گروه‌های شبه‌نظامی نزدیک شده بودند؛ و گروهی هم به دست سارقان به قتل رسیدند.

بنابراین، کمترین چیزی که می‌توان گفت این است که در روزگار ما کار روزنامه‌نگاری، به ویژه در مناطق جنگی، کاری است خطرناک. واقعیت امر این است که هرگز نمی‌توانید عنصر خطر را از روزنامه‌نگاری حذف کنید. اما اصول و رهنمودهای ساده‌ای وجود دارد که بارعایت آن‌ها سطح مخاطرات کاهش خواهد یافت.

هرگز گزارش خود را از امنیت شخصی مهم‌تر ندانید

- **آماده باشید** - کمک‌های اولیه را به صورت حرفه‌ای یاد بگیرید و تجهیزات ایمنی را همراه داشته باشید؛
- **مطلع باشید** - منطقه‌ای را که به آن سفر می‌کنید، همین‌طور همراهان یا کارچاق‌کن‌های خود را خوب بشناسید. ابتدا تکالیف خود را به‌طور کامل انجام دهید؛
- **آرام باشید** - مطمئن شوید که از نظر جسمی و روانی در وضعیت مطلوبی هستید؛
- **زندگی خود را در اولویت قرار دهید** - هرگز گزارش خود را از امنیت شخصی مهم‌تر ندانید: هیچ گزارشی ارزش جان آدمی را ندارد؛ رک و پوست‌کنده بگوییم، روزنامه‌نگار مرده نمی‌تواند خبری مخابره کند.

در حال حاضر، بسیاری از سازمان‌های رسانه‌ای بین‌المللی برای خبرنگاران جنگی خود دوره‌های آموزشی اجباری ترتیب می‌دهند. این دوره‌ها عمدتاً معطوف به امنیت فیزیکی است - یعنی آشنایی با مناطق جنگی، آشنایی با تجهیزات و لوازم مهمی که باید مراقب‌شان بود، و نیز آشنایی با معالجات اضطراری اولیه. همچنین روز به روز سازمان‌های بیشتری به آموزش روزنامه‌نگاران در زمینه مشکلات فشارهای روحی و آسیب‌های روانی - و، در صورت لزوم، ارائه مشاوره به آنان - توجه نشان می‌دهند.

روزنامه‌نگارانی که برای رسانه‌های کوچک‌تر کار می‌کنند یا خبرنگار آزاد هستند، معمولاً این فرصت آموزشی را در اختیار ندارند. اما

با بی‌مبالاتی به دنبال
هیچ‌کس وارد میدان جنگ
نشوید، خواه این افراد
روزنامه‌نگاران دیگر باشند یا
سربازانی که در خط مقدم
هستند

خوشبختانه روز به روز کمک هزینه‌های بیشتری در اختیار آنان قرار می‌گیرد که هزینه شرکت در این دوره‌ها را تأمین می‌کند. فهرستی از برخی سازمان‌ها که در کار کمک به تأمین امنیت روزنامه‌نگاران هستند، و سازمان‌هایی که در زمینه فشارهای روحی و آسیب‌های روانی کار می‌کنند، در پایان این فصل آمده است.

آن‌چه در ادامه می‌آید جایگزینی برای یک دوره آموزشی کامل و مطلوب نیست. اما بسیاری از اصول اولیه را شامل می‌شود و برخی "باید" و "نباید"‌های مهم را برمی‌شمارد.

قواعد اساسی

یکی از قواعد مهم این است که بابتی‌مبالاتی به دنبال هیچ‌کس وارد میدان جنگ نشوید، خواه این افراد روزنامه‌نگاران دیگر باشند یا سربازانی که در خط مقدم در حال جنگ هستند. موقع تصمیم گرفتن، همیشه فکر کنید که ممکن است چه مشکلی پیش بیاید، و به این مسئله توجه نشان بدهید که باید در مقابل چه چیزهایی از خودتان مراقبت کنید.

از خودتان بپرسید: "چطور می‌شود گزارشی تهیه کرد بی آن که خود سوژه گزارش شویم؟" همیشه این موضوع را در نظر داشته باشید که آیا این گزارش به خطرش می‌ارزد.

گزارشگر ممکن است خیلی راحت دستخوش هیجان درگیری‌ها شود، خواه این درگیری‌ها جنگ باشند یا تظاهرات خیابانی. هرگز تحت تأثیر تصورات دیگران درباره خودتان قرار نگیرید. این زندگی شماست، پس خودتان درباره‌اش تصمیم بگیرید. از ترسیدن شرمسار نباشید - ترس نشانه خوبی از ضرورت احتیاط است.

از ترسیدن شرمسار
نباشید- ترس نشانه خوبی از
ضرورت احتیاط است

فرض کنید یک گروه سرباز که به سمت خط مقدم می‌روند، از شما دعوت می‌کنند که با آن‌ها همراه شوید. هنگام تصمیم گرفتن در مورد قبول یا رد دعوت آن‌ها، این موضوع را در نظر بگیرید که ممکن است درباره شما چه فکری بکنند. چه مخاطراتی وجود دارد؟ آیا این گزارش یا عکس‌ها ارزش این مخاطرات را دارد؟ آیا نرفتن شما واقعا مهم است؟

همیشه راه‌هایی را برای به حداقل رساندن هر خطری به هنگام تهیه گزارش در نظر بگیرید. سعی کنید هیجان زده نشوید، چون در این صورت نمی‌توانید درست فکر کنید.

این مسائل به شجاعت شخص شما ربطی ندارد. کار شما با وظیفه سربازان فرق دارد. وظیفه آنان جنگیدن است و ممکن است در این راه جان خود را هم از دست بدهند. اما وظیفه شما زنده ماندن و گزارش کردن حوادثی است که می‌بینید. روزنامه‌نگاران گاهی ناگزیر می‌شوند خود را به خطر بیندازند، اما باز هم این سؤال مطرح می‌شود که آیا گزارشی وجود دارد که ارزش داشته باشد جان‌تان را به خاطرش از دست بدهید؟

نزدیک شدن به منطقه عملیات

همیشه این موضوع را در نظر بگیرید که آیا رفتن به سوی خطر کمکی به گزارش شما می‌کند؟ اغلب چنین نیست. البته تصمیم گرفتن برای کسانی که عکس می‌گیرند یا تصویربرداری می‌کنند سخت‌تر است، اما اصول همان است - آیا این تصویرها به خطر شما می‌آورد؟

کار روزنامه‌نگار این است که بفهمد چه خبر است، تصویری کلی از اوضاع به دست بیاورد، و گزارش خود را منتشر کند. سربازان کار کشته می‌دانند که کسانی که در خط مقدم جنگ هستند، از آن چه واقعاً رخ می‌دهد تقریباً هرگز اطلاعی جز در حد همان چیزهایی که در اطرافشان می‌گذرد ندارند. حرکت و سرو صدا در خط مقدم بیش از اندازه است. آن‌ها، بدون استثنا، صرفاً شاهد یکی از تصاویر بی‌شمار یک نبرد گسترده‌تر هستند.

در واقع، ممکن است افرادی دور از خط مقدم، مثلاً در مقر فرماندهی، از اوضاع بیشتر خبر داشته باشند.

سازمان‌های خبری بزرگ بین‌المللی از این موهبت برخوردارند که می‌توانند زوایای متفاوت زیادی را - از جبهه‌های جنگ، از مقر فرماندهی در میدان جنگ، و از سیاستمداران در پشت جبهه‌ها - جمع کنند و همه قطعات مختلف این پازل را کنار هم بچینند. از آن‌جا که هر سازمانی از عهده این کار بر نمی‌آید، باید از خودتان پرسید که بهترین گزارش را کجا می‌توان پیدا کرد.

همیشه کارت شناسایی
روزنامه‌نگاری را همراه
داشته باشید؛ هرگز اسلحه
حمل نکنید

این راهم به یاد داشته باشید که وظیفه گزارشگر با وظیفه عکاس فرق دارد. عکاس یا تصویربردار برای نشان دادن ماهیت درگیری باید تصویرهایی از صحنه‌های عینی نبرد را ثبت کنند. یک رهنمود خوب، چه برای عکاس چه برای گزارشگر، این است: «عکس یا گزارش را تهیه کنید و بزنید به چاک.»

لازم نیست شجاعت‌تان را به رخ کسی بکشید. شجاعانه‌تر این است که خودتان مستقلاً تصمیم بگیرید تا این که صرفاً دنباله‌رو جمع باشید.

آگاهی از هدف قرار گرفتن

همیشه کارت شناسایی روزنامه‌نگاری خود را همراه داشته باشید. هرگز با خود اسلحه حمل نکنید. اگر سربازان شما را دستگیر کنند و ببینند اسلحه دارید، چرا باید فکر کنند که بی طرف هستید؟ این امر با کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد حمایت از غیرنظامیان نیز مغایر است.

همه جا خود را روزنامه‌نگار معرفی کنید، در غیر این صورت ممکن است به اشتباه تصور کنند که جاسوس هستید. به جای این که با دوز و کلک از پست بازرسی رد شوید، معمولاً بهتر است اصلاً از این پست‌ها عبور نکنید. اما اگر این کار از نظر حرفه روزنامه‌نگاری دلایل خوبی داشته باشد، شاید لازم باشد در مواردی این قاعده را زیر پا بگذارید. آشنایی با محل و مشورت با همکاران با تجربه در این قبیل تصمیم‌گیری‌ها به شما کمک خواهد کرد.

از پوشیدن لباس‌های
خاکی‌رنگ یا هر رنگ
دیگری که ممکن است
موجب شباهت شما به
سربازان یا اعضای نیروهای
شبه‌نظامی شود، پرهیز کنید

همیشه از جاده‌های خلوت بر حذر باشید. چرا این جاده‌ها خلوت‌اند؟ از محیط دور و بر خودتان سر در بیاورید و ببینید از نظر طرف دیگر چه چیزی می‌تواند هدفی برای تیراندازی باشد. طوری لباس بپوشید که حتی از فاصله دور هم شباهتی به رزمندگان نداشته باشید. اما لباس‌های خیلی روشن هم گاهی ممکن است شما را به هدف مشخصی تبدیل کند، به‌ویژه اگر تک‌تیراندازی آن اطراف باشند یا تظاهرکنندگان از رسانه‌ها دل خوشی نداشته باشند.

به‌طور کلی از پوشیدن لباس‌های خاکی‌رنگ یا هر رنگ دیگری که ممکن است موجب شباهت شما به سربازان یا اعضای نیروهای شبه‌نظامی شود، پرهیز کنید. در حوالی جایی که رزمندگان در حال تیراندازی هستند، فرض را بر این بگذارید که ممکن است تیراندازی متقابل صورت بگیرد.

دوربین فیلمبرداری، به‌ویژه اگر آن را نزدیک صورت‌تان نگه دارید، ممکن است از دور شبیه نارنجک‌انداز یا از روبه‌رو شبیه تفنگ‌دوربین‌دار باشد. اگر احساس خطر می‌کنید، دوربین را از روی شانه خود بردارید و آن را از پهلو نشان بدهید تا طرف مقابل ببیند که چیست.

به سربازان متکی نباشید:
وسیله نقلیه آنان هدف نظامی
محسوب می‌شود

مدت حضور خود را در خط مقدم به حداقل برسانید

اگر لازم است به خط مقدم بروید، همیشه هدف مشخصی داشته باشید - مثل مصاحبه با سربازان یا افرادی که در خط مقدم گیر افتاده‌اند، یا به دست آوردن تصویری از منطقه نبرد. به یاد داشته باشید که خط مقدم همیشه مشخص نیست - مراقب باشید که از فاصله میان دولشکر متخاصم سر در نیاورید. سفرتان را پیشاپیش برنامه‌ریزی کنید و مطمئن شوید که هر زمان که بخواهید، می‌توانید برگردید. فقط برای گشت و گذار و کسب تجربه به خط مقدم نروید.

مطمئن شوید که وسیله نقلیه سالمی در اختیار دارید، طرز کار با آن را بلدید، و وسیله شما برای برگشت هم به قدر کافی بنزین دارد. برای تردد به سربازان متکی نباشید، زیرا وسیله نقلیه آنان هدف نظامی محسوب می‌شود. مطمئن شوید که اگر لازم شد فوراً منطقه را ترک کنید، پیشاپیش به بهترین راه‌های فرار یا خروج از منطقه فکر کرده‌اید.

مطمئن شوید که دیگران از برنامه سفر شما باخبرند. جزئیات دقیق سفر خود را در اختیارشان بگذارید و مرتب با آنها در تماس باشید، تا اگر مطابق برنامه عمل نکردید، از جمله در زمان مقرر برگشتید، کسی به سرعت متوجه شود. سفر با دیگر روزنامه‌نگاران و همراه با کاروان وسایل نقلیه رسانه‌ها ممکن است امن‌تر باشد. به توصیه افراد باتجربه گوش بدهید و از کسانی که به نظرتان اهل خطر کردن هستند حذر کنید.

شناخت سلاح‌ها

در منطقه جنگی، سعی کنید از زاویه دید نظامیان به قضایا نگاه کنید. اطلاع از چند نکته ساده درباره سلاح‌ها و فنون جنگ‌های مدرن در تحلیل مخاطرات وضعیت موجود به شما کمک خواهد کرد.

۱. سلاح‌های سنگین

جلیقه‌های ضد گلوله مفید هستند، اما سلاح‌های سنگین در همه حال خطرناک‌اند. سعی کنید تشخیص بدهید که آتش سنگینی که شلیک می‌شود، گلوله توپ است یا خمپاره. خط سیر گلوله توپ ارتفاع کمی دارد، یعنی برای حفظ جان خود در مقابل آن می‌توانید پشت خاکریزی پناه بگیرید. خمپاره برد کمتری دارد اما از ارتفاع بالاتری فرود می‌آید، یعنی نمی‌توانید در مقابل آن به همان شیوه پناه بگیرید.

سعی کنید با کمک دیده‌بان بفهمید که خط شلیک آتش مستقیم است - یعنی خط سیر صاف دارد - یا غیر مستقیم. اگر آتش غیر مستقیم باشد، تنظیم مجدد روی اهداف مشخص نیاز به زمان بیشتری دارد. بدون سیستم‌های هدایتی پیچیده، دقت این گونه شلیک‌ها چیزی حدود ۱۰۰ متر است - یعنی کسی که پنجاه متر با هدف مورد نظر فاصله دارد ممکن است مورد اصابت مستقیم قرار بگیرد.

اگر با کاروانی از وسایل نقلیه سفر می‌کنید، سعی کنید در اولین یا آخرین وسیله نقلیه نباشید

از الگوی شلیک‌های پیاپی سر در بیاورید. گلوله اول ممکن است به فاصله خیلی دوری اصابت کرده باشد، چون برای سنجیدن فاصله با هدف شلیک شده است. اگر شلیک بعدی نزدیک‌تر باشد، باید پیش از اصابت گلوله سوم به هدف جای خود را عوض کنید.

اثر گلوله هر یک از سلاح‌های سنگین، با توجه به زمینی که به آن اصابت می‌کنند، بسیار متفاوت است. این گلوله‌ها بیشترین اثر را در زمین سخت و مسطح به جا می‌گذارند. بهترین راه پناه گرفتن هنگام اصابت گلوله دراز کشیدن روی زمین است، زیرا گلوله پس از اصابت حفره‌ای درست می‌کند که ترکش‌هایش را به سوی بالا می‌فرستد. اگر هنگام اصابت اولین گلوله در دشت مسطحی هستید و پناهگاهی دور و برتان نیست، هنگام اصابت گلوله دوم بهترین جا برای پناه گرفتن گودالی است که گلوله قبلی ایجاد کرده است. غریزه به شما حکم می‌کند که فرار کنید، اما واقعیت این است که زیر آتش توپخانه دراز کشیدن روی زمین خیلی بهتر از دویدن و فرار کردن است.

اگر داخل ساختمانی هستید، زیر راه‌پله‌ها یا تیرها امن‌تر است. از پنجره‌های شیشه‌ای دور شوید. برای در امان ماندن از خرده‌شیشه‌ها بهتر است شیشه پنجره‌ها را بشکنید و بیرون بریزید.

اگر با کاروانی از وسایل نقلیه سفر می‌کنید، سعی کنید در اولین یا آخرین وسیله نقلیه نباشید. تاکتیک معمول توپخانه یا هواپیماهای جنگی این است که سعی می‌کنند ابتدا به اولین و آخرین وسیله نقلیه شلیک کنند تا بقیه بین آن‌ها گیر بیفتند. زمانی که بیرون از وسیله نقلیه

هستید، به جای حرکت در امتداد جاده، در صورت امکان از جاده خارج شوید، چون برای تک تیراندازان یا مسلسل چی ها هدف خوبی محسوب می شوید. ولی مراقب مین های کنار جاده ای باشید.

۲. سلاح های سبک

در جنگ جهانی دوم، به ازای هر یک نفر کشته، حدود یک میلیون تیر از سلاح های سبک (اعم از تفنگ و مسلسل) شلیک شده بود. بنابراین، احتمال زنده ماندن در بحبوحه نبرد، با توجه به آمار، نسبتاً خوب است. بیشتر تیرها به هدف نمی خورند.

سربازان آموزش دیده غالباً تیراندازان بهتری هستند، حال آن که سربازان تعلیم ندیده ممکن است بی هدف شلیک کنند. طبق برآوردهای ارتش های کشورهای غربی، یک سرباز آموزش دیده معمولاً دقتی به شعاع حدود ۱۰۰ متر دارد. نظامیان یا شبه نظامیان دیگر ممکن است تا این حد دقیق نباشند.

یکی از سلاح های سبک مهمی که در بسیاری از جنگ های اطراف و اکناف جهان به کار گرفته شده، کلاشنیکوف (مدل AK-۴۷ و مدل های بعدی آن) است. محبوبیت کلاشنیکوف به دلیل قدرت، سهولت استفاده، و تیررس مناسب آن است. اما تصور بر این است که کلاشنیکوف اسلحه ای برای "نبرد در فواصل نزدیک" است و برای استفاده در فواصل دور تر دقیق نیست. ولی توجه داشته باشید که تیر کلاشنیکوف حتی اگر به هدفی در فاصله ۱۰۰۰ متری اصابت کند، باز هم می تواند آسیب قابل ملاحظه ای وارد کند.

اهرم ضامن کلاشنیکوف در سمت راست بدنه آن قرار دارد و این امر - از آن جا که بیشتر آدم‌ها راست دست هستند - به این معنی است که معمولاً می‌توانید ببینید اسلحه در چه وضعیتی قرار دارد. وقتی اهرم ضامن به سمت بالا باشد، به این معنی است که اسلحه روی ضامن است و شلیک نخواهد کرد. اگر اهرم ضامن یک درجه پایین‌تر باشد، یعنی اسلحه روی حالت رگبار قرار دارد، و آخرین درجه در پایین هم حالت تک تیر است. همیشه جانب احتیاط را نگه دارید.

۳. مین‌های زمینی

مین‌هایی که هر یک از طرف‌های جنگ در زمین کار می‌گذارند تقریباً همیشه خطرناک‌اند، به ویژه از این نظر که محل‌های مین‌گذاری شده در مناطق جنگی غالباً علامت‌گذاری نمی‌شوند. با این حال، همیشه مراقب نشانه‌ها باشید و از عقل سلیم خود کمک بگیرید و فکر کنید کجاها احتمال دارد مین وجود داشته باشد. نقاط مین‌گذاری شده در جاده‌های حفاظت شده معمولاً به راحتی قابل تشخیص‌اند. در جاهای دیگر، به ویژه در میدان نبرد، تشخیص آن‌ها آسان نیست. در این قبیل مناطق، به هیچ وجه به چیزی دست نزنید یا چیزی را از زمین بردارید.

مناطق مین‌گذاری شده احتمالاً همیشه نزدیک مواضع دفاعی یا متروک قرار دارند. وجود زمینی بایر در کنار یک منطقه کشت شده ممکن است نشانه‌ای دال بر وجود مین باشد، اما تله‌های انفجاری ضد نفر را ممکن است حتی در زمین‌های کشت شده کار گذاشته باشند.

به طور کلی دو نوع مین زمینی وجود دارد: ضد نفر و ضد تانک. مین‌های ضد تانک که معمولاً بزرگ هستند، تنها بر اثر فشار زیاد منفجر می‌شوند. اغلب برای حفاظت از این مین‌ها تعدادی مین کوچک‌تر ضد نفر اطراف

پنج دقیقه اول پس از هر
حادثه یا مصدومیت جدی
معمولاً مشخص می‌کند که
فرد زنده می‌ماند یا نه

آن‌ها کار می‌گذارند که با کوچک‌ترین فشاری ممکن است منفجر شوند.

به خاطر داشته باشید که اکثر مین‌ها طوری طراحی نشده‌اند که از بین بروند، بنابراین ممکن است تا سال‌ها پس از پایان جنگ همچنان به شکل "عمل نکرده" سر جایشان باقی بمانند.

کمک‌های اولیه

کمک‌های اولیه موضوعی است که به کتاب راهنمای خاص خود نیاز دارد. با این حال، هر قدر هم درباره اهمیت یادگیری آن‌ها سخن گفته شود، کافی نیست، زیرا در حوادث و سوانح سخت احتمال زنده ماندن همه را جدا افزایش می‌دهند.

در زمان جنگ، تعداد کسانی که از بیماری و جراحت می‌میرند بسیار بیشتر از کسانی است که در میدان‌های نبرد جان می‌سپارند. پنج دقیقه اول پس از هر حادثه یا مصدومیت جدی معمولاً مشخص می‌کند که فرد زنده می‌ماند یا نه. در یک دوره دو روزه آموزش کمک‌های اولیه، می‌توانید یاد بگیرید که چگونه با خونریزی شدید، زخم، شکستگی، سوختگی و دیگر سوانح برخورد کنید. یعنی شما می‌توانید هم به خود کمک کنید هم به دیگران.

فرهنگ روزنامه‌نگاری

به‌ویژه مستعد مصرف مواد مخدر است

مصرف مواد مخدر

در کتاب راهنمای روزنامه‌نگاری، هشدار دادن در مورد مصرف مواد مخدر، به‌ویژه در مناطق جنگی، سودمند است. روزنامه‌نگاران معمولاً سیگار می‌کشند و، به‌ویژه در غرب، مشروب می‌خورند. در واقع، بسیاری از آن‌ها زیاد مشروب می‌خورند، و برخی مواد مخدر هم مصرف می‌کنند.

هر کاری با فشارهای شغلی همراه است، و چگونگی کنار آمدن افراد با این فشارها به خودشان مربوط می‌شود. اما از نظر بعضی‌ها، فرهنگ روزنامه‌نگاری به‌ویژه مستعد مصرف مواد مخدر است، تا جایی که این امر ممکن است بر معیشت و حتی زندگی روزنامه‌نگاران اثر بگذارد.

خبرنگاران جنگی حرفه‌ای - همان نوع منحصر به فردی از خبرنگاران که پیوسته از یک منطقه جنگی به منطقه دیگری از جهان سفر می‌کنند - با مخاطرات بسیاری روبه‌رو می‌شوند، به این دلیل که هر روز با چشم خود شاهد مرگ آدم‌ها هستند، از نظر روانی آسیب می‌بینند. تعدادی از این خبرنگاران به‌طور مشخص دچار اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی شده‌اند.

زندگی در مناطق جنگی پر شتاب و بسیار سخت است، و دسترسی به هر چیزی که بخواهید، به بهایی، امکان‌پذیر است. در چنین اوضاع و احوالی، خیلی اهمیت دارد که بتوانید خود را سالم و سر حال نگه دارید و نگذارید به‌قوه تمییز و داوری تان خدشه وارد شود. ممکن است خاطرات و آسیب‌های روحی جبهه‌ها، حتی دور از آن‌ها، دوباره به سراغ تان بیاید. این همان چیزی است که عده‌ای سعی می‌کنند از دستش فرار کنند. ولی پناه بردن به مشروب بهترین راه فرار نیست.

ناگفته پیداست که باید به خاطر داشته باشید که روزنامه‌نگاری مستلزم شناختن جامعه‌های دیگر و احترام قائل شدن برای آن‌ها هم هست، از جمله باید توجه داشته باشید که در برخی از جامعه‌ها نوشتن مشروبات الکلی بر اساس فرهنگ و مذهب ممنوع است.

تظاهرات و شورش

به یاد داشته باشید که هر گزارشی با مخاطراتی همراه است. بسیاری از مردم نسبت به گزارشگران و گروه‌های خبری رفتاری احتیاط‌آمیز و حتی خصمانه دارند، خواه به این دلیل که می‌خواهند چیزی را مخفی کنند یا به این دلیل که از سازمان‌هایی که روزنامه‌نگاران برایشان کار می‌کنند، دل خوشی ندارند. بنابراین، به صلاح شماست که قبل از پوشش هر خبری به مخاطرات آن فکر کنید.

این امر به‌ویژه در مورد تهیه گزارش از تظاهرات و شورش‌ها مصداق دارد. جمعیت خشمگین قابل پیش‌بینی نیستند و، در عین آن که گاهی ممکن است به دنبال تبلیغات و سر و صدا باشند، احتمال دارد به سرعت عصبانی شوند و گروه‌های خبری را به خطر بیندازند. مأموران امنیتی نیز اغلب مایل نیستند کسی شاهد کارهای آنان باشد یا گاهی صرفاً نمی‌توانند روزنامه‌نگاران را از تظاهرکنندگان تشخیص بدهند. این مسئله خیلی مهم است که گزارشگران خود با دقت درباره محل استقرارشان فکر کنند.

بهترین راه همیشه این است که هر جا که ممکن باشد، سعی کنید از جمعیت فاصله بگیرید. هرگز در فاصله بین تظاهرکنندگان و نیروهای امنیتی قرار نگیرید. این کار درست مثل قرار گرفتن در فاصله بین دو لشکر متخاصم در منطقه جنگی است و ممکن است نادانسته هدف

پیشاپیش راه‌های فرار را در
نظر بگیرید تا در صورت
لزوم بتوانید سریعاً با گزارش
خود از معرکه خارج شوید

حمله هر دو طرف قرار بگیرید. آیا احتمال شلیک گاز اشک‌آور هست؟ اگر هست، پس برای مقابله با آن آمادگی داشته باشید.

پیشاپیش راه‌های فرار را در نظر بگیرید تا در صورت لزوم بتوانید سریعاً با گزارش خود از معرکه خارج شوید. به این موضوع فکر کنید که آیا لازم است در مورد تجهیزات و وسایل خود اقدامات احتیاطی خاصی انجام دهید. گاهی بهتر است آن‌ها را مخفی کنید. اگر وضعیت پیش بیاید که لازم باشد بین زندگی خود و وسایل تان یکی را انتخاب کنید، وسایل را رها کنید!

وسیله نقلیه خود را کاملاً دور از صحنه حوادث بگذارید تا آسیب نبیند و بتوانید با آن سریعاً از محل دور شوید. معمولاً بهتر است از وسیله نقلیه‌ای استفاده کنید که جلب توجه نکند. همچنین، مثل مناطق جنگی، به استفاده از لباسی فکر کنید که شما را به هدف مشخصی تبدیل نکند.

رمز همه‌آرزیابی‌های مخاطرات در این است که پیشاپیش به تمامی احتمالات فکر کنید و عقل سلیم خود را به کار بگیرید. از محل همکاران تان اطلاع داشته باشید و آماده مراقبت از آن‌ها هم باشید.

قانون طلایی این است: اگر شک دارید، بزنید به چاک.

تمرین

یکی از کشورهای را انتخاب کنید که اخبارشان را پوشش می‌دهید و با همکاران خود به بحث درباره سناریوهای احتمالی ای بپردازید که مستلزم اقدامات احتیاطی هستند. سعی کنید به پرسش‌های زیر پاسخ بدهید:

- چه لباسی باید بپوشید؟ آیا به ماسک ضد گاز یا سایر تجهیزات ایمنی نیاز دارید؟
- چطور از وسایل تان حفاظت می‌کنید؟
- با چه نوع وسیله نقلیه‌ای باید رفت و آمد کنید؟
- چه چیزهایی باید درباره این وسیله نقلیه بدانید و چطور از سالم بودن آن مطمئن می‌شوید؟
- کجا قرار است اقامت کنید و این مکان چقدر امن است؟
- آیا می‌دانید در موارد اضطراری چطور باید فرار کنید؟
- آیا آموزش کمک‌های اولیه دیده‌اید و جعبه کمک‌های اولیه جزء وسایل تان هست؟ چه چیزهایی باید در این جعبه باشد؟

منابعی برای مطالعه

کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران: www.cpj.org
"دربارهٔ مأموریت-راهنمایی برای گزارشگری در وضعیت‌های
خطرناک":

cpj.org/Briefings/2003/safety/journo_safe_guide.pdf

مؤسسهٔ بین‌المللی مطبوعات:

www.freemedia.at/index1.html

گزارشگران بدون مرز:

www.rsf.org

مؤسسهٔ بین‌المللی امنیت خبری:

www.newssafety.com/insihome/index01.html

پروژهٔ جنایات جنگی:

www.crimesofwar.org/thebook/book.html

مرکز دارت برای روزنامه‌نگاری و آسیب‌های ناشی از حوادث:

www.dartcenter.org/index.html

دارت در اروپا:

www.dartcenter.org/europe/

بنیاد روری پک:

rorypecktrust.org/

صندوق خیریهٔ یادبود کورت شورک:

www.ksmfund.org/

برخی از سازمان‌های آموزش ایمنی عبارت‌اند از:

- AKE - www.akegroup.com
- Centurion - www.centurion-riskservices.co.uk
- Pilgrims - www.pilgrimgroup.co.uk/index.html

چندین کتاب خاطرات به قلم خبرنگاران جنگی وجود دارد که در آن‌ها بر خطرات و فشارهای تهیه گزارش از خط مقدم تأکید کرده‌اند، از جمله:

The Bang-Bang Club: Snapshots from a Hidden War,
by Greg Marinovich and Joao Silva (Basic Books)

My War Gone By, I Miss It So, by Anthony Loyd (Penguin)

Charlie Johnson in the Flames, by Michael Ignatieff (Grove Press)

(رمانی درباره یک خبرنگار جنگی در کوزوو)

گزارشگری برای مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح به این دلیل تأسیس شد که تریبونی باشد برای روزنامه‌نگاران مسئول در مناطق درگیر بحران که غالباً، چه در داخل کشورشان و چه در سطح جهان، راهی به بحث‌ها و گفت‌وگوها درباره مسائل مربوط به درگیری و بحران در کشور خود ندارند.

هدف از این کار عبارت است از:

- تقویت دموکراسی و جامعه مدنی؛
 - اعتمادسازی بین جوامع مختلف؛
 - اطلاع‌رسانی در مورد واکنش‌های بین‌المللی.
- برنامه‌های اصلی ما عبارت‌اند از:
- گزارش و پژوهش؛
 - آموزش؛
 - ظرفیت‌سازی.

انتشار و پخش هم‌زمان مطالب، حضور در رسانه‌ها، همایش‌ها، سمینارها و دیگر رویدادهای عمومی، مطالب مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح را در سطح گسترده‌ای منتشر می‌کند و در بحث‌ها و گفت‌وگوهای عمومی مؤثر است.

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح رویکردی عملی دارد. ما معتقدیم بهترین راه برای آموزش روزنامه‌نگاری انجام آن است. شرکت در کارگاه



مؤسسه گزارشگری جنگ
و صلح برای حمایت از
روزنامه‌نگاران داخلی در
مناطق درگیر بحران و جنگ
تأسیس شد

مهارت‌های اساسی روزنامه‌نگاری، یا استفاده از کتاب‌های راهنمای روزنامه‌نگاری مثل این کتاب برای آموزش خود، صرفاً نقطه آغاز است. آموزش واقعی وقتی شروع می‌شود که دفتر یادداشت گزارشگری را به دست می‌گیرید یا دست به کار نوشتن گزارشی می‌شوید.

بسیاری از کارکنان مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح روزنامه‌نگارند، و ما از تجربیات شخصی خود استفاده می‌کنیم. ما این حرفه را از سردبیری خوب (و گاهی سختگیر) یاد گرفته‌ایم، یعنی از الگویی باتجربه و کار کشته، یا از همکاران دلسوزی که در مراحل تکوین مهارت‌هایمان با ما کار کرده‌اند و در کنارمان بوده‌اند.

آزمون و خطای مداوم، اظهار نظرهای مملو از جزئیات، پیشنهادهای سازنده، حتی غبطه خوردن به رقیبی که همان گزارش را بهتر از ما ارائه داده - همه این‌ها ممکن است ناامیدکننده و وقت‌گیر باشد، اما بهترین راه برای آموختن درس‌های ماندگار است. این همان فضایی است که مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح سعی دارد برای پرورش روزنامه‌نگاران فراهم کند.

کار با رسانه‌های بین‌المللی

ممکن است تجربه کار با مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح برای روزنامه‌نگاران داخلی با کار برای رسانه‌های کشور خودشان بسیار متفاوت باشد. روزنامه‌نگارانی که با مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح همکاری می‌کنند، گاهی با مشکلاتی مواجه می‌شوند؛ مشکلاتی از قبیل نظارت شدید، کار سنگین گزارشگری، بازنویسی گزارش و بازبینی اطلاعات، و ویرایش جدی و مفصلی که شاید از نظر خیلی‌ها دخالت نابه‌جا باشد. اما روش کار مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح در واقع مبتنی بر روش‌ها و سنت‌های رایج در بسیاری از رسانه‌های بین‌المللی، به ویژه رسانه‌های آمریکایی-انگلیسی، است.

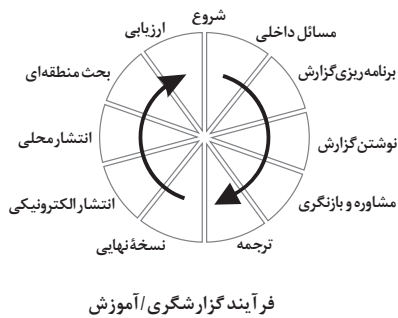
مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح مدعی نیست که این روش سردبیری، و شیوه اصولی روزنامه‌نگاری بین‌المللی لزوماً برتر از سایر رویکردهاست. همان‌طور که در آغاز گفتیم، در بخش‌های مختلف جهان روش‌ها و شیوه‌های متفاوتی در روزنامه‌نگاری به کار گرفته می‌شود.

اما اصول اساسی گزارشگری مسئولانه و مبتنی بر واقعیت - یعنی اصول مورد قبول همگان که در آغاز این کتاب به آن‌ها اشاره شد - امتیازاتی دارد که به رسانه‌ها امکان می‌دهد در مناطق درگیر جنگ و بحران (یا مناطق در خطر جنگ و بحران) نقش مهمی در حمایت از دموکراسی و اعتمادسازی ایفا کنند.

شیوه بین‌المللی گزارشگری و سردبیری رویکرد مسلطی است که غایتش رسیدن به چنین هدف‌هایی است. تجربه کار در چهارچوب

اصول روزنامه‌نگاری

مبتنی بر واقعیت به رسانه‌ها امکان می‌دهد که در مناطق درگیر بحران نقش مهمی در حمایت از دموکراسی ایفا کنند



چنین سنتی درس‌های با ارزشی برای روزنامه‌نگاران به همراه دارد، اگرچه آن‌ها ممکن است بخواهند این آموخته‌ها را با اوضاع و احوال و محیط رسانه‌ای خودشان سازگار کنند.

فرآیند گزارشگری/آموزش

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح فرآیند تولید مقاله را به اجزای اصلی سازنده آن تقسیم می‌کند و می‌کوشد از روزنامه‌نگاران داخلی در تمام مراحل این مسیر حمایت کند.

نخستین مرحله، تشخیص مسائل و موضوعات داخلی برای پوشش خبری است. یعنی درک ارزش خبری یک خبر بالقوه (نگاه کنید به فصل ۸)، ارزیابی علایق خواننده/سردبیر، و روشن کردن این موضوع که آیا این خبر قبلاً در آن رسانه کار شده است، و اگر شده به چه صورتی. این فرآیند باید منجر به تهیه یک "کاربرگ" شود، یعنی یادداشت کوتاهی که روزنامه‌نگار می‌نویسد و به تأیید سردبیری که گزارش را سفارش داده می‌رسد و شامل مواردی چون رئوس گزارش، رویکرد، برخی جزئیات اولیه، منبع یا منابع و نیز زمان تحویل و حجم توافق شده گزارش است.

مرحله دوم، برنامه‌ریزی برای تهیه گزارش است. یعنی شناسایی منابع و مطالب مهم، و طراحی استراتژی برای به دست آوردن اطلاعات در مهلت مقرر (نگاه کنید به فصل ۴). این فرآیند باید شامل حصول

اطمینان از رعایت توازن، استفاده از اظهار نظرهای منصفانه، و اتکا به قاعده تأیید دو منبع باشد.

مرحله سوم به طور قطع مهم‌ترین مرحله است: نوشتن گزارش. هر چه بیشتر به درس‌های این کتاب عمل کنید، این مرحله را راحت‌تر طی خواهید کرد. اما آماده باشید - سردبیران مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح، مثل بسیاری از سردبیران رسانه‌های بین‌المللی، احتمالاً گزارش را با پرسش‌های دیگری به شما برمی‌گردانند تا آن را تکمیل کنید، یا از صحت اطلاعات مطمئن شوید، یا بیشتر کندو کاو کنید تا به اطلاعات حساس دست پیدا کنید. این کارها وقت می‌برد، و مواجه شدن با پرسش‌های سردبیری که ظاهراً از موضوع سر در نمی‌آورد، شاید ناامیدکننده باشد. اما کاری که آنان در واقع انجام می‌دهند تلاش برای تقویت منابع یا ایجاد توازن، روشن کردن مسائل برای خواننده، و قوی‌تر کردن گزارش شماست.

فرآیند ویرایش گزارش که نیازمند کار زیاد و فشرده است، شامل مشاوره و بازنگری است، سطر به سطر، و کلمه به کلمه. این فرآیند ممکن است مستلزم تلاش و ارتباط قابل ملاحظه‌ای باشد و در مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح معمولاً در دو مرحله انجام می‌شود. در مرحله اول، سردبیری که گزارش را سفارش داده (و اغلب مدیر برنامه یا استادی است که در کشور شما مستقر است و گاهی به زبان خودتان با شما کار می‌کند) ویرایش اول را انجام می‌دهد. کار او بررسی صحت و دقت اطلاعات و ساختار اصلی گزارش است. پس از ترجمه گزارش به زبان انگلیسی، معمولاً مدیر مسئول یا معاونان سردبیر نسخه انگلیسی گزارش را از

فرآیند ویرایش گزارش که نیازمند کار زیاد و فشرده است، شامل مشاوره و بازنگری است، سطر به سطر، و کلمه به کلمه

نظر رعایت سبک و روشنی و وضوح مطالب ویرایش می کنند. (اگر نگرانی‌های در مورد ایراد افترا یا مسائل مهمی از این دست وجود داشته باشد، ممکن است گزارش را برای مدیر اجرایی یا احتمالاً برای وکلاهم بفرستند.) این فرآیند منجر به ویرایش نهایی گزارش می شود.

بنابراین، هر چه بیشتر رهنمودهای این کتاب راهنما را به کار ببندید، گزارش شما کمتر ویرایش خواهد شد. به کاربرگ خود و مخصوصاً به حجم گزارش توجه ویژه نشان دهید- اگر از شما یک گزارش ۸۰۰ کلمه‌ای خواسته‌اند و ۲۰۰۰ کلمه نوشته‌اید، گزارش تان آش و لاش خواهد شد، یا به کلی حذف می شود. چنان که پیش تر گفته شد، این فرآیند ممکن است ناامیدکننده باشد، اما شکیبا باشید: وظیفه سردبیر این است که مطمئن شود متن شما روشن و قابل درک است تا گزارش تان بهتر و تعداد مخاطبان تان بیشتر شود.

مؤسسه‌ترتیبی خواهد داد که تلاش شما از نظر مالی جبران شود: همه روزنامه‌نگاران به همین دلیل تلاش می کنند، و در مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح نیز سردبیری که کار را به شما سفارش داده با پرداخت دستمزد متعارفی به شما موافقت خواهد کرد که پس از انتشار گزارش تان در وبسایت مؤسسه یا ارسال آن از طریق ایمیل قابل پرداخت است. (لطفاً توجه داشته باشید که پرداخت‌ها ممکن است تا یک ماه طول بکشد؛ اگر در این مورد سؤالی دارید، با همکاران هم‌وطن خود در مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح صحبت کنید.) انتشار الکترونیکی مطالب، آن‌ها را به دست مخاطبانی در یک گستره جهانی می‌رساند، از جمله به دست دیپلمات‌ها، روزنامه‌نگاران، دانشگاهیان، و تحلیلگرانی که در زمینه موضوع‌های مورد نظر شما کار می‌کنند. مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح عمدتاً از همین طریق تریبونی مهم برای روزنامه‌نگاران

محلی فراهم می‌آورد تا بتوانند بر بحث‌ها و گفت‌وگوهای بین‌المللی درباره‌ی کشور خود اثر بگذارند.

با این حال، روزنامه‌نگاری کاری محلی نیز هست، و هدف اصلی مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح تقویت رسانه‌ها در سطح محلی است. مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح با نشریات محلی و منطقه‌ای ارتباط برقرار می‌کند تا امکان انتشار گزارش‌های شما در وطن‌تان، که اهمیت بیشتری دارد، فراهم شود. بنابراین، نسخه‌ای از گزارش شما به زبان محلی برای انتشار در نشریات داخلی هم تهیه می‌شود. (مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح به تهیه برنامه‌های محلی برگزیده برای رادیو و تلویزیون، و همچنین تأسیس وبسایت‌هایی به زبان‌های محلی، و در برخی مناطق "پخش ماهواره‌ای" نیز می‌پردازد.) این فرآیند پیچیده می‌تواند شامل ترجمه دوباره و ویراست‌نهایی باشد که به زبان انگلیسی است، یا اعمال آخرین تغییرات نسخه انگلیسی در نسخه نهایی گزارش شما به زبان محلی.

مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح همچنین در حال افزایش امکانات انتشار هم‌زمان خود در سطح بین‌المللی است. این امر مجالی برای روزنامه‌نگاران داخلی فراهم می‌آورد تا مطالب‌شان در روزنامه‌های مهم داخلی و منطقه‌ای، به ویژه در آمریکای شمالی و اروپا، منتشر شود- و به این ترتیب باز هم تریبونی بین‌المللی برای صداهای محلی ایجاد شود. برای پرهیز از هرگونه سوء تفاهم، لازم است اشاره کنیم که برای انتشار هم‌زمان مطالب به ندرت وجهی به مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح پرداخت می‌شود، و هرگاه پرداخت شود، مؤسسه فقط نیمی از آن را به

نویسنده اصلی می پردازد و مابقی را برای پرداخت هزینه های انتشار هم زمان نگه می دارد.

جامعه مدنی نیرومند
جامعه ای است که بحث ها
و گفت وگوهای پرشوری
در آن جریان داشته باشد،
و گزارش های شما به این
بحث ها و گفت وگوها کمک
می کند

جامعه مدنی نیرومند جامعه ای است که بحث ها و گفت وگوهای پرشوری در آن جریان داشته باشد، و مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح تلاش می کند از گزارش های شما در بحث ها و گفت وگوها در زمینه مسائل مهم همچون صلح، دموکراسی، و توسعه در سطح ملی استفاده کند. این کار ممکن است شامل برگزاری همایش های منطقه ای، حضور در رسانه ها، یا ترتیب دادن سمینارهایی در دفترهای مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح با حضور مقامات محلی، نمایندگان سازمان های حقوق بشری و دیگر سازمان های مردم نهاد، و البته روزنامه نگاران و سردبیران باشد.

ارزیابی ها بر درس های آموخته شده مهر تأیید می زنند، اشتباهات و سوء تفاهم ها را (حتی گاهی از جانب مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح) رفع می کنند، و نتایج کار نشریه را می سنجند. این ارزیابی ممکن است در قالب یادداشت سردبیر باشد، یا به صورت گفت وگو با استاد یا سردبیری که گزارشی را به شما سفارش داده است. سامانه آموزش از راه دور مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح از طریق آکادمی این مؤسسه تسهیلات آنلاین امنی برای روزنامه نگاران شرکت کننده در این برنامه آموزشی فراهم می کند تا نسخه های ویرایش شده را مرور کنند، از بازتاب ها باخبر شوند، و تحولات کلی را دنبال کنند. (ارزیابی باید دوطرفه باشد؛ بنابراین، اگر می خواهید مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح و فرآیند آموزش و ویرایش آن را ارزیابی کنید، لطفاً این کار را انجام دهید.)

نکاتی درباره کار با مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح

چنان که گفته شد، فرآیند تهیه مطلب برای این مؤسسه بسیار پیچیده است. گاهی ممکن است کار با سرعت و سهولت پیش برود؛ و گاهی ممکن است بسیار پیچیده و دشوار باشد. هر چه بیشتر با این مؤسسه کار کنید، این فرآیند به نظر تان آسان تر خواهد شد، و هدف هم دقیقاً همین است.

رمز نوشتن برای مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح توجه به رهنمودهای این کتاب برای گزارشگری به شیوه‌ای متوازن، موجز، با منابع کافی، و مبتنی بر واقعیت است. اگر گزارش شما با کار برگ تناسب داشته باشد، لید روشن و گویایی داشته باشد و قواعد اساسی گزارشگری و دیگر اصول روزنامه‌نگاری در آن مراعات شده باشد، با مشکل چندانی روبه‌رو نخواهید شد.

یکی از این نکات این است که به یاد داشته باشید برای مخاطبی وسیع، فراتر از شهر، کشور یا منطقه خود بنویسید. واقعیات اصلی را مشخص کنید، افراد و احزاب را در نخستین اشاره به نام‌شان معرفی کنید، و به جای این که صرفاً پیش‌واعظ موعظه کنید، طوری با مخاطب ارتباط برقرار کنید که میل و رغبتش به خواندن ادامه مطلب حفظ شود. انصاف و احترام خود را آشکارا نشان دهید، و لحنی معتدل و متعادل داشته باشید. سردبیران وقت زیادی صرف می‌کنند تا مطالب را به این شیوه روشن و شفاف کنند و صیقل بزنند، ولی اگر خودتان این شرم و مهارت را داشته باشید، گزارش تان بهتر و اثرگذارتر خواهد شد.

این فرآیند ممکن است حوصله شما را سرببرد، اما بدانید که گزارش شما تنها گزارشی نیست که سردبیرها باید روی آن کار کنند. آن‌ها

رمز نوشتن برای مؤسسه
گزارشگری جنگ و صلح
توجه به رهنمودهای این
کتاب برای گزارشگری به
شیوه‌ای متوازن و مبتنی بر
واقعیت است

با بیشترین سرعت ممکن روی مطالب کار می‌کنند. بنابراین، هر قدر مطلبی که ارائه می‌کنید شسته‌رفته‌تر باشد، مسلماً کمتر باید روی آن کار کنند.

سرانجام این که هر گزارشی خوب از کار در نمی‌آید. روزنامه‌نگار با تجربه می‌داند که گاهی گزارش‌ها "حذف می‌شوند" (یعنی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند). این موضوع مطمئناً خوشایند نیست، اما این بخشی از این حرفه است. گاهی اوقات دلیلش این است که گزارش خوبی از کار در نیامده است. اما اغلب به این دلیل است که گزارش‌های دیگری وجود داشته، یا فضای خبری تغییر کرده و گزارش شما از رده خارج شده است.

اگر گزارشی مورد استفاده قرار نگیرد، می‌توانید از سردبیری که گزارش را به شما سفارش داده پرسید آیا دستمزد گزارش حذف شده به شما تعلق می‌گیرد یا نه. مبلغ این پرداخت ناچیز است و اصولاً زمانی قابل پرداخت است که گزارش به دلیل تصمیم سردبیر یا به دلایل خبری رد شود، ولی اگر کیفیت آن پایین باشد یا دیرتر از موعد تحویل شده باشد، دستمزدی به آن تعلق نمی‌گیرد.

ولی، در هر حال، از این تجربه درس بگیرید و آن را پشت سر بگذارید. کار شماروزنامه‌نگاری است، نه سرودن شعر، و فردا همیشه روز دیگری است - و گزارش دیگری.

منابع

برنامه‌های آموزشی مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح شامل کارگاه‌ها و سمینارهای تخصصی، آموزش همه‌جانبه‌ضمن کار از طریق پروژه‌های گزارشگری گروهی، ارائه گسترده واحدهای آموزشی آنلاین و مطالب چاپی از قبیل همین کتاب، و نیز سیستم آموزش از راه دور آکادمی مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح (نگاه کنید به: www.iwpr.net) است.

این وبسایت لینک‌هایی به تعداد بسیار زیادی از دیگر وبسایت‌های تخصصی و آموزشی دارد که هر چیزی از مهارت‌های اساسی تا گزارشگری محیط زیست و گزارشگری جنایات جنگی را در بر می‌گیرند. کتاب‌شناسی مفصلی هم از کتاب‌های راهنمای تخصصی و آموزشی وجود دارد، و بسیاری از آن‌ها به صورت آنلاین فهرست شده‌اند.

کارگاه‌های آموزشی مقدماتی و تخصصی را، بنا به ضرورت، استادان محلی و بین‌المللی اداره می‌کنند؛ به همین دلیل، ما از همه ارزیابی‌ها و نظرات شرکت‌کنندگان و همکاران محلی استقبال می‌کنیم. علاوه بر این، ما ویراست‌های دیگری از این کتاب راهنما ارائه خواهیم کرد، و در صدد هستیم که نظرات و دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در برنامه‌هایمان را هم در آن بگنجانیم تا قابل استفاده‌تر شود.

طرح‌های ظرفیت‌سازی مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح برای تقویت رسانه‌ها و مؤسسات رسانه‌ای محلی است، اعم از گروه‌های آموزشی یا آزادی بیان، یا روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های محلی. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره برنامه جامع مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح، یا برای اطلاع از چگونگی همکاری با مادر منطقه خود به وبسایت این مؤسسه مراجعه کنید.

منابع مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح برای کمک به روزنامه‌نگاران داخلی در مناطق درگیر جنگ و بحران هستند



گزارشگری برای تغییر:
کتاب راهنمایی برای گزارشگران داخلی
در مناطق درگیر بحران

گزارشگران در خطوط مقدم اکنون بیش از هر زمان دیگری در معرض خطر هستند. اما با حرکت بسیاری از کشورها به سوی دموکراسی، نقش گزارشگران داخلی بیشتر از همیشه اهمیت یافته است.

این کتاب راهنمایی عملی و کاربردی برای کمک به روزنامه نگاران داخلی است تا در تغییرات مثبت در جوامع درگیر بحران‌های سخت سهیم شوند. این کتاب راهنما از تجربه گسترده مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح در زمینه آموزش تخصصی بهره می‌گیرد؛ این سازمان غیرانتفاعی از رسانه‌های داخلی در مناطق درگیر جنگ و بحران در سراسر جهان حمایت می‌کند.

برنامه‌های مؤسسه گزارشگری جنگ و صلح شامل گزارشگری، آموزش و ظرفیت‌سازی در مؤسسات رسانه‌ای داخلی است. نشریات الکترونیکی این مؤسسه گزارش‌های پر محتوا و عمیقی از صداهای محلی در خط مقدم بحران و تغییر در اروپا، آسیا، خاورمیانه و آفریقا ارائه می‌کنند. برای اطلاعات بیشتر و اشتراک آنلاین به www.iwpr.net مراجعه کنید.

IWPR – Europe, (Head Office), 48 Gray's Inn Road, London
WC1X 8LT, United Kingdom, Tel: +44 20 7831 1030

IWPR United States, 1325 G Street, Suite 500, Washington, DC
20005, United States, Tel: +1 202 449 7663

IWPR United States, 1515 Broadway, 11th Floor, New York, New
York 10036, United States, Tel: +1 212 520 3950

Netherlands, Zeestraat 100, 2518 AD The Hague, The
Netherlands, Tel: +31 70 338 9016

IWPR – Africa, P.O. Box 3317, Johannesburg 2121

2004 © Institute for War & Peace Reporting

بریتانیا – ۱۳/۵ پوند
ایالات متحده – ۲۴ دلار
اروپا – ۱۹/۵ یورو
آفریقای جنوبی – ۱۵۵ راند